



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

پادشاہ

بزرگداشت

خدیجہ کبریٰ

دسمبر ۱۹۶۶-۱۹۶۷ قمری

۱۹۶۶ء ایف، میرٹھ جلا وطنی ۱۹۶۶ء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يادواره بزرگداشت حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها)

نويسنده:

سيد حجت موحد ابطحي

ناشر چاپي:

ياران خديجه كبري

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
اشاره	۱۴
پیشگفتار	۱۸
عوامل مؤثر در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۱
اشاره	۲۱
نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۱
نقش استادان، معلمان، مسؤولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۲
وظیفه شناسی شعرا عالیقدر درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۲
نقش مداحان اهل البیت در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۳
نقش پرچمها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۴
جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۴
افطاری دادن و اتفاق به نام خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۵
حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه از متن جامعه و اعتقادات دینی	۲۶
بستر سازی برای تحقیق و تألیف درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۷
آمادگی روحی ملت ایران، زمینه ساز موفقیت مراسم بزرگداشت	۲۷
نامگذاری مراکز علمی، دینی، اجتماعی به نام حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۲۸
نمونه هایی از شعارهای بزرگداشت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام	۳۰
جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۳۱
رسالت مبلّغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۳۲
محتوای گزارشات شوق آفرین است	۳۳
اشاره	۳۳
[۱ -] در گزارشی آمده است:	۳۴
[۲ -] و در گزارش یکی دیگر از مبلّغین آمده است:	۳۵
[۳ -] گزارشی دیگر	۳۶
[۴ -] گزارش چهارم	۳۷
مراجع بزرگ تقلید و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام	۳۸
اشاره	۳۸
پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی، صافی گلپایگانی مد ظله العالی	۳۹
متن اطلاعیه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق روحانی، مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی	۴۰
متن نامه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق شیرازی، مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی	۴۲

۴۴	کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام
۴۴	اشاره
۴۷	ایجاد سامانه اینترنتی بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام
۴۷	مراسم بزرگ نکوداشت حضرت خدیجه در اصفهان
۴۹	آثار و برکات کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام
۴۹	اشاره
۴۹	نامه ای از شهرستان دهلران
۵۰	نامه ای از رفسنجان بسمه تعالی
۵۱	نامه ای از شهرضا
۵۳	اطهار نظر یکی دیگر از داوران مسابقه فرهنگی هنری کنگره
۵۴	اطهار نظر یکی از مباحث نامدار
۵۶	آثار فراخوان ادبی - هنری سرچشمه کوثر
۵۷	مقاله های برجسته
۵۸	همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه در تهران
۵۹	متن سخنرانی پر محتوی و پر شور و سوز خطیب دانشمند و دلسوخته اهل البیت عَلَیْهَاالسَّلَام آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام در تاریخ دهم رمضان المبارک ۱۴۲۶ قمری
۷۰	بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام در شهرستان کرج
۷۱	برنامه بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام در سایر شهرها
۷۱	گزارشی و اشارتی و سفارشی
۷۲	بر کرانه ی سرچشمه ی کوثر
۷۳	آثار و برکات بزرگداشت:
۷۴	آموزه های سرچشمه ی کوثر
۷۴	اشاره ای به نکات برجسته ی زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام
۷۶	فضایل ویژه ی حضرت خدیجه
۷۹	پیشنهاداتی به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه
۸۰	سرچشمه کوثر
۸۶	کتابنامه خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام
۸۶	اشاره
۸۷	۱: آخرین گفتارها در پایان زندگی، ج ۲
۸۷	۲: آخرین مرد آسمانی
۸۷	۳: آسیه الگوی مقاومت
۸۸	۴: آموزشهای دینی برای نوجوانان، ج ۲
۸۸	۵: اخلاقی در قرآن، حالات خوب نفس
۸۹	۶: از اسلام چه می دانیم (محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)

۸۹	۷: اعتصام ش ۳
۹۱	۸: افق وحی
۹۱	۹: الدر الثمین فی ایقات النائمین
۹۲	۱۰: الوقایع و الحوادث، ج ۷
۹۲	۱۱: الوقایع و الحوادث، ج ۱
۹۳	۱۲: امام علی عَلَیْهِ السَّلَام از ولادت تا شهادت
۹۳	۱۳: امیران ایمان یا زندگینامه خدیجه
۹۴	۱۴: انیس العهد و مونس اللحد
۹۵	۱۵: بانوی بانوان جهان
۹۵	۱۶: بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...
۹۶	۱۷: پاسدار اسلام شماره ۹۲، سال ۸
۹۶	۱۸: پاسدار اسلام ش ۴۷
۹۷	۱۹: پاسدار اسلام ش ۴۹
۹۷	۲۰: پاسدار اسلام ش ۸۹
۹۹	۲۱: پاسدار اسلام ش ۹۴
۹۹	۲۲: پاسدار اسلام ش ۹۲
۹۹	۲۳: پیام انقلاب ش ۱۲
۱۰۰	۲۴: پیام انقلاب ش ۶۱
۱۰۰	۲۵: پیامبران، سه جلد در یک مجلد
۱۰۱	۲۶: پیامبر موعود در تورات و انجیل
۱۰۱	۲۷: پیام زن س ۲ ش ۱۲ (ماهنامه)
۱۰۲	۲۸: پیام زن س ۳ ش ۱ (ماهنامه)
۱۰۲	۲۹: پیشوای اسلام
۱۰۴	۳۰: پیغمبر و یاران ج ۲
۱۰۴	۳۱: تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت
۱۰۴	۳۲: تاریخ اسلام (دوران پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)
۱۰۵	۳۳: تاریخ اسلام در آثار شهید آیت الله مطهری رحمه الله ج ۱
۱۰۵	۳۴: تاریخ ایران اسلامی دفتر اول از پیدایش اسلام، ایران اسلامی
۱۰۶	۳۵: تاریخ پیامبر اسلام
۱۰۶	۳۶: تاریخ پیغمبر خانم ج ۱
۱۰۷	۳۷: تاریخ تحلیلی اسلام
۱۰۷	۳۸: تاریخ تحلیلی اسلام ج ۲
۱۰۸	۳۹: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام

۱۰۹	۴۰: تاریخ سیاسی اسلام
۱۱۰	۴۱: تاریخ صدر اسلام
۱۱۰	۴۲: تاریخ فقه و فقها
۱۱۱	۴۳: تاریخ مختصر اسلام
۱۱۱	۴۴: تاریخ مقدس
۱۱۲	۴۵: تاریخنامه طبری ج ۱
۱۱۲	۴۶: تاریخنامه طبری، ج ۳ تا ۱
۱۱۴	۴۷: تحلیلی از تاریخ اسلام ج ۱
۱۱۴	۴۸: تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام خواص در وقت لازم
۱۱۵	۴۹: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره
۱۱۵	۵۰: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره (تبیان آثار موضوعی هشتم)
۱۱۶	۵۱: جمال و کمال زن
۱۱۶	۵۲: چشمه در بستر (تحلیل از زمان شناسی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)
۱۱۷	۵۳: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۷	۵۴: حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۸	۵۵: حج
۱۱۸	۵۶: حجاب مقدس‌ترین وسیله استحکام
۱۱۹	۵۷: حوادث تاریخی
۱۱۹	۵۸: حیات القلوب، ج ۲
۱۱۹	۵۹: خدیجه شکوه زندگی
۱۲۱	۶۰: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۱	۶۱: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۲	۶۲: خصایص فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۳	۶۳: خلاصه تاریخ اسلام از پیدایش عرب ج
۱۲۳	۶۴: خلاصه زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۵	۶۵: خورشید رسالت محمدی
۱۲۵	۶۶: خون و خورشید
۱۲۶	۶۷: داستان پیامبران، ج ۳
۱۲۶	۶۸: درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴
۱۲۷	۶۹: در مکتب فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۷	۷۰: دروس تاریخ اسلام دوره ۱
۱۲۸	۷۱: دلائل النبوه ج ۲
۱۲۸	۷۲: رسول الله، محمد بن عبدالله

۱۲۹	۷۳: رمضان در آینه تاریخ
۱۲۹	۷۴: رمضان در تاریخ
۱۳۰	۷۵: روضه الصفا، ج ۲
۱۳۰	۷۶: رویدادها ج ۳ مناسبت های ماه های قمری
۱۳۱	۷۷: ره توشه راهیان نور (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۱۹ ق - ۱۳۷۷ ش
۱۳۱	۷۸: ره توشه راهیان نور، (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۲۱ ق - ۱۳۷۹ ش
۱۳۲	۷۹: ریاحین الشریعه، ج ۲
۱۳۳	۸۰: زنان اسوه در قرآن
۱۳۳	۸۱: زنان پیامبر اسلام
۱۳۴	۸۲: زنان مرد آفرین تاریخ
۱۳۴	۸۳: زنان نامدار در قرآن، حدیث و تاریخ
۱۳۵	۸۴: زن در زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ
۱۳۶	۸۵: زندگانی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ
۱۳۶	۸۶: زندگانی حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۳۷	۸۷: زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۳۷	۸۸: زندگانی علی عَلَیْهِ السَّلَام، ج ۱
۱۳۸	۸۹: زندگانی فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام و زینب کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۱۳۸	۹۰: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ
۱۴۰	۹۱: زندگانی محمد پیامبری که از نو باید شناخت
۱۴۰	۹۲: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیامبر اسلام
۱۴۱	۹۳: زندگی پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت
۱۴۱	۹۴: زندگی حضرت محمد خاتم النبیین
۱۴۲	۹۵: زندگی محمد پیامبر اسلام، ج ۱
۱۴۲	۹۶: زندگینامه خدیجه کبری و فاطمه علیهما السلام
۱۴۴	۹۷: زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۴۴	۹۸: زن و شوهر: ج ۲
۱۴۵	۹۹: ستارگان درخشان، ج ۱
۱۴۵	۱۰۰: سروش، ش ۱۵۴
۱۴۶	۱۰۱: سلام بر خورشید، ج ۱
۱۴۶	۱۰۲: سلام در اسلام
۱۴۸	۱۰۳: سیرت رسول الله، ج ۱
۱۴۸	۱۰۴: سیره چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام
۱۴۹	۱۰۵: سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام ج ۲

۱۴۹	۱۰۶: سیری در تاریخ صدر اسلام
۱۵۰	۱۰۷: سیف الواعظین
۱۵۰	۱۰۸: سیمای زنان در آئینه زمان
۱۵۲	۱۰۹: سیمای زنان فداکار صدر اسلام
۱۵۲	۱۱۰: سیمای زنان در قرآن
۱۵۳	۱۱۱: شاهد ش ۹
۱۵۳	۱۱۲: شرح حال و فضایل خاندان نبوت
۱۵۴	۱۱۳: شکوه زندگی
۱۵۴	۱۱۴: شمع انجمن
۱۵۵	۱۱۵: شهبانوی اسلام
۱۵۶	۱۱۶: صدیقه شهیده، زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۵۶	۱۱۷: صدیقه طاهره بانوی نمونه اسلام
۱۵۷	۱۱۸: طبقات، ج ۱
۱۵۷	۱۱۹: طریق المؤمنین
۱۵۸	۱۲۰: طریق المؤمنین در بیان ارکان دین
۱۵۸	۱۲۱: فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت
۱۶۰	۱۲۲: فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟
۱۶۰	۱۲۳: فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام
۱۶۱	۱۲۴: فاطمه بر کرسی رهبری
۱۶۱	۱۲۵: فاطمه زهراي عَلَیْهَا السَّلَام
۱۶۱	۱۲۶: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت
۱۶۲	۱۲۷: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۶۳	۱۲۸: فرهنگ فاطمیه (القبای شخصیتی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)
۱۶۴	۱۲۹: فریاد یک رسالت
۱۶۴	۱۳۰: فهرست موضوعی تراجم
۱۶۵	۱۳۱: قصص الانبیاء
۱۶۵	۱۳۲: قصص قرآن، تاریخ انبیاء
۱۶۶	۱۳۳: کامل ج ۱ تاریخ بزرگ اسلام و ایران
۱۶۶	۱۳۴: کتابی که باید خواند
۱۶۷	۱۳۵: کوثر س ۱ ش ۱
۱۶۸	۱۳۶: گلستان قرآن س ۴ ش ۹۵ پیاپی ۱۳۹ سال ۱۳۸۰
۱۶۸	۱۳۷: گنجینه های ویران
۱۶۹	۱۳۸: ماتمکده

- ۱۴۰: مجالس الواعظین، ج ۳ - - - - - ۱۷۰
- ۱۴۱: مجموعه زندگانی چهارده معصوم - - - - - ۱۷۰
- ۱۴۲: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم پیامبر خدا - - - - - ۱۷۱
- ۱۴۳: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم پیام آور آزادی، ج ۱ - - - - - ۱۷۱
- ۱۴۴: محمّد رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم - - - - - ۱۷۲
- ۱۴۵: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم پیغمبری که از نو باید شناخت - - - - - ۱۷۲
- ۱۴۶: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم پیغمبر شناخته شده - - - - - ۱۷۳
- ۱۴۷: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم خاتم پیغمبران، ج ۱ - - - - - ۱۷۳
- ۱۴۸: محمّد صلی اللّٰه علیہ و آله و سلّم در شیرخوارگی و خردسالی - - - - - ۱۷۴
- ۱۴۹: مکتب انقلاب ش ۵ - - - - - ۱۷۵
- ۱۵۰: ناسخ التواریخ حضرت عیسیٰ علیہ السّلام ج ۳ - - - - - ۱۷۵
- ۱۵۱: وفات حضرت فاطمه علیها السّلام - - - - - ۱۷۶
- ۱۵۲: همراه با پیامبران در قرآن - - - - - ۱۷۶
- ۱۵۳: همسران رسول خدا - - - - - ۱۷۷
- ۱۵۴: یک بحثی تحلیلی و تاریخی درباره ی همسر - - - - - ۱۷۷
- ۱۵۵: ینابیع الموده ج ۱ - - - - - ۱۷۸
- کتابنامه حضرت خدیجه علیها السّلام - - - - - ۱۷۹
- الف؛ به عربی - - - - - ۱۷۹
- ب؛ مقاله عربی: - - - - - ۱۸۱
- ج؛ به فارسی: - - - - - ۱۸۱
- د؛ مقاله: - - - - - ۱۸۱
- ه؛ ضمنی: - - - - - ۱۸۱
- و؛ ضمنی / به فارسی: - - - - - ۱۸۲
- [موارد دیگر] - - - - - ۱۸۲
- مقاله هایی درباره ی حضرت خدیجه علیها السّلام - - - - - ۱۸۴
- اشاره - - - - - ۱۸۴
- مقاله اول - - - - - ۱۸۴
- اشاره - - - - - ۱۸۴
- خدیجه بانوی اسلام - - - - - ۱۸۶
- علل ظاهری و باطنی این ازدواج - - - - - ۱۸۷
- کیفیت خواستگاری خدیجه - - - - - ۱۸۹
- مقاله دوم - - - - - ۱۹۱

۱۹۱	ملم گرانمایه او
۱۹۲	نام بلند آوازه او
۱۹۳	پیامبر و پیمان زندگی مشترک
۱۹۸	دوری از یار مهربان
۱۹۸	غذای بهشت
۲۰۲	رحلت بزرگ بانوی جهان عرب
۲۰۳	ضربه هولناک مرگ خدیجه
۲۰۵	مقاله سوم
۲۰۵	اشاره
۲۰۷	کرامت نفس
۲۰۷	همسران پیشین
۲۰۸	ازدواج با پیامبر
۲۰۹	نخستین مسلمان
۲۱۱	پشتیبان مکتب
۲۱۲	در چشم و دل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ
۲۱۳	مقام خدیجه
۲۱۵	جدایی
۲۱۶	مقاله چهارم
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	۱ - فضائل اخلاقی و علمی
۲۱۸	۲ - پرورش فرزندان صالح
۲۲۰	۳ - توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان
۲۲۲	۴ - رعایت آیین شوهرداری
۲۲۸	۵ - برترین معیارهای انتخاب همسر
۲۳۰	مقاله پنجم
۲۴۹	مقاله ششم
۲۷۳	مقاله هفتم
۲۷۳	اشاره
۲۷۳	خدیجه بنت خُوَیْلِدُ
۲۸۴	مقاله هشتم
۲۸۴	اشاره
۲۸۴	سخنان بزرگان و دانشمندان درباره ی خدیجه

- ۲۹۵ اشاره
- ۲۹۵ اشاره
- ۲۹۶ مظهر آزادی و ایثار ... «أثم همدانی»
- ۳۰۰ سعی خدیجه میان بیت و حرا ... حامد اهور «أهور همدانی»
- ۳۱۳ همسر خیرالوری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... مصطفی بهرامی از شهر ری
- ۳۱۴ کوکب برج شرف، خدیجه کبری ... «جان نثار»
- ۳۱۸ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مهین بانوی اسلام ... محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»
- ۳۲۰ جهان بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... حسین زارعی «خائف»
- ۳۲۱ الگوی زندهای عالم ... شیخ علی اکبر وزنه «دژه»
- ۳۲۴ ام فاطمه ... مهدی روحی همدانی «روحی»
- ۳۲۵ روشنی بخش شب تار ... «زولیده نیشابوری»
- ۳۲۷ پرتو جاوید ... فضل الله شیرانی «سخای اصفهانی»
- ۳۲۸ خدیجه در تاریخ اسلام ... صدیقه صابری «شهلا»
- ۳۳۰ رباعی درباره ی حضرت خدیجه ... علی شیرانی اصفهانی «صحت»
- ۳۳۲ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «شادروان طالع»
- ۳۳۲ حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... عباس «عنقا تهرانی»
- ۳۳۴ سلام آورده جیریش ز سرمد ... علی اصغر فراهی «فاطر»
- ۳۳۵ در وصف خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... «مرحوم فراهی کاشانی»
- ۳۴۰ خدیجه بنت خویلد عَلَیْهَا السَّلَام ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»
- ۳۴۳ خدیجه، بانوی ایثار ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»
- ۳۴۵ سلام بر خدیجه ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»
- ۳۴۷ بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»
- ۳۵۱ ام الائمه ... شیخ علیرضا محمدی «مسافر»
- ۳۵۳ مدح حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... سید رضا مؤید خراسانی «مؤید»
- ۳۵۳ ترجیع بند - بند اول
- ۳۵۴ بند دوم
- ۳۵۵ بند سوم ... ای خریدار جان پیغمبر
- ۳۵۷ تشکر و سپاسگزاری ...
- ۳۵۸ فهرست مطالب
- ۳۶۷ درباره مرکز

یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

مشخصات کتاب

مقاله هایی در مورد زندگانی بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه 1428 قمری

نام کتاب: یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

نویسنده: میر سید حجّه موحد ابطحي

فرزند مرحوم آیت الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحي قدس سره

تاریخ انتشار: رمضان المبارک 1428 قمری - 1386

حروفچینی و صفحه آرایی: میرنگار - اصفهان

ناشر: یاران خدیجه کبری - اصفهان

نوبت چاپ: اول

تیراژ: 3000 جلد

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

اصفهان - حوزہ علمیہ - مدرسہ صدر بازار و مدرسہ ذوالفقار

اصفهان - خیابان احمد آباد - کوچہ ملک الأطباء - بیت الزہراء علیہا السلام

میر سیّد حجّۃ موحد ابطحي

ص: 2

به پیشگاه مقدس:

خاتم الانبیاء، داغدار مصیبت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام یادگار بزرگ و ثمره اصلی زندگی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام که سالها در سایه مهر و محبت و سرپرستی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام بودند

همه امامان و امامزادگان بزرگوار، که به مادر بزرگشان خدیجه کبری افتخار می نمودند

همه بزرگان و حق شناسانی که حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام را مایه مباحث خود می دانند اهدا می گردد.

ص: 3

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَبَشِيرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ

مُحَمَّدَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُتَنَزَّرِ وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقَمِ

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عج)

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

چند سالی بود که توجه به عظمت و ایمان و اخلاص و ایثارهای برجسته و استثنائی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و رحلت جانگداز آن بانوی بزرگ تاریخ اسلام مرا تحت تأثیر قرار داده بود و سعی می کردم در سالگرد وفات آن حضرت (در دهم رمضان المبارک) عرض ادبی داشته باشم و در سخنرانیهای روزهای ماه رمضان و در سایر مجالس و محافل، توجه دوستان خانان رسالت را به آن شخصیت بزرگ تاریخ اسلام و پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم جلب نمایم.

تا اینکه در ایام میلاد مبارک سید الشهدا، امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در سال 1426 قمری، شبی به دیدن یکی از انسانهای پاکیزه خوی و دلباخته خانان عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام که از زیارت خانه خدا و مدینه منوره برگشته بود رفتم و او که در آن سفر زیارتی به سیری معنوی و پروازی روحانی دست یافته بود و در صحنه های گوناگون، حالت توجه و تنبه یافته بود، سخن از عظمت یاور دلسوز و همسر فداکار رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به میان آورد و از کوتاهی و قصور یا تقصیر مسلمانها و شیعیان، در مورد حقوق آن حضرت که «ام المؤمنین» و «ام الائمه» و «ام الزهراء عَلَیْهَا السَّلَام» و اول بانوی مؤمنه جهان اسلام و بزرگترین ایثارگر در راه پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اسلام بوده است، سخن گفت و آنچنان سخن او از دل بر می آمد که لاجرم بر دل می نشست.

او با سوز دل از کوتاهی درباره ی معرفتی عظمت و شخصیت آن حضرت سخن گفت و از اینکه در مساجد و محافل دینی در ایام وفات آن بزرگ یار فداکار پیامبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در ماه مبارک رمضان، که بهترین فرصت تبلیغ فراهم است، کمتر قدمی برداشته نمی شود، اظهار تأسف نمود و نه تنها از عهده داران تبلیغات دینی گلایه نمود، که شدیداً خودش را ملامت می نمود که در این زمینه

کوتاهی کرده است.

این کمترین ارادتمند خاندان رسالت عَلَيْهِمُ السَّلَام با اینکه در تمام مناسبت های مربوط به شخصیت های بزرگ خاندان نبوت و امامت عَلَيْهِمُ السَّلَام در حد توان عرض ارادتی دارم و در تشویق طلاب و مبلغین برای انجام وظیفه و فعالیت تبلیغی در معرفی و عرض ارادت به ساحت مقدس آن پیشوایان حق و عدالت و چراغهای هدایت و سعادت، گامهایی ولو کوچک بر می دارم، ولی در آن دیدار روحانی و پر فیض، انقلابی درونی در خود احساس کردم و بر خود لرزیدم و با خود حدیث نفس کردم که:

راستی ما و جامعه ی ما، که مسلمانیم و خود را مرهون هدایتها و راهنماییهای رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و قرآن و اسلام می دانیم، تا چه اندازه در برابر فداکاریها و ایثار گریهای بزرگ یاور پیامبر خدا، محمّد مصطفی صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یعنی حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام سپاسگزاری کرده و عرض ادب نموده ایم؟

آیا مگر نه اینست که آن حضرت با کمال صفا و صمیمیت و ایمان و اخلاص، تمامی ثروت بی نظیر خود را در راه ترویج اسلام و تثبیت پایه های رسالت پیامبر خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مصرف نمود و زخم زبانها و شماتت زنهای قریش را بر جان خرید و دست از یاری و حمایت رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برداشت و تا سالها تنها زنی بود که نماز می خواند و با تمام وجود و شخصیت و ثروت و جایگاه اجتماعی خود، از اسلام و قرآن حمایت می کرد؟ آیا مگر نه اینست که او تنها زنی بود که لیاقت داشت محل نشو و نما می کوثر قرآن، حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام باشد و با به دنیا آوردن چنان گوهری، دریای متلاطم غم و اندوه پیامبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ساکن سازد و با نزول سوره «انا اعطیناک الکوثر، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِکَ هُوَ الْاَبْتَرُ» برای همیشه، رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را از امواج غم و غصه برای آینده اسلام و مسلمین بره اند؟

آیا مگر نه اینست که فداکاریهای او آنچنان عظیم و کارساز و مخلصانه بود، که تا سالها پس از وفات او، هر گاه رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نام خدیجه را می شنیدند، چشمان مبارکشان غرق در اشک می شد و از جانفشانیهای او با دنیایی از سوز

و گداز یاد می نمودند؟

آیا مگر نه اینست که رسول خدا صَ لَّمِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم سال وفات آن بانوي برجسته و حضرت ابي طالب عَلَيْهِ السَّلَام را به نام عام الحزن (سال غم) نامگذاري نمودند و با اين نامگذاري تاريخي، سپاسگذاري بي دريغ و کم نظير خود را نسبت به فداكاريهاي آن دو چهره برجسته عالم اسلام اظهار داشته و در صفحه تاريخ ثبت نمودند.

و آيا؟ و آيا؟ و آيا؟

آن شب، اين افكار و سؤالات، در دل و جان من طوفاني به راه انداخته بود و تصميم گرفتم كه با توان محدود و امكانات و تجربياتي كه در سالهاي نهضت فاطميه عَلَيْهَا السَّلَام با عنايات الهي و لطف خاندان عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام به دست آورده ام، وارد ميان عمل شده و با تهيه ي پرچم و پوستر و تهيه و توزيع كتابهاي مناسب و تشويق و تبليغ براي برگزاري مجالس بزرگداشتِ سالگرد وفات آن حضرت، در دهم ماه مبارك رمضان و فعاليت گسترده براي افطاري دادن در مساجد و حسينيّه ها و منازل شخصي و تهيه برنج و روغن و خرما و حبوبات به عنوان افطاري خانواده هاي نيازمند و توزيع آنها به ياد احسان و انفاق هاي حضرت خديجه و بحث و سخنراني درباره ي آن حضرت در عموم مساجد و محافل ديني و ... عرض ارادت نموده، تا اينكه از بركات گسترده ي اين حركت معنوي بهره مند شويم و لذا تصميم گرفتم كه با مذاكره و نشست با علما و خطبا و ائمه جماعات و شعراء و مداحان اهل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام و خيراندیشان جامعه و امناء مساجد و ديگر اقشار مردم با ايمان و ولايت، برنامه هاي مناسبي را طراحي نموده و به اجرا بگذاريم و سالگرد وفات حضرت خديجه كبري عَلَيْهَا السَّلَام را گرامي بداريم.

در بخشهاي گوناگون اين يادواره، از برنامه ها و اقدامات انجام گرفته، به شكل فشرده ياد مي نماييم.

ص: 7

در دو سال گذشته، عوامل گوناگونی، در تحقق بزرگداشت حضرت خدیجه کبری علیها السلام مؤثر بود و دست به دست هم دادن آن عوامل، حرکت نورانی تجلیل از آن بانوی بزرگ را جامه‌ی عمل پوشانید، که بعضی از آن عوامل، گروه‌هایی برجسته از جامعه بودند و بعضی دیگر حالت‌هایی در نهاد ملت و دسته‌سوم، اعمال و برنامه‌هایی، که در ایجاد جنبش و حرکت مردمی نقش بسزایی دارد و با توجه به اینکه شناختن این عوامل می‌تواند در گسترش و تداوم برنامه‌های بزرگداشت حضرت، تأثیر اساسی داشته باشد و برکات شناخت و الگوگیری از زندگی حضرت خدیجه کبری علیها السلام را افزایش دهد، لذا ما در ضمن چند بخش، مهمترین آن عامل‌ها را بیان می‌نماییم.

نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام

با توجه به اینکه سالگرد رحلت بانوی بزرگ تاریخ اسلام، حضرت خدیجه علیها السلام دهم ماه مبارک رمضان است و در عموم مساجد، علاوه بر نماز جماعت (با حضور گسترده‌ی مردم با ایمان) برنامه سخنرانی بعد از نماز ظهر و عصر برقرار می‌باشد و در بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها، در شبهای ماه رمضان، برنامه تفسیر قرآن و سخنرانی به اجرا در می‌آید و ائمه جماعات شخصاً عهده دار سخنرانی می‌باشند و یا از خطبا عالیقدر دعوت می‌نمایند برای سخنرانی، لذا فرصت بسیار مناسب و شایسته‌ایست برای بیان ابعاد شخصیت و فداکاریها و ایثار گریهای حضرت خدیجه علیها السلام و بدون اینکه نیاز به سرمایه گذاری مادی و معنوی ویژه و جداگانه‌ای باشد، امامان جماعت و خطبا

بزرگوار، می‌توانند در روزها و شبهای قبل و بعد از دهم رمضان المبارک، با سخنرانی درباره‌ی تاریخچه زندگانی و ازدواج و فداکاریها و رحلت جانگداز حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام (که در متن تاریخ اسلام و قرآن و پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است و آشنایی با آن، عبادتی بزرگ می‌باشد و فراگیری درسهایی از آن، از اهداف مقدس روزه داری ماه رمضان «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» به شمار می‌رود و از مقاصد اصلی اجتماع در مساجد و محافل دینی می‌باشد) گام بزرگی در معرفی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بردارند و بدین وسیله در رشد انس و علاقه‌ی مردم نسبت به دین و ایمان و پایبندی آنها به ارزشهای متعالی اسلامی، نقش مؤثری ایفا نمایند.

نقش استادان، معلمان، مسؤولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

جایگاه مقدس تعلیم و تربیت و گستردگی میدان فعالیت استادان و معلمان و مسؤولان با نفوذ و تأثیرگذار دانشگاهها و مراکز آموزش و پرورش، رسالت مهمی را در امر احیاء همه‌ی ارزشهای دینی و اجتماعی و اخلاقی، بر دوش آنها می‌گذارد.

آنها به خوبی می‌توانند در معرفی الگوهای مثبت و سازنده و جلب توجه جوانان و نوجوانان به بزرگان علم و دین و اخلاق و فضیلت، نقش بی‌نظیری بر عهده گیرند و بر این مبنا شایسته است، از امکانات مادی و معنوی که در اختیار دارند بهره‌جسته و در تجلیل و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که الگوی فضیلت و ایثار، آزادی و آزادگی، اخلاق و شرف اجتماعی، معنویت و خداجویی هستند، گامهای بلندی برداشته و در تکامل انسانی بزرگترین سرمایه‌های جامعه (یعنی جوانان) به توفیق بیشتری دست یابند.

وظیفه شناسی شعرا عالیقدر درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

پس از شروع حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، از اولین گروه‌هایی که دست به کار شدند و آمادگی خود را برای انجام وظیفه درباره‌ی

آشنایی با عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و سپس اقدام برای معرفی آن بزرگوار به جامعه (از طریق سرودن شعر) نشان دادند، شعرا با ایمان و معتقد به مکتب ولایت و امامت بودند، که بخشی از آن سروده ها در سال 1426 با عنوان «غروب ماه حجاز» و بخش مفصل تری، در سال 1427 قمری، به عنوان «شمع محفل طه» به همت مداح دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور جمع آوری و منتشر گردید (1)، که همین اقدام ارزشمند، دیگر شعرای مکتب ولایت را در شهرهای مختلف به حرکت واداشته و پس از انتشار دو اثر یاد شده، شعرهای فراوان دیگری، درباره ی مدح و منقبت یا رثا و مصیبت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام سروده شده، که امید است در آینده ای نزدیک، مجموعه های ارزشمندی با کمیت و کیفیت بالاتری، که مناسب عظمت والای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام باشد، منتشر گردد.

نقش مداحان اهل البیت در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

با توجه به جایگاه و نفوذ مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام در میان مردم، نقش آنها در مسأله بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به خوبی روشن می شود. آنها با حضور گسترده ای که در مجالس دینی و اجتماعی دارند و علاوه بر هیئات مذهبی، در بسیاری از اجتماعات و گردهماییهای تأثیرگذار، جایگاه قابل توجهی دارند، می توانند در فرهنگ سازی در امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به مسؤلیت بزرگ خود، توجه جدی مبذول دارند و با انجام وظیفه در این میدان و فضای الهی، اجر و قرب معنوی تحصیل نمایند.

ص: 10

1-1. علاوه بر دو اثر یاد شده، ایشان تا کنون، مجموعه های نفیسی از سروده های ولایی شعرا مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام را به نامهای: نوای بهشت، خزان در بهاران، پیمانان ای از غدیر، سوگواره سامراء منتشر نموده اند و در حال اقدام برای مجموعه ای بنام «سرود روح القدس» می باشند که مجموعه های یاد شده و سایر آثار ایشان، تأثیر بسزایی در نشر آثار اهل بیت (ع) داشته است.

نقش پرچمها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از ابتدای فعالیت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تا کنون، چندین نوع پرچم، با تعداد زیاد تولید گردیده و با نصف قیمت در اختیار مردم علاقه مند قرار گرفته و بیش از پانزده نوع پوستر (با طرحهای جالب و متنوع) به چاپ رسیده و در شهرهای مختلف و بعضی از کشورهای دیگر، در سطحی وسیع و با تیراژ زیاد منتشر گردیده است، که نقش بسیار مؤثری در جلب توجه عموم مردم و بیداری وجدانهای آنها داشته است.

بسیاری از مردم و حتی روحانیون و تحصیل کرده ها، برای اولین بار با دیدن پرچمها و پوسترها، توجه به سالگرد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پیدا کردند و سپس به سوی شرکت در برنامه های بزرگداشت آن حضرت و مطالعه درباره ی عظمت و شخصیت آن بزرگوار، کشیده شدند و چه بسا قدمهای مؤثری در آگاهی بخشی به دیگران و آشناسازی علاقه مندان، برداشتند.

جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

ماه مبارک رمضان، فرصت بسیار مناسبیست برای تشکیل جلسات تفسیر قرآن برای عموم مردم (اعم از مرد و زن) و نیز زمینه مساعدیست برای برگزاری مجالس دعا (همانند دعای افتتاح، دعای ابوحمزه و ...) که با حضور گسترده ی مردم از رونق ویژه ای برخوردار است.

ارتباط بسیار نزدیک شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با تاریخ اسلام و زندگی و رسالت پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و نزول و تثبیت قرآن و احکام آن، زمینه ی بسیار مناسبیست برای مطرح نمودن بخشهایی از فداکاریها و خدمات و عظمتهای آن حضرت در جلسات قرآن و دعا و بیان شرح حال و زندگی بزرگ الگویی کمال و فضیلت، می تواند بر صفا و معنویت جلسات یاد شده بیفزاید و شرکت کنندگان و مستمعین را تحت تأثیر عینی مباحث قرآنی و دعاها (که همه مدیون

فداکاریهای حضرت خدیجه می باشند) قرار دهد.

با توجه به توضیح یاد شده، شایسته است که برگزار کنندگان جلسات یاد شده و گویندگان و خوانندگان دعا، در این گونه محافل نورانی، انجام وظیفه نموده و با تلاش برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ذکر فضائل آن حضرت، دین خود را ادا نموده و در پیشگاه رسول گرامی اسلام صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت زهراي مرضیه عَلَیْهَا السَّلَام و ائمه معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَام سربلند و سرفراز گردند.

افطاري دادن و انفاق به نام خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

از راه های بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و زنده نگاه داشتن خاطره فداکاریها و انفاق های آن حضرت، افطاري دادن به روزه داران، در مساجد، حسینیه ها، مدرسه ها و منازل شخصی می باشد که نه تنها فیض و ثواب افطاري دادن دارد، بلکه توجه همه را به آن همه ایثار و انفاق مالی آن بزرگوار، که موجب پیشرفت اسلام و تحکیم مبانی آن در جامعه گردید، جلب می نماید. علاوه بر اینکه درس عملی، برای همگانی شدن احسان و انفاق به شمار می رود و اقتباس از روش رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ (که به یاد حضرت خدیجه قربانی می نمودند و به نیازمندان و بالاخص دوستان خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اعطا می کردند) محسوب می گردد.

و همچنین تهیه و توزیع ارزاق مورد نیاز مستمندان، با نام و یاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام (1) برنامه ی بسیار مؤثري است، که می تواند اثر ماندگاري در ذهن و خاطر اعضا خانواده نیازمند به جاي گذارد و آنها را دل بسته ی اسلام و احکام آن و علاقه مند به چهره ی فداکار حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که حامی و یاور راستین پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بوده است، بنماید و رشته ی ارتباط دل و جان آنها را با بزرگان دین و مذهب مستحکم نماید.

ص: 12

1-2. نمونه ای از جمله های مناسب، که در نامه هایی زیبا چاپ شود و به خانواده های نیازمند داده شود.

حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه از متن جامعه و اعتقادات دینی

هر حرکتی که بخواهد مستمر، گسترده، عمیق و ماندگار باشد، باید از متن جامعه و اعتقادات و باورهای پاک و احساسات لطیف مردم، سرچشمه بگیرد، تا اینکه به وسیله پشتیبانی و حمایت و سرمایه گذاری های مادی و معنوی، شخصی و عمومی، علمی و فرهنگی لا یزال جامعه، گسترش و عمق و استمرار پیدا کند و ماندگار شود.

از ویژگیهای حرکت اخیر، در مورد بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اینست که، با الهام از نهضت عاشورای حسینی و نهضت بزرگ فاطمیه (در دو دهه ی گذشته) سعی شده است که مراسم تجلیل از بانوی بزرگ اسلام، در متن مردم و جامعه و در مساجد و حسینیه ها، مجالس دعا و قرآن، عموم مدارس و مراکز علمی، از شهرهای بزرگ تا دورترین روستاها برگزار گردد و از افطاری دادن با خرما یا شیر و... (به شکل ساده) تا توزیع غذا به وسیله ی مردم در محل برگزاری نماز جماعت (به شکل گسترده) بهره گیری شود و در جلسات چند نفری، تا همایش های بزرگ، یاد و خاطره آن حضرت گرامی داشته شود، که به صورت یک فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق دل و جان مردم، تجلّی پیدا کند، که طبیعتاً همراهی اصحاب رسانه ها و صاحبان موقعیت های بزرگ اجتماعی و رسمی را نیز به دنبال خواهد داشت.

رشد فعالیت های مربوط به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نشان می دهد که به تدریج، گویندگان و نویسندگان، اندیشمندان و هنرمندان، ثروتمندان و نیازمندان و... همه و همه را تحت تأثیر قرار داده و به عنوان احساس مسؤلیت دینی و وجدانی، همه را شریک و همراه خواهد نمود، آن چنان که هر کسی احساس کند بزرگ داشتن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یعنی تجلیل از قرآن، پیامبر، اسلام و همه پاکیها و ارزشهای انسانی و دینی و نه تنها زنان جامعه، بلکه همه ی مسلمانها، از آن بزرگ افتخار تاریخ اسلام و انسان، الگوی بزرگی

برای تکامل خود برگزینند.

بستر سازی برای تحقیق و تألیف درباره ی حضرت خدیجه علیها السلام

توجه عمومی و گسترده طبقات گوناگون اجتماع به یک موضوع و تمایل آنها به آشنایی با ابعاد گوناگون آن موضوع، زمینه ساز گرایش محققین و نویسندگان به سوی تحقیق و تألیف درباره ی جنبه های متنوع آن موضوع می باشد و خوشبختانه فعالیت های دو سال گذشته، درباره ی بزرگداشت حضرت خدیجه نه تنها موجب مطالعه نوشته های گذشتگان درباره ی این شخصیت بزرگ و مراجعه به مقاله های منتشره در مجله های مختلف شده است، بلکه محققین و نویسندگان را آماده ی فعالیت وسیع در این فضای مقدس نموده است، چنانچه نشر و فروش آثار منتشره درباره ی خدیجه کبری علیها السلام افزایش یافته و کتابهایی با تیراژ قابل توجه و بعضاً در چند نوبت به چاپ رسیده و مورد استفاده ی تشنگان آشنایی با عظمت های آن حضرت قرار گرفته است و برخی از مقالات منتشره در برخی از مجلات، یا بخش مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام از کتابی جامع، جداگانه تکثیر و منتشر گردیده و نقش خود را در آگاهی طالبان حقیقت، درباره ی عظمت آن بانوی بزرگوار ایفاء نموده است و در اینجا لازم است از همه محققین و مؤلفین درخواست کنیم، که دست به کار شوند و در مورد هر یک از ابعاد با عظمت روحی، اخلاقی، ایمانی و عملی حضرت خدیجه، تحقیق نموده و تشنگان معرفت را سیراب سازند و هم اکنون که جامعه، آماده ی آشنایی با این یار فداکار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اسلام و قرآن شده است، رسالت خود را جامه ی تحقق ببوشانند و دین خود را اداء نمایند.

آمادگی روحی ملت ایران، زمینه ساز موفقیت مراسم بزرگداشت

تجربه های مکرر در مناسبت های گوناگون در ارتباط با چهره های برجسته خاندان رسالت و امامت علیهِ السلام (علاوه بر چهارده معصوم علیهِم السلام) همانند حضرت

زينب عَلِيهَا السَّلَام، حضرت ابالفضل عَلِيهِ السَّلَام، حضرت علي اكبر عَلِيهِ السَّلَام، حضرت معصومه عَلِيهَا السَّلَام و... نشان مي دهد كه جامعه ي فرهيخته و با ايمان و ولايت ايراني، در هنگامي كه متوجه عظمت و جلالت شأن هر يك از مفاخر اسلام و مكتب اهل البيت عَلِيهِمُ السَّلَام بشود، از هيچ اقدام و حمايت مادي و معنوي فروگذاري نخواهد كرد زيرا مي داند كه:

1 - بزرگداشت از بزرگان دين و مكتب، تجليل از خوبي ها و ارزشهايست كه اين ملت با فرهنگ، خواهان آنهاست.

2 - تجليل از چنين بزرگاني، مي تواند نقش مؤثري در معرفي و مطرح كردن الگوهائي كه در تكامل ملت و بالاخص جوانان و نوجوانان [دارند] ايفا نمايد.

3 - چنين حركتي، مي تواند نقش مؤثري در خودباوري اجتماعي ايفا نمايد و جامعه را از خودباختگي در برابر دشمنان و مخالفان در دين و مذهب و فرهنگ غني ملت، مصون و محفوظ بدارد.

و بر همين مبناست، كه ملت مسلمان و شيعه ي ايراني، هزينه هاي سنگين مادي و معنوي، شخصي و اجتماعي و... چنين برنامه هايي را بر عهده مي گيرد و نتيجه ها و بركات آن را نيز كسب مي نمايد.

نامگذاري مراكز علمي، ديني، اجتماعي به نام حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام

يكي از راه هاي جلب توجه عمومي به عظمت و برجستگي شخصيت هاي بزرگ و حفظ نام و ياد آنها در جامعه، نامگذاري مراكز مهم علمي و ديني و اجتماعي به نام آنهاست.

درباره ي حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام در برخي از شهرهاي بزرگ و كوچك، گامهاي برداشته شده و نامگذاريهاي انجام گرفته، كه ذيلاً به مواردی كه اطلاع يافته ايم (1) اشاره نموده و اميدواريم در آينده، مراكز مهم ديگري از

ص: 15

1-3. برخي از علاقه مندان، با جستجو در سايت هاي گوناگون، به موارد مورد اشاره، دست يافته اند، كه اميدواريم دعاي خير علاقه مندان به حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام بدرقه راه و پشتوانه زندگيشان باشد.

قبیل: مدرسه ها، مسجدها، حسینیه ها، خیریه ها، دارالشفاه و درمانگاهها و ... به نام مقدس آن حضرت @ نامگذاری گردد و بدین وسیله، نام و یاد آن حضرت، هر چه بیشتر در دلها و زبانها باقی بماند و اینک مواردی را به اطلاع علاقه مندان می‌رسانیم:

1 - مدرسه علمیه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در تهران

2 - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نجف آباد

3 - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خیرآباد قهاوند همدان

4 - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تایباد

5 - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یزدی هوایی

6 - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام شهر سه قلعه

7 - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام شهر «نودشه» از توابع شهر پاوه و اورامانات

8 - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام کاشان

9 - کانون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مشهد مقدس

10 - مؤسسه غیر انتفاعی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی

11 - مسجد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام - قم - ملکه شاه احمد قاسم

12 - حسینیه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اراک

13 - ساختمان پزشکان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام کرج - فردیس ...، بعد از فلکه دوم، خیابان هیجده

14 - ویژه نامه «بانوی حجاز» متعلق به دانشگاه تربیت معلم کرج، درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و زندگی و شخصیت و اخلاق و فضائل آن حضرت

امید است، در آینده ای نه چندان دور، نام بلند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سردرهای مراکز مهم علمی و دینی و اجتماعی، در شهرهای مختلف ایران و

نمونه هایی از شعارهای بزرگداشت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

حمایتها و ایثار های خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام در راه نشر و گسترش اسلام، ما مسلمانها را مدیون آن حضرت ساخته است.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اولین نمازگزار زن بوده اند و همه بانوان و دختران مسلمان، آن حضرت را الگویی خود می شناسند.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام صدف پاکیزه ای بوده اند، که کوثر قرآن، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام را در خود پرورده اند.

خدیجة الکبری صدف الکوثر و حامية الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

سالگرد وفات اسوة النساء، حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تسلیت باد

بزرگداشت حبیبة الرسول و صدف الکوثر، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تجلیل از اسلام و قرآن و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و اداء دین هر مسلمان، به آن حضرت است.

دوستاناران و دلباختگان حضرت زهراء عَلَیْهَا السَّلَام تجلیل از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را بر خود لازم می دانند.

انفاق و احسان، به نیت اهداء به روح مقدس حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تداوم بخش راه مقدس آن حضرت است.

ای خدیجه ی کبری و ای پشتیبان بی دریغ رسول خدا، در سالگرد وفات شما، در دهم ماه رمضان، انفاق و احسان و سفره ی افطار خود را گسترش می دهیم.

هفته بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در ماه مبارک رمضان، زمینه مناسبی برای آشنایی با عظمت و فداکاری و ایمان و صداقت آن حضرت است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ همه ساله به یاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قربانی می کردند و برای دوستان آن حضرت و نیازمندان می فرستادند.

در جریان فتح مکه، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در سه روز اقامت خود در آن شهر، بالای سر قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خیمه زدند و در آن اقامت جستند.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در خطبه تاریخی شام، به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام افتخار نمودند.

حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام در گودال قتلگاه، درد دل خود را برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام و خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام بیان نمودند.

امامان ما، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را وسیله ی افتخار خود می دانستند.

ای فاطمه زهراء اشک چشمان شما، در هنگام وفات مادرتان، حضرت @ خدیجه کبری، آتش به جان ما زده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی مرتضی عَلَیْهِ السَّلَام و حضرت زهراء عَلَیْهَا السَّلَام در هنگام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام گریان و دلشکسته شدند.

جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

در دو سال گذشته، در آخرین جمعه ی ماه شعبان، با دعوت از علما و شعراء و مداحان و امناء مساجد و خیریه ها و سایر دست اندر کاران امور دینی و اجتماعی، جلسه ای تشکیل داده شد، که با تشریح اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و بیان راهکارهای عملی و مؤثر در این امر مهم، موجی شایسته در روح و روان آنها ایجاد گردید، که هر کدام از حاضرین را برای تصمیم گیری در اقدام و حمایت از این امر بزرگ، آماده می ساخت.

هر يك از شرکت کنندگان در مجلس یاد شده، در محله، یا مسجد و مدرسه و اداره و مؤسسه و ارگانی، دست به کاری شدند، که نتیجه آن، توجه دادن جمعی دیگر از مردم، به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ایجاد علاقه عمومی نسبت به این امر مهم، به شمار می رود.

اثر و برکت جلسه های توجیهی یاد شده این بود که، امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به عنوان عمل به يك وظیفه دینی و با حالت خود جوش و با امکانات مادی و معنوی خود مردم، تحقق یابد و به طور طبیعی رشد و گسترش یافته و به تدریج به صورت يك فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق جان و اعتقاد مردم در آید.

آثار و برکات جلسات توجیهی یاد شده، بسیار فراوان و گسترده می باشد،

که با تأیید الهی و عنایات خاندان عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام امید می رود، در آینده ای نه چندان دور، شاهد عمومی شدن برنامه های گسترده ی این حرکت معنوی و نورانی باشیم.

علاوه بر جلسه توجیهی یاد شده، با دعوت از فضیلابی حوزه علمیه، در یک مجلس ویژه برای طلاب و مبلغین، اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام و آثار آن در پیشرفت دین و عمق یافتن آثار تبلیغات دینی در ماه مبارک رمضان و راه های عملی این برنامه مقدس و پر برکت تشریح گردید و حاضرین در مجلس که هر کدام به شهر یا روستایی می رفتند، همراه با امکاناتی مناسب، از قبیل کتاب، پرچم، پوستر و ... برای توزیع در میان مردم هر منطقه، عازم محل تبلیغ خود می گردیدند و با روش های مناسب و با اشکال گوناگون، توجه مردم با ایمان و ولایت را به ابعاد زندگی حضرت خدیجه و نقش آن حضرت در تثبیت پایه های دین و نماز و روزه و زکوة و ... جلب می نمودند، که گزارش های واصله، گویای آثار و برکات این اقدام مبارک می باشد.

رسالت مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام

ایام مبارک ماه رمضان، در امر تبلیغ، فرصت بسیار عظیمی به شمار می رود برای تشریح و تفسیر مسائل و مباحث اعتقادی و اخلاقی و تربیتی، برای عموم مردم، در همه شهرها و روستاها، بالاخص در مناطقی که از دسترسی به روحانین و مبلغین دینی، در اکثر فصول سال محروم می باشند و با توجه به اینکه سالگرد وفات حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام در دهم ماه رمضان می باشد، مبلغین دینی، که از حوزه های علمیه به شهرها و روستاها و دورترین مناطق کشور می روند، رسالت سنگینی بر دوش دارند، در امر آگاه سازی مردم نسبت به مهمترین مباحث دینی (اعم از اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و ...) و می توانند در توجه دادن مردم، به عظمت شخصیت های بزرگی، که الگوی فضائل و کمالات علمی و عملی، اعتقادی و اخلاقی و ... هستند، نقش بسیار زیادی را

در دو سال گذشته، بسیاری از مبلغین عظیم الشان، که برای امر تبلیغ به شهرها و روستاهای گوناگون و دور دست سفر کردند و دور از خانه و خانواده، به وظیفه‌ی سنگین هدایت مردم اشتغال یافتند، برای اولین بار، با سخنرانی و طرح مباحث درباره‌ی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و تشویق مردم به برگزاری مراسم بزرگداشت آن بزرگوار و حرکت دادن آنها به سوی افطاری دادن و احسان و انفاق نمودن به یاد آن یار وفادار اسلام و قرآن و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، شور و شوق تازه‌ای در مؤمنین ایجاد نمودند، که حاصل آن، علاوه بر آشنایی با تاریخ اسلام و دوره‌ی افتخارآمیز سالهای اول بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، حرکت عملی در راه عمل به دستورات دینی و بالاخص احسان و انفاق به روزه داران عموماً و نیازمندان خصوصاً، به حساب می‌آید.

گزارشهای واصله در دو سال گذشته، گویای حرکتی پر برکت، در بسیاری از شهرها و روستاها می‌باشد، که تحت عنوان بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اقدامات شایسته‌ای انجام گرفت، که نقش سازنده‌ای در گرایش مردم به سوی مساجد و محافل دینی و فعال نمودن برنامه‌های تبلیغی و یاری رساندن به ضعیفان و نیازمندان داشته است و امیدواریم این حرکت تداوم یابد و همه ساله به شکل روزافزون، مبلغین دینی بتوانند رسالت خود را در این امر مهم و پر فیض و برکت ایفا نمایند.

محتوای گزارشات شوق آفرین است

اشاره

پس از جلسه توجیهی که برای فضیلاي حوزه علمیه و مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها، قبل از حلول ماه مبارك رمضان برگزار گردید، مقرر شد که هر کدام از آنها در محل تبلیغ خود قبل از رسیدن دهم ماه مبارك رمضان مشغول تبلیغ و آماده سازی مردم برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بشوند و با پخش پوستر و پرچم و جزوه‌ها و مقالات مربوط به آن حضرت و برگزاری برنامه مسابقات علمی و فرهنگی در مورد آن بانوی بزرگ و فراهم

نمودن مقدمات برای افطاري دادن به نام مبارك آن حضرت، زمينه را برای توجه عموم مردم به این موضوع مهم جلب نمایند.

پس از مراجعت مبلغين از سفر تبليغي خود، هر کدام گزارش مکتوب و مفصلي از برنامه هاي انجام شده ارائه دادند، که بسیار جالب و امیدوار کننده بود و اشک شوق را بر گونه ها جاري مي ساخت. در این گزارشها از استقبال مردم از این برنامه ها و اعتراف عموم مردم به قصور در شناخت عظمت حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام و همکاري عملي مردم در مناطق گوناگون، خبر داده شده بود.

در این گزارشها موارد زیر ذکر گردیده بود:

1 - برگزاری جلسات قرائت قرآن عمومي، بياد حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام و ختم قرآن نمودن (به شکل تقسيم جزء هاي قرآن بين حاضرین)

2 - افطاري عمومي دادن در مساجد، به روزه داران و افطاري دادن به دانش آموزان مدارس، به نام حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام

3 - اجرائي برنامه مسابقات علمي و ديني برای جوانان

4 - توزيع حواله ي نان بين نیازمندان و تحویل در نانواییهاي محل

5 - توزيع ارزاق بين خانواده هاي نیازمند، به یاد حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام

6 - تشکیل مجالس اختصاصي به یاد آن حضرت

7 - اختصاص دادن سخنراني هاي شب و روز دهم رمضان، به بحث درباره ي حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام و ...

[1 -] در گزارشي آمده است:

جلسه توجيهي برای بزرگداشت حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام قبل از ماه مبارك رمضان، با حضور جمع کثيري از طلاب و سربازان حضرت ولي عصر عَلِيْهِ السَّلَام و مداحان اهل البيت عَلِيْهِمُ السَّلَام و خدمتگزاران آستان مقدس چهارده معصوم عَلِيْهِمُ السَّلَام با سخنان مولاي مکرم ... آغاز شد.

ایشان در ضمن بیانات نوراني و دلنشین و جذاب خود، حاضران را نسبت به وظایفشان در برابر حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام آشنا نمودند و بیان کردند که همه ي ما (اعم از طلاب، مبلغين و مداحان و ...) در مقابل حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام مديون

و مسؤول هستیم، خدیجه ای که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نسبت به او عشق می ورزید و علاقه نشان می داد و هر گاه سخن از همسران دیگر به میان می آمد، می فرمود:

وَ أَيْنَ مِثْلِ خَدِيجَةَ ...

در پایان جلسه، پوسترهای حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام و جزوه ها و کتابهای مربوط به آن حضرت، به همراه اطلاعیه های مراجع تقلید، در میان طلاب و حاضران توزیع و تقسیم شد و هر کسی موظف شد که آنچه در توان دارد، در جهت معرفی این بانوی ارزنده، در طبق اخلاص گذارد و کوتاهی نکند.

گروهها و اکیپ های مختلف، به شهرها و شهرستانهای گوناگون اعزام شدند، برای دهم رمضان، سالروز وفات حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام انجام وظیفه نمایند.

اینجانب هم طبق وظیفه ی شرعی و دینی و عرفی و اخلاقی و اجتماعی خود، این وظیفه و مسؤولیت الهی را به عهده گرفته و با شور و نشاط و حال خاصی که در همه طلاب و شرکت کنندگان در این حرکت الهی و خدا پسندانه، دیده و مشاهده می شد، انجام وظیفه نمودم.

روز دهم ماه مبارک رمضان، هنگام صبح حرکت کردیم و از ناحیه 4 آموزش و پرورش، شروع به توزیع پوستر در قسمتهای مهم آن اداره نمودیم و در ضمن، افرادی را که مسؤولیت فرهنگی و تبلیغی داشتند تشویق نمودیم که خودشان در توزیع پوسترها اقدام نمایند.

در چندین آموزشگاه پسرانه و دخترانه، با مدیران و مسؤولان فرهنگی و دینی آنها ارتباط حضوری و شفاهی برقرار کردیم و آنها را تشویق به فعالیت در امر بزرگداشت حضرت خدیجه نمودیم. (و سپس گزارشی از تبلیغات وسیع در میان مردم و در مسجد ارائه شده و آمده است) ... مردم با عشق و علاقه پذیرا می شدند و استقبال می نمودند و تمام وجود و چهره هایشان مالا مال و سرشار از محبت و علاقه به بانوی نمونه و با وفای پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود و این مطلب در سیمای آنها موج می زد.

[2-] و در گزارش یکی دیگر از مبلغین آمده است:

اینجانب پس از شرکت در جلسه توجیهی که قبل از ماه مبارک رمضان در

منزل جنابعالی تشکیل شد، به این نتیجه رسیدم که در این زمینه بی توجهی شده و سالهای قبل، نسبت به شناساندن این بانوی فداکار، به امت مسلمان کوتاهی شده، که باید طلب بخشش نموده و عذرخواهی کنیم و با خود عهد ببندیم که در آینده، جبران مافات، به احسن وجه بنماییم. با تذکرات و توجیهاتی که از طرف جنابعالی انجام شد، تصمیم گرفتیم که انشاء الله در سالگرد رحلت این بانوی محترمه، اقداماتی را جهت شناساندن خدمات این بانوی بزرگ، به اسلام و پیامبر عظیم الشان اسلام و تربیت مادر ولایت (فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام) سامان دهیم ...

و لذا در ماه رمضان، با بقیه ی برادران روحانی، که از قم جهت تبلیغ در ماه رمضان، به منطقه سمیرم سفلی اعزام شده بودند، جلسه گذاشتیم و تصمیماتی برای بزرگداشت حضرت خدیجه گرفتیم و پوسترهایی را که از اصفهان آورده بودیم در اختیار آنها گذاشتیم ...

پس از ایام رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام روحانیون اعزامی به روستاهای اطراف شهرستان اظهار داشتند که: این حرکت بسیار به جا و نو بود و جای آن واقعاً خالی بود و این اقدام را مرضی خدا و پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام دانستند و به پایه گذاران این حرکت درود فرستادند و توفیقات بیشترشان را خواستار شدند و مقرر شد که در سالهای آینده، در این زمینه اقدامات گسترده ای را انجام دهند.

آنها اظهار می داشتند:

برای مردم منطقه، این حرکت جالب و غیر منتظره بود و با خود می گفتند:

چرا تا به حال کسی یا اشخاصی به دنبال این مسائل و شناساندن این بانوی بزرگ و فداکار نبودند ...

[3 -] گزارشی دیگر

و در گزارش دیگری آمده است:

با الطاف همیشگی خدای بزرگ و ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام و با رهنمودهای @ حضرتعالی، دو مرتبه درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و چگونگی زندگی آن حضرت سخنرانی کردم و آنقدر مردم تحت تأثیر قرار گرفتند، که در وسط

جمعیت نمازگزار، یکی بلند شد و گفت:

من شب دهم رمضان را افطاری می دهم و بعد دیگری بلند شد و گفت:

آقا! شب نوزدهم (شب قدر) را من افطاری می دهم و دیگری آمد کنار محراب و گفت:

شب بیست و یکم را من افطاری می دهم. در حالی که ما هیچ سالی برنامه افطاری نداشتیم و بر اثر نام مبارک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آنچنان اثری ظاهر شد، که من متعجب شدم، که چگونه بدون هماهنگی قبلی، این چنین مردم متحول شدند و تصمیم گیری نمودند و از برکت نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، در مسجدمان فداکاریهایی را از مردم می بینم که سابقه نداشته است.

41 - گزارش چهارم

در گزارش دیگری، یکی از مبلغین با اخلاص چنین نوشته است:

... رمضان امسال رمضان متفاوت بود ... هشت سال بود که بنده به این روستا می رفتم برای تبلیغ، ولی گاهی اصلاً متوجه ایام وفات حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام نبودم و اگر متوجه بودم با اشاره ای گذرا و در یک جمله، از آن رد می شدم. ولی امسال که نهمین سال حضور بنده در این روستا بود، با ابتکار عمل و توجه خاص استاد معظم، به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با آن جلسه معنوی که قبل از ماه مبارک رمضان در منزل جنابعالی برگزار شد و طلاب محترم از آن جلسه ارتزاق روحی و معنوی شدند، مراسم گرامی داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام (نه در حد شأن آن بانو) ولی متفاوت با سالهای گذشته، برگزار شد که انشاء الله اثرات معنوی آن باعث سربلندی و عزت و سلامت اجتماع خواهد بود و در یک کلام، از گزارشهای رسیده چنین استفاده می شود که: از یک طرف، مردم آمادگی برای حرکت در این مسیر نورانی و انجام وظیفه در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را دارند و از طرف دیگر، عموم علما و مبلغین و عهده داران امور دینی و فرهنگی جامعه، به قصور و یا تقصیر خود در امر خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اعتراف دارند و از طرف سوم، لزوم جبران گذشته، مورد قبول همگان قرار گرفته و لذا حرکت های مناسب در این زمینه، مورد استقبال قرار گرفته و سریعاً به نتیجه می رسد.

در ملاقات ها و گفتگوهایی که در این دو سال، با مراجع معظم تقلید داشتیم، همه اظهار می داشتند که: تا کنون در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قصور یا تقصیر انجام گرفته است و در اثر فشارهای دشمنان اسلام، به مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، دوستان و یاران خاندان نبوت و امامت، در مورد مفاخر بزرگ خود کوتاهی هایی داشته اند، که در این فرصت به دست آمده، باید جبران گردد.

حضرت آیت الله العظمی، وحید خراسانی، مد ظله العالی در دو نوبت (در سال 1426 و 1427 قمری) همراه با اشک، از عظمت های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یاد نمودند و اهمیت اقدام در بزرگداشت آن حضرت و آشناسازی جامعه با فداکاریها و عظمت های آن بانوی بزرگ اسلام و بشریت را، مورد تأکید قرار دادند.

و همچنین بسیاری از مراجع معظم تقلید و مفاخر حوزه های علمیه و عالم روحانیت، در شهرهای مختلف، با عبارات و جمله های تکان دهنده ای، لزوم آشنایی با شخصیت و فداکاریهای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فوائد و برکات الگوگیری، از زندگی و حمایت های بی دریغ آن بانوی بزرگ اسلام در راه قرآن و پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ را، مورد تأکید قرار می دادند و کتباً و شفهاً دعوت به سوی این حرکت نورانی و مقصد معنوی می نمودند، که ذیلاً سه نمونه از اطلاعیه های مورد اشاره را تقدیم می نمایم

(1):

ص: 25

1-4. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله العالی، علاوه بر اطلاعیه مذکور در ذیل، پیام دیگری در سال 1427 صادر فرمودند. و همچنین آیت الله العظمی شیرازی مد ظله العالی، علاوه بر متن مذکور در ذیل، پیام دیگری در سال 1426 ارسال فرموده اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

افضل نساء اهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمه بنت محمد... (حدیث نبوی)

تجلیل و تعظیم از شخصیت یگانه ی بانویی که با ایثارها و فداکاریها و همراهیها و همدلیها، پیامبر عظیم الشان، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم را در انجام بزرگترین مأموریت های جهانی الهی پشتیبان و نقطه اتکایی منیع و عزیز بود، وظیفه ی حق شناسی همه ی ملت و امت است.

باید همواره یاد ایشان تازه و تجدید گردد، به راستی توصیف نقش و اثر این چهره نورانی در به ثمر رسیدن دعوت اسلام فوق بیان است.

نهال نوپای توحید، تا هفت سال به وجود او و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بر پا و پایدار بود، مصیبت فقدان این بانو برای اسلام و مسلمین و شخص حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم به قدری سنگین بود، که در تاریخ اسلام سال ارتحال او، عام الحزن نامیده شد.

امتی که بانوانش الگو و اسوه ای مثل خدیجه کبری و حضرت سیده نساء العالمین علیهما السلام دارند، باید به آن، بر امم دیگر مباهات و افتخار نمایند و بانوانشان در فضیلت و شخصیت و حق پرستی و اعتماد به نفس و اخلاق ملکوتی و ایمان و نجابت و خودسازی و ستر و عفاف، باید ممتاز و در جایگاه بلند و قله های رفیع ارزش های اسلامی و قرآنی باشند.

امید است بزرگداشت روز ارتحال آن بانوی بزرگ اسلام، موجب تعظیم شعائر و آشنایی بیشتر خواهران مسلمان به مکتب و سیره و مواضع و مواقف شکوهمند و پر از صلابت و مهابت آن نمونه برتر فضائل شود.

از خداوند متعال برای عزیزان و دلباختگان آستان اقدس اهل بیت نبوت و

رسالت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که سالروز ارتحال آن بانوی دنیا و آخرت را در این ماه عزیز خدا، گرامی می‌دارند، توفیق و تأیید مسألت می‌دارم.

و السلام عليهم و علي جميع المؤمنين و المؤمنات و رحمة الله و بركاته

غزّه ماه صیام 1426 لطف الله صافی

متن اطلاعیه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقاي حاج سيد صادق روحاني، مَدُّ ظِلُّهُ الْعَالِي

به مناسبت دهم ماه مبارك رمضان، سالروز ارتحال حضرت خديجه كبرى عَلَيْهَا السَّلَام

باسمه جَلَّتْ اسمائه

خديجه كبرى عَلَيْهَا السَّلَام م آن قدر فضانلش زياد است كه، به اين مختصر نتوان بيان كرد، با توجه به چند امر، تا حدّي مقام آن بزرگوار روشن مي شود:

(1) در روايات است كه، پيغمبر اكرم صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در سفر آسماني وصف ناپذير معراج، به هنگام بازگشت، به فرشته وحي مي فرمايد:

من به سوي زمين بر مي گردم، پيامي هست؟

فرشته وحي مي گويد:

دروود و سلام خدا و فرشته فرمانبردارش را به خديجه برسان.

پيغمبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم اين پيام را اول نزول، به خديجه رساند. خديجه چنين پاسخ داد - إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِي جَبْرَائِيل السَّلَام

(2) در وحي خداي تعالي به مسيح عَلَيْهِ السَّلَام در وصف پيغمبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چنين است:

نسل او از مباركه است و او مانند مادر توست در بهشت.

(3) علماء فريقيين از مقامات الهيّه خديجه، با عظمت زيادي نقل کرده اند.

(4) مادر فاطمه زهراست، كه در شكّم مادر با او سخن مي گفت:

حتي در يك روايت است كه، روزي خديجه در نماز به ترديد افتاد، كه ركعت سوم است يا چهارم.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام از سازمان وجود مادر ندا داد:

قُومي يا امّاه فَأَنْتِ فِي الثَّالِثَةِ.

5) در کتب عامه و خاصه روایت شده است که، پیغمبر مکرر فرموده است که،

ص: 27

خدیجه یکی از چهار زنی است که از بهترین زنان عالمین می باشند.

(6) در گسترش اسلام، یکی از ارکان مهم آن مال خدیجه بود، که آن همه ثروت را در اختیار آن حضرت گذاشت.

با این خصوصیات، یکی از کارهای لازم و با عظمت، کاریست که آن مرد بزرگوار، جناب مستطاب، حجت الاسلام و المسلمین آقای ابطحي، شروع کرده اند که برای بزرگداشت خدیجه کبری، برنامه هایی به اجراء در آورند و من به تمام مؤمنین توصیه می کنم که، برای خشنودی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام همراهی نموده و به حد امکان، برنامه ها را با عظمت بر پا نمایند و مطمئناً امام زمان (ارواح من سواه فداه) را خشنود نموده و خدای بزرگ به همه جزای خیر عنایت خواهد فرمود.

اول رمضان المبارک 1426 الّرحانی

متن نامه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق شیرازی، مَدُّ ظِلِّهِ الْعَالِي

درباره ی اهمیت بزرگداشت سالروز وفات حضرت خدیجه عَلِيْهَا السَّلَام که در پاسخ به نامه ای که به محضر مبارک ایشان ارسال گردیده، مرقوم فرمودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب حجّة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید حجّت موحد ابطحي دامت تائیداته. السلام علیکم ورحمة الله تعالی و بركاته

حضرت خدیجه عَلِيْهَا السَّلَام بهترین همسران رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و مادر دوازده معصوم بعصمة کبری، منزلتی بس رفیع نزد خدای متعال و رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دارند، تا جایی که مرویست حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، انفاق ایشان را ردیف دفاع حضرت امیرالمؤمنین عَلِيْهِ السَّلَام قرار دادند و اعتلاء و استقامت دین مبین اسلام را در انحصار این دو دانستند و آن سالی که ایشان و حضرت ابي طالب عَلِيْهِ السَّلَام از دنیا رفتند را «عام الحزن» نامیدند.

و چه بجاست، مؤمنین و مؤمنات کرام، در همه جا روز وفات این بانوی

عظیم اسلام را ارج نهاده و مراسم تجلیل آن بزرگوار را به کیفیتی که مناسب آن شأن عالی است، برگزار نموده، که مسلماً مورد عنایت مولا و آقا، حضرت بقیة اللہ اعظم «عجل اللہ تعالی فرجه الشریف و صلوات اللہ علیہ» قرار خواهد گرفت

و الله ولي التوفيق والقبول

7 شعبان المعظم 1427 هـ صادق الشیرازی

ص: 29

در سال 1427 قمری جمعی از علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بالاخص حضرت خدیجه علیها السلام تصمیم گرفتند که برای بزرگداشت آن حضرت کنگره ای تشکیل دهند، که با اقدامات متنوع و گسترده خود در سطح کشور، گامی در تجلیل و آشنا سازی جامعه با فضائل و مناقب و فداکاریها و حمایت های بی دریغ آن حضرت در راه اسلام و قرآن بردارند.

تصمیم گیری یاد شده، جامه عمل پوشید و با توجه به انگیزه الهی و ولایی برگزار کنندگان کنگره، برنامه های متنوع و برجسته ای در سطحی وسیع، به اجرا در آمد که خلاصه ای از آن ذیلاً مورد اشاره قرار می گیرد.

1 - طراحی و راه اندازی سایتی با نام مقدس حضرت خدیجه کبری علیها السلام حاوی منابع غنی و بدیع.

2 - تدوین و چاپ کتاب داستان، ویژه کودکان، در رده سنی ابتدایی، با صفحه آرایی و طراحی بسیار جذاب و ارسال آن برای حداقل 13000 دبستان در سراسر کشور.

3 - طراحی مسابقات فرهنگی و چاپ پوسترهای مربوط به آن، ویژه مقاطع راهنمایی و متوسطه، شامل مقاله نویسی، شعرسرایی، نقاشی، خطاطی، گرافیک و ارسال آن برای حدود 23000 مرکز آموزشی در سراسر کشور.

4 - چاپ بروشوری ویژه، حاوی گزیده ای از خصائص شخصیتی و منش و رفتار این بانوی بزرگ و همچنین ساخت لوح فشرده و ارسال آن برای 36000 مرکز آموزشی در تمام استانهای کشور.

5 - گرد آوری و چاپ کتابهای: { 1 } سرچشمه کوثر: اثر نویسنده محقق، حجة

الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور. {2} (متن پیاده شده سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام) که در جریان همایش عظیم بزرگداشت حضرت خدیجه در تهران، ایراد شده بود.

{3} شمع محفل طاها (مجموعه شعر درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام)، {4} نمونه زنها، {5} تجدید چاپ کتاب فروغ آسمان حجاز، {6} چاپ و نشر کتاب «نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» که دو کتاب اخیر، اثر نویسنده محقق و توانا، آقای حاج شیخ علی کریمی فریدنی می باشد.

6 - برگزاری مراسم سوگواری و سخنرانی، در آستان مطهر امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام با حضور محققین و روحانیون و عامه مشتاقان و دوستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و انعکاس اخبار آن در رسانه های جمعی.

7 - ارسال نامه ای به تمام مراکز آموزشی در سراسر کشور (برای مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه) و طرح پیشنهاداتی بسیار جالب و مؤثر برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که ذیلاً متن آن نامه در معرض مطالعه همگان قرار می گیرد.

ایجاد سامانه اینترنتی بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

در ضمن فعالیت های کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ایجاد سامانه اینترنتی به نام آن حضرت می باشد، که شامل تصاویر، مقالات و سخنرانی های مربوط به همایش است.

از قسمتهای دیگر این سایت می توان به زندگینامه حضرت خدیجه، معرفی کتاب های مربوط به آن حضرت و قسمت ترویج نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اشاره کرد. این سامانه را می توان با مراجعه به آدرس زیر بازدید کرد.

www.Khadijeh.com

مراسم بزرگ نکوداشت حضرت خدیجه در اصفهان

در شب و روز نهم و دهم ماه مبارک رمضان 1427 قمری، در عموم مساجد در برنامه سخنرانی پس از نماز ظهر و عصر، از عظمت و فداکاری حضرت خدیجه یاد گردید و در عموم جلسات قرآن و دعای افتتاح و ابوحمزه (1) در سخنرانی وسط دعا، از مقام و شخصیت آن حضرت تجلیل به عمل آمد، علاوه بر برنامه عمومی یاد شده، در شب دهم و یازدهم، در جوار بارگاه ملکوتی امامزاده جعفر بن الرضا (2) عَلَیْهِ السَّلَام جنب فرودگان بین المللی اصفهان، مراسم

ص: 33

1-5. در شهر اصفهان از دیر زمان، در شهبای ماه مبارک رمضان، جلسات بسیار مفصلی برای خواندن تمام دعای ابوحمزه ثمالی تشکیل می گردید. با حضور جمعیت های فراوان، که این مجالس در مساجد بزرگی همانند: «مسجد جامع» و «مسجد سید» و ... و مراکز مهمی همانند: ساختمان «قائمیه» و «مهدیه صاحب العصر» و ... تشکیل می گردد.

2-6. امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام معروف به «شاه کرم» از امامزاده های مورد توجه می باشد و مردم زیادی با فیض گرفتن از توسل به آن حضرت، دلبستگی خاصی به آن بزرگوار دارند و کرامات فراوانی در جریانات مختلف دیده اند. ساختمان بقعه و بارگاه این بزرگوار، با گستردگی و عظمت بسیار، در حال انجام می باشد و مجموعه حرم و رواقها و صحن و ساختمان های اطراف آن، بسیار عظیم می باشد و شعرای عالیقدر درباره ی این امامزاده و صحن و سرایشان، سروده هایی دارند، که به عنوان نمونه، سروده استاد محمد علی صاعد (رئیس انجمن ادبی صائب) را در اینجا تقدیم علاقه مندان می نمایم. مدح امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام معروف به شاه کرم «استاد صاعد اصفهانی» این روضه ی منیر، که چون خلد جانفزاست میعاد استجابت و مقبولی دعاست هم مورد عنایت خلاق اکبر است هم مورد توجه امجاد اولیاست این مضجع مطهر و این مرقد شریف از سرو دلنواز و گل باغ مصطفاست نور دل و دو دیده و فرزند سؤمین از هشتمین امام هدی، حضرت رضاست جعفر کریم آل محمد، که مشتهر بر «شه کرم» شده و این شهرتش سزاست در این مقام جای خضوع و ارادت است دست دعا برآر، که منظور کبریاست از روی صدق حاجت خود را از او بخواه کز صدق هر چه را طلبی، بی سخن رواست بیرون در گذار، هواهای نفس را اینجا ز حق طلب مغفرت بجاست «صاعد» چه احتیاج به ابراز حاجت است در محضری که گفته و ناگفته، بر ملاست

بزرگداشت ویژه ای برگزار گردید، که با مداحی و مرثیه سرایی مداح اهل بیت آقای حاج علیرضا مهرپرور و سخنرانی خطیب توانا، حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حامد معاونیان (در شب دهم)

و سخنرانی خطیب مکتب انتظار حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن یوسفی (در شب یازدهم) و نیز با اجرای برنامه گروه تواشیح «فلق» و مرثیه سرایی و عزاداری عموم مردم و مداحان اهل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام به انجام رسید.

در این مراسم بزرگ، علاوه بر علما اصفهان و مردمی که از اصفهان و شهرهای مجاور حضور یافته بودند، دسته سینه زنی از یکی از مساجد اصفهان شرکت کرد، که بر شور و حال مجلس افزود و حال و هوای عزاداری بر حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام، همگان را تحت تأثیر قرار داد.

ص: 34

نامه های واصله از مدارس و مراکز آموزشی سراسر کشور و مقاله های رسیده و نقاشی هایی که دانش آموزان درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ارسال نمودند و آثار گوناگونی که فرستادند و گزارشاتی که از مراسم افطاری بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به دست آمد، به خوبی روشن ساخت که آمادگی ملت ایران و شیعیان و دوستان اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام برای احیای امر اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بسیار زیاد و بالخصوص احساسات پاک جوانان (اعم از دختر و پسر) مهبیای جهت گیری در مسیر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام می باشد و به خوبی معلوم شد که استعدادهای درخشانی در میان جوانان با ایمان کشور وجود دارد، که می تواند سرمایه بزرگی برای اجرای برنامه های دینی و ولایی به شمار آید.

از میان نامه های رسیده و اظهار نظرهای اندیشمندان و صاحب نظران، درباره ی آثار کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام توجه خوانندگان را به نمونه هایی جلب می نمایم.

نامه ای از شهرستان دهلران

بسمه تعالی

کنگره نکوداشت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

ضمن تشکر از بانیان این کنگره، به خاطر معرفی دقیق و عمیق چهره پرافتخار شخصیت تاریخ ساز اسلام، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که تأثیر اندیشه ژرف و اموال پر خیر و برکت ایشان، در اجرای رسالت پیامبر اعظم صَ لَی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَم بسیار مؤثر بوده است و تبریک سال پیامبر اعظم، به تمام مسلمین جهان و هم وطنان گرامی و قبولی طاعات و عبادات شما بزرگواران، به همین نیت، یعنی معرفی چهره تابناک حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام. وقتی که برنامه های پیشنهادی شما به دستمان رسید، بهانه خوبی بود که این دبستان، در این ایام مبارک، یعنی ماه مبارک رمضان اقدام به برنامه های زیر نماید.

1- اجرای مراسم نماز، دعای توسل و برنامه ای کوتاه، در خصوص

شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و کلاسهای انس با قرآن، در محل نمازخانه مدرسه، با حضور دانش آموزان و دعوت از اداره آموزش و پرورش منطقه، در روز دهم ماه مبارک رمضان (روز وفات حضرت خدیجه).

2 - نصب پوستر در محل مراسم و اهداء جوایز به دانش آموزانی که اسم آنان خدیجه می باشد.

3 - اختصاص دادن انشای دانش آموزان، به معرفی شخصیت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام و اجرای مسابقه از زندگانی آن بزرگوار، بین اولیای دانش آموزان.

4 - نامگذاری ضیافت افطاری، به نام این بزرگوار، بین دانش آموزان بی بضاعت و بردن مواد غذایی به خانه های آنان و معرفی ده نفر از دانش آموزان بی بضاعت به مؤسسه خیریه، جهت کمک در ماه مبارک رمضان، ضمناً سی - دی این مراسم به ضمیمه ارسال می گردد.

آدرس: استان ایلام. شهرستان دهلران. خیابان معلم. دبستان راضیه

نامه ای از رفسنجان بسمه تعالی

به ستاد بزرگداشت مقام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر، استان اصفهان

از مدرسه راهنمایی نمونه دولتی شهید مجتبی اسدی رفسنجان

ضمن سلام و دعای خیر؛ احتراماً بدین وسیله به استحضار می رساند، در پی فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر مبنی بر موضوع مسابقات انشاء نویسی، شعر سرایی، خوشنویسی و نقاشی و نامه ای به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مجموعه عملکرد دانش آموزان این آموزشگاه به حضورتان ارسال می گردد.

1 - موضوع انشاء: اولین نمازگزار اسلام، از دانش آموز محمد عرب، کلاس دوم راهنمایی

2 - موضوع انشاء: قسمتی از زندگینامه حضرت خدیجه، از ابوالفضل ترابی کلاس دوم راهنمایی

3 - موضوع انشاء: حضرت خدیجه، از دانش آموز، فرید نبی زاده، کلاس دوم

4- موضوع انشاء: زنان بهشتی، از دانش آموز، محمد رضا نصیری راد، کلاس دوم راهنمایی

5- موضوع انشاء: اگر خدیجه نبود، از دانش آموز، آرش سلطانی، کلاس اول راهنمایی

6- شعر یاور دین، از دانش آموز، امیرعباس عباسپور، کلاس اول راهنمایی

7- نقاشی در خصوص حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام، از دانش آموز، محمدرضا بصیری راد کلاس دوم راهنمایی

امید است مورد پذیرش آن ستاد قرار گیرد

نامه ای از نجف آباد بسمه تعالی

به: کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از: دبیرستان دخترانه معرفت

موضوع: ارسال پژوهش، مقاله، شعر (در رابطه با موضوع سرچشمه کوثر)

پس از حمد خدای متعال و با صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با احترام، به پیوست، هشت جلد تحقیق، یک عدد شعر و دو عدد مقاله، مربوط به مسابقه سرچشمه کوثر (حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام) حضورتان ارسال می گردد.

نامه ای از شهرضا

به: دبیرخانه کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از: مدرسه راهنمایی شاهد، سید جلال طبیبیان، شهرضا

موضوع: ارسال آثار با سلام

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آثار برتر دانش آموزان شرکت کننده در مسابقه فرهنگی هنری سرچشمه کوثر، جهت هر گونه اقدام به حضورتان ارسال می گردد.

هر نوع تحقیق و بررسی در هر موضوعی که باشد، به خودی خود روزنه های جدید و افقهای تازه را به روی فرد تحقیق کننده می گشاید و به دنبال آن، خوانندگان این موضوعات نیز، از دستیابی های تازه بهره مند می شوند.

در آثار رسیده از دانش آموزان کشورمان در زمینه بررسی «زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» نیز، این اصل به خوبی قابل مشاهده بود.

رد پای حقیقت یابی در قلم کودکانه دانش آموزان ابتدایی، در تعبیرات ادبی و لطیف دخترانه و در جستجوی اینترنتی پسرانه دیده می شد.

شاید انگیزه مادی و کسب جایزه، بخشی از این تلاش و یا آغازگر این تلاش بوده، اما نظم در پوشه بندی ها و حاشیه هایی که با دست و مداد رنگ کشیده شده بود، شیرینی تحقیق را نمایان می کرد.

ضعفی که در پروژه ها دیده می شد، به برنامه ریزی کتب درسی دانش آموزان بر می گردد، ای کاش کتب درسی، هر چند وقت یکبار، با مطالب به روز پژوهشگران، تطابق داده می شد، تا یافته های جدید نیز به اطلاعات فرزندان این مرز و بوم اضافه شود. مانند کتاب «فروغ آسمان حجاز» نوشته آقای علی کریمی فریدنی، که با قلم زیبایی خود در مورد این بانوی بزرگ پژوهش کرده و حداقل، دو مطلب را برجسته کرده اند، که در اکثر منابع مهجور مانده است:

1 - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام دوشیزه ای 28 ساله بود، نه زنی 40 ساله، که قبلاً دو شوهر داشته است.

2 - یک زن می تواند با همه نجابت و زنانگی، تدبیر مسأله ای حساس، مانند اقتصاد و مدیریت گروهی بزرگ، مانند تجار عربستان را در دست بگیرد.

پیشنهاد:

رواج این نوع تحقیقات، افقهای فکری دانش آموزان و دانش پژوهان را باز و گسترده می سازد. آشنایی با منابع و مراجع مانند کتابخانه ها، اینترنت و ... راهگشای این موضوع است.

اظهار نظر يکي ديگر از داوران مسابقه فرهنگي هنري کنگره

در مراسمي که نهم و دهم رمضان 1426 ه ق به مناسبت وفات حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام و در نکوداشت ايشان برگزار شد، نخستين مسأله، افتخار خدمت براي اولين بار به آن حضرت بود، شخصيتي که در سالهاي قبل، بسياري حتي از تاريخ وفات ايشان آگاه نبودند، چه رسد با زندگي و اتفاقات و حوادث مهم زندگي ايشان و اين نکوداشت، جرقه شروع براي آگاهي يافتن بسياري از شيعيان و محبين خاندان عصمت و طهارت عَلِيهِ السَّلَام بود، که اين آگاهي و افتخار شرکت و خدمت، نه تنها براي دست اندر کاران اين مراسم و بانيان آن بود، بلکه براي کساني که حتي در مراسم شرکت کرده بودند و يا از شهرهاي دور و نزديک و ديگر استانها در وصف و شخصيت و زندگينامه آن حضرت تحقيق کرده و يا مطلبي نوشتند، بسيار جالب و با ارزش بوده، که از شخصيتي مي نويسند و مي خوانند، که تا به حال سخني کامل و مطلبي جامع از ايشان نشنیده و نخوانده بودند و چه اشتياقي دارد و چه حس و حالي معنوي، براي فيض بردن از چنين شخصيتي، که ام المؤمنين است.

از نشانه هاي چنين حس و حال معنوي اينست که بعضي، در آثاري که براي ما و در جواب دعوت ما براي شرکت در فراخوان حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام ارسال داشتند، چنين نوشته اند:

در جاهايي، آن حضرت را به عنوان مادرِ خود خطاب کرده و يا درد دل کرده و مدد گرفته اند، بعضي تازه فهميده اند که چقدر غافل بوده اند از وجود چنين فردي و چقدر کم توجهي و کم کاري کرده اند.

کساني در توصيف اين احساس خود، در برابر حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام مي گویند:

شاید اگر جاي آن حضرت بودند، از مال و زرق و برق دنيا و اين همه ثروت نمي گذشتند و اين گونه بخشش نمي کردند.

در وصف اين همه صبر و استقامت و از خود گذشتگي حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام کساني مي نويسند:

خوشا به حال ايشان که چقدر خوب و با معرفت، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را شناختند و پي به وجود شخصيت پيامبر اسلام بردند

کسانی هم از حس مادری و افتخار مادری حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام نوشته اند.

بعضی، آرزویشان زیست در زمان حضرت بود و از اخلاق و زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام درس می گرفتند. خیلی از شرکت کنندگان، آرزوی دیدن آن حضرت را حتی در خواب می کردند.

خیلی ها سعی در پیدا کردن و به دست آوردن نجابت و پاکی، چون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را دارند.

و شرکت کنندگانی دیگر آورده اند که: حیران مانده اند، چه واژه ای در وصف چنین شخصیت و فردی به کار گیرند، که لایق و شایسته ایشان باشد.

داور آثار هنری رسیده به کنگره می نویسد

آثار هنری (نقاشی و خط) رسیده به ستاد نکو داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بسیار خلاق و صادقانه بود و برخاسته از روح ساده و پاک سن کودکی و نوجوانی بود.

پیشنهاد من اینست که این کار در حد وسیع تری انجام گیرد و گستره آثار هنری ارسالی آن هم بیشتر شود و نمایشگاهی از آثار ارسالی برای بازدید عموم بر پا شود. به طور مثال، فراخوان ارسال آثار هنری - برای حوزه های هنری سراسر کشور - ادارات ارشاد و فرهنگ اسلامی استانها - ارسال شود و از افراد برگزیده، در مراسم بزرگداشتی تقدیر به عمل آید و ارتباط مستمر با آنها صورت گیرد.

اظهار نظریکی از مداحان نامدار

مداح اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور، که به خاطر گستردگی فعالیت مداحی در مناطق گوناگون و شهرهای مختلف و نیز به علت ارتباط با علما و شعرا و اقشار مردم، آگاهی زیادی در چگونگی گرایشهای اجتماعی و برنامه ریزیهای دینی و ولایی دارند، اظهار نظری نموده اند که ذیلاً ملاحظه می فرمائید:

با تقضلات الهي، سوّمين سال است كه كنگره ي نكوداشت بانوي بزرگ اسلام حضرت خديجه كبري عَلِيْهَا السَّلَام با شعار (مديون تويم) در اصفهان برگزار مي گردد كه اين موهبت، جاي تشكر و سپاس فراوان دارد.

آنچه مسلم است، تجليل از قدر و منزلت آن بزرگوار، تعظيم شعائر الهي و تكريم كرامتها و فضيلتهاست، البته شناختن و شناساندن شخصيت ارجمندي كه همواره درود و سلام خداوند متعال، با نزول وحى توسط جبرئيل به او ابلاغ مي شده، كاري بس دشوار است، ولي با اين وصف، بر حسب وظيفه و در حد امكان، مي بايست اين امر مهم صورت پذيرد. بديهيت ماه مبارك رمضان، خاصّه در شب و روز دهم اين ماه، كه سالگرد ارتحال همسر مهربان رسول خدا مي باشد، بهترين فرصت براي بزرگداشت و پرداختن به ذكر مناقب و مصائب آن بانوي نمونه است.

در سالهاي گذشته، در ايام وفات آن حضرت، در اكثر مساجد و محافل، يا اينكه ذكري از حضرت خديجه كبري به ميان نمي آمد، يا اينكه در حد مختصر بود كه قادر به سيراب كردن تشنگان معرفت آن بزرگوار نمي بود.

خديجه اي كه هر مسلماني خود را مديون او مي داند، زيرا اشاعه فرهنگ غني اسلام و تشيع، مرهون اخلاق نازنين و شريف نبوي، دست و بازوي توانا و رشادتهاي علوي و ايتار اموال خديجه كبري عَلِيْهَا السَّلَام مي باشد، اما دريغ از يك سخنراني مبسوط، يا مداحي مربوط به آن حضرت.

البته علّت آن معلوم است، چون درباره ي آن بانوي بزرگوار، با آن همه عظمت و شخصيت، كتاب مستقل و مفصل به زبان فارسي به رشته تحرير در نيامده بود، جز دو كتاب، آن هم در سالهاي اخير، يكي «فروغ آسمان حجاز» و ديگري «حضرت خديجه اسطوره مقاومت» و طبعيت كه شاعران و مدّاحان نيز، دست مایه علمي و مستند، در اين زمينه جز اندكي نداشتند و اين بي بضاعتي در تشرف به مكه معظمه، هنگام زيارت و عرض ارادت به حضرت خديجه در حجون (قبرستان حضرت ابوطالب) بيشتتر محسوس بود، كه معمولاً به خواندن شعر آقاي حسان

«محمد را نکو همسر خدیجه

عزیز قلب پیغمبر خدیجه»

و چند شعر دیگر خلاصه می شد و درباره ی حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام هم که دیگر معلوم بود و این در حالیست که این دو بزرگوار، مشترکاتی دارند از جمله اینکه هر دو به خدای یگانه ایمان داشتند و بر دین ابراهیم حنیف بودند و دیگر ایمان و علاقه آنها به پیامبر اسلام، حتی قبل از بعثت بسیار ریشه دار بود و اینکه هر دو یاور و دلسوز نبی مکرم بودند. هر دو در يك سال با اندك فاصله وفات نمودند، که پیامبر بزرگوار، آن سال را «عام الحزن» نام نهادند و نیز هر دو در يك مکان (حجون) دفن شدند و بالاخره اینکه ریشه شجره طیبه ولایت و امامت، از آنها تشکیل شده است.

یکی عموی ارجمند خاتم رسولان و پدر امیر مؤمنان و جد امامان، که به قول استاد صاعد اصفهانی:

بگو مدحت باب و جد امامان

شجاع شجاعان، عموی پیامبر

و دیگری همسر مهربان و فداکار رسول خدا، مادر گرامی فاطمه زهرا و جدّه یازده امام معصوم، که باز به قول استاد صاعد:

زوج نبی، جدّه ی قبیله ی عصمت

مادر سادات و افتخار محمد

ولی بحمدالله، در دو سال گذشته، برنامه های گسترده و شایسته ای به اجرا در آمده، که در انجام آنها برکت و عنایت امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام یار و پشتیبان بوده است و به عنوان نمونه می توان از فراهم آمدن و انتشار کتاب «شمع محفل طاها» که مجموعه شعری درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حضرت ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام می باشد، نام برد.

امید است همه ساله شاهد تشکیل با شکوه تر محافل نکوداشت بزرگ بانوی اسلام، در همه شهرها باشیم، تا با شناخت مقام رفیع آن بزرگوار، مسیر رستگاری را بیماییم و به سعادت جاوید دست یابیم.

آثار فراخوان ادبی - هنری سرچشمه کوثر

از برنامه های جالب و مؤثر «کنگره بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» فراخوان ادبی و هنری بود، که از همه دانش آموزان سراسر کشور (دختر و

پسر) دعوت به عمل آمد، که با سرودن شعر و نوشتن مقاله و نقاشی و نامه نویسی به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عشق و علاقه و احساسات و عواطف و آگاهی و نبوغ خود را در طبق اخلاص گذارند و در میدان عرض ادب به ساحت مقدس بهترین یار و یاور رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ظاهر شوند.

این حرکت نورانی، یک جهش جالبی ایجاد کرد و از سراسر کشور، نامه ای مشتمل بر سروده ها، نقاشی ها، مقاله ها و نامه های به حضرت خدیجه به سوی شهر اصفهان و دبیرخانه کنگره بزرگداشت سرازیر گشت، که برگزیده های مسابقه، به اشکال گوناگون و با استفاده از امکانات مادی و معنوی فراوان، مورد تشویق قرار گرفتند و در ویژه نامه ای به نام «سرچشمه کوثر، حضرت خدیجه کبری» شماری از مقاله ها و نقاشی های برجسته، به چاپ رسیده، که بسیار جالب و ارزشمند به شمار آمد.

مقاله های برجسته

1 - مقاله ای با عنوان «خدیجه أم المؤمنین» از ویدا صادقی و سمیره نظری

2 - مقاله ای با عنوان «اولین لبیک گو» از محترم رضایی

3 - شعری از عاطفه نادری از شهرستان کلاله

4 - نامه ای به حضرت خدیجه، از «هدیه علاقبند»

5 - مقاله ای با عنوان «خدیجه، بزرگ بانوی اسلام» از راضیه عوض زاده

6 - نامه ای به حضرت خدیجه، با عنوان «شما حرفهای دل مرا می شنوید» از عاطفه سرگلزایی

7 - نامه ای به حضرت خدیجه با عنوان «خدیجه پاکترین زن زمان بود» از زهرا ضیایی

8 - نامه ای به حضرت خدیجه، از الهه صمدی

9 - مقاله ای با عنوان «بانوی سبزپوش سماواتی زمین» از فرزانه سلیمی نیا

10 - مقاله ای، با عنوان «چهار بانوی برتر عالم» از زهرا ملاوی

و نیز از تلاش های ویژه خانم علیزاده، از شهرستان کلاله، مدرسه بنت الهدی

صدر، در ایجاد حرکت در میان دانش آموزان برای شرکت در مسابقه و موفقیت آنان، قدردانی شده است.

در ویژه نامه یاد شده، فهرستی از آثار رسیده به ستاد نکوداشت حضرت خدیجه و نام صاحب اثر و نام آموزشگاه و نام شهر و استان آن مرکز آموزشی ذکر شده است.

در این فهرست، در بخش «تحقیق و مقاله و انشاء» از 135 صاحب اثر نام برده شده و در بخش شعر از 9 نفر و در بخش نامه ای به حضرت خدیجه از 19 نفر اسم برده شده است.

همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه در تهران

در سال 1426 قمری، در تهران در شب دهم ماه مبارک رمضان، با همکاری جمعی از علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از اصفهان، همایش بزرگی در تهران برگزار گردید، که با حضور علما و دانشگاهیان و جمعی از اصحاب رسانه های جمعی (صدا و سیما) و اقشار مردم، از حال و هوای جالبی برخوردار گردید. شاعر و مداح اهل بیت عَلَیْهَا السَّلَام آقای سازگار، متخلص به «میثم» به مدح و رثای حضرت خدیجه پرداختند و سپس خطیب دلسوخته اهل بیت، حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ حامد معاونیان، سخنرانی پر شور و سوز و پر محتوایی ایراد کردند، که همه را تحت تأثیر قرار داد و اشکها را بر گونه ها جاری ساخت. در این سخنرانی، درباره ی قصور و تقصیرهای انجام گرفته، درباره ی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام و بی توجهی عمومی نسبت به عظمت آن حضرت و لزوم جبران گذشته ها، بحث بسیار جالب و فشرده ای انجام گرفت و گوشه هایی از فداکاریها و برجستگیهای اعتقادی و اخلاقی و عملی حضرت، با بیانی جذاب و مهیج تشریح گردید، که فوق العاده مورد استقبال همه قرار گرفت (1).

ص: 44

1-7. سخنرانی یاد شده، به وسیله ی (سی - دی) در سطحی گسترده در شهرهای مختلف پخش گردیده و هم چنین متن پیاده شده آن، در تیراژی وسیع چاپ و منتشر شد.

متن سخنرانی پر محتوی و پر شور و سوز خطیب دانشمند و دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقاي حاج شيخ حامد رضا معاونیان، در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در تاریخ دهم رمضان المبارک 1426 قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن راندن از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هم سهل است و هم صعب! چرا که کدام مسلمان است که نام این بانوی بزرگوار و حکایت ایثار بی مانند او و تأثیر آن در احداث، ابقاء و اقامه دین و اسلام را نشنیده باشد؟ و دشوار است چون با شخصیتی عظیم رویرو هستیم، که مات و مبهوت عظمت و جلال اویم.

به راستی با این زبان الکن و کوتاه مجال ما، چگونه می توان کمال و جلالش را بیان نمود:

بزرگ بانویی که هر گاه جبرئیل امین بر پیامبر نازل می شد، عرض می نمود، یا رسول الله! حاجتی دارم:

سلام من و پروردگارت را به خدیجه برسان و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در کمال ادب می فرمود:

إِنَّ رَبِّي هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَام. البته هر کسی از دیدگاه تحلیل شخصیت‌های اسلام، با عظمت این بانو رویرو می شود، اولین چیزی که چشم او را خیره می نماید، ایثار بی مانند آن بزرگوار است.

دار و ندار خویش را در ره یار باختم

بدین امید کز کرم، تا بکنند به دل قرار

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تاجر بود و به راستی تجارتي کرد که هرگز کهنه و نابود نمی شود! (1) زنی بود بسیار متمول و دارای حشمتی در قریش، خدم و حشم بسیار داشت، کاروانهای تجاری فراوان از آن او بود، زهی تجارت که او کرد. هستی خود را به پای سید ابرار ریخت و نثار کرد، بدون منت و بدون طلب مزد، اما چیزی را خرید که مگو و آن هم:

دل سید ابرار و محبت حبیب الله را! چندان که رسول خدا تا آخر عمر می فرمود:

هیچکس برای من خدیجه نمی شود!

ص: 45

محبت او در صمیم دل حضرت آنچنان جای گرفته است، که نه خدیجه را، بلکه دوستان و دوستداران خدیجه را هم دوست می دارد.

می دانید که همه، خیره به ایثار آن بانو هستند (که واقعاً هم خیره کننده است)، می بینیم آن همه ثروت را، با شیدایی نثار و ایثار می کند.

در لحظه اولین ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دار و ندار خویش را به پیامبر می بخشید و پیامبر هم بدون هیچ تعارفی، همه آنها را به «باد بقاء» می دهد. او چهارهزار، چهارهزار درهم اگر به پای پیامبر ریخت، پیامبر نیز همه را به این و آن داد، چندان که فرمود:

ثروتی به مانند ثروت خدیجه، برای من مفید فایده نیفتاد. «برای من» یعنی «برای اسلام» یعنی برای احیای دین، که پیامبر همه را خرج کرد و بخشید.

بانویی که روزگاری، بر سر او کنیزکان از پر طاووس سایبان می گسترانیدند قصرها داشت و خانه ها، با آن همه حشمت و ثروت، کارش به جایی رسید که سه سال در شعب ابی طالب، میان یک دژه سنگلاخ، در آن آفتاب سوزان حجاز و عربستانی، حتی لقمه نانی هم نداشت که بخورد و سایبانی که بیارآمد!

اهل تاریخ می دانند که در دو جا از حیات بزرگوار پیامبر، گرسنگی ظاهری ایشان را آزار داد:

اول:

در محاصره مدینه، در غزوه احزاب دوم:

در شعب ابی طالب، تا جایی که گاهی، سنگی با شال بر شکم مبارک خود می گذاشت، می بست و می فشرد که احساس گرسنگی نکند.

بانوی بطحا، سه سال تمام در غربت، گرسنگی و حالت وحشت، که هر آن امکان ترور پیامبر وجود داشت، بدون نانی، سایبانی و آبی برای خوابانیدن عطش به سر برد و همین بود که بعد از گذشت سه سال، این بانوی بزرگ از شدت شکنجه و رنج نحیفه شد و به راستی به شهادت رسید.

همگان می دانند اگر شکوه نبرد ذوالفقار علی عَلِيهِ السَّلَام و انبوه ثروت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام نمی بود، نه از اسلام اسمی می ماند و نه از قرآن رسمی! به راستی آن یک پشتوانه مالی بود و آن یک پشتوانه نظامی، برای دین خدا و رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا ما مسلمان شدیم. اسلام ما به یقین همان اندازه که مرهون نبرد و رزم علی عَلِيهِ السَّلَام است، به همان اندازه، مدیون ثروت خدیجه است، نه ثروت او، بلکه ایثار او.

مسلماني ما وامدار «لَصْرَبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» است (که اگر آن ضربت نبود، آن روز که همه ايمان در مقابل همه کفر روبرو ايستاده بودند، خبري از جان جانان نمي ماند، تا چه رسد به فرقان او) و هم بدهکار انفاق خديجه عَلِيْهَا السَّلَام است، که اگر ثروت او نمي بود، باز هم از ايمان و قرآن اثري نبود، پس ما مسلماني خود را مديون اوييم و اکنون از خود پرسيم که چقدر ممنون اوييم؟

اگر گبر و آتش پرست نيستيم، اگر حقيقت توحيد را مي بينيم و ره بيگانه نزديم، اگر از هفتاد و دو ملت شمرده نمي شويم، بلکه «فرقه ناجيه» هستيم، به برکت حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام و امير المؤمنين علي عَلِيْهَا السَّلَام است، همين دو و بس و البته وقتي به اين نکته مي رسيم مي بينيم:

گر خواجه شفاعت نکند روز قيامت

بايد که ز مشاطه نرنجيم که زشتيم

از رسول خدا و خديجه کبري شرمنده ايم! چرا که در بزرگداشت بانوي بزرگ اسلام، قاصر، نه که مقصريم، کوتاهي ها کرده ايم، در نکو داشت نام و ترويج مرام او، که مرام بانواني است ولايت مدار، که هستي شان را فدائي خاتم النبیین و اميرالمؤمنين مي کنند.

اين فرخنده زن که نه تنها همسر و همدم رسول خدا بوده، بلکه تنها رحم پاك و منزه او را خدا در تقدير خود انتخاب کرده بود، تا لَوْلَئِي يَكْتَا و گوهر والايي را که در خزانه خود داشت، بپروراند و خديجه را به عنوان پاکترين صدف برگزيند.

طاهره قريش، سرچشمه کوثر بود و که مي داند کوثر چه خير کثيريست؟

خدای متعال حکيم است و عادل و حکيم عادل وضع شَيءٍ فِي مَوْضِعِهِ مي کند و هر چيز را به هر کس نمي دهد. فيض حق را قابليت لازم است و اين چه رحم قابلي بوده، که نور زهراي مطهر اطهر را شايستگي داشت، که خدا به او بدهد.

سرّ اين موهبت چيست؟

سرّش اينست که او هر چه داشت در راه خدا داد و خدا هم بهترين آنچه را که در خزانه داشت به او داد، که «إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ».

از اسامي مقدس ذات حضرت حق شاکر است، اگر کسي قدمي در راه حق برداشت، خداوند فوراً جبران مي کند.

خديجه هستي اش را در راه حبيب الله

داد، خدای متعال هم حبیبه ی خودش را به او داد، چندان که این دختر بی مانند هستی، در رحم مادر هم انیس و مونس جان او بود، آقای رحمانی همدانی در کتاب «فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى» از مدارك عامه و اهل سنت، از عالمی شافعی نقل کرده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر خدیجه وارد شدند، در خانه کسی نبود و رسول الله مشاهده فرمودند، خدیجه مشغول صحبت است، فرمودند:

با چه کسی صحبت می کنی؟

عرض کرد:

این جنین که در شکم من است با من سخن می گوید و در ایام غربت شما مرا تسلی می دهد.

فرمودند ای خدیجه خوشنود باش! ای که هستی ات را در راه من دادی، خوشنود باش! این دختر است که از او یازده نور به جهان خواهند آمد.

اما و صد اما، که خدیجه گر چه این است، اما نه همین است، بلکه بسیار فراتر و بالاتر از اینست. مطلب بسیار بالاتر از ایثار دار و ندار و انفاق ثروت است!

چرا و چگونه؟ چون که می دانید فرزندان آدم و آدمیان، این چنین نیستند که همیشه هم سن، یا هم عصر خود باشند. روانشناختی انسان را که نگاه کنید:

برخی از سن خود بزرگترند، کسانی هم سن و سال خویشند و بعضی کوچکترند، برخی عمری را سپری کرده اند، ولی هنوز در ایام کودکی اند و افرادی نیز در ایام جوانی، به مانند پیران، متین و وزین اند، پس این چنین نیست که هم سن و هم عصر خود باشند. نیز برخی از افق دیدشان، فراختر از زمان حال بوده و دید وسیعتری داشته اند و جهان بینیشان بسیار گسترده تر از ظرف مکان و زمان خود بوده و کسانی که هم سن خود هستند، معاشرت با هم سن و سالان خود برایشان راحت تر خواهد بود، اما کسی که دید و افق او بالاتر بود و در ظرف مکان و عصر خود جای نشد، رنج خواهد برد، چرا که اطرافیانش نخواهند توانست او را دریابند، چیزی که او می بیند را نمی توانند ببینند.

هر که هشیارتر رخ زردتر

هر که او بیدارتر بیمارتر

در حدیثی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند صَدِيقُ الْعَاقِلِ التَّعَبُ: همنشین و همراه مرد خردمند، همیشه رنج است، چرا که مرد خردمند دید و

افتش در سطحي است، که اطرافيان نمي توانند او را دريابند، چون او پيشتاز است و آنها افتاده در راهند، پس مزاحم اويند و نمي توانند عظمتش را دريابند و از همين رو، ممکن است به او طعنه زده و مسخره اش کنند.

تمام بني آدم در اين خاک و در اين زمين خاكي بيگانه اند، چه برسد به انسان کامل! چه رسد به سر سلسله رُسل، چه برسد به عقل کل. آن مرغ باغ ملکوتي که نبود از عالم خاک نبي بود، او بود که چند روزي قفسي ساخته بودند تنگ از بدنش. او ملک بود؟! نه! ملک کجا و او کجا! رسد آدمي به جايي که به جز خدا نبيند. جبرئيل در معراج از همراهي او فرو ماند و گفت:

اگر بال ديگري زده و به اندازه بند انگشتي بالاتر بيايم آتش خواهم گرفت. او کسيست که جبرئيل و میکائيل خُدام درگاه اويند؛ مگر از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده؟ از عرش به فرش آمده است و آمده تا که تقرير کتاب و حکمت کرده و ما را پاک و منزه نمايد، پس اصولاً خاتم انبياء و حبيب خدا، بر روي زمين غريبه است.

اينجا خانه او نيست، سرسرای او سراي ديگري ست. زمين تبعيدگاه اوست و تنها براي تعليم زمينيان آمده است.

اگر بعثت وي به جاي اينکه در جاهلانۀ ترين قوم و در بدترين نقطه آب و هوايي جهان بود، در جاي ديگري مثلاً در روم مبعوث مي شد و به آکادمي هاي فلاسفه وارد مي شد، يا به جندي شاپور ما آمده و همگي بر زانو نشسته و از محضرش بهره ها مي بردند، باز هم در بين آنها غريبه بود، چرا که افق ديد او در جاي ديگري بود، چون روح او بالاتر از عالم مُلک بود.

بنگرید کسی که در درّه اي سنگلاخ به دنيا آمده و به ظاهر شخصي عامي است، در همان روز اول بعثت خود مي گوید:

دين من ديني جهاني است و مهدي عَلَيْهِ السَّلَام دارم، که عالم را از عدالت پر خواهد کرد. اين ديد ديد بسيار وسيع و بزرگيست. کسي که آمده ديد بشر را باز کند، که اي برادر تو همه اندیشه اي، آمده بگويد که: شما با مرگ تمام نمي شويد، بلکه جاودان هستيد. چنين شخصيتي، حتي اگر از بزرگان، دانشمندان، حکما و فلاسفه جهان مي آمدند و دستش را بوسيده و مي گفتند «لطف آن چه تو انديشي! حکم آن چه تو فرمايي!» باز هم

غریب بود، چه برسد به آنکه در بین قومی آمد و مبعوث شد، که می گفتند:

«يا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (1) و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.!

او که سراسر شفقت بود، می سوخت برای این که خلق هدایت شوند و خوابش نمی برد که: غم این خفته، چند خواب در چشم ترم می شکند.

حال بگو چه کسی می توانست او را در آن بیابان حجاز، در آن درّه های سنگلاخی و در آن قوم جاهلی درک کند؟ کسی نبود! هیچکس او را درک نمی کرد و زبان حالش این بود که:

مردم اندر حسرت فهم درست.

آنان گاهی ساحرش می خواندند و مردم ان، زمانی مجنونش گفتند. از خانه که بیرون می آمد، خاکروبه ها بر سرش می ریختند. او را در لحظه اول دعوتش سنگسار کردند، تا جایی که از کوه بالا رفت و از پیراهن مبارکش خون می چکید و وقتی که فرشتگان خواستند اجازت بدهد، تا آن مردم را عقاب کنند، با نهایت شفقت فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»! با این همه درکش نمی کردند.

ابن عاص پلید (مظهر حيله، مکر، کینه و شرک) هفتاد بیت شعر در هجو، مسخرگی و استهزاء او سروده بود و به کودکان مکه آموخت که هر گاه از خانه بیرون آمد، به دنبالش بدوید، مانند دیوانگان سنگش بزنید و این اشعار را بخوانید.

و او، این روح بیکران، چقدر دردمندانه و چقدر غریبانه می زیست! در آن بیابان غربت و در آن اوج بی کسی، هیچکس را نداشت، مگر یک نفر زن: خدیجه. خدیجه نه به عنوان یک همسر، نه به عنوان جفت زناشویی و زن خانه، بلکه برای اینکه تنها او می توانست این همای عرش نشین را درک کند.

به راستی فقط او می توانست پیامبر را با روح بزرگش دریابد و رسول الله در هیچ کجا آرام نمی گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره و این آرامش نه جسمانی بود و زمینی، که روحانی بود و آسمانی.

ص: 50

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

نه چون محبت يك شوي به همسرش و نه مردی به جفت اش، بلکه فراتراز اینها

این محبت زان محبتها جداست

حب محبوب خدا، حب خداست

شاعری شعری زیبا سروده، در حکایت حال امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام می گوید:

هر کجا بودم امیدم خانه بود (وقتی با نهایت خستگی می آمدم)

فاطمه بر روی من در می گشود

خنده های دلگشا، یادش به خیر!

به راستی مادر فاطمه هم برای رسول خدا این چنین بود، پشت در همیشه در انتظار، که سید ابرار بیاید، تا در را باز کرده، گرد و غبارها و آلودگی ها را از لباس پیامبر بزدايد. زمانی بر سر و روی مبارک پیامبر شکمبه پر از آلودگی يك شتر را انداختند و این گستاخی چقدر دردآور بود، ولی چون که می آمد، خدیجه در را باز می کرد و با يك دریا محبت پیش آمده، گرد و غبار و کدورت هایی را که بر روی این مرآت الله، از این همه جفا و جاهلیت نشسته بود، می تکاند، یعنی که اگر هیچکس یارت و غمگسارت نیست، من هستم. همچنان که دخترش به امیرالمؤمنین می گفت:

اگر همه مدینه به تو جفا کردند، برای همسرت فرقی ندارد، برای من امیرالمؤمنینی! خدیجه هم می گفت:

یا رسول الله! اگر هیچکس دعوت تو را نمی پذیرد، این همه جسارت به تو می کنند من همراه توأم و اولین ایمان آورنده به تو! آری این خدیجه است.

ما عظمت خدیجه را در ثروتش نمی دانیم، عظمت خدیجه را فقط در این نمی دانیم که او پشتوانه مالی پیامبر بود، بلکه به راستی، او بهترین پشتوانه روحی پیامبر بود.

بهترین تعبیری که می توانم گفت، اینست که، خدیجه دلارام پیامبر بود، پیامبر با او آرام می گرفت. رسول خدا تا آخرین لحظه های عمر، هر گاه اسم خدیجه را می شنیدند اشک می ریختند، آنقدر نام او را می برد که عایشه به اعتراض گفت:

یا رسول الله! چقدر یاد خدیجه می کنی!؟

فرمود:

عایشه ساکت باش! هیچکس برای من خدیجه نمی شود و چنین بود که هر از گاهی وقتی گوسفندی ذبح می کردند، می فرمود:

گوشتش را بین دوستان و دوستاناران خدیجه توزیع کنید.

ص: 51

خدیجه عَلَیْهِ السَّلَام حالت شیدایی عجیبی نسبت به پیامبر داشت، تا جایی که او خود خواستگار پیامبر بود.

کسی را واسطه قرار داد که چون رسم و رسوم مردمان این است، بگوید محمد به خواستگاری من بیاید و وقتی آمدند پیامی برای ابی طالب فرستاد که مهر و صدق بر عهده ی خودم و این مقدار درهم و دینار را به عنوان مهر من بپذیرد و هنگامی که ابی طالب در مجلس خواستگاری بلند شد و فرمود، مهر چنین است و آن را عروس خانم بر عهده خود پذیرفته است

ابولهب بلند شد و به طعنه گفت:

از کی تا به حال مهر را زنان می پذیرند؟!!

ابی طالب فرمود:

خموش باش! اگر کسی به مانند محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ باشد، می شود که همه زنان برای او جان دهند، تا چه برسد که مهر خود را ببخشند.

آن همه اظهار محبت‌های بی تابانه، که پیامبر به فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام می کرد، یکی این بود که «إِنَّ اللّٰهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ فَاطِمَةَ» و دیگر اینکه فاطمه پاره جانش بود.

سوم اینکه می فرمود:

فاطمه روح میان دو پهلوی من است.

آخر آن که: بوی گل را از که جویم از گلاب! رسول اللّٰه، در فراق خدیجه با بوئیدن و بوسیدن فاطمه، به خود آرامش می داد. از همین رو حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

پیامبر تا فاطمه زهرا را نمی بوسید، شب به خواب نمی رفت. باید حتماً می آمدند زهرا را می بوسیدند، مدّتی سر بر سینه او می گذاشتند و او را می بوئیدند، تا آرامش پیدا نموده و بعد می رفتند.

آری پیامبر هم، این همه شیدای خدیجه و فاطمه او بود، اما خدیجه، چون محبتش محبتی الهی است، محبت زمینی و عشق مجازی نبوده و فراتر از این هاست و چون پیامبر را خوب درک می کند، با این همه بی تابی که نسبت به پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ داشت، هر سال که یکی دو ماه رسول اللّٰه در خلوت خود در غار حراء به سر می برد، یک مرتبه هم اعتراض نکرد و فقط اطاعت می کرد و همراهی. وقتی هم پیامبر بر می گشتند، با رویی گشاده، با آغوشی باز، از ایشان استقبال می کرد.

هنگامی هم که به پیامبری برگزیده شدند و فرمودند:

من رسول خدایم، من

مبعوث شده ام، خدیجه نگفت:

به چه دلیل؟ عجب! بلکه گفت من از آغاز می دانستم! به راستی این روح چقدر پر درک بوده است؟!

امیرالمؤمنین به یاران و مردمان گله می فرمودند، که من از شما خسته شده ام و شما از من، من را امروز نمی شناسید و فرداها خواهید شناخت. این خانم که بود که اُستادِ امیرالمؤمنین، حضرت سید المرسلین را خوب می شناخت و درک می کرد. شایان ذکر است، آنچه که ما در وصف خدیجه گفتیم، در حد عقل و درک قاصر ماست، خدیجه شناسی را زمانی باید، که امام عصر عَلَیْهِ السَّلَام صبح دولتش بدمد، در کنار مسجد الحرام، منبری گذاشته شود و او بگوید خدیجه که بود!

این تعبیر نیز که بگوییم:

خدیجه اشرف زوجات الرسول است، تعبیر خیلی مناسبی نیست، چرا که هر چند در میان زوجات رسول الله، زنان بزرگی چون ام سلمه و ... داریم، ولی گمان نمی کنم بتواند این قیاس، عظمت خدیجه را نشان دهد که بگوییم:

خدیجه اشرف است.

اینها همه کنیزکان خدیجه هستند، خدیجه ای که حق بر او عرض سلام می کند کجا؟! آنان کجا؟ خدیجه ای که مرحوم محدث قمی، صلواتی را بر معصومین، از حضرت امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند، که در مقطعی از آن، در زمره معصومین و در این سلسله طیبه، صلوات بر خدیجه کبری آمده است.

خدیجه ای که در نیایش صبحگاهان آدینه خطاب به حجة بن الحسن عَلَیْهِ السَّلَام می گوید:

و ابن خدیجة الغراء! یعنی:

می سزد که تو یا مهدی به خود ببالی که فرزند خدیجه ای. خدیجه ای که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام روز عاشورا می گفت:

أنا ابنُ خدیجة الکبری. بنا بر این دیگر زوجات رسول الله با وی قابل مقایسه نیستند. آری این چنین است که ما به راستی در بزرگداشت نام و یاد همچون او کوتاهی کرده ایم و همّتی باید که جبرانی کنیم.

نکته ای دیگر اینکه، ما به عنوان یک چهارم مسلمانان دنیا، آیا حق مطالبه را نداریم که پرسیم، چرا قبور اولیاء و ابناء رسول الله را در بقیع سالیانی پیش این چنین ویران کردند؟ و چرا مطالبه ای برای آبادانی قبور آنها نمی شود؟ بدانید اگر چنین تقاضاهایی در سطح دنیا زیاد باشد، یقیناً بی تأثیر نخواهد بود.

چرا که امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

«کسی که به دنبال طلب چیزی برود، یا به

همه آن چیز می رسد یا لااقل به اندکی از آن (1)» و همچنین قبر خدیجه کبری و قبر سرآمد اُمّ المؤمنین ها، چه بگویم، خدیجه کبری را اُمّ المؤمنین بنامم؟ (که البته هست) اما او اُمّ سیدّة نساء العالمین است، اُمّ الائمه المعصومین است، او کافله امیرالمؤمنین است، او بود که برای امیر مؤمنان مادری کرد، هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیّ السّلام را در شش سالگی، به بهانه قحطی به خانه ی خود آورد و به خدیجه سپرد.

آری این خدیجه بود با آن همه شیدایی! ببین شیدایی و بی تابي او تا به کجا رسیده، که چقدر مؤدبانه، چقدر ملتسانه، چقدر خاضعانه، هنگام رحلتش، خود هم به رسول الله نگفت، بلکه به دختر پنج ساله اش، زهرا علیها السّلام گفت:

به پدرت بگو:

مَنّتی بر من بگذارد، من که از دنیا رفتم، خواهشی دارم و آن اینکه من را در پیراهن خود کفن کند.

! زلیخا کجا، یوسف کجا؟ و این عشق های مجازی زمینی کجا؟ بیا بنگر که عشق الهی اینجاست (2).

تو گویی می گوید:

آنقدر دلبنده حبیب رسول خدایم، که می خواهم در قبر هم با پیراهن یوسف باشم، در قبر هم بوی او را استشمام کنم و بعد هم ملتسانه از رسول خدا خواهش کرد که، منت بگذار و من را بادت خودت کفن کن و پیامبر هم همین کار را کرد، جز اینکه فرمود در هنگام احتضار خدیجه، زهرا را بیرون برید که حاشا مادر دهد جان و کُند دختر تماشا!

دختر پنج ساله اش زهرا علیها السّلام را از خانه بیرون بردند، تا این لحظه را نبیند، در همان لحظه آخرین هم خداوند بر او سلام فرستاد و او جواب سلام خداوند خود را داد. پیامبر با یک دنیا اندوه، بدن مطهر خدیجه را برداشته دفن کرد و به خانه آمد. تمامی غمهای عالم به دلش نشست، زهرا پیش آمد؛ در چشم پدر غم می بیند و اشک، در اتاقهای خانه خبری از مادر نیست، پیراهن عربی پدر را گرفت و تکان می داد. می گریست و می گفت:

ابتاه این امّی (پدرم، مادرم)

ص: 54

1-10. مَنْ طَلَبَ شَيْئاً نَأَلَهُ أَوْ بَعْضَهُ.

2-11. حتی تعبیر عشق هم در اینجا زیبا نیست، که امری بالاتر و فراتر از اینهاست.

آنقدر که پیغمبر بیچاره شد، ماند که به دخترش چه بگوید؟ جبرئیل به کمک پیامبر آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! آمده ام کمکتان! خدایت می فرماید:

زهرا را بر روی زانویت بنشان و بگوزهرا جان خدا به تو می گوید برای مادرت قصری از یاقوت سرخ درست کرده ایم و در بهشت پیش ماست، جایش راحت است و دل دختر آرام گرفت.

بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام در شهرستان کرج

برخی از علاقه مندان به حضرت خدیجه علیها السلام در سال 1426 فعالیت مخلصانه ای را در شهر کرج در بزرگداشت آن بزرگوار انجام دادند که پایه گذاری یک حرکت بسیار وسیع در سال 1427 گردید.

در این سال ستادی برای بزرگداشت تشکیل گردید که موارد بسیار جالبی را به اجرا در آوردند که از جمله آنها است:

- 1- ایراد سخنرانی مفصل راجع به حضرت خدیجه قبل از نماز جمعه اولین جمعه ماه مبارک رمضان.
- 2- اطعام و افطاری به یتام و نیازمندان در شب وفات، در سطحی گسترده.
- 3- ارسال سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ راجع به حضرت خدیجه، به همه ادارات شهر
- 4- توزیع پرچم و پوستر و کتاب و سی - دی مربوط به حضرت خدیجه در مساجد
- 5- ارسال کتاب «سرچشمه کوثر» به شاخه های کمیته امداد و کلیه مدارس آموزش و پرورش چهار ناحیه شهر جهت برگزاری مسابقه خدیجه شناسی.
- 6- برگزاری مسابقه مقاله نویسی با موضوع حضرت خدیجه در سطح مدارس.
- 7- برگزاری مراسم بزرگداشت حضرت خدیجه، ویژه دانش آموزان دختر دبیرستانی همراه با اهداء کتاب و سی - دی و تکریم کسانی که نام خدیجه دارند و برگزاری مسابقه در جمع حاضر در مراسم.
- 8- برگزاری ویژه برنامه، مربوط به حضرت خدیجه، در مراسم صبحگاهی و برنامه نماز ظهر و عصر، در روز وفات آن حضرت، در کلیه مدارس و ادارات آموزش و پرورش.

9 - برگزاری مسابقه خدیجه شناسی در سطح عموم مردم

10 - بزرگداشت حضرت خدیجه در تابلوهایی شهر

11 - برگزاری مراسم ویژه شب و روز وفات، در مساجد، ادارات، مدارس.

12 - پخش برنامه میزگرد و مسابقه خدیجه شناسی در رادیو کرج.

جالب است که بدانیم، دست اندر کاران برنامه، دامنه فعالیت بزرگداشت را به شهرهای نظر آباد، شهریار، رباط کریم، ساوجبلاغ و ... کشانیدند.

فعالیت های انجام شده در شهر کرج، می تواند راهنمای خوبی برای دیگر شهرها و مناطق کشور باشد.

برنامه بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سایر شهرها

گفتگوهایی انجام شده و ارسال پرچمها و پوسترها به شهرهای گوناگون، حرکت نورانی بزرگداشت حضرت خدیجه را در عموم شهرها و روستاها، مطرح نمود و با تفاوت هایی در کمیّت و کیفیت برگزاری مراسم، در زمینه تجلیل از عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پایه گذاری های خوبی انجام گرفته است، که می تواند در سالهای بعد گسترده و فراگیر شود.

گزارشی و اشارتی و سفارشی

نویسنده محقق و جامع و پژوهشگر، دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام حضرت حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، که از ابتدا حرکت نورانی «بزرگداشت حضرت خدیجه» با قلم و اندیشه، همت و پشتکار، تشویق و حمایت خود، در راه بزرگداشتن مقام حضرت خدیجه، مجدّانه و پیگیرانه اقدام نمودند، در مقاله ای زیبا، گزارشی اجمالی از این حرکت نورانی ارائه نموده اند و اشاره ای به فضائل گسترده و برجسته حضرت خدیجه داشته اند و در پایان، سفارشات جامع و پیشنهاداتی به همه اصحاب قلم و قدم و صاحبان ذوق و هنر و دست اندر کاران کارهای بزرگ علمی و دینی و اجتماعی، ارائه نموده اند، که شایان توجه می باشد و اینک متن مقاله یاد شده:

ص: 56

در اوایل ماه مبارک رمضان 1426 ه که برای تبلیغ و ترویج معارف اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام در تهران بودم، یکی از خدمتگزاران صدیق اهل بیت از اصفهان تماس گرفته اظهار نمود:

دوستان اهل وفا از اخلاصمندان آل عبا، تصمیم گرفته اند که روز دهم رمضان به مناسبت سالروز ارتحال ملکه ي اسلام، حضرت خدیجه ي کبری عَلَیْهَاالسَّلَام همایش شکوهمندی در تهران و اصفهان برگزار کنند، به این منظور قرار شده نوشتاری در این زمینه تهیه شود و شما را برای انجام این مهم در نظر گرفته اند.

با تمام ذرات وجودم پذیرا شدم، ولی گفتم زمان بسیار محدود است، گفتند:

در حد امکان.

به منزل صدیق ارجمند، محقق بزرگوار، استاد اهری رفته، از کتابخانه ي نفیس و غنی ایشان بهره جستیم، جزوه اي تحت عنوان: «سرچشمه ي کوثر» تهیه گردید.

هر بخشی که مهیا می شد به اصفهان فاکس می کردم، عزیزان تایپ کرده با فاکس می فرستادند، اغلاط تایپی اصلاح شده، برگشت داده شد.

سر انجام این نوشتار در کمتر از 24 ساعت فراهم شد و پیش از فرا رسیدن روز وفات حضرت خدیجه در تیراژ وسیعی منتشر شد، که باید به دوستان با همت و پر تلاش اصفهانی دست مریزاد گفت.

شب ارتحال حضرت خدیجه به اصفهان رفته، مصاحبه اي با سیمای اصفهان انجام دادم که در سطح استان پخش شد.

پس از همایش باشکوه اصفهان، همایش باشکوه دیگری در یکی از تالارهای مهم تهران برگزار گردید.

در این همایش جمعی از عالمان خدمتگزار، محققان تلاشگر، شاعران متعهد و مادحان اخلاصمند حضور داشتند، که پس از صرف افطار از برنامه هاي جالب و جاذب، به ویژه سخنرانی خطیب ارجمند «استاد معاونیان» که از مشهد

مقدس به این منظور به تهران آمده بود، استفاده شد.

گروهی از تلاشگران تأثیر گزار «صدا و سیما» در این همایش، با اجرای برنامه های سودمند، حاضران را در فضایی معنوی پر شور قرار دادند.

در کرج و اطراف آن مسابقه هایی پیرامون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام برگزار شد و جوایز ارزنده ای تقدیم گردید.

رمضان 1427 که مصادف با «یک هزار و چهارصد و سی امین سال» ارتحال بزرگ ملکه ی اسلام بود، کتاب «سرچشمه ی کوثر» باز نویسی شده، در تیراژ وسیعی تجدید چاپ شد.

کتاب ارزشمند دیگری شامل مدایح و مراثی مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تهیه شده، تحت عنوان: «غروب ماه حجاز» چاپ و منتشر شد.

آثار دیگری در شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خریداری شده، به 36000 مدرسه از مدارس کشور ارسال گردید.

تابلوهای فراوانی به صورت پوستر، پلاکارد، کارت پستال تهیه شده، در چند استان توزیع گردید.

پرچمهای جالب و چشم نوازی تهیه و توزیع گردید.

مصاحبه ای دیگر با شبکه ی اول انجام گرفت و در پگاه دهم رمضان در آستانه ی طلوع فجر، که همه ی عزیزان روزه دار بیدار بوده، مشغول تهجد، نماز شب، تلاوت قرآن، دعای افتتاح، ابو حمزه و غیره بودند و چشم به راه طلوع فجر و ندای ملکوتی اذان صبح بودند و لذا دیده ها به صفحه ی تلویزیون دوخته شده بود و می توان گفت که آن لحظه پر بیننده ترین لحظات سیما در طول شبانه روز بود، این مصاحبه پخش شد و مورد توجه دلهای شیفته و شیعیان دلسوخته ی اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام قرار گرفت.

آثار و برکات بزرگداشت:

و اینک با گذشت دو سال تمام از نخستین همایش حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به قسمتی از آثار پر بار این همایش می پردازیم:

1. فرهنگسازي براي گرامي داشت حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام براي هميشه، در ايام ارتحال آن حضرت.
2. چاپ و نشر كتابهاي مربوط به آن حضرت در بسياري از استانها.
3. چاپ و نشر انواع پوستر، پلاكارد و برچسب.
4. چاپ و توزيع پرچمهاي مزين به احاديث مربوط به آن حضرت.
5. تجليل و گرامي داشت آن ملكه ي اسلام، در ايام وفاتش از صدا و سيما.
6. ثبت تاريخ وفات آن حضرت در همه ي تقويمهاي کشور.
7. اختصاص سخنراني خطبای ارجمند سراسر کشور، در آن ايام به آن حضرت.
8. گسترش چشمگیر نامگذاري نوزادان دختر با نام نامي و ياد گرامي آن حضرت 9. تبادل پيامهاي کوتاه تسليت ارتحال آن حضرت، به وسيله ي تلفن، تلگراف، اس. ام. اس و غيره.
10. نامگذاري بسياري از مراکز فرهنگي با نام نامي آن حضرت.
11. چاپ و نشر مقالات علمي در جرايد و مجلات کشور، پيرامون شرح زندگاني حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام و تاريخچه ي تخريب گنبد و بارگاه آن حضرت در «جنة المعلا» به سال 1384 هـ توسط وهابيان بد سرشت.

آموزه هاي سرچشمه ي کوثر

دُرهاي شاهوار فراواني در كتب تفسير، حديث، تاريخ و سيره، پيرامون ملكه ي اسلام، سرچشمه ي کوثر، همسر پيغمبر، مادر گرامي حضرت زهراي اطهر آمده است، که پژوهشگران را به کار آيد، شيفتگان را به وجد آورد، بر تارك صفحات زرین تاريخ جاي گيرد.

اشاره اي به نکات برجسته ي زندگي حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام

و اينک نکات برجسته اي که از شرح زندگاني حضرت خديجه، کمتر مورد توجه قرار مي گيرد را، در اينجا يادآور مي شويم:

- 1 - حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ 25 ساله بود (1)
- 2 - حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به هنگام ارتحال 50 ساله بود، که 25 سال آن را خدمت پیامبر اکرم سپری کرده بود (2)
- 3 - حضرت خدیجه قبل از پیامبر اکرم با هیچکس ازدواج نکرده بود (3)
- 4 - از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ تنها يك دختر به یادگار مانده، که حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ بود (4)
- 5 - پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تنها يك داماد داشت، که مولاي متقیان امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ بود (5)
- 6 - زینب و رقیه دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه بودند. (6)
- 7 - مهریه ی حضرت خدیجه 5 / 12 اوقیه (برابر 500 درهم) بود (7)
- 8 - حضرت خدیجه 4000 دینار به محضر پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرستاد، که آن را به خانواده ی حضرت خدیجه به عنوان مهریه تقدیم نماید (8) ولی پیامبر اکرم فقط 500 درهم از آن را به عنوان مهریه فرستاد، تا مهر السنه باشد (9)

ص: 60

-
- 1-12. بلاذري، انساب الاشراف، ص 98؛ ذهبي، سير اعلام النبلاء، ج 2، ص 111؛ حلبي، سيره حليبه، ج 1، ص 140؛ ابن عساکر، مختصر تاريخ دمشق، ج 2، ص 275.
 - 2-13. ابن كثير، البداية و النهاية، ج 2، ص 359.
 - 3-14. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، ج 1، ص 159، كوفي، الاستغاثه، ج 1، ص 70؛ حصيني، الهداية الكبرى، ص 45؛ اصفهاني، دلائل النبوه، ص 178.
 - 4-15. حصيني، الهداية الكبرى، ص 179.
 - 5-16. خوارزمي، مقتل الحسين، ج 1، ص 109.
 - 6-17. مجلسي، بحار الانوار، ج 22، ص 191.
 - 7-18. طبرسي، اعلام الوري، ج 1، ص 275.
 - 8-19. كليني، الكافي، ج 5، ص 374.
 - 9-20. علامه حلي، القواعد، ج 3، ص 73.

9. حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر دختر و دوشیزه بود (1) حضرت ابوطالب نیز در خطبه ی خود گفت:

برادرزاده ام از دختر شما که بانویی با فضیلت، مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلند جایگاه است، خواستگاری می کند (2)

10. شایعه ی ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با دو تن دیگر، پیش از پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تحریف عمده ی تاریخ است، برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری که پیامبر اکرم با آن ازدواج کرده است، چنانکه طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین» منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی، برای مولای متقیان، امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام می باشد.

فضایل ویژه ی حضرت خدیجه

در میان همسران پیامبر، بلکه در میان بانوان جهان برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام فضایل ویژه ای هست که به شماری از آنها در اینجا فقط اشاره می کنیم:

1. خداوند منان در کلام قدسی از او به «مبارکه» تعبیر نموده است (3)

2. خداوند متعال هر روز چندین بار با وجود حضرت خدیجه به ملائکه ی مقرب مباهات می کند (4)

3. پیک وحی درود و تحیت پروردگار را به خدیجه کبری ابلاغ می کرد. (5)

4. در عهد جاهلی حضرت خدیجه به «طاهره» ملقب بود (6) و آن به جهت

ص: 61

1-21. آیه اللّهُ شیرازی، امّهات المؤمنین، ص 90.

2-22. مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 216.

3-23. محدث قمی، کحل البصر، ص 70.

4-24. مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 243.

5-25. بخاری، الصحيح، ج 5، ص 112.

6-26. ابن حجر، الاصابه، ج 4، ص 281.

شدت عفت و پاکدامنی او بود (1)

5. پیامبر اکرم صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ او را «صدیقه» تعبیر می کرد (2) و آن به معنای داشتن بهره ای از مقام عصمت می باشد (3)
6. پیامبر اکرم در همه ی امور با او مشورت می کرد. (4)
7. به نقل ابن بطوطه خانه ی حضرت خدیجه به «قبة الوحی» شهرت داشت. (5)
8. پیامبر اکرم حضرت خدیجه را برترین «ام المؤمنین»ها (6) و برترین بانوی امت خواند. (7)
9. حضرت خدیجه در بهشت نیز افتخار همسری پیامبر را دارد. (8)
10. امیر مؤمنان در سوک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام چکامه ای سروده، از او به عنوان: «سَيِّدَةُ النِّسْوَانِ» تعبیر کرده است (9)
11. پیامبر اکرم در ارتحال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به قدری اندوهگین شد که برای سلامتی آن حضرت احساس خطر شد (10)
12. حضرت خدیجه به قدری به امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام محبت داشت، که در میان مردم عَلَیِّهِ السَّلَام را «نور چشم خدیجه» می خواندند. (11)

ص: 62

-
- 1-27. زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، ج 1، ص 199.
 - 2-28. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 87.
 - 3-29. کلینی، الکافی، ج 1، ص 459.
 - 4-30. ابن جوزی، تذکره ی الخواص، ص 312.
 - 5-31. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.
 - 6-32. سیلاوی، الانوار الساطعه، ص 7.
 - 7-33. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 87.
 - 8-34. طبرانی، المعجم الکبیر، ج 22، ص 376.
 - 9-35. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 70.
 - 10-36. طبرانی، همان.
 - 11-37. مسعودی، اثبات الوصیة، ص 144.

13. پیامبر اکرم خطاب به حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام می فرمود:

خداوند بطن مادرت را به عنوان وعاء امامت برگزید. (1)

14. ایمان آوردن حضرت خدیجه در نخستین لحظات مشاهده نور نبوت، نشان عقل وافر و عزم راسخ آن حضرت بود (2)

15. خداوند منان کاخ حضرت خدیجه را به پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرضه داشت. (3)

16. پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ همواره از ایثار و فداکاری حضرت خدیجه یاد می کرد و می فرمود:

خداوند از او برای من فرزند عطا کرد و دیگر همسرانم را محروم نمود. (4)

17. به هنگام فتح مکه، چادر فرماندهی خود را در کنار قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نصب کرد. (5)

18. در روز رستاخیز 70 / 000 فرشته با پرچمهای مزین به گلازه ی: «اللّهُ اکبر» به استقبال حضرت خدیجه می شتابند. (6)

19. فرزانه ی قریش با هوش سرشار و مغز اقتصادی بی نظیرش، برای جوانان قریش اشتغال درست می کرد، سرمایه در اختیار آنها قرار می

داد و به صورت مضاربه آنان را به تجارت وا می داشت. (7)

20. پیامبر اکرم هرگز برای احدی اجیر نشد (8) و حضرت خدیجه آن حضرت را در رأس کاروان تجارتي خود به دمشق می فرستاد.

ص: 63

1-38. ابن شهر آشوب، همان، ج 3، ص 383.

2-39. ابن حجر، فتح الباری، ج 7، ص 134.

3-40. عبدالرزاق، المصنّف، ج 10، ص 154.

4-41. ابن حجر، همان، ص 137.

5-42. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 3، ص 55.

6-43. ابن شهر آشوب، همان، ج 4، ص 170.

7-44. ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 170.

8-45. یعقوبی، التاریخ، ج 2، ص 16.

پیشنهاداتی به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه

و اینک در پایان این مقال چند پیشنهاد در رابطه با گرامی داشت حضرت خدیجه تقدیم می گردد.

1. از همه ی خطبای ارجمند می خواهیم که شب دهم و یازدهم ماه رمضان را به ذکر فضائل، مناقب، سیره، شخصیت و دیگر ابعاد وجودی آن حضرت اختصاص دهند.
2. از همه ی روزنامه های متعهد کشور می خواهیم که ضمیمه ای به آن حضرت اختصاص دهند.
3. از همه ی ارباب جراید می خواهیم، بخشی از مجله و صفحه ای از روزنامه ی خود را به آن حضرت اختصاص دهند.
4. از صدا و سیما می خواهیم که با پخش برنامه های مفید در ایام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، دین خود را به آن بانوی بزرگ ادا کنند.
5. از ارباب قلم می خواهیم که هر کدام کتابی پیرامون زندگانی آن مادر نمونه، همسر نمونه و بانوی نمونه تدوین کنند.
6. از صاحبان قریحه، می خواهیم با ذوق سرشار و طبع روان خود، آثار ماندگاری پیرامون آن حضرت پدید آورند.
7. از پدران و مادران وظیفه شناس می خواهیم که با نامگذاری یکی از فرزندان خود به نام «خدیجه» در ترویج این نام زیبا سهیم باشند.
8. از مسؤولان مربوطه می خواهیم که: تالارها، کتابخانه ها و دیگر مراکز فرهنگی خود را با نام نامی این بانو مزین کنند.
9. از خطاطان، نقاشان و دیگر هنر آفرینان می خواهیم که، از نیروی خلاقه ی خود در آفرینش آثار ارزشمندی در حوزه تخصصی خود تلاش کنند.
10. از هنرمندان متعهد می خواهیم که فیلمهای آموزنده ای از زندگی سراسر ایثار و فداکاری حضرت خدیجه، که در حفاظت و حراست از پیامبر اکرم، تربیت برترین بانوی جهان، تجارت، بازرگانی توأم با متانت، انتخاب

کارگزاران امین، رفتار شایسته با کارگزاران، سامان دادن وضع اقتصادی و هزینه کردن آن در راه نشر آیین حق و دیگر آموزه های آن بانوی با فضیلت، فیلمهای جالب و جذاب تهیه کنند.

با تقدیم مراتب سپاس به همه ی تلاشگران در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

سرچشمه کوثر

نویسنده محقق و نامدار، حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه، که عمری را در راه تحقیق و تألیف و نشر آثار اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام صرف نموده اند، علاوه بر همکاری های بی دریغ و مخلصانه خود در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اثر نفیسی را تقدیم به محضر مبارک آن حضرت نمودند، با نام «سرچشمه کوثر» که تا کنون دو نوبت به چاپ رسیده و چاپ دوم آن در پانزده هزار نسخه منتشر گردیده است

در مقدمه کتاب، با توجه به پیشتازی اصفهان در اقامه شعائر مذهبی و ولایی و لزوم اهتمام در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، نکات جالبی را بیان داشته اند، که علاقه مندان را به مطالعه آنها دعوت می نمائیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از الطاف بیکران ایزد مَنّان بر شیعیان شیفته و پاکباخته اصفهان، پیشتازی و پیشگامی آنان در اقامه بسیاری از شعائر مذهبی و اسلامیت.

«سلمان» پیشتاز مسلمانان جهان، از این شهر باستانی برخاسته، غوّاص بحار علوم اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام «علامه مجلسی» آب زلال خاندان عصمت و طهارت را از این شهر به سرتاسر جهان اسلام روانه ساخته است.

«نهضت فاطمیّه» و حرکت عظیم مردم ی، در روز شهادت دخت گرامی پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در این شهر شکل گرفت، آنگاه با عنایت مرجعیّت اعلاّی جهان تشیّع، به اوج شکوه و عظمت خود رسید.

«دهه مبارکه مهدویّه» از این شهر نشأت گرفت، مرزها را درنوردید، از

کشورهای اسلامی فراتر رفت، در مناطقی چون سوئد، دانمارک، روسیه و ... نورافشانی کرد.

همایش مردمی و راهپیمایی عظیم نیمه شعبان، از این شهر آغاز شد، شهرهای مختلفی را تحت تأثیر قرار داد و در حریم کریمه اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام و مسجد مقدّس جمکران به اوج شکوه و عظمت رسید و اینک برای اولین بار در تاریخ، همایش بزرگداشت سرچشمه جاری کوثر، مادر گرامی صدّیقه اطهر، همسر فرزانه رسول اکرم، ام المؤمنین، خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام

یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز ارتحال محبوبه یکتا، در این شهر برگزار می شود و صفحه زرّین دیگری بر دفتر مفاخر شهر سلمان افزوده می گردد امید می رود که در سال های بعد، شاهد برگزاری همایش های عظیم تری، در جای جای میهن اسلامی، به همین مناسبت باشیم.

این نوشتار گامی کوتاه در راستای این هدف مقدّس و برگي کمرنگ از این دفتر شکوهمند می باشد.

عذر تقصیر

ای برترین قلّه شرف، ای والاترین دُرّدانه خلقت را صدف، ای مفتخر به دامادی ات، شاه نجف، ای مزار مهجورت زائران خانه خدا را هدف؛ ای خدیجه کبری، ای محبوبه یکتا، ای همسر طاها، ای مادر زهرا، ای نور چشم مولا؛ ما همه مدیون توئیم، شیفته و شیدای کوی توئیم، مفتخر و سرفراز به پیروی از خاندان توئیم، معترف به تقصیر در آستان مَلک پاسبان توئیم.

سرچشمه کوثر

یک هزار و چهارصد و سی سال تمام از ارتحال جانگداز سرچشمه همیشه جاری کوثر، أُمّ الْاِئِمَّةِ النَّجْبَاءِ، مادر گرامی حضرت زهراء عَلَیْهَاالسَّلَام، همسر فرزانه خاتم الانبیاء، یار و یاور رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فرزانه سرزمین بطحاء؛ حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام می گذرد.

در طول قرون و اعصار، از سوی همه اقشار، در بزرگداشت این مام فضیلت ها، کوتاهی شده و مراسم گرامی داشت آن بانوی بانوان بهشتی، در سطحی شایسته و

ص: 66

جایگاهی بایسته برگزار نشده است.

در این دنیای آکنده از نشست ها و همایش ها، که هر روز در ده ها حوزه فرهنگی و هنری و عرصه های بین المللی، برای چهره هایی که یک هزارم فضائل آن مام فضیلت ها را ندارند، چه حماسه ها که آفریده نمی شود؟ چه چکامه ها که سروده نمی گردد؟ چه مقاله ها که نگاشته نمی شود؟ چه فیلم ها که تهیه نمی شود؟ چه همایش ها که ترتیب داده نمی شود؟!

ولی برای این بانوی گرامی، همسر شایسته خاتم النبیین، مادر مهربان سیده نساء العالمین، مادر خانم گرانسنگ امیر المؤمنین علیه السلام برترین مصداق «ام المؤمنین» در کتاب رب العالمین، امت اسلامی هیچ تلاشی که شایسته جایگاه رفیع و مقام منبع آن شخصیت والایی جهان خلقت باشد، انجام نداده اند.

بانوی بزرگوار که 25 سال تمام آرام بخش قلب شریف حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم در حساس ترین و بحرانی ترین مقطع زندگی آن حضرت بوده، اسد الله الغالب، علی ابن ابی طالب علیه السلام را از شش سالگی در کانون آکنده از مهر و صفای خود، در کنف حمایتش قرار داده، سرور بانوان جهان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در دامن پر مهر خود پرورش داده، هیچ تلاش شایان ذکری انجام نگرفته است.

سال گذشته برای نخستین بار در تاریخ، همایش «سرچشمه کوثر» در دو شهر تهران و اصفهان، نه در شأن آن مام فضیلت ها، بلکه در حد عذر تقصیر به آستان مقدس آن سرچشمه همیشه جاری کوثر، برگزار گردید.

و اینک در یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز ارتحال آن سرچشمه کوثر در ماه نزول قرآن، در سال مزین به نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شهر مفتخر به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» مردم مؤمن، متدین، متعهد و متصلب در ولایت اصفهان، با عزمی راسخ و گامی استوار، در صدد برآمده اند که نخستین گام را در این راستا بردارند و با تلاش های طاقت فرسای خود، مرهمی بر دل مجروح و داغدار دخت گرانمایه اش، حضرت زهرا مرضیه علیها السلام بگذارند.

شرح عظمت و بیان مناقب آن مام فضیلت ها در این مختصر نمی گنجد، این نوشتار به عنوان «عذر تقصیر» در پیشگاه آن ملکه اسلام، به محضر مقدس فرزند برومندش،

حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) تقدیم می گردد.

به امید که آن مام فضیلت ها، دستی به سوي حق تعالی برافراشته، خدای را به حق خود و حق شوي گرامی اش، حضرت خاتم الانبیا، داماد گرانمایه اش اشرف اوصیاء، نور دیده دُر دانه اش، سیدة النساء و غنچه در خون تپیده نشکفته اش محسن زهرا بخواند، که از بقیة دوران غیبت کبری صرف نظر فرموده، در فرج فرزند برومندش حضرت بقیة الله ارواحنا فداه تعجیل نموده، دیدگان رَمَد کشیده شیعیان منتظر، به ویژه تلاشگران در عرصه گرامی داشت همایش با شکوه «سرچشمه کوثر» را با دیدار جمال بی مثال یوسف زهرا در دوران حکومت حقّه آن بنیانگذار حکومت واحد جهانی، بر اساس عدالت و آزادی، روشن و منور سازد.

15 شعبان 1427 هـ علی اکبر مهدی پور

نگاهی نو به زندگی در خشان خدیجه علیها السلام

نویسنده محقق و توانا، حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی کریمی فریدنی، پس از تألیف گرانسنگ «فروغ آسمان حجاز، خدیجه علیها السلام» در 582 صفحه، که در نوع خود بی نظیر است و با سبکی نو و نگاهی عمیق، ویژگی ها و عظمت های آن حضرت مورد تشریح قرار گرفته و تا کنون چندین بار چاپ شده است، به پیشنهاد «کنگره نکو داشت حضرت خدیجه علیها السلام» قلم به دست گرفتند و با نگاهی جدید و به شکلی فشرده، اثر دیگری درباره ی شخصیت و زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در 144 صفحه به نگارش در آوردند، که با تیراژ ده هزار نسخه به چاپ رسید و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت.

نویسنده عالیقدر کتاب، در مقدمه آن، نکاتی را مورد اشاره قرار داده اند، که ذیلاً در اختیار خوانندگان گرامی قرار می گیرد:

در رواق سخن

دفتری که در دست شما خواننده ی گرامی است، نگاهبست گذرا، اما تازه و زنده، به سیما و سیره ی الهام بخش خدیجه علیها السلام، یار و مشاور اندیشمند و پشتیبان پر اعتبار پیامبر و خداجویان آغازین روزها و سال های طلوع اسلام و فرود آغازین آیه ها بر جان پاک محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است

پرتوی از زندگی آموزنده ی بانویی است، که در حیات درخشانش، پیش از بعثت،

ص: 68

دخت فرزانه ایست که در خودسازی، چنان توفیق می یابد که سمبل ایمان به خدای ابراهیم می گردد و مردم روزگارش او را پاک منش عنوان می دهند و از دگر سو، نمونه ی آینده نگری، کمال جویی و آزادیخواهی، در آن دنیای تیره و تار است.

انسان ترقی خواه و بالنده ای که به برکت همین هوشمندی و پاک منشی، سر انجام به دریای موج عظمت قرآن و مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پیوند می خورد و رنگ خدایی می گیرد و به تدریج به صورت شریک دغدغه های پیامبر آزادی و حقوق بشر قامت بر می افرازد.

و سر انجام در راه رشد و شکوفایی، بر سکوی افتخار اوج می گیرد و در اندیشه و منش و رفتار برای همیشه می درخشد و در شمار برترین زنان تاریخ ساز جلوه می کند و از پیامبر، این مدال افتخار را دریافت می دارد که: چهار زن نواندیش، در زندگی به گونه ای با درایت و شهامت درخشیدند که سالار زنان شدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه ... «أَزْبَعُ نِسْوَةَ سَيِّدَاتِ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ...» (1)

این نوشته، نگاه است نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، که در یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز رحلت یار و مشاور خردمند و همسر فرزانه ی پیامبر و مام فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در راستای برگزاری همایشی پرشکوه، در سالروز رحلت او، به پیشنهاد برخی از شیفتگان اهل بیت در اصفهان - که توفیق پیشگامی در برگزاری همایش و خدمت در آستان آن حضرت را از خدا گرفته اند - به قلم آمد؛ امید که برای همه، به ویژه زنان و دختران نواندیش و معنویت خواه، مفید افتد و شاید هم ادای وظیفه در برابر حق بزرگی که آن مام بزرگ، بر همه ی نسل های آزادیخواه دارد و نیز برگ سبزیست به پیشگاه او و ریحانه اش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و به پیامبر حق شناس - که حق او را بزرگ می داشت و پس از رحلت او نیز نام بلندش را با دانه های درشت اشک وفا بدرقه می فرمود. امید که در آینده شاهد همایش های پرشکوه تری در سالروز رحلت جانسوزش - که با پیام علما و آیات، به ویژه آیه اللّٰه العظمی صافی گلپایگانی، آیه اللّٰه العظمی سیّد صادق روحانی و آیه اللّٰه العظمی سیّد صادق شیرازی، از شهر خاطره انگیز اصفهان آغاز شده است باشیم و راه پر افتخاری را که او پیشتازش بود،

ص: 69

راه زندگي قرار دهيم. علي كرمي فریدني / تابستان 85

ص: 70

ارباب قلم و صاحبان اندیشه ولایی، از دیرزمان، درباره‌ی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام به اجمال یا تفصیل، تحقیق و تألیف داشته‌اند، که بعضاً به صورت کتابی مستقل، عرضه شده است و عمده در ضمن کتابی درباره‌ی همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و یا اصحاب و یاران آن حضرت و یا زنان برجسته تاریخ اسلام و مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام و یا دائرة المعارف و یا رجال حدیث و و یا به صورت مقاله‌ای در مجله‌های دینی و علمی و اجتماعی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در این یادواره، بر آنیم که شماری از این کتابها و مقاله‌ها را نام برده و زمینه را برای طالبان تحقیق درباره‌ی آن بانوی بزرگوار آماده نماییم و از طرف دیگر، مقدمات تهیه یک کتابنامه مفصل و جامع را در این موضوع مهم، فراهم نماییم.

بدین منظور، ابتدا دو مجموعه فراهم شده را تقدیم نمود (1) و در پایان موارد دیگری را اشاره نموده و در انتظار تلاش بیشتر محققین دلباخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام روز شماری می‌نمائیم:

1 - پژوهشکده باقرالعلوم در شهر مقدس قم، در پی تحقیقات گسترده خود مجموعه‌ای در اختیار ما قرار داده که تقدیم می‌داریم:

ص: 71

1 - 47. به منظور قدرشناسی از زحمات ارادتمندان به حضرت خدیجه علیها السلام هر مجموعه‌ای را با نام فراهم کننده آن عرضه می‌نماییم.

1: آخرین گفتارها در پایان زندگی، ج 2

مکان نشر: باختران

ناشر: محمد راجی قمی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1367 ش

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: شرح حال 2/4/4

ریز موضوعات:

271 - 257 حبيب بن عدي، خديجه عَلِيهَا السَّلَام

2: آخرین مرد آسمانی

مکان نشر: باختران

تاریخ نشر: 1356 ش

نویسنده:

جعفری - رحیم

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

132 - 123 نقش ابوطالب عَلِيهِ السَّلَام و خديجه عَلِيهَا السَّلَام، اسلام در طایف

3: آسیه الگوی مقاومت

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1380

نویسنده:

جلالوند - علي

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال 8/3/3

ریز موضوعات:

74 - 67 فضایل آسیه (پرستاری از خدیجه - همسر بهشتی پیامبر - همنشین خدیجه و فاطمه)

4: آموزشهای دینی برای نوجوانان، ج 2

مکان نشر: مشهد

ناشر: آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1371 ش

نویسنده:

سید امیر علی رسولی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات

38 - 27 ازدواج محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، خدیجه، معنی سنت و علی عَلَيْهِ السَّلَام

5: اخلاق در قرآن، حالات خوب نفس

مکان نشر: تهران

ناشر: فیض کاشانی

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1375 ش

نویسنده:

سید کاظم رفیع

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اخلاق 2/2/43

ریز موضوعات:

204 - 208 رابطه خدیجه با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

6: از اسلام چه می دانیم (محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)

مکان نشر: قم

ناشر: خرم

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1375 ش

نویسنده:

سید حسن اسلامی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

50 - 48 ازدواج خدیجه و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

7: اعتصام ش 3

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1361 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ص: 72

ريز موضوعات:

0 - 52 خديجه عَلَيْهَا السَّلَام

8: افق وحي

مكان نشر: تهران

ناشر: جمعيت راه خدا

نوبت چاپ: 1

تاريخ نشر: 1347 ش

نويسنده:

ميرزا خليل كمره اي

كتابخانه: آية الله مرعشي نجفي

ريز موضوعات:

254 - 223 فجر اسلام، خديجه عَلَيْهَا السَّلَام

9: الدر الثمين في ايقاظ النائمين

مكان نشر: قم

ناشر: علميه

نوبت چاپ: 1

تاريخ نشر: 1388 ق

نويسنده:

حسينعلي امامي نائيني

كتابخانه: دفتر تبليغات اسلامي

ريز موضوعات:

10: الوقایع و الحوادث، ج 7

مکان نشر: قم

ناشر: دارالکتاب

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

محمّد باقر ملبوبی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

28 - 25 وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

11: الوقایع و الحوادث، ج 1

مکان نشر: قم

ناشر: کتابفروشی خرد

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1341 ش

نویسنده:

محمّد باقر ملبوبی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 1 / 1 / 12

ریز موضوعات:

132 - 127 زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

12: امام علي عَلَیْهِ السَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: دلیل ما

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1380 ش

نویسنده:

قزوینی - محمد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 3 / 3 / 8

ریز موضوعات:

102 - 85 امام علي عَلَیْهِ السَّلَام ایثار، هجرت، لیلۃ المبیّت،

و وفات حضرت خدیجه و ابوطالب

13: امیران ایمان یا زندگینامه خدیجه

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه اهل بیت، بنیاد بعثت

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1360 ش

نویسنده:

هاشم معروف الحسینی و دیگران

کتابخانه: استان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

14: انيس العهد و مونس الحد

مكان نشر: اراك

ناشر، چاپخانه محمود شفيحي اصفهاني

تاريخ نشر: 1374 ق

ص: 73

نویسنده:

صدرالدين واعظ قزوینی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

175 - 188 سفر پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، عروسی

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

15: بانوی بانوان جهان

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1376

نویسنده:

دوانی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 3 / 31

ریز موضوعات:

23 - 27 شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

16: بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1374 ش

نویسنده:

ثریا مکنون، مریم صانع پور

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تربیتی 3 / 5 / 22

ریز موضوعات:

94 - 89 خدیجه همسر پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

95 - 94 خدیجه و بعثت پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

96 - 94 فرزندان خدیجه و محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

97 - 96 وفات خدیجه

98 - 97 پیامبر پس از مرگ خدیجه

17: پاسدار اسلام شماره 92، سال 8

مکان نشر: قم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

گروهی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

22 - 20 وفات ابوطالب و خدیجه

18: پاسدار اسلام ش 47

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1364 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

- استدراج: پیامبر، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام 19

19: پاسدار اسلام ش 49

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

تاریخ نشر: 1364 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

- 26 پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

20: پاسدار اسلام ش 89

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

0 - 20 وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

ص: 74

21: پاسدار اسلام ش 94

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

0-20 وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

22: پاسدار اسلام ش 92

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

0-20 وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

23: پیام انقلاب ش 12

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: 1

تاری نشر: 1359 ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

0 - 27 حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

24: پیام انقلاب ش 61

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1361 ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام 62

25: پیامبران، سه جلد در یک مجلد

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی زوار

تاریخ نشر: 1353 ش

نویسنده:

زین العابدین رهنما

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

458 - 243 حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

26: پیامبر موعود در تورات و انجیل

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد فرهنگی امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَام

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1376 ش

نویسنده:

دریایی - محمد رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 11 / 2 / 2

ریز موضوعات:

54 - 46 شخصیت پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ پیش از اسلام و چگونگی ازدواج با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

27: پیام زن س 2 ش 12 (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1372 ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

ص: 75

10 - 6 شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام:

ازدواج، کرامت، مقام

28: پیام زن س 3 ش 1 (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1373 ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

12 - 6 ازدواج پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خدیجه

29: پیشوای اسلام

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: 5

تاریخ نشر: 1355 ش

نویسنده:

حسین عماد زاده

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

223 - 219 عمر و ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

30: پیغمبر و یاران ج 2

مکان نشر: قم

ناشر: دانش

تاریخ نشر: 1346 ش

نویسنده:

محمد علی عالمی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه علیها السلام 340 - 354

31: تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین

تاریخ نشر: 1363 ش

نویسنده:

دوانی - علی

ریز موضوعات:

69 - 59 ولادت و ازدواج پیامبر با خدیجه علیها السلام

32: تاریخ اسلام (دوران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم)

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1364 ش

گرد آور: واحد آموزش عقیدتی سیاسی سپاه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2 / 1 / 10

ریز موضوعات:

103 - 85 وفات خدیجه و ابوطالب و بیعت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اهل مدینه

33: تاریخ اسلام در آثار شهید آیت الله مطهری رحمه الله ج 1

مکان نشر: قم

ناشر: نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1378

نویسنده:

مطهری - مرتضی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2 / 1 / 3

ریز موضوعات:

184 - 157 عوامل موفقیت و گسترش اسلام (تبلیغ اسلام، اموال خدیجه، شجاعت علی علیه السلام)

34: تاریخ ایران اسلامی دفتر اول از پیدایش اسلام، ایران اسلامی

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر

ص: 76

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1377 ش

نویسنده:

جعفریان - رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تاریخ 2/5/4

رئز موضوعات:

59 - 55 پیامبر در شعب ابوطالب، وفات ابوطالب و خدیجه،

سفر پیامبر به طائف

35: تاریخ پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دانشگاه تهران

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1362 ش

نویسنده:

آیتی - محمد ابراهیم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رئز موضوعات:

172 - 168 وفات ابوطالب و خدیجه علیها السلام و سفر به طائف

71 - 63 ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

36: تاریخ پیغمبر خاتم ج 1

مکان نشر: تهران

تاریخ نشر: 1376 ق

نویسنده:

لواسانی نجفی و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

380 - 328 خدیجه علیها السلام

37: تاریخ تحلیلی اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: بضعة الرسول

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1381 ش

نویسنده:

زرگری نژاد - غلامحسین

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2 / 1 / 15

ریز موضوعات: 29 - 15 تولد، ازدواج با خدیجه، بعثت و دعوت پیامبر

38: تاریخ تحلیلی اسلام ج 2

مکان نشر: قم

ناشر: پاسدار اسلام

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1367 ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

18 - 13 ازدواج پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

29 - 18 سفر تجاری پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ برای

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

47 - 33 سن پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هنگام ازدواج

55 - 51 عدم ازدواج پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در حیات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

60 - 55 فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

39: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1373 ش

نویسنده:

علی اکبر حسینی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

132 - 135 ازدواج پیامبر صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

40: تاریخ سیاسی اسلام

ص: 77

مکان نشر: تهران

ناشر: پیروز

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1362 ش

نویسنده:

قاضی شکیب - نعمت الله

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

16 - 2 ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

24 - 17 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فرزندان او

41: تاریخ صدر اسلام

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2 / 1 / 4

ریز موضوعات:

192 - 176 زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از تولد تا ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

198 - 193 ازدواج پیامبر و خدیجه

293 - 279 مقاومت مسلمین در شعب ابی طالب و رحلت ابوطالب و خدیجه

42: تاریخ فقه و فقها

مکان نشر: تهران

ناشر: سمت

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1377 ش

نویسنده:

گرجی - ابوالقاسم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: فقه 2 / 3 / 3

ریز موضوعات:

37 - 30 آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولین مسلمانان (علی علیه السلام، خدیجه علیها السلام)

43: تاریخ مختصر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: جامعه تعلیمات اسلامی

تاریخ نشر: 1327 ش

نویسنده:

میر خلیل تقوی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

13 - 6 عربستان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خدیجه علیها السلام، بعثت

44: تاریخ مقدس

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1344 ق

نویسنده:

واشینگتن ارونیك آمریکایی و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: 46 - 40 تجارت پیامبر و ازدواج با خدیجه

45: تاریخنامه طبری ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1366 ش

نویسنده:

طبری - محمد بن جریر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 1 / 2 / 1

ریز موضوعات:

31 - 23 ازدواج پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، ویرانی کعبه

46: تاریخنامه طبری، ج 3 تا 1

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1368

نویسنده:

ابوجعفر بن جریر طبری و دیگران

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

ص: 78

ریز موضوعات: 26 - 23 از دواج پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

47: تحلیلی از تاریخ اسلام ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: نهضت زنان مسلمان

تاریخ نشر: 1359 ش

نویسنده:

شهیدی - سید جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2/2/23

ریز موضوعات:

48 - 42 ابوطالب و خدیجه، پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در مدینه

48: تشخیص، تصمیم گیری و اقدام خواص در وقت لازم

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1377

نویسنده:

نیارئیس - سید مهدی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

51 - 49 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و بعثت پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و جانبازی علی عَلَیْهِ السَّلَام در لیلۃ المبیت

49: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1374 ش

نویسنده:

موسسه تنظیم آثار امام خمینی قدس سره

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

48 - 46 شخصیت خدیجه علیها السلام و امام خمینی

50: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره (تبیان آثار موضوعی هشتم)

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه نشر آثار امام خمینی قدس سره

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1374 ش

گرد آور: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تربیتی 3 / 5 / 1

رده کتابخانه: امام 3 / 3 / 8

ریز موضوعات:

53 - 46 حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، زینب و مریم از نظر امام خمینی

51: جمال و کمال زن

مکان نشر: قم

ناشر: طلیعه نور

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1378

نویسنده:

ابراهیمی - رحمت الله

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی 3 / 5 / 31

ریز موضوعات:

174 - 157 زنان نمونه (فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام، خدیجه، زینب عَلَیْهَا السَّلَام، فضا، مریم)

52: چشمه در بستر (تحلیل از زمان شناسی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)

مکان نشر: قم

ناشر: حضور

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1375 ش

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 17

ص: 79

ریز موضوعات:

224 - 210 انس زهرا عَلَیْهَا السَّلَام با پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، علی عَلَیْهِ السَّلَام و فرزندانش

53: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیرکبیر

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1363 ش

نویسنده:

علی محمد علی دخیل و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال 8/2/3

54: حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: تربیت

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1379 ش

نویسنده:

ارفع - کاظم

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 7/3/15

ريز موضوعات:

17 - 6 نامگذاري حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام و دوران بارداري حضرت خديجه عَلَیْهَا السَّلَام

55: حج

مکان نشر: باختران

ناشر: انتشارات جامعه مدرسین

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1365 ش

نویسنده:

محسن قرائتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ريز موضوعات: 172 - 160 خديجه عَلَیْهَا السَّلَام

56: حجاب مقدس ترین وسیله استحکام

مکان نشر: قم

ناشر: دارالنشر

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1364 ش

نویسنده:

حشمت الواعظین قمی - محمد تقی

کتابخانه: موسسه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام

ريز موضوعات

161 - 159 خديجه عَلَیْهَا السَّلَام بانوي نمونه صدر اسلام

57: حوادث تاريخي

مکان نشر: تهران

ناشر: صدر

نويسنده:

لطف الله صافي

کتابخانه: آية الله مرعشي نجفي

ريز موضوعات:

6 - وفات ابوطالب و خديجه عَلَيْهَا السَّلَام 38 - 66

58: حيات القلوب، ج 2

مکان نشر: تهران

ناشر: جاويدان

نوبت چاپ: 1

نويسنده:

علامه محمد باقر مجلسي

کتابخانه: آية الله مرعشي نجفي

ريز موضوعات:

104 - 87 فضائل خديجه عَلَيْهَا السَّلَام ازدواج با پیامبر

59: خديجه شكوه زندگي

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1381 ش

نویسنده:

کمالی نیا - محمد تقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: شرح حال 8/3/5

ص: 80

ریز موضوعات:

34 - 22 پدر، مادر، خاندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حمایت از پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

56 - 35 ازدواج خدیجه با پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زمینه ها و چگونگی آن

94 - 77 خدیجه و بعثت پیامبر (قاسم، عبداللّه، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه)

60: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: 2

نویسنده:

محمد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه اللّه مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

31 - 14 ضرورت بررسی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

34 - 32 همسران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قبل از محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

47 - 35 آشنایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

53 - 48 ملاک ارزیابی و انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

97 - 74 فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از پیامبر

61: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: 2

نویسنده:

محمد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی علیه السّلام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

ضرورت شناخت قهرمانان -

6 - 13

ضرورت بررسی زندگی خدیجه علیها السّلام - 31 - 14

همسران خدیجه علیها السّلام قبل از محمد صلی الله علیه و آله و سلم - 34 - 32

آشنایی خدیجه علیها السّلام با محمد صلی الله علیه و آله و سلم - 47 - 35

ملاک ارزیابی و انتخاب خدیجه علیها السّلام - 53 - 48

چهل سالگی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دریافت پیام - 73 - 54

فرزندان خدیجه علیها السّلام از پیامبر - 97 - 74

راز خدیجه - علیها السّلام و پیامبر 98 - 107

چهره ف - 109 - 123

62: خصایص فاطمه علیها السّلام

مکان نشر: تهران

ناشر: عبدالله تهرانی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1369 ش

نویسنده:

محمد باقر واعظ تهرانی

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه عَلَیْهَا السَّلَام

ریز موضوعات:

122 - 128 فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

128 - 131 اولاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

63: خلاصه تاریخ اسلام از پیدایش عرب ج

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1373 ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

52 - 57 از دواج پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

56 - 58 فرزندان و فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

64: خلاصه زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1378 ش

ص: 81

نویسنده:

شهیدی - جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت 7/3/49

ریز موضوعات:

16 - 18 مرگ حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابوطالب

65: خورشید رسالت محمدی

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه الغدیر

تاریخ نشر: 1359 ش

نویسنده:

جعفریان - عزیز الله

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

36 - ازدواج محمد صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

66: خون و خورشید

مکان نشر: تهران

ناشر: خیام

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1344 ش

نویسنده:

نعمت الله قاضي

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه علیها السلام

ریز موضوعات:

194 - 219 فاطمه علیها السلام - خدیجه علیها السلام - عایشه

67: داستان پیامبران، ج 3

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیة

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1359 ش

نویسنده:

علی قرنی گلپایگانی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

500 - 509 فضائل خدیجه علیها السلام و فرزندان

68: درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج 4

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1372 ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: 69 - 29 وفات ابوطالب

و خدیجه

69: در مکتب فاطمه علیها السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیری

نوبت چاپ: 6

تاریخ نشر: 1377 ش

نویسنده:

قائمی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 15

ریز موضوعات:

47 - 28 خدیجه و محمد و خانواده و تربیت

199 - 189 صبر و تحمل حضرت فاطمه: وفات پیامبر، حضرت خدیجه

70: دروس تاریخ اسلام دوره 1

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

تاریخ نشر: 1388 ق

نویسنده:

صدر بلاغی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

82 - 94 حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

71: دلائل النبوه ج 2

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی و فرهنگی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1361 ش

نویسنده:

احمد بن حسین بیهقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت 2 / 1 / 6

ریز موضوعات:

81 - 77 وفات ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

72: رسول الله، محمد بن عبدالله

مکان نشر: تهران

ص: 82

ناشر: آیین

تاریخ نشر: 1355 ش

نویسنده:

محسن شفايي

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات: 127 - 122 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

73: رمضان در آینه تاریخ

مکان نشر: قم

ناشر: مرکز نشر علوم دانشگاهي

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1373 ش

نویسنده:

محمد حسن پناهیان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

58 - 53 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

74: رمضان در تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: قدر

تاریخ نشر: 1362 ش

نویسنده:

صافي - لطف الله

ريز موضوعات:

65 - 79 شخصيت خديجه عَلَيْهَا السَّلَام

75: روضة الصفا، ج 2

مكان نشر: تهران

ناشر: علمي

نوبت چاپ: 1

تاريخ نشر: 1373 ش

نويسنده:

محمد بن خاوند شاه بلخي و ديگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاريخ اسلام 1 / 3 / 3

ريز موضوعات:

234 - 238 مرگ ابوطالب و خديجه و خزرجيان

76: رویدادها ج 3 مناسبت هاي ماه هاي قمري

ناشر: دبیرخانه مركزي ائمه جمعه

نوبت چاپ: 1

تاريخ نشر: 1370 ش

نويسنده:

دبیرخانه مركزي ائمه جمعه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

420 - 413 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

77: ره توشه راهیان نور (ویژه ماه مبارک رمضان) 1419 ق - 1377 ش

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1377 ش

نویسنده:

استادی رضا و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهَا السَّلَام

ریز موضوعات:

102 - 97 زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

78: ره توشه راهیان نور، (ویژه ماه مبارک رمضان) 1421 ق - 1379 ش

ص: 83

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1379 ش

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

219 - 209 فضایل و مقام و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وفات حضرت خدیجه علیها السلام

79: ریاحین الشریعه، ج 2

مکان نشر: تهران

ناشر: دارالکتب الاسلامیه

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1364 ش

نویسنده:

محلاتی - ذبیح الله

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال 8 / 1 / 1

ریز موضوعات:

- خدیجه کبری علیها السلام 202 - 271

- 2 ضرای خدیجه علیها السلام و مریم علیها السلام 271 - 283

80: زنان اسوه در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: فردابه

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1380 ش

نویسنده:

اسلامی فرد - زهرا

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: شرح حال 8/2/22

ریز موضوعات:

142 - 102 خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن

81: زنان پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: نشر محمد

نوبت چاپ: 6

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

عماد الدین حسین اصفهانی

کتابخانه: آستان قدس رضوی علیه السلام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

82: زنان مرد آفرین تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: نبوی

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1376

نویسنده:

محمد مهدی اشتهااردی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

رده کتابخانه: شرح حال 8/2/36

ریز موضوعات: 82 - 79 حضرت خدیجه اولین زن پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

83: زنان نامدار در قرآن، حدیث و تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1368 ش

نویسنده:

بهشتی - احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: شرح حال 8/2/27

رئز موضوعات: 29 - 15 آمنه و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

84: زن در زندگی پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ

ص: 84

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت چاپ و نشر بین المللی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1383 ش

نویسنده:

صدر - بنت الهدی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی 3 / 5 / 44

ریز موضوعات:

30 - 18 اجمالی از زندگی فاطمه بنت اسد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام همسر پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

85: زندگانی حضرت محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: انتشار

تاریخ نشر: 1340 ش

نویسنده:

سعیدی - سید غلامرضا

کتابخانه: آیه اللّهُ مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

18 - 17 ازدواج رسول خدا با خدیجه

86: زندگانی حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: حافظ

تاریخ نشر: 1320 ش

نویسنده:

ابوالنصر - عمر و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

8 - 2 خدیجه علیها السلام دختر خویلد

39 - 31 خدیجه علیها السلام در اخلاق و نسب و دارایی

50 - 40 زناشویی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

87: زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کاوه

تاریخ نشر: 1354 ش

نویسنده:

دستغیب - سید عبدالحسین

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

103 - 96 خدیجه نخستین زن مؤمنه

88: زندگانی علی علیه السلام، ج 1

مکان نشر: باختران

ناشر: چاپ اراک

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1320 ش

نویسنده:

علی اکبر خدیور محسنی

ریز موضوعات:

309 - 305 زنان پیامبر، خدیجه س، عایشه

89: زندگانی فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام و زینب کبری عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کانون تربیت

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1365 ش

نویسنده:

سید عبدالحسین دستغیب

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 3 / 54

ریز موضوعات:

126 - 102 آسیه، مریم، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

90: زندگانی محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی علمی

نویسنده:

محمد حسنین هیکل و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

173 - 200 خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندان

ص: 85

91: زندگانی محمد پیامبری که از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: آسیا

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1343 ش

نویسنده:

کنستان ویرژیل کتورگیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

52 - 41 ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و بعثت

92: زندگانی محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: اقبال

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1378 ش

نویسنده:

خلیلی - محمدعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 2/2/7

ریز موضوعات:

91 - 76 چوپانی حضرت محمد، ازدواج با خدیجه و بازرگانی شام

110 - 104 بعثت پیامبر - ایمان خدیجه و امام علی، داستان زید

175 - 165 وفات ابوطالب و خدیجه، سفر طائف، ازدواج حضرت

93: زندگی پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت

مکان نشر: تهران

ناشر: فروغی

تاریخ نشر: 1338 ش

نویسنده:

خدیور محسنی - علی اکبر

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

رئیس موضوعات:

51 - 41 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، امام علی عَلَیْهِ السَّلَام، زید بن حارثه

329 - 317 ابوطالب و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

94: زندگی حضرت محمد خاتم النبیین

مکان نشر: تهران

ناشر: علمیه اسلامیة

تاریخ نشر: 1356 ش

نویسنده:

رسولی محلاتی - سید هاشم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

رده کتابخانه: اهل بیت 2 / 2 / 4

ریز موضوعات: 219 - 198 عمر و معراج و ابوطالب و خدیجه

95: زندگی محمد پیامبر اسلام، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیة

تایخ نشر: 1347 ش

نویسنده:

ابن هشام و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

154 - 158 ورقة بن نوفل - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

265 - 277 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، سفر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

به طائف

96: زندگی نامه خدیجه کبری و فاطمه علیهما السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد بعثت

تاریخ نشر: 1360 ش

نویسنده:

معروف الحسني - هاشم و دیگران

کتابخانه: آية الله مرعشي نجفي

ریز موضوعات:

کلمه اهل بیت - 51 - 23

تصريح بر امامت ائمه از طرف - 62 - 53

زندگي خديجه - 85 - 65

فرزندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از خديجه - 97 - 86

تولد كودكي فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام 112 - 99

ص: 86

هجرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام به مدینه 119 - 113

ازدواج و زندگی علی عَلَیْهِ السَّلَام و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - 143 - 120

مصحف فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - 149 - 144

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در فتح مکه - 160 - 151

دفاع فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام از خلافت علی عَلَیْهِ السَّلَام - 206 - 171

بیماری و شهادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - 213 - 207

هجرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام به مدینه - 119 - 113

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در رحلت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - 169 - 161

97: زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

ناشر: عابد

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1378 ش

نویسنده:

خفاوی - شهین و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

58 - 51 زندگانی حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر و نقش او در تبلیغ اسلام

98: زن و شوهر: ج 2

مکان نشر: مشهد

ناشر: شهید هاشمی نژاد

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1371 ش

نویسنده:

محمد علی صفوی (زرافشان)

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: 285 - 232 عروسی محمد و خدیجه علیها السلام

99: ستارگان درخشان، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: 6

تاریخ نشر: 1362 ش

نویسنده:

محمد جواد نجفی

کتابخانه: فیضیه

ریز موضوعات:

58 - 46 پیامبر و ازدواج با خدیجه علیها السلام

100: سروش، ش 154

مکان نشر: تهران

ناشر: صدا و سیما

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1361 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

0 - 34 ازدواج پیامبر با خدیجه

101: سلام بر خورشید، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: اطلاعات

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1374 ش

نویسنده:

سید علی اکبر حسینی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

19 - 11 زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آشنایی با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

30 - 20 ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

102: سلام در اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: محمود ارگانی حائری

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1377 ش

نویسنده:

ارگانی حائری محمود

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ص: 87

ريز موضوعات:

68 - 65 سلام خداوند به يوسف عَلَيْهِ السَّلَام، اسماعيل عَلَيْهِ السَّلَام، خديجه

103: سيرت رسول الله، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: خوارزمي

نوبت چاپ: 2

تاريخ نشر: 1361 ش

نويسنده:

ابن هشام متوفي 218 و ديگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بيت 1 / 2 / 7

ريز موضوعات:

418 - 413 وفات خديجه عَلَيْهَا السَّلَام و ابوطالب

104: سيره چهارده معصوم عَلَيْهِ السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: مطهر

نوبت چاپ: 4

تاريخ نشر: 1381 ش

نويسنده:

محمّدي اشتهاړدي - محمّد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 1 / 3 / 1

ریز موضوعات:

چوپانی حضرت محمد، ازدواج با خدیجه، فرزندان پیامبر

105: سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام ج 2

مکان نشر: قم

ناشر: آزاد گرافیک

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1373 ش

نویسنده:

جعفر مرتضی‌عالمی و دیگران

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

269 - 271 خدیجه علیها السلام و زینب دختر جحش

106: سیری در تاریخ صدر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیرکبیر

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1379 ش

نویسنده:

قنبری همدانی - حشمت الله

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام 2 / 2 / 18

ریز موضوعات:

55 - 49 خواستگاری، ازدواج حضرت محمد، حضرت خدیجه

107: سیف الواعظین

مکان نشر: تهران

ناشر: عباسعلی ناصری

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

ناصری - عباسعلی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

20 - 10 تولد پیامبر ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

- و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام 20 - 22

108: سیمای زنان در آینه زمان

مکان نشر: تهران

ناشر: حقایقی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1355 ش

نویسنده:

محمد عباد زاده کرمانی

کتابخانه: دانشگاه باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

رده کتابخانه: 3/6/41

ریز موضوعات:

ص: 88

203 - 199 خدیجه، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام، زینب عَلَیْهَا السَّلَام، معصومه عَلَیْهَا السَّلَام

109: سیمای زنان فداکار صدر اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: ناصر

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1370 ش

نویسنده:

سید علی اکبر صداقت

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

8 - 5 زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

110: سیمای زنان در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی انتشار

نوبت چاپ: 9

تاریخ نشر: 1359 ش

نویسنده:

سید خلیل خلیلیان

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

52 - 48 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، سمیه، سهله، فارعه

111: شاهد ش 9

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد شهید

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1360 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

0-14 ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

112: شرح حال و فضایل خاندان نبوت

مکان نشر: مشهد

ناشر: به نشر

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1379 ش

نویسنده:

ابن جوزی - یوسف بن قزاوغلی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهَا السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت 1 / 2 / 9

ریز موضوعات:

425 - 398 شرح حال حضرت خدیجه و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

113: شکوه زندگی

مکان نشر: باختران

ناشر: امید

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

محمد تقی کمالی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

21 - 14 ویژگی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

31 - 27 خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پناهگاه زنان

44 - 35 چگونگی ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر

108 - 98 زندگی دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر

114: شمع انجمن

مکان نشر: قم

ناشر: چاپخانه اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1351 ش

نویسنده:

رضا علماء قمی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ريز موضوعات:

586 - 592 وفات خديجه عَلَيْهَا السَّلَام

115: شهبانوي اسلام

ص: 89

مکان نشر: باختران

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1345 ش

نویسنده:

ایرج زندبگله (صفا علی)

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

16 - 11 خدیجه علیها السلام و تولد زهرا علیها السلام

116: صدیقه شهیده، زهرا علیها السلام

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مقرر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت 1 / 3 / 7

ریز موضوعات:

27 - 12 ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

117: صدیقه طاهره بانوی نمونه اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: هیأت فاطمیون تهران، نوید اسلام

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1364 ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

36 - 47 پیامبر و خدیجه علیها السلام

48 - 54 فضایل خدیجه علیها السلام

118: طبقات، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1365 ش

نویسنده:

کاتب واقدي - محمد بن سعد و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

126 - 139 فرزندان پیامبر و خدیجه علیها السلام

119: طریق المؤمنین

مکان نشر: قم

ناشر: علمیه

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1365 ش

نویسنده:

عباس علی وحیدی منفرد

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

279 - 246 خدیجه بزرگترین روح اسلام

120: طریق المؤمنین در بیان ارکان دین

مکان نشر: قم

ناشر: عباسعلی وحیدی منفرد

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1377

نویسنده:

وحیدی منفرد - عباسعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

291 - 246 زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، عبدالمطلب و ابوطالب

121: فاطمة الزهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: مرتضی

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1380 ش

نویسنده:

قزوینی - محمد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 13

ریز موضوعات:

174 - 178 رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 90

122: فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟

مکان نشر: تهران

ناشر: سروش

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1381 ش

نویسنده:

زورق - محمد حسن و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 14

رئز موضوعات:

177 - 187 محمد و خدیجه قبل از بعثت

123: فاطمه زهراء علیها السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی طبع کتاب

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1343 ش

نویسنده:

عماد زاده - حسین

کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی

رئز موضوعات:

54 - 22 اهل بیت و خدیجه علیها السلام

124: فاطمه بر کرسی رهبري

مکان نشر: تهران

ناشر: روزبه

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1355 ش

نویسنده:

دین پرور - سید جمال الدین

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

21 - 9 شخصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

125: فاطمه زهراي عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی رجبی

تاریخ نشر: 1348 ش

نویسنده:

زندبگه - ایرج

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

15 - 7 خدیجه بانوی فداکار اسلام

126: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: تهران

ناشر: آفاق

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

قزوینی - سید محمد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 13

رئز موضوعات:

58 - 44 ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

146 - 132 وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و کودکی

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

127: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1367 ش

نویسنده:

سازمان تبلیغات اسلامی

رئز موضوعات:

21 - 11 پیامبر و ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

21 - 18 مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

128: فرهنگ فاطمیه (الفبای شخصیتی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)

مکان نشر: اصفهان

ناشر: مرکز فرهنگی شهید مدرس

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1380 ش

ص: 91

نویسنده:

نیلی پور - مهدی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت 7 / 1 / 4

ریز موضوعات:

267 - 266 خدیجه مادر حضرت فاطمه علیها السلام

367 - 366 خدیجه مادر حضرت فاطمه علیها السلام

129: فریاد یک رسالت

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نویسنده:

محمد یوسف حریری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

33 - 27 ازدواج پیامبر با خدیجه علیها السلام

130: فهرست موضوعی تراجم

مکان نشر: قم

ناشر: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1371 ش

گرد آور: ایرانی قمی - اکبر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السّلام

ریز موضوعات:

261 - 265 خدیجه، عایشه و زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم (28 عنوان)

به فارسی و عربی

131: قصص الانبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیة

نوبت چاپ: 10

نویسنده:

مولانا محمد جویری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

252 - 252 داستان تزویج خدیجه علیها السّلام

132: قصص قرآن، تاریخ انبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: صدوق

نوبت چاپ: 7

تاریخ نشر: 1367 ش

نویسنده:

سید محمد باقر موسوی - اکبر غفاری

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت 2/2/8

ریز موضوعات:

416 - 418 وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هجرت

133: کامل ج 1 تاریخ بزرگ اسلام و ایران

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

عز الدین علی بن الاثیر و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

39 - 34 ازدواج با خدیجه - حلف الفضول

134: کتابی که باید خواند

مکان نشر: تهران

ناشر: چاپخانه پایا

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1344 ش

نویسنده:

بانو جلالی خمینی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

25 - 23 ازدواج پیامبر و خدیجه

98 - 95 وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه

135: کوثر س 1 ش 1

مکان نشر: قم

ناشر: آستان مقدسه حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَام

ص: 92

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1376 ش

صاحب امتیاز: آستانه مقدسه حضرت معصومه عَلَیْهَا السَّلَام و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

33 - 24 زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلیت

136: گلستان قرآن س 4 ش 95 پیاپی 139 سال 1380

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1380

زیر نظر: مسجد جامعی - احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

22 - 19 تأثیر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بر زندگی سیاسی پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

28 - 27 روایت های تاریخ درباره ی ازدواج پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

30 - 29 فرزندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

36 - 32 فضیلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در گفتار بزرگان

137: گنجینه های ویران

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات

نوبت چاپ: 1

نویسنده:

محمد عبای خراسانی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

55 - 49 ارقم، خدیجه علیها السلام، کلثوم بن هدم و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

138: ماتمکده

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1287 ق

نویسنده:

ملا محمد خراسانی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

13 - 3 ظلم قریش بر پیامبر، خدیجه علیها السلام

139: مادر نمونه اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: امیر

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1354 ش

نویسنده:

غلامعلي رحيميان

ريز موضوعات:

13 - 5 خديجه عَلَيْهَا السَّلَام، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

140: مجالس الواعظين، ج 3

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلاميه

تاريخ نشر: 1354 ش

نويسنده:

محلاتي - ذبيح الله و ديگران

کتابخانه: آية الله مرعشي نجفي

ريز موضوعات: 128 - 120 وفات خديجه عَلَيْهَا السَّلَام و بيعت با القادر

141: مجموعه زندگاني چهارده معصوم

مکان نشر: تهران

ناشر: طلوع

نوبت چاپ: 5

تاريخ نشر: 1348 ش

نويسنده:

عماد زاده - حسين

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ريز موضوعات:

ص: 93

142: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیامبر خدا

مکان نشر: باختران

ناشر: کتابفروشی صحافیان

تاریخ نشر: 1347 ش

نویسنده:

دنت - ای و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

45 - 39 پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ریاست کاروان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

53 - 47 ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

53 - 47 حل منازعه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

143: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیام آور آزادی، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: حکمت

تاریخ نشر: 1356 ش

نویسنده:

شرقای - عبدالرحمن و دیگران

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

76 - 70 ازدواج پیامبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

197 - 194 وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ابوطالب

144: مُحَمَّد رسول الله صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: روزنامه آریان

تاریخ نشر: 1358 ش

نویسنده:

قدیمی رضوانی - ذبیح الله

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام 189 - 204

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام 216 - 228

145: مُحَمَّد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیغمبری که از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: خواندنیها

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1342 ش

نویسنده:

کونستان ویرژیل کیورکیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیت الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

38 - 30 ازدواج محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام

146: محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر شناخته شده

مکان نشر: قم

ناشر: چاپ حکمت

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1344 ش

نویسنده:

محمد علی انصاری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

43 - 29 ازدواج محمد صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

147: محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیغمبران، ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: حسینیه ارشاد

تاریخ نشر: 1347 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ريز موضوعات:

3 - 92 خديجه عَلَيْهَا السَّلَام و ازدواج هاي پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

- خديجه عَلَيْهَا السَّلَام 384 - 388

148: مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در شير خوارگي و خردسالي

مکان نشر: باختران

تاريخ نشر: 1342 ش

نويسنده:

محمد شوکت التوني و ديگران

ص: 94

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

9 - محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وقافله سالاری خدیجه 389

52 - 422 مراجعت مکه و ازدواج با خدیجه 4

149: مکتب انقلاب ش 5

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1362 ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

ریز موضوعات:

0 - 68 ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

150: ناسخ التواریخ حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَام ج 3

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: 2

تاریخ نشر: 1363 ش

نویسنده:

محمد تقی سپهر

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

514 - 508 ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

151: وفات حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: خیام

نوبت چاپ: 1

تاریخ نشر: 1361 ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مفرم و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

22 - 13 ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

152: همراه با پیامبران در قرآن

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نویسنده:

طباره - عفیف عبدالفتاح و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: قرآن 6 / 5 / 5

ریز موضوعات:

541 - 536 همسران پیامبر (خدیجه، سوده، عایشه، حفصه، ام حبیبه)

153: همسران رسول خدا

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1352 ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی - عبدالرحیم

کتابخانه: جامعه الزهراء علیها السلام

رئز موضوعات:

19 - 13 خدیجه

30 - 26 سوده، عایشه - زینب بنت خدیجه

154: یک بحثی تحلیلی و تاریخی درباره ی همسر

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: 3

تاریخ نشر: 1352 ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

رئز موضوعات:

155: ینابیع الموده ج 1

مکان نشر: تهران

ناشر: بوذرجمهري

نوبت چاپ: 1

ص: 95

تاریخ نشر: 1357 ش

نویسنده:

سلیمان بلخی قندوزی حنفی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت 1 / 1 / 7

ریز موضوعات:

430 - 397 پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

ب - محقق و نویسنده دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، مجموعه ای را در اختیارمان قرار داده اند، که به محضرعلاقه مندان به تحقیق درباره ی حضرت خدیجه تقدیم می نماییم.

کتابنامه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

الف؛ به عربی

1. ام المؤمنین، خدیجة بنت خویلد / علی محمدعلی دخیل / بیروت / 1399 هـ.
2. ام المؤمنین خدیجة بنت خویلد / عبدالمنعم محمد عمر / قاهره / 1982 م.
3. خدیجة ام المؤمنین / احمد عبدالجواد الدومی / بیروت.
4. خدیجة ام المؤمنین / بثینه توفیق / قاهره / 1955 م.
5. خدیجة ام المؤمنین / ذوالفقار مهران / قاهره /
6. خدیجة ام المؤمنین / عبدالله علایلی / بغداد /
7. خدیجة ام المؤمنین / عبدالحمید محمد شاکر زهراوی / قاهره / 1982 م.
8. خدیجة ام المؤمنین / ؟ / قاهره / 1955 م.
9. خدیجة، اول ام للمؤمنین / احمد عبد المنعم عبدالسلام حلوانی / قاهره / 1969 م.

10. خديجة بنت خويلد / محمد عبدالغني حسن / قاهره / 1962 م.

11. خديجة بنت خويلد / محمد علي قطب / بيروت / 1988 م.

12. خديجة زوجة الرسول / طه عبدالباقي سرور / قاهره / 1957 م.

ص: 96

13. خديجة الكبرى / عبدالستار بعاج / نجف اشرف / 1956 م.

براي كودكان:

خديجة بنت خويلد ام المؤمنين / مؤسسه اعلمي / بيروت / 1424 هـ.

ب؛ مقاله عربي:

14. خديجة / ام مريم / مجله الرائد / بن / ش 90 و 91 / 1406 هـ

15. خديجة بنت خويلد / مجله منار الاسلام / سال 9 / ش 10 / 1404 هـ.

16. خديجه بنت خويلد / محمد خليفه تونسى / مجله الكويت / ش 54 / 1407 هـ.

17. خديجة الكبرى ام المؤمنين / هنا عبدالحميد / مجله رساله ي الجهاد / ش 21 / 1984 م.

ج؛ به فارسي:

18. خديجه / دخيل / ترجمه دكتور فيروز حرير چي / تهران / 1361 ش.

د؛ مقاله:

19. خديجه بزرگ بانوي اسلام / مجله پیام انقلاب / سال 3 / ش 61 / 1361 ش.

20. خديجه، ملكه اسلام / جعفر سبحاني / مكتب اسلام / سال 2 / ش 11 / 1380 هـ.

ه؛ ضمني:

21. ام سيده نساء العالمين / امهات المعصومين / عبدالعزيز كاظم البهادلي / ص 48 - 68.

22. خديجة ابنة خويلد / سير اعلام النبلاء / ذهبي / ج 2 / ص 109.

23. خديجة، اولي زوجات النبي / بول / دائرة المعارف الاسلامية / ج 8 / ص 234 / 236.

24. خديجة بنت خويلد / اسدالغابة / ابن اثير / ج 5 / ص 434 - 439.

25. خديجة بنت خويلد / الاستيعاب / ابن عبدالبر / ج 4 / ص 279 - 289.

ص: 97

26. خدیجه بنت خویلد / الاصابة / ابن حجر / ج 4 / ص 281 - 283.

27. خدیجه بنت خویلد / اعلام النساء / كحالة / ج 1 / ص 326 - 331.

28. خدیجه بنت خویلد / اعيان النساء / محمدرضا حكيمي / ص 105 - 110.

29. خدیجه بنت خویلد / تراجم اعلام النساء / اعلمي / ج 2 / ص 41 تا 54.

30. خدیجه بنت خویلد / تراجم سيّادات بيت النبوة / عايشه بنت الشاطي / ص 213 - 238.

31. السيّدة خديجة / امّهات المعصومين / آية الله شيرازي / ص 53 - 96.

32. فضائل خديجة / مقتل الحسين / خوارزمي / ج 1 / ص 41 - 56.

و؛ ضمني / به فارسي:

33. خدیجه الكبرى / لغتنامه / دهخدا / حرف خ / ص 355.

34. زندگانی ام المؤمنین خدیجه / ریاحین الشریعه / محلاتي / ج 2 / ص 202 - 283.

[موارد دیگر]

در پایان، موارد دیگری را اشاره می نمایم

در دائرة المعارف ها، همانند «دائرة المعارف تشیع» در لغت خدیجه و لغتنامه ها همانند «لغتنامه دهخدا» و کتب حدیث، همانند «بحار الانوار» علامه مجلسی و کتب تاریخ، که مربوط به دوره پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّم می باشد، همانند ناسخ التواریخ و کتب تراجم همانند:

«اعیان الشیعه» در لغت خدیجه و «ریحانة الادب» (در لغت ام المؤمنین) و کتب رجال حدیث، همانند «تنقیح المقال» و «معجم رجال الحدیث»، درباره ی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام بحث و بررسی انجام گرفته است و علاوه بر اینها، کتابهای مستقل دیگری تألیف گشته و یا در ضمن کتابی مربوط به موضوعی گسترده، درباره ی حضرت خدیجه، فصلی قرار داده شده است که ذیلاً ذکر می نمایم.

1 - الانوار الساطعه، من الغرأ الطاهره / غالب السیلاوي

2 - خدیجه نخستین مسلمان و همسر پیامبر / رسیت هیلامازر / 1385 ش / ترکیه / به زبان انگلیسی

- 3 - مثلهن الاعلي، خديجه / عبدالله العلائلي / 1412 قمري / بيروت
- 4 - الكوثر في احوال فاطمه بنت النبي / موسوي / بخش مربوط به خديجه
- 5 - السيده خديجه، رمز التضيحه / علي اصغر مدرسي / 1381 شمسي
- 6 - المجموعة الكاملة لمؤلفات العقاد / عباس محمود عقاد / بخش مربوط به خديجه
- 7 - عظماً الاسلام / شيخ محمد حسن قيسي عاملي / بخش مربوط به خديجه
- 9 - فصلنامه قرآني كوثر / مجله / شماره 20 سال ششم / 1385 ش
- 10 - الذرية الطاهرة / حماد انصاري رازي دولابي / بخش مربوط به خديجه
- 11 - فروغ آسمان حجاز، خديجه / علي كرمي فريدني / چاپ دوم / 1383
- 12 - نگاهی نوبه زندگي درخشان خديجه / علي كرمي فريدني / 1385 ش
- 13 - سرچشمه كوثر / علي اكبر مهدي پور / 1385 ش
- 14 - شمع محفل طه / سيد محمد حسن سجاد / عليرضا مهرپور / 1385

اشاره

نويسندگان محقق و انديشمند و دلسوخته خاندان رسالت و امامت، مقاله هاي ارزشمندی درباره ي حضرت خديجه عَلَيهَا السَّلَام نوشته و منتشر نموده اند، که با تفاوت ها و تنوع هايي که از نظر انتخاب موضوعات مورد بحث و سبک نگارش و اجمال و تفصيل مطلب و ... دارد، مي تواند نقش مؤثري در آگاهي نسبت به عظمت و شخصيت و فداکايهاي آن حضرت داشته باشد.

بخشي از اين مقاله ها، در مجله هاي معتبر منتشر گرديده و بعضي در ضمن کتابي درباره ي پيامبر اکرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و يا مجموعه اي درباره ي زنان برجسته و يا همسران رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ... درج گرديده است و هم اکنون، به منظور زمينه سازي براي آشنائي با زندگي و شخصيت حضرت خديجه عَلَيهَا السَّلَام و دسترسي آسان به شماری از اين مقاله ها که در کتابها و مجله هاي گوناگون منتشر گرديده، گزيده اي از اين مقالات را در اين يادواره، به محضر علاقه مندان به آن بانوي بزرگ تقديم مي نماييم و در بخش «کتابها و مقاله ها درباره ي حضرت خديجه» آدرس و مشخصات شمار بسياري از آثار منتشر شده درباره ي آن حضرت را در اختيار پژوهشگران علاقه مند قرار مي دهيم.

مقاله اول

اشاره

استاد محقق و نويسنده عاليقدر و نامدار حضرت آية الله حاج شيخ جعفر سبحاني دامت برکاته در کتاب بسيار نفيس و محققانه «فروغ ابدیت» در بخش نهم، قسمت قابل توجهي را به ازدواج پيامبر اکرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خديجه پرداخته اند، که هم اينک در اختيار علاقه مندان قرار مي دهيم:

... کاروان «قریش» آماده حرکت شد، کالاهای بازرگانی «خديجه» نیز در آن میان بود، در این هنگام «خديجه» شترى راهوار و مقداري کالاي گرانبها در اختيار

وکیل خود گذارد و ضمناً به دو غلام خود دستور داد، که در تمام مراحل کمال ادب را به جا آورند و هر چه او انجام داد، ابداً اعتراض نمایند و در هر حال مطیع او باشند.

بالاخره کاروان به مقصد رسید و همگی در این مسافرت سودی بردند، ولی پیامبر بیش از همه سود برد و چیزهایی نیز برای فروش در بازار «تهامه» خرید.

کاروان «قریش» پس از پیروزی کامل، راه مکه را پیش گرفت، جوان قریش در این سفر برای بار دوم از دیار عاد و ثمود گذشت، سکوت مرگباری که در محیط زندگی آن گروه سرکش حکمفرما بود، او را بیشتر به عوالم دیگر متوجه نمود، علاوه بر این، خاطرات سفر سابق تجدید شد، بیاد روزی افتاد که همراه عموی خود همین بیابانها را پشت سر می نهاد، کاروان قریش به مکه نزدیک شد، «میسره» رو به رسول خدا نمود و گفت:

چه بهتر شما پیش از ما وارد «مکه» شوید و «خدیجه» را از جریان تجارت و سود بی سابقه ای که امسال نصیب ما گشته است، آگاه سازید، پیامبر اکرم، در حالی که «خدیجه» در غرفه خود نشسته بود، وارد مکه شد، «خدیجه» به استقبال او دوید و او را وارد غرفه نمود؛ پیامبر با بیان شیرین خود جریان کالاها را تشریح کرد، چیزی نگذشت که «میسره» وارد شد.

(1)

غلام «خدیجه» (میسره) آنچه را در این سفر دیده بود که تمام آنها بر عظمت و معنویت «محمد امین صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» گواهی می داد برای خدیجه موبه مو تعریف کرد، از جمله اینکه: «امین» بر سر موضوعی با تاجری اختلاف پیدا نمود، آن مرد به او گفت به «لات» و «عزی» سوگند بخور، تا من سخن تو را بپذیرم، «امین» در پاسخ او چنین گفت، پست ترین و مبعوض ترین موجودات پیش من همان لات و عزیست که تو آنها را می پرستی (2) و نیز میسره اضافه نمود که در «بصری» «امین» به منظور استراحت، زیر سایه درختی نشست، در چنین هنگام، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود به امین افتاد و آمد از من نام او را پرسید سپس چنین گفت:

«این مرد که در زیر سایه این درخت نشسته است همان پیامبر است که در «تورات و انجیل» در باره او بشارت های فراوانی خوانده ام! (3)

ص: 101

1-48. الخرايج ص 186 - بحار ج 16 ص 4

2-49. طبقات کبری، ج ص 140

3-50. بحار، ج 15 ص 18.

تا آن روز وضع مالی و اقتصادی رسول اکرم مرتب نشده بود و هنوز به کمک های مالی عمومی خود ابوطالب نیازمند بود، وضع کار و کسب او ظاهراً چندان ریشه دار نبود، که بتواند همسری انتخاب کند و تشکیل عائله دهد.

سفر اخیر وی به شام آن هم به طرز وکالت و نمایندگی از طرف یکی از زنان ثروتمند و سرشناس قریش (خدیجه) تا حدی وضع مالی و اقتصادی او را تثبیت نمود، دلآوری و کاردانی جوان قریش مورد اعجاب خدیجه قرار گرفت، حاضر شد که مبلغی را علاوه بر قرارداد، به عنوان جایزه پردازد ولی «جوان قریش» فقط اجرتی را که در آغاز کار معین شده بود دریافت نمود و سپس راه خانه ابوطالب را پیش گرفت و آنچه در این راه به دست آورده بود، برای اینکه گشایشی در وضع زندگی ابوطالب به وجود آید؛ همه را در اختیار او گذارد.

عمومی چشم به راه، با دیدن برادر زاده خود که یادگار پدر (عبدالطلب) و برادر بود، اشک شوق در چشمان او حلقه زد و از پیروزی او در کار تجارت و سودی که عاید او گشته بود بسیار خوشحال گشت و حاضر شد که دو اسب و دو شتر در اختیار برادر زاده بگذارد، تا به شغل بازرگانی ادامه دهد و از طلا و نقره ای که در این سفر به دست آورده و همه را در اختیار عمو گذارده بود، همسری برای او انتخاب کند.

در چنین شرایط، رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تصمیم قاطع گرفت که همسری به عنوان شریک زندگی انتخاب نماید. ولی چطور شد این قرعه به نام خدیجه افتاد، که قبلاً پیشنهاد ثروتمندترین و متنفذترین رجال قریش را، مانند عقبه بن ابی معیط و ابوجهل و ابوسفیان درباره ی ازدواج با خود، رد کرده بود و چه عللی پیش آمد که این دو شخص را که از نظر زندگی کاملاً مختلف بودند، به هم نزدیک کرد و آن چنان رابطه و الفت و محبت و معنویت میان آنان به وجود آورد، که خدیجه تمام ثروت خود را در اختیار مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گذارد و تجارتیکه دامنه آن به مصر و حبشه کشیده بود، در راه توحید و اعلاء کلمه حق مصرف گردید، خانه ای که اطراف آن را کرسیهای عاج نشان و صدف نشان پر کرده بود و حریرهای هند و پرده های زربفت ایران آرایش داده بود، بالاخره پناهگاه مسلمانان شد.

ریشه این حوادث را باید در تاریخ زندگانی خدیجه پیدا نمود. چیزی که مسلم است اینست که: این نوع خدمات و گذشت و فداکاری تا ریشه ثابت و پاک و معنوی نداشته باشد، به طور مسلم پیوسته نمی گردد.

صفحات تاریخ گواهی می دهد که این ازدواج معلول و مولود ایمان خدیجه به تقوی و پاکدامنی و عفت و امانت عزیز قریش بود و شرح زندگانی خدیجه و روایاتی که در فضیلت او وارد شده است، این مطلب را بیشتر روشن می نماید.

چون وی زنی پاکدامن و عفیف بود، همواره دنبال شوهر متقی و پرهیزگار می گشت و از این نظر پیامبر درباره ی وی فرمود:

«خدیجه از زنان با فضیلت بهشت است» و اول کسی که از زنان به محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ایمان آورد، خدیجه بود.

امیر مؤمنان در خطبه ای که به غربت اسلام در آغاز بعثت اشاره می نماید، می فرماید:

خانواده مسلمانی در اسلام نبود، جز خانواده ای که از پیامبر و خدیجه تشکیل یافته بود و من سومین نفر آنها بودم (1)

«ابن اثیر» می نویسد:

که تاجری «عفیف» نام، وارد مسجد الحرام شد و از اجتماع و عبادت يك جمعیت سه نفری کاملاً در شگفت مانده؛ دید وی با خدیجه و علی عَلَیْهِ السَّلَام مشغول نماز است، برگشت، با عموی پیامبر «عباس» ملاقات کرد و آنچه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید، وی گفت:

پیشوای آن سه نفر مدعی نبوت و پیامبری و آن زن، همسر وی خدیجه است و نفر سوم فرزند برادرم علیست سپس افزود:

در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد جز همین سه نفر. (2) و تفصیل و نقل روایاتی در فضیلت او وارد شده است که از حوصله گفتار ما بیرونست چه بهتر به تفصیل علی که این حادثه تاریخی را به وجود آورد پردازیم.

علل ظاهری و باطنی این ازدواج

مردان مادی که همه چیز را از دریچه مادیگری مطالعه می کنند، پیش خود چنین تصور می کنند که: چون خدیجه ثروتمند و تجارت پیشه بود، برای امور تجارتي خود به

ص: 103

1-51. لم یجمع بیت واحد، یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله و خدیجه و انا ثالثهما. نهج البلاغه خطبه قاصعه

2-52. ما علمت علی ظهر الارض کلها علی هذا الدین غیر هؤلاء الثلثة. اسد الغابة ماده «عفیف»

يك مرد امين، بيش از هر چيزي نيازمند بود، از اين لحاظ با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ازدواج نمود و محمد نيز از وضع زندگي آبرومندانانه او آگاه بود با اينكه توافق سني نداشتند؛ تقاضاي او را پذيرفت.

ولي آنچه را تاريخ نشان مي دهد اينست كه محرك خديجه براي ازدواج با امين قریش، يك سلسله جهات معنوي بود، نه جنبه هاي مادي، اينك شواهد ما:

1 - هنگامي كه از «ميسره» سرگذشت سفر جوان قریش را مي پرسد او كراماتي را كه در طول اين سفر از او ديده بود و آنچه را از راهب شام شنیده بود براي او نقل مي نمايد، «خديجه» شوق مفرطي كه سرچشمه آن علاقه به معنويت «محمد» صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود، در خود احساس مي كند و بي اختيار به او مي گويد، ميسره كافي است، علاقه مرا به محمد دو چندان كردي، برو، من تو و همسرت را آزاد كردم و دويست درهم و دو اسب و لباس گرانبهائي در اختيار تو مي گذارم.

سپس آنچه را از «ميسره» شنیده بود براي «ورقه بن نوفل» كه داناي عرب بود، نقل مي كند او مي گويد:

صاحب اين كرامات پيامبر عربيست (1)

2 - روزي «خديجه» در خانه خود نشسته و دور او را كنيزان و غلامان گرفته بودند، يكي از دانشمندان «يهود» نيز در آن محفل بود، اتفاقاً «جوان قریش» از كنار منزل آنها گذشت و چشم دانشمند «يهود» به پيامبر افتاد، فوراً از خديجه در خواست نمود؛ كه از «محمد» تقاضا كند از مقصد خود منصرف شود و چند دقيقه در اين مجلس شركت نمايد، رسول اكرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ تقاضاي داناي «يهود» را كه مبني بر نشان دادن علائم نبوت در بدن او بود پذيرفت، در اين هنگام «خديجه» رو به دانشمند «يهودي» كرد و گفت:

هر گاه عموهاي او از تفتيش و كنجكاوي تو آگاه گردند، عكس العمل بدني نشان مي دهند، زيرا آنان از گروه يهود به برادر زاده خود هراسانند. در اين موقع، داناي «يهود» گفت: مگر مي شود به محمد كسي صدمه اي برساند، در صورتي كه دست تقدير او را براي ختم نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است «خديجه» گفت:

از كجا مي گويي كه او حائز چنين مقام مي شود؟ وي گفت:

من علائم پيامبر آخر الزمان را در تورات خوانده ام و از نشانه هاي او اينست كه پدر و مادر او

ص: 104

می‌میرند و جد و عموی وی، از او حمایت می‌نمایند و از «قریش» زنی را انتخاب می‌نماید که سیده قریش است، سپس اشاره به «خدیجه» نمود و گفت:

خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را پیدا کند! (1)

3 - ورقه عموی خدیجه از دانایان عرب بود و اطلاعات فراوانی درباره ی کتب عهدین داشت و مکرر می‌گفت که:

مردی از میان «قریش» از طرف خدا برای هدایت مردم برانگیخته می‌شود و یکی از ثروتمندترین زنان قریش را می‌گیرد و چون «خدیجه» ثروتمندترین زنان قریش بود، از این لحاظ گاه و بیگاه به خدیجه می‌گفت:

روزی فرارسد که تو با شریفترین مرد روی زمین وصلت می‌کنی!

4 - خدیجه شبی در خواب دید:

خورشید بالای مکه چرخ خورد و کم کم پایین آمد و در خانه او فرود آمده، خواب خود را برای ورقه نقل کرد و ی چنین تعبیر نمود:

با مرد بزرگی ازدواج خواهی نمود و شهرت او عالم گیر خواهد شد.

اینها جریاناتیست که بعضی از مورخان و مرحوم علامه مجلسی (2) نقل نموده اند و در بسیاری از کتب تاریخی نیز ثبت شده است.

مجموع اینها علل تمایل خدیجه را آفتابی می‌کند، که این تمایل بیشتر مولود ایمان و اعتقاد به معنویت جوان قریش بود و اینکه امین برای تجارت او از دیگران مناسبتر است، شاید کمترین اثری در ایجاد این وصلت نداشته است.

کیفیت خواستگاری خدیجه

قدر مسلم اینست که پیشنهاد، ابتدا از طرف خود خدیجه شده است، حتی ابن هشام (3) نقل می‌کند که خدیجه شخصاً تمایلات خود را اظهار کرد و چنین گفت:

عمو زاده! من بر اثر خویشی که میان من و تو برقرار است و آن عظمت و عزتی که میان قوم خود داری و امانت و حسن خلق و راستگویی که از تو مشهود است، جداً مایلیم با تو ازدواج کنم. «امین قریش» او را پاسخ داد که، لازم است عموهای خود را از این کار آگاه سازد و با صلاحدید آنها؛ این کار صورت پذیرد.

ص: 105

1-54. بحار، ج 16 ص 19.

2-55. بحار الانوار، ج 6، ص 104.

3-56. سیره ابن هشام، ج 1، ص 204.

بیشتر مورخان معتقدند که نفیسه دختر «علیه» پیام خدیجه را به پیامبر به طرز زیر رساند.

محمد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی، هر گاه من تو را به زیبایی و ثروت، شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟ پیامبر فرمود:

منظورت کیست؟

وی «خدیجه» را معرفی کرد، حضرت فرمود:

آیا (خدیجه) به این کار حاضر می شود، با اینکه وضع زندگی من با او فرق فاحش دارد؟

نفیسه گفت:

اختیار او در دست من است و من او را حاضر می کنم، تو ساعتی را معین کن، که وکیل او (عمرو بن اسد) [\(1\)](#) با شما و خویشانتان دور هم گرد آمده و مراسم عقد و جشن برگزار شود.

رسول اکرم با عموی بزرگوار خود (ابوطالب) جریان را مذاکره کرد، مجلس با شکوهی که از شخصیت‌های بزرگ قریش را در برداشت، تشکیل گردید؛ نخست ابوطالب خطبه ای خواند که آغاز آن حمد و ثنای خداست و برادرزاده خود را چنین معرفی کرد:

برادر زاده من محمد بن عبدالله با هر مردی از قریش موازنه و مقایسه شود؛ بر او برتری دارد؛ او اگر چه از هر گونه ثروتی محروم است لکن ثروت سایه ایست رفتنی و اصل و نسب چیز است ماندنی... [\(2\)](#)

چون خطبه ابوطالب مبنی بر معرفی قریش و خاندان هاشم بود در برابر آن، ورقه عموی خدیجه ضمن خطابه ای گفت:

کسی از قریش منکر فضل شما نیست، ما از صمیم دل می خواهیم دست به ریسمان شرافت شما بزنیم...

ص: 106

1- 57. معروف اینست که پدر خدیجه (خویدل) در جنگ فجار فوت کرده بود از این جهت عموی او از طرف او صیغه عقد جاری کرد، روی این حساب، مطلبی که برخی از تاریخ نویسان، ضبط کرده اند که خویدل در آغاز کار، رضایت نداشت، سپس روی تمایلات شدید خدیجه راضی شد، بی اساس است.

2- 58. تهران ابن اخي هذا محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لا يوازن برجل من قریش الارجح به ولا يناس باحد منهم، الاعظم منه و ان كان في المال مقلان المال، ورق حائل و ظل زائل.. مناقب ج 1، ص 20 بحار، ج 15، ص 6.

عقد نکاح جاری شد و مهریه چهارصد دینار معین شد و بعضی گفته اند که مهریه بیست شتر بوده است.

مقاله دوم

اشاره

محقق عالیقدر و دلباخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام مرحوم آیت الله سید محمد کاظم قزوینی قدس سره در کتاب گرانسنگ «فاطمه الزهراء من المهد الي اللحد» که به وسیله نویسنده گرانمایه و عالیمقام، آقای حاج شیخ علی کریمی فریدنی دامت برکاته ترجمه شده، سه بخش را به مسائل مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اختصاص داده است که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

مام گرانمایه او

مام گرانمایه فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بانوی ارجمندیست به نام خدیجه.

بانویی سپید چهره و نورانی و بلند قامت و زیبا، که در میان جامعه و مردمش پر شرافت و سخت محترم بود و در کارهایش اندیشور و بسیار خردمند. از هوشمندی و درایت بهره ای بسیار داشت و در امور و شئون، از بیشترین ژرف و فراوان برخوردار بود.

در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می زیست و به برکت مغز متفکر و هوشمند خود چرخهای امور اقتصادی و تجاری گسترده خویش را به حرکت می آورد و به اصول و مبانی و مقررات صادرات و واردات و مدیریت شایسته اقتصادی آگاه بود.

اینها همه از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان شریف و یک زن با شخصیت بود.

اما صفات برجسته او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک.

بانویی بود که هزاران هزار، از ثروت و دارایی خویش را به سویی گرانقدرش بخشید، تا به هر صورتی که می خواهد و می پسندد در آن تصرف نماید و بی هیچ تردیدی دارایی هنگفت و سرمایه عظیم تجاری و اقتصادی این بانوی هوشمند و فداکار در پیشرفت و استواری اسلام نقش اساسی داشت.

چرا که اسلام در آن مرحله از حیاتش، در حال شکل گرفتن و قدرت یافتن بود و نیاز شدیدی به ثروت و امکانات اقتصادی و زندگی داشت و خداوند بر اثر درست اندیشی و اخلاص آن بانو، این افتخار را به او داد که دارایی و امکانات تجاری و مالی اش را برای اسلام مهیا ساخت و با تأمین نیاز اقتصادی اسلام، در آن مرحله حساس، هدف پیامبر نیز که پیشرفت اسلام بود به طور عملی تحقق یافت و پایه های آن، استوار گردید.

به همین جهت است که پیامبر فرمود:

هیچ ثروتی همانند ثروت «خدیجه» برای اهداف بلند من سود بخش و مفید نیفتاد.

مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ

پیامبر گرامی با بهره گیری از ثروت «خدیجه» وام و مداران را می پرداخت و بردگان را آزاد می نمود و به درماندگان کمک می کرد و بار را از دوش آنان بر می داشت و در رخدادهای ناگوار زندگی، از آن به هر اندازه لازم بود مصرف می کرد و زیر بال محرومان را می گرفت و هنگامی که در مکه بود به یاران بینوای خویش کمک می کرد و پول و امکانات لازم برای هجرت مهاجران را می پرداخت.

پیامبر در زمان حیات این بانوی فداکار آنچه صلاح می دانست از دارایی او هزینه می کرد و پس از رحلت او نیز باقیمانده ثروتش را، او و فرزندان او به ارث بردند. (1)

و درست به همین جهت است که سخن جاودانه پیامبر مفهوم روشن خویش را پیدا می کند که فرمود:

اسلام پس از جاذبه و معنویت خود، تنها با شجاعت و شهامت و شمشیر عدالت علی و دارایی خدیجه بر پای ایستاد و استواری یافت.

مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ

نام بلند آوازه او

زندگی و همگامی و همراهی این بانوی بزرگ و فداکار با پیامبر، در طول همه زندگی مشترک، در خور هر گونه تحسین و تکریم است.

ص: 108

به همین دلیل است که پیشوای بزرگ توحید، هر گاه پس از رحلت او نیز از وی و نام بلند آوازه اش یاد می کرد، یا نامش به میان می آمد، با همه وجود برای او طلب آموزش می کرد و قلب مصفاً یش به یاد او می شکست و چه بسا که قطرات اشک دیدگانش، در اندوه فقدان آن یار مهربان و همسنگر و پشتیبان فداکار و هوشمند، بر گونه هایش می غلتید و فرو می ریخت.

روزی آن گرانمایه عصرها و نسلها، از خدیجه، همانند همیشه با عظمت و احترام بسیار یاد کرد که عایشه گفت:

ای پیامبر خدا! او بانویی سالخورده و از کار افتاده بود و خداوند بهتر از او را به شما داده است! پیامبر فرمود:

«هرگز این گونه که تو می پنداری نیست. خدا بهتر از او را به من نداده است، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد، که مردم به من کفر ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد، که مردم دروغگویم شمردند و آنگاه او مرا در ثروت و دارایی هنگفت خویش شریک ساخت، که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند و خدا فرزندان از آن بانوی پاک و فداکار به من ارزانی داشت و از دیگر زنان، فرزندی به من ارزانی نداشت و یا طبق خواست حکیمانه اش باقی نهد.»

پیامبر و پیمان زندگی مشترک

درست 25 بهار از عمر گرانها و پر برکت پیامبر می گذشت، که با بانوی چهل ساله ای به نام «خدیجه» که برترین بانوی روزگار خویش بود، پیمان زندگی مشترک را امضاء کرد و فصل جدیدی در زندگی اش آغاز شد.

برخی سن و سال خدیجه، آن بانوی هوشمند و پاک را 26 و 28 سال نیز نوشته اند، اما مشهورترین دیدگاه، همان است که او به هنگام ازدواج با پیامبر، 40 بهار از عمرش می گذشت.

برخی بر آنند که «خدیجه» پیش از پیمان زندگی مشترک با پیامبر، دو بار ازدواج کرده و همسرانش یکی پس از دیگری از دنیا رفته بودند و برخی نیز بر این اندیشه اند که او تا هنگام ازدواج با پیامبر دختر و ازدواج نکرده بود.

ازدواج پیامبر با «خدیجه» شباهتی به ازدواج های شناخته شده نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بود، چرا که این پیوند مبارک و مقدس، نه

ثمره عشق زودگذر و دوستی بی پایه و اساس بود و نه برخاسته از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اغراض و اهداف رایج، که در ازدواج چهره های مشهور و سرشناس دنیا وجود دارد.

و نیز هدف های سیاسی نیز در امضاء و تشکیل این زندگی مشترک و ساختار آن، نقشی نداشت.

افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و «خدیجه» نیز با یکدیگر تناسبی نداشت و میان آنان فاصله بسیاری بود، چرا که پیامبر خود دارای ارزشهای مادی و امکانات اقتصادی نبود و همانگونه که دوران کودکی راتحت سرپرستی و کفالت عموی گرانقدر خویش زندگی کرده بود، باز هم با او می زیست، اما «خدیجه» ثروتمندترین و بی نیازترین زن در مکه و جهان عرب بود.

به همین جهت فاصله زیادی میان سطح زندگی پیامبر و ثروتمندترین بانوی عرب می نگریم، اما آن بانوی خردمند شنیده بود و خوب می دانست که آینده درخشان و بسیار امیدبخشی در انتظار پیامبر است.

شاید این واقعیت را از غلام هوشمند خویش «میسره» دریافته بود، که در سفر اقتصادی پیامبر با کاروان تجارتي «خدیجه» به سوی دمشق، همسفر پیامبر بود و نشانه های بسیاری از شکوه و عظمت و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به بانوی خردمند حجاز، گزارش نموده بود، یا اینکه پیشگویی آن راهب و عابد دیر «بصری» در منطقه شام، در مورد آینده شکوهبار «محمد» به گونه ای به گوش «خدیجه» رسیده بود و او نیز در پرتو ژرف نگری و الهام قلبی خویش، به آن آینده درخشان دل بسته بود.

بر این اساس بود که بانوی پر شرافت حجاز، برنامه پیوند با پیامبر را تهیه نمود و خود با قداست و هوشمندی ویژه اش، سخن را در مورد آن مطلب، با پیامبر آغاز کرد و از آن حضرت تقاضا نمود که گام به پیش نهد و از راه پدرش «خویلد» یا عمویش از او خواستگاری نماید، اما پیامبر با وجود پیشگامی بهترین و ثروتمندترین بانوی جهان عرب برای پیوند با او، بهتر می دید که با بانویی که از نظر اقتصادی و مادی با او هماهنگ باشد زندگی مشترک را آغاز کند و به همین دلیل هم از «خدیجه» پوزش خواست و به او پاسخ مثبت نداد.

اما از آنجایی که «خدیجه» بانویی خردمند و دوراندیش و آگاه و با فضیلت بود، در برابر دلیلِ پاسخِ منفیِ پیامبر به ازدواج با او گفت:

«آیا کسی که تصمیم گرفته است خویشان را به پیامبر ببخشد و جان ناقابل را فدای او کند، برای او مشکل است که ثروت و دارایی خویش را نیز بر او ببخشد و هر آنچه دارد همه را نثار قدم دوست کند؟»

و با این دیدگاه بود که از پیامبر تقاضا نمود، تا عموهای خویش را به خانه پدرش «خویند» گسیل دارد و به طور رسمی از او خواستگاری کند.

عموهای پیامبر پس از شنیدن این خبر شادی بخش، که در نوع خود بی نظیر بود، شگفت زده شدند و عمه های آن حضرت نیز با شنیدن خبر این پیشنهاد از سوی بانوی حجاز، در بهت و حیرت فرو رفتند، چرا که به راستی هم، رخداد شگرفی بود!

بانویی که هزاران هزار دینار، ثروت و امکانات در اختیارش بود و ده ها و صدها کارگزار و کارمند از برکت سود سرشار کاروانهای تجاری او - که در فصل های گوناگون سال، میان «یمن» و «مکه» از یکسو و «مکه» و «دمشق» از سوی دیگر در حرکت بود - زندگی می کردند، بانویی که دارایی و امکانات گسترده اش، لحظه به لحظه در حال پیشرفت و توسعه بود، بانویی که بزرگان و سرشناسان و قدرتمندان روزگار از او خواستگاری نموده و به همه پاسخ منفی داده بود، اینک چگونه دل در گرو مهر مقدس و عشق پاک و پر معنویت جوانی نهاده است، که از ارزشهای مادی و زرق و برق روزگار، چیزی ندارد و در کنار عموی گرانقدر خویش ابوطالب زندگی می کند؟

راستی بانوی حجاز چگونه از او تقاضای ازدواج نموده و از آن حضرت خواسته است که این افتخار را به او بدهد و بپذیرد؟ چگونه؟!

آیا این گزارش درست است و به راستی حقیقت دارد؟

عمه پیامبر «صفیّه» دخت بزرگوار «عبدالطلب» برخاست و به سوی اقامتگاه «خدیجه» رفت، تا در این مورد تحقیق و بررسی نماید و آنگاه که با بانوی حجاز دیدار کرد و با او روبرو شد به طور شگفت انگیزی با خوش آمد گویی و احترام و تکریم او روبرو شد و آمادگی او را با همه وجودش دریافت و دید، آری بهترین و هوشمندترین و ثروتمندترین بانوی عرب، آماده امضاء پیمان زندگی مشترک با

والا ترین جوان عرب می باشد.

خردمندترین بانوی عرب در آستانه نیک بختی

«صفتیه» پس از دیدار با بانوی حجاز و اطمینان از درستی خبر، به سوی برادرانش بازگشت و حقیقت را با آنان در میان نهاد.

عموهای پیامبر پس از دریافت صحت گزارش، شادمان شدند، اما شادمانی آنان با نوعی بهت و حیرت همراه بود.

چرا که «خدیجه» بانوی بزرگی بود که قدرتمندان و اشراف و امیران عرب به خواستگاریش شتافته بودند و او آنان را همشأن و هم‌تای خویش ندیده و دست رد بر سینه همه آنان زده بود.

اینکه چه انگیزه‌ای او را بر آن داشته است که دل در گرو عشق مقدس جوانمردی نهد که از زرق و برق و ارزش و امکانات مادی و مالی، نه زر و سیمی دارد و نه از زمین پهناور خدا، یک وجب خاک را مالک است؟!

عموهای پیامبر برخاستند و به اقامتگاه بانوی حجاز شتافتند و او را از پدرش «خویند» یا عمویش، برای پیامبر خواستگاری کردند.

پدرش در برخورد نخست، پاسخ مثبت نداد، اما به اشاره دخترش با آن پیوند موافقت کرد.

موضوع مهریه پیش آمد و اینک باید مهریه‌ای در خور مقام و موقعیت بانوی بزرگ حجاز، از سوی پیامبر تقدیم گردد، اما از کجا و چگونه؟ و چه کسی می‌تواند این مبلغ سنگین و در خور شخصیت و موقعیت «خدیجه» را تقدیم دارد؟

درست در این لحظات بود که، دگر باره بانوی حجاز به کار جالب و شگرفی دست زد و با هدیه نمودن چهار هزار دینار به پیامبر، از آن گرانمایه جهان هستی تقاضا کرد که آن را به عنوان مهریه به پدرش «خویند» پردازد، گرچه در یک روایت آمده است که جناب «ابوطالب» مهریه را با سرفرازی و شادمانی از اموال خویش تقدیم داشت و پیمان زندگی مشترک به امضاء رسید.

آری، با اینکه بانوی خردمند حجاز به ارزشهای والای اخلاقی و انسانی بهاء می‌دهد و در راه به دست آوردن شرافت و کرامت، ارزشهای مادی را فدا می‌کند.

با این وصف پدرش «خویند» از این اندیشه بلند بی‌بهره است و این اختلاف دیدگاه را تنها میان این پدر و دختر نمی‌نگریم، بلکه این نا هماهنگی در اندیشه و این دو طرز

تفکر میان پدران و فرزندان و میان دو برادر و دو همسر و پدر و فرزند نیز، هم در روزگاران گذشته و هم در جهان معاصر، بسیار فراوان است.

به هر حال، جریان به خوبی پیش رفت، اما رخدادی بی سابقه و بی نظیر و بهت آور بود.

در میان عرب کسی به خاطر نداشتن که زنی خود مهریه اش را به همتای زندگی اش هدیه کند.

به همین جهت جای شگفت ندارد که حس حسادت و رزوی ابوجهل فوراً ن کند و آتش حسد در دل او زبانه کشد و فریاد زند که:

هان ای مردم! ما دیده بودیم که مردان مهریه زنان را می پردازند، اما ندیده بودیم که زنان مهریه خویش را به مردان زندگی آینده خویش هدیه کنند و ابوطالب، فرزانه عرب پرخاشگرانه به او پاسخ داد که:

«مردک کم خرد و پست، چه می گویی؟ به جوانمردی همانند «محمد» هم دختر می دهند و هم مهریه اش را خود هدیه می کنند، اما مردک کم خردی چون تو، اگر هدیه هم تقدیم داری، پذیرفته نمی شود و پاسخ مثبت نخواهی شنید.»

و بنا بر روایتی، او را این گونه سرزنش کرد:

«اگر خواستگار همانند برادرزاده سرفراز من باشد، او را به بالاترین و گرانبهاترین قیمت ها می برند و پرشکوه ترین مهریه ها را به او هدیه می دهند. اما اگر بسان تو باشد، با مهریه سنگین هم نمی تواند با زنی شایسته ازدواج کند.»

این پیوند مبارک به بهترین صورت تحقق پذیرفت و پیامبر به تقاضای «خدیجه» به اقامتگاه او گام نهاد.

از آن لحظات بیاد ماندنی بود که دیگر «خدیجه» همواره احساس می نمود که نیکبختی در کامل ترین شکل ممکن به او روی آورده و خورشید خوشبختی اش طلوع نموده است، چرا که او به بزرگترین آرزوی خویش - یعنی ازدواج با پیامبر - رسیده بود.

بانوی بزرگ حجاز در این زندگی مشترک، پسرای به دنیا آورد که همگی آنان در کودکی از دنیا رفتند و دخترانی به نامهای «زینب» و «ام کلثوم» و «رقیه» و «فاطمه» به او و پیامبر ارزانی شد، که کوچکترین، اما برترین و پرشکوه ترین آنان فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بود.

مورخان در مورد دو دختر او، «زینب» و «ام کلثوم» دیدگاه متفاوتی دارند برخی

بر این اندیشه اند که آن دو، از ثمرات شیرین این پیوند مقدس نیستند. اما درست اینست که این دو تن نیز، فرزندان پیامبرند. (1)

دوري از يار مهربان

در روایت آمده است که:

فرشته وحی بر پیشوای بزرگ توحید فرود آمد و گفت:

ای «محمد!» خداوند بلند مرتبه درودت می فرستد و به تو دستور می دهد که به مدت چهل شبانه روز از همسرت «خدیجه» دوری گزینی.

این فرمان بر پیامبر گران آمد، چرا که او آن بانوی خردمند و با ایمان را بسیار دوست می داشت.

آن حضرت با وجود عشق و علاقه فراوان به «خدیجه»، فرمان خدا را به جان خرید و این مدت چهل شبانه روز را، شب ها به نیایش و عبادت و روزها به روزه داری کمر بست و به «خدیجه» نیز به وسیله عمّار پیام فرستاد که:

«هرگز چنین مپنداری که دوری گزیدن از تو، به خاطر بی توجهی و یا کدورت و ناراحتی است، بلکه حقیقت اینست که پروردگرم مرا به این کار فرمان داده است و من تنها به انجام دستور می اندیشم. از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر نسبت به من گمان نداشته باش، چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه، به وجود شایسته تو بر فرشتگان گرانمایه اش مباحث می کند».

از این رو هنگامی که شب فرا می رسد در را ببند و برای استراحت به بستر خویش درآی و آگاه باش که من نیز در خانه «فاطمه بنت اسد» هستم.

هنگامی که پایان چهلمین روز فرا رسید، فرشته وحی بر پیامبر فرود آمد و گفت:

هان ای «محمد!» خدای بلند مرتبه درودت می فرستد و فرمان می دهد که خویشتن را برای دریافت تحیت و ارمغان او آماده سازی.

غذای بهشت

ص: 114

1-60. برداشت از بحارالانوار، ج 1 ص 16. در اینجا بخش اول نوشته آیت الله قزوینی پایان می یابد.

پیامبر از فرشته وحی پرسید:

ارمغان پروردگار جهانیان چیست؟

«جبرئیل» گفت:

من نمی دانم.

پیامبر آماده بود که «میکائیل» فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیبا بود، در برابر او، به زمین نهاد.

فرشته وحی پیش آمد و گفت:

ای محمد! پروردگارت به تو فرمان می دهد، که امشب با این غذا افطار نمایی.

امیر مؤمنان در این مورد آورده است که:

«روش همیشگی پیامبر این بود که هر گاه می خواست افطار نماید، به من دستور می داد که درب خانه را باز گذارم، تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر میل به غذا دارد، بتواند غذا بخورد. اما آن شب مرا بر درب خانه نشاند، تا مانع ورود مردم گردم و فرمود:

علی جان! این غذا نیست که جز بر من، حرام است».

امیر مؤمنان می افزاید:

من به دستور پیامبر، کنار درب خانه نشستم و پیامبر با ارمغان آسمان تنها ماند. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشتند، دیدم خوشه ای خرمای تازه و خوشه ای انگور در آن سینی نهاده شده است.

پیامبر از آن ارمغان آسمانی سیر خوردند و آب گوارا نیز نوشیدند.

آنگاه دست مبارک را برای شستشو دراز کردند، فرشته وحی بر دست آن حضرت آب ریخت و «میکائیل» آن را شست و «اسرافیل» آن را با دستمال خشک کرد و باقیمانده غذا نیز با همان سینی به آسمان بالا رفت.

پیامبر برخاست تا نماز آغاز کند که «جبرئیل» پیش آمد و گفت:

اینک نماز بر شما ممنوع است، تا به سرای «خدیجه» بروید، چرا که خدا به ذات پاکش سوگند یاد کرده است که امشب از شما، فرزند پاک و پاکیزه و نسل سرفرازی را پدید آورد.

پیامبر شتابان به سرای «خدیجه» آمد. آن بانوی بزرگ می گوید:

من دیگر با تنهایی خو گرفته بودم. از این رو هنگامی که شب فرا می رسید:

سرم را مي پوشانيدم و پرده ها را مي انداختم و پس از نماز و بستن درب خانه، چراغ را خاموش مي كردم و در بستر خویش مي آراميدم.

ص: 115

آن شب درست میان خواب و بیداری بودم، که به ناگاه پیامبر محبوب، در خانه را به صدا در آورد

صدا زدم چه کسی حلقه در خانه ای را می کوبد، که جز «محمد» نباید دیگری باشد؟

پیامبر با نوای دلنشین و لکن آرام بخش و زیباییش فرمود، خدیجه! منم «محمد»، درب را باز کن، منم، من!

خدیجه می گوید:

در اوج شادمانی از آمدن پیامبر، درخواستم و درب خانه را گشودم و پیامبر وارد شد.

آن حضرت این گونه بود که پس از ورود به خانه، ظرف آبی می طلبید و وضو می ساخت و دو رکعت نماز می خواند و پس از نماز به بستر می رفت. اما آن شب آب نخواست و آماده نماز نشد، بلکه میان من و او، آنچه میان دو همسر انجام می شود، انجام شد.

آنگاه «خدیجه» سوگند یاد می کند که:

به خدایی که آسمان بلند را برافراشت و آب را از زمین جوشانید و جاری ساخت که آن شب هنوز پیامبر خدا از کنار من دور نشده بود، که سنگینی وجود و حضور گرانبه دخت سرفرازم «فاطمه» را در سازمان وجود خود حس کردم ... (1)

از این روایت نکاتی چند دریافت می گردد:

1 - خدا به پیامبرش دستور می دهد که از بانوی خردمند حجاز برای مدتی جدا شود، تا بر اثر دوری از او، شور و شوق پیامبر بر او بسیار گردد.

2 - پیامبر در این چهل شبانه روز، بیش از همیشه به عبادت و راز و نیاز پرداخت و بر اثر ارتباط همیشه و پیوسته با عالم بالا، از روحانیت و معنویت و شرایط روانی و روحی ویژه ای بهره ور می گردد.

3 - آن حضرت با ارمغان آسمان افطار می نماید، با موهبتی که به خاطر لطافت ویژه اش به سرعت به نطفه تبدیل می شود.

4 - نطفه، از آن ارمغان آسمانی و بهشتی، که هیچ شباهتی به غذاهای جهان ماده

ص: 116

ندارد، فراهم می آید.

5- و دیگر حرکت فوری پیامبر به اقامتگاه «خدیجه» به منظور انتقال دادن نطفه با آن مُقَدَّمات و تدابیر شگرف و هدف خاص.

لازم به یادآوریست که این روایت را دانشمندان اهل سنت نیز با اندک تغییر آورده اند.

(1)

رحلت بزرگ بانوی جهان عرب

چرخ روزگار به گردش خویش ادامه می داد و سالها یکی پس از دیگری می گذشت، در حالی که زندگی دخت فرزانه پیامبر، همچنان با رویدادهای تکان دهنده و حوادث حزن انگیز آمیخته می گشت و او کودکی را پشت سر می نهاد و به سوی بهاران نوجوانی و جوانی گام می سپرد.

او در هشتمین بهار زندگی بود، که ناگهان با فاجعه ای بزرگ روبرو شد.

فاجعه ای که غم آن بر زندگی اش سایه افکند و اندوه جانکاه آن، بر قلب پر مهرش خیمه زد و حزن آن، دلش را آکنده ساخت. این فاجعه غمبار، فاجعه رحلت جانسوز مام گرانمایه اش خدیجه بود.

همان مام اندیشمند و شایسته کرداری که با نگاهی سرشار از حزن و اندوه، به دخت عزیز و کوچک خویش می نگریست، چرا که می دانست «زهرا» او به زودی به سوک مام پر مهر خویش خواهد نشست.

بانوی بزرگ حجاز در بستر رحلت افتاده و شَبَح مرگ بر او سایه افکنده بود، آخرین لحظات زندگی را می گذرانید، که پیامبر بر او وارد شد و با مهر و بزرگواری همیشه فرمود:

«خدیجه» رحلت تو بر ما گران است امّا، هنگامی که بر بانوان برگزیده جهان هستی و دوستان همدریف خویش وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان.

بانوی بزرگ حجاز پرسید:

ای پیامبر خدا! آنان کیانند؟

ص: 117

1-62. از جمله: «خوارزمی» در مقتل الحسین، ص 63 و 68. «ذهبی» در میزان الاعتدال، ج 2، ص 26. «عسقلانی» در لسان المیزان، ج 4، ص 36. و تلخیص المستدرک، ج 3، ص 156. در اینجا بخش دوم نوشته آیت الله قزوینی راجع به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پایان می یابد.

پیامبر فرمود:

«مریم» دختر عمران، «کلثوم» خواهر موسی و «آسیه».

«خدیجه» گفت:

به خوشی و مبارکباد، ای پیامبر خدا! (1)

پیامبر گرامی خطاب به او می فرمود:

من دستور یافته ام که «خدیجه» را به اقامتگاهی پر شکوه در بهشت پرتراوت و زیبا که از مروارید ساخته شده است، مژده دهم. اقامتگاهی که نه در آن سر و صدا و هیاهوی دنیاست و نه رنج و فرسودگی آن.

زمان به سرعت می گذشت، بانوی خردمند جهان عرب گریه می کرد و آه می کشید. «اسماء» به او گفت:

شما که سالار زنان هستی و همسر پر مهر و با وفای پیامبر و از آن حضرت مژده بهشت دریافت داشته ای، چرا گریه می کنی؟

او پاسخ داد:

گریه ام برای آن است که دخت گرانمایه ام را ترك می کنم و شب عروسی اش، در کنارش نیستم تا او را یاری کنم. دخترم نوجوان است، نگران آنم که در شب عروسی اش یار پر مهر و مشاور و مددکار دلسوزی نداشته باشد.

«اسماء» گفت:

سرورم! من اینک با تو پیمان می بندم که اگر تا آن زمان زنده بودم، به جای تو او را مادری کنم و آنگاه بود که بزرگ بانوی جهان عرب «خدیجه» آرام و مطمئن، چشم بر هم نهاد و در سن شصت و سه سالگی جهان را بدرود گفت.

ضربه هولناک مرگ خدیجه

مرگ غمبار این بانوی بزرگ، ضربه ای هولناک بر پیکر پیامبر فرود آورد و قلب مقدس او را آکنده از حزن و اندوه ساخت، به ویژه که آن پیشوای بزرگ، چندی پیش از مرگ خدیجه، به سوگ عموی گرانقدر و مدافع بزرگ و نستوه خویش نشست بود، که این مصیبت نیز بر غم و اندوه او افزون گشت. به گونه ای که آن سال را، سال اندوه نامید، چرا که دو یار پر مهر و دو پشتیبان پر اقتدار خود را در آن سال از دست داده بود.

آن حضرت از سویی به سوگ «خدیجه» نشست، به سوگ بانویی که نه تنها همسر وفادار و پر مهرش بود، بلکه نخستین ایمان آورنده به خدا نیز بود.

بانویی بود که

1-63. طبق برخی روایات؛ این بانوان نامدار، در بهشت در عقد پیامبر خواهند بود. به همین جهت پیامبر تعبیر به «ضرائك» فرمود. بحارالانوار، ج 19، ص 24 به نقل از «من لا يحضره الفقيه»

پشتیبان پر اقتدار پیامبر در فراز و نشیب زندگی به حساب می‌آمد و شخصیت بزرگی بود که ثروت و دارایی بسیار خویش را برای پیشرفت اهداف اسلام و پیامبر به او هدیه کرد و نه تنها در میان زنان مکه، که در همه جهان عرب بی نظیر بود.

آری خدیجه، جهان را بدرود گفت و پیکر او را در نقطه ای بنام «حجون» به خاک سپردند. پیامبر کنار قبرش آمد و پیش از به خاک سپاری او، به قبرش فرود آمد، در حالی که «فاطمه» دخت ارجمندش دامان پدرش، پیامبر را گرفته بود و دور پدر می‌گشت و می‌پرسید:

پدر جان! مادرم کجاست؟

و پیامبر پرسش او را بی پاسخ می‌گذاشت. او به سوی دیگران می‌رفت و از آنان سراغ مادر پر مهر خویش را می‌گرفت، که در این هنگام «جبرئیل» فرود آمد و به پیامبر خبر داد که:

«پروردگارت به شما فرمان می‌دهد که، سلام ما را به «فاطمه» برسان و به او بگو:

مادرش «خدیجه» اینک در بهشت زیبا و پر طراوت خداست.

در کاخی از مروارید که غرفه هایش از طلا- و ستونهایش از یاقوت سرخ است و او در کنار «آسیه» و «مریم» دختر «عمران» و مادر «مسیح» است.

پیامبر، «فاطمه» را در آغوش گرفت و مورد محبت قرار داد و پیام خدا را به او رسانید.

او گفت:

پروردگام سر چشمه سلام و برکت و نعمت و آرامش است.

سلام از اوست و سلام به او باز می‌گردد. (1)

مقاله سوم

اشاره

از نویسندگان و شاعران اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، حجة الاسلام آقای حاج شیخ جواد محدثی دام عزّه، در مجله «پیام زن» سال دوم، شماره دوازدهم، مقاله جالبی درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام منتشر گردیده است، که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد:

گاهی دست تقدیر و نظر لطف خدا، فرجامی نیک برای برخی رقم می‌زند که از افتخار، سر بر فلک می‌سایند و بر فرشتگان هم می‌بالند.

«خدیجه» یکی از این چهره های نمونه و الگو است، که لیاقت آن را یافت تا ظرف پدید آمدن گوهری چون «فاطمه» گردد.

1-64. در اینجا قسمت سوم نوشته آیت اله قزوینی درباره ی حضرت خدیجه به پایان می رسد.

اگر خدیجه کبری، که شرافت و ارجمندی والایی دارد، هیچ فضیلتی نداشت جز آنکه «مادر زهراء» باشد، برای او بس بود.

در این بخش، با گوشه هایی از حیات پرفروغ این بانوی بزرگ، آشنا می شویم:

کرامت نفس

خدیجه را از انسانهای اندیشمند، با شرافت، آینده نگر، عقیف و فرزانه شمرده اند.

شرافت دودمان از يك سو، همسري رسول خدا از سويي ديگر و خدمات او در راه آيين مقدس اسلام از طرف ديگر، به او عظمت و موقعيت خاص بخشیده است.

پدرش، «خويلد بن اسد» از قبیله «بني كلاب» بود.

مادرش «فاطمه بنت زایده» نام داشت.

از ثروت و شهرت ویژه ای در جزیره العرب برخوردار بود.

در میان همتایان و همسالان خود، همچون ستاره ای می درخشید. وقتی هم که در خدمت اسلام و پیامبر قرار گرفت، آنچه را داشت، وقف راه خدا و رضای رسول کرد و در سایه حمایت از «دین آسمانی» نام خویش را زنده جاوید ساخت.

همسران پیشین

گرچه بعضی مدعی شده اند که حضرت خدیجه، پیش از ازدواج با رسول خدا، همسری نداشته و ازدواج نکرده بوده است، اما مشهور میان سیره نویسان، آن است که وی بیوه ای بود که قبلاً شوهر داشت.

شوهر پیشین او «عتیق بن عائذ» بود.

از این ازدواج، دختری داشت به نام «هند». شوهرش درگذشت و پس از مدتی به همسری «ابوهاله بن بناش» درآمد. از این ازدواج نیز خداوند به او پسری داد. نام او را هم هند گذاشتند.

درباره ی فرزندان خدیجه، سخنان دیگری هم گفته اند.

از جمله آن که خدیجه خواهری داشته، که چندان معروف نبوده است.

پس از درگذشت آن خواهر، دختران او در دامن خدیجه بزرگ شدند. هنگام ازدواج پیامبر با خدیجه، آن دو دختر کوچک بودند. چون سنت عرب بر آن بود که تربیت شده در دامان کسی را به او نسبت می دادند، خواهر زادگان خدیجه را هم دختر خدیجه شمردند و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نسبت دادند.

به هر حال، شوهر خدیجه کبری در گذشته بود و این بانوی ثروتمند و نام آور، همچنان بیوه می زیست و خواستگاران متعددی را هم که مشتاق وصلت با او بودند رد می کرد.

سر انجام، ستاره اقبال او طلوع کرد و افتخار همسری رسول خدا را یافت و اما خلاصه ماجرا:

ازدواج با پیامبر

عشق محمد صلی الله علیه و آله و سلم در دل خدیجه بود، عشقی پاک و آسمانی. علاقه ای که از صداقت و پاکی و امانتداری پیامبر سرچشمه می گرفت. محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیست و پنج سال داشت و بانوی مشهور حجاز، چهل سال. خدیجه، با ثروت هنگفتی که داشت به تجارت می پرداخت. سرمایه در اختیار بازرگانان قرار می داد، تا مال التجاره او را به آفاق برند و بفروشند و برایش داد و ستد کنند.

ابوطالب (عموی پیامبر) آگاهی یافت که خدیجه، قصد دارد مال التجاره خود را با کاروانی تجارتي به شام بفرستد. به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد کرد که حاضری تو را برای این کار بفرستیم؟

فرمود:

هر طور دوست داری.

ابوطالب نزد خدیجه رفت و گفت:

شنیده ایم در نظر داری فلانی را همراه اموال خویش به تجارت بفرستی، آیا ممکن است به جای او «محمد» را بر این کار بگماری؟

خدیجه گفت:

اگر این درخواست را، برای دشمن بیگانه ای می کردی، حرف تو را رد نمی کردیم، تا چه رسد به اینکه برای یک دوست نزدیک می خواهی!

سر انجام توافق شد.

پیامبر خدا، با غلام خدیجه بنام «میسره» به سفر رفتند و در آن داد و ستد، سود سرشاری به دست آوردند و خدیجه از نتیجه سفر بسیار خشنود شد و احساس کرد که «محمد» را قلباً دوست می دارد. پیش خود درباره ی ازدواج با محمد فکر می کرد و تصمیم به این کار گرفت، ولی بهانه ای لازم بود.

با «نفیسه» (که خواهر یا دوستش بود) این تصمیم را در میان گذاشت. نفیسه مقدمات کار را از قبیل گفتگو با عمویش و با خود پیامبر فراهم کرد. طی تشریفات خاصی ازدواج صورت گرفت. دو ماه پس از بازگشت از سفر تجاری شام بود که در

سایه این پیوند مقدّس، خدیجه و محمّد علیهما السلام زندگی مشترک خود را آغاز کردند.

نخستین مسلمان

سالها از این زندگی خجسته گذشت.

فصل نوینی در زندگی حضرت محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آغاز شد، که فصل جدید حیات خدیجه هم محسوب می شد.

نخستین جلوه های ملکوت، بر این خانه سرنوشت ساز تأیید گرفت.

پیش از بعثت پیامبر، ابتدا آن حضرت خوابهایی می دید.

آنچه در خواب می دید، چون روز روشن به حقیقت می پیوست و تعبیر می شد.

از آن پس بود که پیامبر، علاقه مند به تنهایی و خلوت با خویش شد.

گاهی چندین شبانه روز پیای به «غار حرا» می رفت و خلوت می کرد و به تفکر و عبادت می پرداخت. نزد خدیجه می آمد. پس از مدتی باز هم پای به فراز «حرا» می کشید و به پرستش خدا می پرداخت.

در یکی از همین نوبتها بود که جبرئیل در حرا، بر آن حضرت فرود آمد و پیام آسمانی «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» را آورد.

و محمّد، مبعوث به رسالت شد.

از حرا فرود آمد و نزد خدیجه بازگشت.

حالتی شگفت داشت و از خدیجه طلب کرد که او را بپوشاند، تا به حالت عادی برگردد. آیات «يا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ...» و «يا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ» در همین دوره نازل شد.

خدیجه، حالات خاص رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به پسر عموی خویش «ورقه بن نوفل» باز گفت. وی به کتب آسمانی پیشین آشنا بود و در جاهلیت، کیش مسیحی داشت و به عبری می نوشت. البته در اواخر عمر نابینا شده بود.

به خدیجه بشارت داد که آنچه بر او نازل شده است، ناموس بزرگ خلقت و وحی آسمانی است، که بر موسای کلیم هم نازل می شد.

به خود محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم گفت:

کار تو بالا خواهد گرفت، قومت تو را بیرون خواهند کرد. نه تنها تو، بلکه هر که چنین دعوت داشته، مورد ستم قرار گرفته است.

اگر من آن روزگار را درک کنم، حتماً به یاری تو برخوام خاست.

خدیجه، اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت و به دین محمّد در آمد. حمایت و پشتیبانی او از شوهرش پیامبر خدا، ستودنی است.

حضرت رسول هم همواره اورا به

ص: 122

نیکی یاد می کرد و فضایل او را از نظر دور نداشت.

محمد در مسجد الحرام، در برابر کعبه به نماز می ایستاد و همراهش جز یک زن و یک نوجوان، کسی نبود.

یک طرفش خدیجه می ایستاد، طرف دیگر علی ابن ابیطالب.

عباس بن عبدالمطلب، درباره ی آن مقطع، به کسی که برای تجارت به مکه آمده و آن صحنه را دیده بود، ضمن معرفی آن سه چهره ایستاده در برابر کعبه و در آستان خانه خدا، گفت:

این پسر برادرم می گوید:

که پروردگارش، پروردگار آسمان و زمین است و خدای هستی او را به این دین فرمان داده است.

به خدا قسم که غیر از این سه نفر، در حال حاضر هیچ کسی در روی زمین، بر این آیین نیست! ...

پشتیبان مکتب

ثروت خدیجه، پشتوانه مالی دعوت به حق بود.

از روزهای آغازین بعثت پیامبر، تا سالهای سخت و پر مخاطره گرویدن مسلمانان نخستین به اسلام عزیز، خدیجه کبری از بذل هیچ گونه مساعدتی در راه «مکتب وحی» دریغ نکرد.

برای بسیاری، ثروت و مال «پای بند» است، ولی آنان که دل به ارزشهای متعالی سپرده باشند، ثروت و دنیا، نه تنها مانع کمال جویی نیست، بلکه ابزاری و وسایلی در خدمت ارزشهاست.

حضرت خدیجه، هم پشتیبان روحی و معنوی همسر گرامی خویش بود و رسول خدا دلگرم به حمایتها و یاریهای همه جانبه همسر وفادار و حقشناس خود بود و هم به لحاظ نیاز مسلمانان و دعوت اسلام در آن دوره سخت، همه دارایی خویش را در بست، در اختیار پیامبر نهاد، تا آنها را صرف مصالح دین خدا کند و به خدا باوران تهیدست و محرومان با ایمان، مساعدت نماید.

قلب پر مهر خدیجه، همواره رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را مأمن و مأوا بود، خانه اش نیز محل آرامش و اطمینان پیامبر رحمت.

خدیجه، همواره پیامبر را احترام می کرد، سخن او را تصدیق می نمود و این حالت پذیرش و اطاعت و همدلی، هم پیش از بعثت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود و هم پس از

آزارها و تکذیبهای مشرکان و سخنان زشت و زخم زبانهای قریش، کافی بود که هر صاحب عزمی را به تزلزل وادارد. اما پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ غیر از صلابت و صداقت و استواری شخصی خویش، از حمایت و دلداري و تشویق همسر فهمیده و آگاهش، برخوردار بود.

خدیجه، غم از چهره مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بر می گرفت و با آبِ زلال محبت و حمایت، غبار یأس و خستگی را از سیمای گروندگان به وحی، به ویژه صاحب رسالت می زدود. خدیجه به پسر عمویش «ورقه بن نوفل» گفت، اعلام می کنم که هر چه مال و ثروت و غلام دارم، همه را به مُحَمَّد بخشیدم تا آنگونه که می خواهد تصرف کند.

ورقه بن نوفل، در جایگاهی میان زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند فریاد بر آورد:

«ای گروه عرب! خدیجه شما را گواه می گیرد که خود، اموال و غلامان و همه دارایی خود را به مُحَمَّد بخشیده است، تا نشان دهد که او را بزرگ می دارد و مقامش را تکریم می کند و به او علاقه مند است.»

خدیجه، لباس و عطر و گوسفندان و اموال فراوانی را پیش ابوطالب فرستاد و از او خواست تا مهمانی مفصلی را برای اهل مکه ترتیب دهد. ابوطالب هم بساط ولیمه ای گسترد و سه روز اهل مکه را طعام داد که شهرنشینان و بادیه نشینان همه بر سفره او بهره مند شدند.

این گونه ایثار و فداکاری و گذشتن از دارایی در راه دین و رسول خدا، نشانه عمق باور و اوج عشق و خلوص خدیجه نسبت به دین اسلام بود.

در چشم و دل مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

رسول خدا، حدود 25 سال با خدیجه بزرگ، زندگی مشترک داشت، همراه با يك دنیا صفا و صمیمیت و محبت. زندگانی همراه با حمایت از دین و فداکاری در راه شوهر، آن هم به خاطر خدا. پشتیبانیهای مادّی و روحی خدیجه از رسول اکرم، چنان بود که جایگاه و پایگاه عمیقی در دل رسول امین خدا پیدا کند.

تا خدیجه زنده بود، پیامبر به احترام او و وفا و صفایش، همسر دیگری نگرفت. پس از وفات خدیجه هم نام و یادش، از زبان و دل پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نمی افتاد.

عایشه نقل می کند که پیامبر، هر گاه از خانه بیرون می رفت، از خدیجه یاد می کرد

و او را مي ستود. روزي که از خديجه ياد کرد، مرا غيرت در گرفت و گفتم:

خديجه جز بيوه اي پير نبود و خدا بهتر از او را به تو داده است.

پيامبر خدا به شدت خشمگين شد و فرمود:

نه به خدا قسم! هرگز بهتر از او را خدا روزي من نساخته است! او در دوره اي به من ايمان آورد، که مردم کافر بودند و زماني مرا تصديق کرد، که ديگران مرا تکذيب مي کردند و در دوراني که مردم دارايي خود را از من دريغ مي داشتند، او همه هستي و ثروت خود را در اختيارم نهاد و خداوند از خديجه به من فرزند بخشيد، در حالي که از همسران ديگرم فرزندي براي من نبود.

عائشه مي گويد:

پيش خودم گفتم:

هرگز ديگر خديجه را به بدني ياد نخواهم کرد!

مورخان گفته اند:

در مراسم ازدواج فاطمه زهراء عَلَيْهَا السَّلَام وقتي همسران پيامبر با آن حضرت صحبت مي کردند و از خديجه (که درگذشته بود) ياد کردند، به نقل از ام سلمه، همين که نام خديجه را شنيد گريست و فرمود:

خديجه! کيست که مثل خديجه باشد؟ و به ستايش از او پرداخت.

مقام خديجه

در مجموع احاديث ما، ستايشهاي عظيمي از خديجه کبري شده است.

ياد چند نمونه از آنها مفيد است:

پيامبر فرموده است:

جبرئيل نزد من آمد و گفت:

اي پيامبر خدا! اينک اين خديجه است که نزد تو آمده است، با ظرفي پر از غذا و آب، وقتي آمد، سلام خدا و سلام مرا به او برسان و مژده

بده که خانه اي شايسته و آسوده در بهشت دارد. (1)

پيامبر خدا فرمود:

بهترين زنان جهان چهار نفرند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. (2) و نیز فرمود:

خدیجه، پیشتر از زنان جهان در ایمان به خدا و به محمد است.

(3)

و فرمود:

از مردان، بسیاری به کمال رسیده اند، ولی از زنان، تنها چهار نفر به کمال وجودی رسیدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (4).

عایشه می گوید، هر گاه رسول خدا گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود:

مقداری هم

ص: 125

1-65. اسد الغابه، 5 / 438.

2-66. اسد الغابه، 5 / 537.

3-67. مستدرک صحیحین 3 / 184.

4-68. الفصول المهمه / 129.

برای دوستان خدیجه بفرستید.

من روزی در این باره حرفی زدم، حضرت فرمود:

من، دوستدار خدیجه را هم دوست می‌دارم! (1)

برای خدیجه، همین افتخار و مقام بس، که قلب عالم امکان و حبیب خدا، او را دوست بدارد، چرا که محبوب پیامبر، محبوب خدا نیز هست.

جدایی

زندگی خدیجه، با حیات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گره خورده است.

روشن است که جدایی، برای دل هر دو سنگین باشد و غمی جانکاه. خدیجه، وقف اسلام و محمد بود و جز رضای خدا و پیامبر، چیزی نمی‌خواست، همین گونه نیز شد.

هم خدا از او راضی بود و از زبان جبرئیل، به او سلام رساند، هم رسول گرامی اسلام، از وی دلشاد و خرسند بود.

خدیجه، به 65 سالگی رسیده بود.

پیامبر هم دوران سخت و پر فشار مکه را می‌گذراند. سه سال پیش از هجرت به مدینه، این بانوی بزرگ، دیده از جهان بست.

در لحظه مرگ، رسول خدا نزد خدیجه بود، فرمود:

خدیجه! آیا مرگ را کراهت داری؟ مرگ برای تو خیر است، به بهشت الهی می‌روی. پیامبر، هنگام دفن خدیجه، خود وارد قبر شد و با دستان مبارکش، پیکر سرد و بی جان خدیجه را گرفت و در گور وارد کرد و به خاک سپرد.

وفات خدیجه در مکه بود، قبرش نیز در همین شهر است.

این جدایی، برای پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بسیار ناگوار و سنگین بود، اما او عادت داشت که به خاطر خدا، غمهای سنگین و مصیبت‌های توان فرسا را تحمل کند و اجر صبروری را از خدا بگیرد.

سلام بر خدیجه و ایمانش. درود بر آنان که از خدیجه، الهام ایمان و وفا می‌گیرند و خدیجه، برایشان اسوه صبروری و الگویی ایثار، در راه عقیده و باور است.

ص: 126

در ماهنامه مبلغان، شماره سی و پنجم، مقاله ای به قلم نویسنده محقق و توانا، حجة الاسلام آقای حاج شیخ عبدالکریم پاک نیا دام عزه، با عنوان «نگاهی به آموزه های تربیتی، در زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» منتشر گردیده، که دارای درسهای سازنده ای برای پیروان مکتب قرآن و اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام می باشد، که در اختیار علاقه مندان قرار می دهیم:

... در این نوشتار بر آن شدیم که، نقش این بانوی خجسته را در گسترش آموزه های مکتب تربیتی اسلام مورد توجه قرار داده و مواردی قابل توجه از آن را به خوانندگان گرامی تقدیم داریم. به امید اینکه بتوانیم از این شخصیت برجسته و بانوی نمونه در جهان اسلام، درس ها آموخته و با شناخت فضائل و مناقب آن بزرگوار، از او به عنوان اسوه و الگویی تربیتی پیروی کنیم.

1 - فضائل اخلاقی و علمی

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نشان می دهد که او، هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیاء صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است.

او در جامعه خود به عنوان یک الگویی زن برتر، تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است.

سناوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دور اندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت های پسندیده ایست که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد.

به همین جهت، آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شرایط هم کفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود.

عدم ازدواج مجدد پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در زمان حیات خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام نشانگر جاذبه های معنوی و فضائل اخلاقی بی شمار در وجود آن حضرت است، که بدون تردید برخوردار از آن صفات، نقش مهم و اساسی در زندگی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ داشته است.

به همین جهت، پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ این بانوی تربیت یافته را از برترین زنان بهشتی شمرده و می فرماید:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ

«بهترین زنان اهل بهشت عبارتند از:

خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (یعنی زن فرعون.»

وفاداری این بانوی آسمانی، در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است.

او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ایمان آورد و تا آخرین لحظات بر ایمان خود پای فشرد و لحظه ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود.

تاریخ گواهی می دهد که خدیجه در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتابهای آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی، بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت. بنا بر این او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می تواند داشته باشد.

با توجه به نکات یاد شده، خدیجه به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و با کمال، نقش والای خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس ها آموخته اند.

اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت، آنگاه به اوج خود می رسد، که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بیندازیم.

زن در آن روز، نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقت آورترین وضع زندگی می کرد، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم، زنده به گور می شد.

خدیجه در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلم خود را استیفا نماید، بلکه می تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند؛ همچنان که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نقل می کند، شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر معراج، به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل! آیا خواسته ای از من داری؟ گفت:

خواهش من اینست که از

طرف خداوند و من؛ به خدیجه سلام برسانی (1).

2 - پرورش فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی، در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش به سزایی دارد.

حضرت خدیجه علاوه بر این که به نص قرآن، مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش، فرزندان نیک و صالحی برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تربیت نمود. وی شش فرزند برای پیامبر به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد که در میان آنها حضرت فاطمه علیها السلام از رتبه خاصی برخوردار است.

دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم و علی علیهما السلام از نسل او پدید آمد و ادامه یافت.

این دختر با مادرش، آنچنان ارتباط تنگاتنگ داشت، که هنگام رحلت حضرت خدیجه، فاطمه علیها السلام که در حدود پنج سال داشت، شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت:

«یا اَبهَ اَیْنِ اُمِّی؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود:

یا رسول الله! خداوند می فرماید:

سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه های بهشتی، با آسیه و مریم زندگی می کند (2).

این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایی و بی یآوری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، به مادرش دلداری داد و گفت:

«یا اُمّاهُ لا تَحْزَنی وَ لا تَرْهَبی فَانَّ اللهَ مَعَ اَبی (3)؛ مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم می باشد.»

امامان معصوم علیهما السلام نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می کردند؛ همچنانکه حضرت مجتبی علیهِ السلام هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود، به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده و فرمود:

معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر

ص: 129

1- 71. بحار الانوار، ج 18، ص 385.

2- 72. امالی شیخ طوسی، ص 175.

3- 73. فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، ص 164.

بزرگت «نشيله» مي باشد (و در دامن چنين زن پست و فرومايه اي پرورش يافته اي) اين گونه اعمال زشت از تو سر مي زند و سعادت ما خانواده در اثر تربيت در دامن مادراني پاك و پارسا، همچون خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام و فاطمه عَلِيَّهَا السَّلَام مي باشد (1).

امام حسين عَلِيَّهِ السَّلَام در روز عاشورا براي معرفي خويش و آگاه كردن دل هاي بيدار، به مادرش فاطمه عَلِيَّهَا السَّلَام و مادر بزرگ شايسته و فداكارش، حضرت خديجه اشاره نموده و فرمود:

أُنشِدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ... أُنشِدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ
أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ (2)

«شما را به خدا قسم مي دهم! آيا مي دانيد كه مادر من «فاطمه زهرا» دختر محمد (مصطفي صلي الله عليه وآله وسلم) است؟! گفتند:

آري ... (فرمود:)

شما را به خدا قسم مي دهم! آيا مي دانيد كه مادر بزرگ من خديجه، دختر حويلد، نخستين زني است كه اسلام را پذيرفت؟! گفتند: آري.»

حضرت خديجه علاوه بر اينكه در دامن پر مهر و عطوفت خويش فرزندان پيامبر را پرورش داد، فرزندان شايسته اي را نيز قبل از ازدواج با پيامبر تربيت کرده بود، كه از جمله آنها هند بن ابي هاله مي باشد.

او (هند) در مدت سه شبانه روزي كه پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله وسلم در هنگام هجرت در غار ثور مخفي شده بود، به همراه علي عَلِيَّهِ السَّلَام دور از چشم مشركان مكه، محرمانه براي پيامبر صلي الله عليه وآله وسلم آذوقه مي برد و بر مي گشت. وي مرد ي بزرگوار، شريف، فصيح و محدث بود و از شوهر ديگر خديجه بنام ابي هاله بن زراره تميمي متولد شده بود (3).

هند پسر خديجه، همان كسيست كه امام حسن عَلِيَّهِ السَّلَام به عنوان دايي خود از وي نام مي برد. وي اوصاف و شمائل رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم را براي امام مجتبي عَلِيَّهِ السَّلَام توصيف مي كرد و بسيار مورد علاقه رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم بود.

اوبت هاي مشركان

ص: 130

1- 74. الاحتجاج، طبرسي، ج 1، ص 282.

2- 75. الامالي شيخ طوسي، ص 463.

3- 76. همان.

را می شکست (1) و در جنگ جمل در رکاب حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام به شهادت رسید. (2) و (3)

3 - توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می باشد.

حضرت خدیجه به عنوان یک مادر دلسوز و مریب آگاه در این مورد حساسیت ویژه ای داشت. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه می باشد.

در ایام بیماری خدیجه که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداري داده و گفت:

تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است.

با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام فرمود:

اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام کوچک است، می ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت:

ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.

بعد از وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام فرا رسید، پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

همه زن ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق

ص: 131

1- 77. اکمال الکمال، ج 1، ص 119.

2- 78. مکارم الاخلاق، ص 11.

3-79. برخی از متفکران اسلامی معتقدند که، حضرت خدیجه قبل از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ازدواج نکرده بود و فرزندانِ همچون هند خواهر زادگان وی بودند، که حضرت خدیجه آنان را در دامان خود پرورش داد.

باقی مانده است.

فرمود:

آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت:

چرا یا رسول الله من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در این جا بمانم؛ چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم. (1)

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود:

تورا به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد:

آری. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. (2)

همچنین حضرت خدیجه در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دغدغه هایی را به این ترتیب بیان نمود:

یا رسول الله! این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام - بعد از من غریب و تنها خواهد شد.

مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد (3).

4 - رعایت آیین شوهرداری

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می باشد.

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و زنان و دختران جوان بر می گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت، عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است.

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می آورد.

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام با شیوه های مختلفی، فضای خانواده را آرام نگاه داشته و امنیت روحی و روانی را برای شوهر و فرزندان برقرار و زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی فراهم می آورد. در اینجا به برخی از روش های تکریم شوهر و همسر داری حضرت خدیجه اشاره می کنیم:

(الف)

1-80. اعيان الشيعة، ج 1، ص 380.

2-81. شجره طوبي، ج 2، ص 334.

3-82. همان.

حضرت خدیجه در فرصت های مناسب، به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا، درباره ی پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می دارد:

فَلَوْ أَنَّيْ أَمْشَيْتُ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ

وَ دَامَتْ لِي الدُّنْيَا وَ مُلْكُ الْكَاسِرَةِ

فَمَا سُؤْيَتُ عِنْدِي جَنَاحَ بَعُوضَةٍ

إِذَا لَمْ يَكُنْ عَيْنِي لِعَيْنِكَ نَاطِرَةً (1)

«اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من بر چشم تو نیفتد».

(ب)

طرح غیر مستقیم خواسته ها

بدون شك هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. این درخواست های معقول زن، اگر در محیطی محبت آمیز و همراه با حفظ حریم های اخلاقی باشد، امری پسندیده تر و جذاب خواهد بود.

اگر این خواسته ها به صورت غیر مستقیم انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت، تأثیری فوق العاده خواهد داشت.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم انجام داده و صدمات فراوانی متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می کرد آنها را به عنوان يك پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

حضرت خدیجه در آستانه وفات خویش، هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آنها را در قالب يك گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز، مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عرض کرد:

«یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن.

پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عرض کرد:

1-83. مستدرک سفينة البحار، ج 5، ص 44.

اللَّهُ! مي خواهم خواسته اي را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقيماً بازگو نمايم.

پيامبر از منزل خديجه بيرون رفت، آنگاه خديجه دخترش فاطمه را صدا کرد و به او گفت:

عزيزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم مي گويد:

من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسي که هنگام نزول وحی بر تن داشتي، کفن کرده و در قبر بگذاري. فاطمه عَلِيْهَا السَّلَام به نزد پدر آمده و پيام مادرش را رساند. پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آن لباس را براي خديجه فرستاد. هنگامی که فاطمه عَلِيْهَا السَّلَام آن را آورد، نشاط زايدالوصفي وجود خديجه را فرا گرفت.

آنگاه حضرت خديجه با دلي آرام چشم از جهان فرو بست. پيامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مشغول تجهيز و غسل و حنوط وي شد، هنگامی که خواست خديجه را کفن کند، حضرت جبرئيل امين نازل شد و گفت:

يا رسول الله! خداوند سلام مي رساند و مي فرمايد:

کفن خديجه به عهده ماست و آن يك کفن بهشتي خواهد بود.

پيامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اول با پيراهن خود و از روي آن با کفن بهشتي خديجه را کفن کرد.

(ج)

دلجوئي و دلداري همسر

خانواده کانون آرامش و راحتی بخش هر انساني است.

مردی که در بيرون خانه با هزاران مشکل و گرفتاري رو به روست و گاهي در راه رسيدن به هدف و کسب روزي حلال، سخنان ناروا شنیده و لطمات روحي و جسمي زيادي را متحمل مي شود، انتظار دارد که کسی از وي دلجوئي کرده و حرف دلش را شنیده و با کلمات شفا بخش و برخوردارهاي آسایش آفرين، مرهم گذار در دهاي انباشته در دل او باشد.

حضرت خديجه، چنين همسري براي پيامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود.

مشركان با سخنان توهين آميز و اعمال و قبحانه اي پيامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را ناراحت مي کردند و از اين ناحيه، مشکلات فراواني پيش روي پيامبر اکرم بود، اما همه اين گرفتاري ها به وسيله خديجه عَلِيْهَا السَّلَام جبران مي شد.

او شخص پيامبر و مشکلات آن حضرت را آگاهانه درک مي کرد و بدین جهت در پيشرفت اهداف آن حضرت تلاش مي نمود و سخنانش را تصديق مي کرد و او را از تمام غم ها و غصه ها مي رهانيد.

علامه، سيد شرف الدين، در اين مورد مي نويسد:

«او مدت 25 سال با

ص: 134

پیامبر صَ لِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زندگی کرد بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر صَ لِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود، زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند، تسلی می داد. او به همراه علی عَلَیْهِ السَّلَام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر صَ لِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در غار حرا بود (1).

پیامبر اکرم صَ لِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در مورد همسر گرامی خویش می فرماید:

«خدیجه زنی بود که چون همه از من روی می گردانیدند، او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.

در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود. (2)

خدیجه آنچنان در روح و جان همسر بزرگوارش تأثیر گذاشته بود، که مدت ها بعد از رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هر گاه حضرت رسول صَ لِّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود:

سهمی هم به دوستان خدیجه بفرستید، زیرا من دوست خدیجه را هم دوست می دارم.

5 - برترین معیارهای انتخاب همسر

هر جوانی در زندگی خویش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج در اسلام، یک امر مقدس و عبادت محسوب می شود. دختر و پسری که می خواهند به سوی امر مقدس ازدواج قدم بردارند، اولین گام را از خود دوستی، به سوی غیر دوستی بر می دارند، آنان با امضای پیمان مقدس زناشویی، از دایره خودخواهی بیرون رفته و با وارد شدن به مرحله جدیدی از زندگی، بخشی از کمبودهای خود را جبران می کنند، که از جمله آنها می توان به بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی اشاره کرد. اما در این میان مهم ترین دغدغه های هر دختر و پسر جوان، که در آستانه ازدواج

ص: 135

1-84. خدیجه، علی محمد علی دخیل، ص 31.

2-85. بحار الانوار، ج 43، ص 131.

قرار می‌گیرد، برترین معیارها و ملاک‌های ازدواج در انتخاب همسر آینده‌اش می‌باشد.

حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان الگویی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان همسر آینده خویش، ملاک‌ها و اصولی را مطرح می‌کند، که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معلوم می‌شود.

خدیجه هنگام پیشنهاد ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی گفت:

به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم. (1)

ارزش این انتخاب خدیجه آنگاه نمایان می‌شود که بدانیم او در آن هنگام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه‌ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

ص: 136

در کتاب «ره توشه راهیان نور» که به قلم گروهی از نویسندگان می باشد، مقاله ای درباره ی حضرت خدیجه علیها السلام آمده است، که تقدیم می گردد:

خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام، مظهر مقاومت و تجلی ایمان

«صَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةٌ كَانَتْ تَحْتَهُ عِبْدَتَانِ مِنَ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ * وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِلِ» (1)

مقدمه

زنان همواره سنگ زیربنا و بنیادین اجتماعات بشری هستند و به همین جهت گرایشها، افکار، تمایلات و خواستههای ایشان، در اجتماع منشأ اثر و تحولات بزرگی بوده است.

این گرایشها و خواستهها، گاه از سوی خود آنان به منصه ظهور و بروز رسیده و گاه، به جهت تأثیر انکارناپذیر روحیات بانوان، در بروز تحولات اجتماعی، به دست فرزندان آنان و مردان اجتماع، به تجلی نشسته است.

از این رو، قرآن کریم زن مؤمن را منشأ و خاستگاه جامعه ایمانی و زن کافر را منشأ و خاستگاه جامعه کفر معرفی کرده است.

در آیات شریفه فوق، چون خداوند در صدد بیان ضرب المثلی از انسانهای مؤمن بر آمده، به ذکر نام و شرح حال دو بانو می پردازد و چون احوال انسانهای کافر را به مثال می کشد، به ذکر نام دو زن از این طایفه اکتفا می نماید.

زنان نه تنها نیمی از پیکره اجتماع انسانی را تشکیل می دهند، بلکه به مقتضای سیمت مادری و مدیریت خانه، منشأ حضور یک نسل، در جامعه انسانی خواهند بود

ص: 137

و چنین است که زن مؤمن برابر با جامعه مؤمن و زن کافر به معنی جامعه کفر است.

گاه در میان صفحات تاریخ می بینیم که، وظیفه حفظ دین و پاسداری آن از گزند دشمنان و بدخواهان، بر دوش بانوانی سنگینی می کند که سند افتخار «بیان رسالات الهی» و «تبلیغ دین» را به نام خویشان زده اند.

در این رهگذر، یکی از درخشانترین چهره های تاریخ اسلام «خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام» است که به حق، مظهر مقاومت و تجلی ایمان می باشد؛ هم او بود که در اولین ساعات بعثت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به او ایمان آورد و تا آخرین لحظات عمر، بر این هدف پای فشرد و استقامت ورزید. علامه مجلسی در بحار می گوید:

«كانت خديجةً وزيرةً صدق علي الإسلام وكان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يسكن إليها.» (1)

فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

1 - معرفت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نسبت به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام با پیشنهاد ازدواج به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ (قبل از بعثت پیامبر) افتخار همسری او را یافت؛ راز این پیشنهاد را خود آن حضرت چنین بیان می کند:

«إني قد رغبْتُ فيكَ لِقرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ...» (2) به سبب خویشاوندی ات با من و شرف و بزرگی و امانتداری ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگویی ات، مایلم با تو ازدواج کنم.

از این سخن دانسته می شود که، علاقه و ارادت این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تنها به سبب علقه زوجیت و محبتهای شهوانی نبوده است، بلکه او فوق العادگیهای شخصیتی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را به درستی دریافته بوده و لذا به پاس این معرفت، جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، با اهداف پیامبر تشریک مساعی می نموده است.

او ایثار و از خود گذشتگی را به آنجا رسانید که به واسطه علاقه و ارادت فراوان به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در میان بانوان قریش مهجور ماند و در لحظات

ص: 138

1- 88. بحار الانوار، ج 22، ص 152 و ج 16، ص 11، نقل از فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص 126.

2- 89. ریاحین الشریعة، ج 2 - بحار الانوار، ج 16.

ولادت فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَام هیچکدام از آنان بر بالین خدیجه عَلِيهَا السَّلَام حاضر نشدند (1)؛ اما این همه فشار برای این بانو، به خاطر معرفتی که در سینه دارد سنگین نیست!

2 - خدیجه عَلِيهَا السَّلَام اولین زن مسلمان

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ...» (2)

به نقل همه مورخین، خدیجه کبری عَلِيهَا السَّلَام نخستین بانویست که به شرافت اسلام مشرف گردید؛ «ابن عبدالبر» از قول «قتاده» می گوید:

اولین کسی که به خدا و رسولش ایمان آورد خدیجه عَلِيهَا السَّلَام بود. (3)

«ابن عبدالبر» به سند خود از «پدر ابی رافع» می نویسد:

«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَصَلَّتْ خَدِيجَةُ آخِرَ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ» (4) پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در روز دوشنبه (روز مبعث) نماز گذارد و خدیجه عَلِيهَا السَّلَام در ساعات آخر همان روز نماز خواند.

3 - خدیجه عَلِيهَا السَّلَام برترین بانوان اهل بهشت

«عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که گفت:

«حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ خُطُوطٍ...»

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ. (5)؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چهار خط بر روی زمین کشید و سپس فرمود:

بهترین زنان بهشت اینانند:

خدیجه دختر خُوَيْلِدٍ، فاطمه دختر مُحَمَّدٍ و مریم دختران عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.

ابن اثیر به سند خود از انس بن مالک از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مَرْيَمُ وَآسِيَةُ وَخَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ (6)

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه برترین زنان عالمند.

این حدیث را شیعه و سنی با عبارات مشابه و به طرق مختلف روایت نموده اند

-
- 1-90. منتهي الآمال، مرحوم محدث قمي.
2-91. احزاب، 32.
3-92. ابن سعد، ال طبقات الكبرى، ج 8، ص 17، نقل از محدثات شيعة، تأليف نهلا غروي نائيني.
4-93. استيعاب، ج 2، ص 319، ش 13.
5-94. اسد الغابه، ج 5، ص 437 و استيعاب، ج 4، ص 21 ش 18 نقل از محدثات شيعة، تأليف نهلا غروي نائيني.
6-95. خصال صدوق، باب اربعة.

خدیجه برترین همسر پیامبر: «أم المؤمنین»

«و ازواجهُ أُمَّهَاتُهُمْ.» (1) همسران پیامبر مادران مؤمنین هستند.

شیخ صدوق از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند:

«تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسَ عَشْرَ امْرَأَةً أَفْضَلَهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ» (2) پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه بنت خویلد بود.

5 - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مادر فرزندان رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام با آنکه بنا به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است.

اما بی واسطه و به طور مستقیم سمت مادری بر همه فرزندان پیامبر را نیز دارد. مؤرخین می گویند به جز «ابراهیم» که از «ماریه قبطیه» بود، سایر فرزندان پیامبر از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هستند و این خود بر جایگاه این بانو و فضیلت قدر و جلالت معنوی او می افزاید.

فرزندان حضرت عبارتند از:

«قاسم، عبدالله، زینب، ام کلثوم، رقیه و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام؛ پسران در خردسالی از دنیا رفتند، ولی دختران زنده ماندند (3).»

از میان همه عظمت‌های این بانو، همین بس که شرافت مادری فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام را داشت. او مادر بانویست که امامت و وصایت پس از نبی اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از نسل او استمرار یافت.

محدث قمی قدس سره در منتهی الآمال در ضمن حدیثی از زبان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نقل می کند که «از اولین لحظاتی که به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام حمل یافتم، نور او را در شکم خویش می دیدم.»

افزون بر این، صدوق از «مفضّل بن عمرو» از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند که «چون خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام حامله شد، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در شکم با او سخن می گفت و مونس او بود و او را به صبر توصیه می فرمود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام این حالت را از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ پنهان می کرد. تا آنکه روزی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ داخل شد و شنید که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با آنکه شخصی نزد او نیست سخن می گوید.

فرمود:

ای خدیجه با که سخن می گویی؟

ص: 140

1-96. احزاب، 5.

2-97. خصال صدوق، باب اربعة.

3-98. بحار الانوار، ج 22، ص 151 و سيره ابن هشام، ج 1، ص 190.

خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام پاسخ داد:

فرزندی که در شکم من است با من سخن می گوید.

آنگاه پیامبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

اینک جبرئیل مرا خبر می دهد که این فرزند دختر است و او صاحب نسل طاهر، با میمنت و با برکتیست و حق تعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و امامان و پیشوایان دین از نسل او به وجود خواهند آمد.»

چون لحظات ولادت فاطمه عَلِيَّهَا السَّلَام نزدیک شد، خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام کسی را نزد زنان قریش و فرزندان هاشم فرستاد تا نزد او حاضر شوند؛ اما آنان در پاسخ گفتند:

تو فرمان ما را نبردی و همسر یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد، به همین سبب ما به خانه تو نمی آییم!

وقتی پاسخ را به خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام عرض کردند، اندوهناک شد، اما ناگاه دید که چهار زن گندمگون و بلند بالا نزد او حاضر شدند. خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام از دیدن آنها ترسید، اما یکی از آنان گفت:

ای خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام نترس که ما فرستادگان پروردگاریم و به جهت کمک و یاری تو آمده ایم. اولی گفت:

من ساره ام همسر حضرت ابراهیم و دومی گفت:

من آسیه دختر مزاحم و سومی گفت:

من مریم هستم، دختر عمران و چهارمی خود را کلثوم خواهر موسی بن عمران معرفی کرد.

این چهار بانوی بهشتی به همراه ده حورالعین، خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام را در ولادت فاطمه عَلِيَّهَا السَّلَام یاری دادند (1).

6 - خديجه و ایمان او به علی ابن ابیطالب عَلِيَّهِ السَّلَام

مرحوم مجلسی قدس سره در بحار الانوار در زمینه محبت و علاقه حضرت خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام نسبت به علی عَلِيَّهِ السَّلَام مطالبی را نقل کرده که مضمون آن چنین است:

«پس از ازدواج پیامبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام، علی عَلِيَّهِ السَّلَام به دنیا آمد. رسول خدا با خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام درباره ی دوستی و محبت علی عَلِيَّهِ السَّلَام سخن گفت و خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام از آن پس به علی عَلِيَّهِ السَّلَام محبت فراوان داشت و برای آن حضرت به وسیله خدمتکارانش لباس، زیور آلات و ملزومات می فرستاد، به گونه ای که مردم می گفتند:

علی محبوبترین افراد نزد او و نور چشم خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام است.

الطاف و محبتهاي خديجه عَلِيَّهَا السَّلَام صبح و شام به خانه ابوطالب روان بود.» (2)

-
- 1-99. منتهي الآمال، باب ولادت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام
2-100. بحار الانوار، ج 34، ص 43.

علاوه بر این، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و لایت علی عَلَیْهِ السَّلَام و اولادش را پذیرفته بود، با آنکه در آن زمان به این امر مکلف نشده بود.

مرحوم محلاتی به نقل از مجلسی قدس سره می گوید:

«روزی رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را نزد خود خواست و فرمود:

این جبرئیل است و می گوید برای اسلام شروطی است:

اول اقرار به یگانگی خداوند.

دوم:

اقرار به رسالت پیامبران.

سوم:

اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شریعت.

چهارم:

اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او و برائت از دشمنان آنها. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به همه آنها اقرار نمود و تصدیق کرد.» (1)

7 - انفاق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

مورخان ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را بدین ترتیب نگاشته اند:

1 - هزاران شتر (شتران فراوانی) اموال تجارتي او را حمل می کردند.

2 - قبه ای از حریر سبز با طنابهای ابریشمی بر بام خانه اش افراشته شده بود و نمایانگر ثروت فراوان او بود.

3 - چهارصد غلام و کنیز خدمات ارجاعی او را انجام می دادند. (2)

ثروت این بانوی معظمه به قدری زیاد بود که ثروتمندان درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عقبه بن ابی معیط» در نزد او ناچیز به شمار می رفتند. پس از ازدواج با پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام همه این ثروت را بیدرنگ در اختیار رسول اللّٰهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قرار داد. (3)

در مقابل سخن سخیف منافقین، که سعی داشتند با محاصره اقتصادی راه نفوذ اسلام را سد نمایند:

«یَقُولُونَ لَا تَنْفِقُوا عَلَی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِهِ». (4) بانوی فداکار و ثروتمندی چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، همه هستی خود را در راه اعتلای اسلام خرج کرد و در روزهای سخت اسارت در شعب ابیطالب، علاوه بر همراهی پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

-
- 1-101. ریاحین الشریعة، ج 2، ص 209.
 - 2-102. الوقایع و الحوادث، محمد باقر ملبوبی، به نقل از ناسخ التواریخ، ص 13.
 - 3-103. همان.
 - 4-104. سوره منافقون، 7.

برای نجات اسلام و حمایت از مسلمانان صرف کرد.

به حق درباره ی او باید گفت که او مصداق متقین در سوره بقره است؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.»
(1) تقوا پیشگان آنانند که به غیب ایمان دارند و نماز بر پای می دارند و از آنچه خدای روزیشان نموده انفاق می کنند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَدِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً وَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أُجْراً عَظِيماً.» (2) ای پیامبر، به همسرانت بگو:

اگر شما زندگی خوب و زیور دنیا را طالبید، بیایید تا مهریه شما را پرداخته و طلاقتان دهم. اما اگر طالب خدا و رسول و مشتاق خانه آخرتید، همانا خدا به نیکوکاران از شما اجر عظیم عنایت می فرماید.

«وَمَنْ يَفْنَأْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحاً نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً.» (3) و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسولش باشد و نیکوکار شود، او را دو بار پاداش می دهیم و برایش روزی با کرامتی مهیا می سازیم.

مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در نزد خداوند

«زُرَّارَةُ وَ حُمْرَانُ ابْنُ أَعْيَنٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْلَمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخَدْرِيُّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ:

إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْلَةً أُسْرِي بِي حِينَ رَجَعْتُ وَ قُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ:

حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي السَّلَامَ وَ حَدَّثَنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقِيَهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ. فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جَبْرَيْلُ. فَقَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

ان الله هو السَّلَامُ وَ منه السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جَبْرَيْلُ السَّلَامُ.» (4) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به حمران و زراره و محمد بن مسلم چنین روایت کرده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

همانا شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر روحانی به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل، آیا حاجتی داری؟ جبرئیل پاسخ داد:

حاجت من اینست که از طرف خدا و من، به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سلام برسانی، چون رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ پیغام جبرئیل را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسانید، آن حضرت پاسخ داد:

همانا خدا سلام است و سلام از اوست و

1-105. بقره، 3.

2-106. احزاب، 29 - 28.

3-107. احزاب، 31.

4-108. بجار الانوار، ج 18، ص 385.

سلام به سوي اوست و بر جبرئيل سلام باد!

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

آن زمان که خديجه عَلَيْهَا السَّلَام وفات يافت، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام اطراف پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مي گشت و از او مي پرسيد:

يا رسول الله مادرم كجاست؟

ولي رسول خدا پاسخ او را نمي داد. فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در سؤالش اصرار مي كرد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نمي دانست چه پاسخي بايد به فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بدهد. پس جبرئيل نازل شد و گفت:

همانا خدايت به تو امر مي كند كه به فاطمه سلام برساني و به او بگويي:

همانا مادرت در خانه اي از زمرد است كه ديوارهايش از طلاست و پايه هايش از ياقوت قرمز. او در ميان آسيه - همسر فرعون - و مريم دختر عمران جاي دارد. پس فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام گفت:

همانا خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوي اوست! (1) همچنين روايت شده است كه وقتي رسول اكرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در بستر احتضار بود؛ فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام درباره ي جاگاه آن حضرت در قيامت سؤالاتي پرسيد. از آن جمله پرسيد:

«أَيْنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةَ؟» در آن روز مادرم خديجه كبري كجاست؟

رسول اكرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

في قصرٍ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ» خديجه در قصرىست كه چهار درب به سوي بهشت دارد. (2)

در سفينة البحار، مرحوم محدث قمي مي گوید:

«در وحي خداوند به حضرت مسيح، از خديجه عَلَيْهَا السَّلَام به «مباركة» تعبير شده، به اين صورت كه در رابطه با پيامبر آمده:

«نَسَلُهُ مِنْ مَبَارَكَةٍ.» (3)

در كنز العمال آمده:

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلَّامًا بِسِيَمَاهُمْ.» خديجه با پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و علي و فاطمه و حسن و حسين عَلَيْهُمُ السَّلَام بر اعرف بودند. (4) و نيز «ابومسلم خولايي» از پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درباره ي آيه شريفه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ...»

نقل کرده كه حضرت فرمود:

«وَعَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ يَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَام.» (5)

- 1-109. بحار الانوار، ج 43، باب مناقب فاطمة عَلَيْهَا السَّلَام، ص 27.
- 2-110. بحار الانوار، ج 22، باب وفاته وغسله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ص 510.
- 3-111. التعبير عن خديجة بمباركة في الوحي الي المسيح في وصف النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نسله من مباركة.»
- 4-112. همان.
- 5-113. همان.

علاقه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

خدیجه کبری 24 سال با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زندگی کرد. (1) و تا زنده بود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ همسر دیگری اختیار نمود. پس از مرگ خدیجه نیز، ابتدا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در قبر آن حضرت داخل شد و سپس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را در آن جای داد. (2)

«عبدالله بن جعفر عن علي عَلَيْهِ السَّلَام قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ:

أفضل نساء أمتي خديجةُ وأفضل نساء الأمم الماضين مريم.» رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

برترین بانوان امتم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام است و برترین بانوان امتهای گذشته مريم عَلَیْهَا السَّلَام بود.

«روي عن انس قال:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِذَا أَتَى بِهَدِيَّةٍ قَالَ أَذْهَبُوا بِهَا إِلَى بَيْتِ فُلَانَةَ فَإِنَّهَا كَانَتْ صَدِيقَةً لِخَدِيجَةَ إِنَّهَا كَانَتْ تُحِبُّ خَدِيجَةَ.» (3)
از انس بن مالک (غلام پیامبر) روایت شده که هر وقت برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ هدیه ای می آوردند، حضرت می فرمود:

آن را به خانه فلان خانم ببرید، او دوست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بود و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را دوست می داشت.

عایشه گوید:

هرگز آن مقدار که بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام غیرت ورزیده و حسد بردم، بر زنی غیرت نورزیدم؛ آن هنگام که پیامبر او را یاد می کرد و من می شنیدم و نیز هنگامی که گوسفند ذبح می کرد و آن را به دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هدیه می داد.

«عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الشَّنَاءَ عَلَيْهَا وَ الْإِسَاءَةَ تَغْفَارَ لَهَا فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ عَوْصَكَ اللَّهُ مِنْ كِبِيرَةِ السِّنِّ، قَالَتْ: فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا...»؛ عایشه گوید:

رسول خدا از خانه بیرون نمی آمد، مگر اینکه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را یاد می کرد و برایش استغفار می نمود. روزی از او یاد کرد و من حسد بردم و گفتم:

او پیرزنی بیش نبود.

خدا بهتر از او را به شما عوض داده؟! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خشمگین شد و فرمود:

نه به خدا قسم، که بهتر از او را به من نداده است؛ «خدیجه و این مثل خدیجه، صدققتی حین کذبني الناس و وازرتني علي دين الله و أعانتني بما لها»؛ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و دیگر کجاست مثل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام؟ او به من ایمان آورد، آن هنگام

- 1-114. سفينة البحار، ج 1، باب خاء، ص 379.
- 2-115. سفينة البحار، ج 1، باب خاء، ص 380.
- 3-116. سفينة البحار، ج 1، باب خاء، ص 380.

که مردم مرا انکار می کردند.

او مرا تصدیق کرد آن گاه که مردم مرا تکذیب می نمودند. او با مال خود مرا یاری کرد و خداوند از میان همسران، فقط از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به من فرزند داد.

و گویند:

هر وقت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را می شنید، گریه می کرد و نیز روایت شده:

زمانی پسر زنی بر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد شد، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر او تطف و مهربانی نمود؛ پس از خروج او عایشه علت آن را جویا شد، حضرت فرمود:

این بانو در زمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بر من وارد می شد.

(1)

وفات خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

پس از آنکه تازه مسلمانان سه سال سختی و رنج را در شُعب ابطالب تحمل کرده و با فداکاریها و اتقاقهای مالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از شعب ابطالب به سلامت رهایی یافتند. متأسفانه، تحمل رنجها و سختی ها کمر استقامت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را خم کرد و عمر او را کوتاه نمود؛ لذا از آن پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در بستر بیماری افتاد.

ابتدا ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام، بزرگ حامی رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وفات یافت و سپس، به نقل بعضی از مورخین: سه روز بعد، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام در 65 سالگی وفات کرد و در محلی به نام «حجون» دفن شد.

آنچه در انتهای این مقال گفتمی است آنکه، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام به او سفارشات کرد و سپس فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام را به نزد پیامبر فرستاد و از طریق فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و به وساطت او، از رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خواهش کرد که یکی از لباسهای خود را کفن او قرار دهد؛ سپس چشم از جهان فرو بست!

این حادثه، چنان بر رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ناگوار بود که پس از آن، چند روز از خانه خارج نشد و آن سال را «عام الحزن» نامید.

علی ابن ابطالب عَلَیْهِ السَّلَام نیز در رثای آن دو بزرگوار اشعاری سرود:

«أَعْيَنِي جُودًا بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمَا

علی هَالِكَيْنِ لَا تَرِي لهُمَا مَثَلًا...»

اي چشمان من! آفرين بر شما! بر آن دورفته اي كه ديگر مانندشان را نمي بينند، بر

ص: 146

1-117. سفينة البحار، ج 1، ص 379 و 381.

بزرگ بطحاء و بر بانوي بانوان؛ آن نخستين كسي كه نماز گذارد؛ بر آن زن پيراسته و خجسته اي كه خداوند او را پاك داشت و برتري اش داد، اشك بريزيد. مرگ اين دو، روز را بر من تاريخ ساخته و از اين پس، شبها را درانده و سوگ آن دو سر مي كنم. آن دو در برابر ستمكاران به دين، آيين محمّد را ياري كردند و پاس پيمان خویش داشتند! (1)

ص: 147

1-118. ديوان امام علي عَلَيْهِ السَّلَام، قطب الدين حسن بيهقي نيشابوري، ص 360

بانوي نويسنده، خانم عذرا انصاري دام عزّها، در مجله «پيام زن» سال سوم شماره اول، در مقاله اي درباره ي حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام عرض ادب و اخلاص نموده و به مناسبت سالروز ازدواج پيامبر اكرم صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام نکات برجسته اي از عظمت آن حضرت و عقیده و روحیات و فداکاریهای آن افتخار عالم نسوان را به تصویر کشیده است، که ذیلاً گزیده اي از آن مقاله تقدیم مي گردد.

... خديجه دلش با مُحَمَّد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بود، زیرا از علمای يهود و نصارا مطالبی درباره ي نبوت آن حضرت شنیده بود.

او عقیده داشت که همسر ي پيامبر خوشبختي و سعادت دنيا و آخرت، افتخار و نشاط را برايش به ارمغان مي آورد (1). بدین جهت نزد پسر عموي خود ورقة بن نوفل رفت و گفت، مي خواهم ازدواج کنم، لیکن نمی دانم با چه کسی، خواستگاران زيادي براي من آمده اند، دلم هيچ يك را نمی پذيرد.

در این هنگام «ورقه» با تخصصي که در کتاب و ادیان داشت، او را از خصوصیات و کمالات و ویژگیهای پيامبر آینده آگاه کرده، گفت:

مُحَمَّد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تاج کرامت بر سر و نعمت و شفاعت در کف دارد، سرور و بزرگ عرب بوده، فرزند عبدالله بن عبدالمطلب است.

پس از شنیدن اوصاف پيامبر صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بر علاقه قلبي و محبت شديد حضرت خديجه عَلِيْهَا السَّلَام افزوده شد، تا جایی که قرار و آرام را از او گرفت و در تنهایی به یاد او مي گريست (2).

بي مناسبت نيست برخي ویژگیهای حضرت خديجه را بازگو کنیم:

1 - سبقت در ايمان به خدا و رسول او.

2 - معرفت و زیرکي و تلاش در راه رسيدن به حقيقت و سيراب کردن کام تشنه خویش از سرچشمه زلال معنويت و شرافت.

3 - شکستن سنتهای جاهلیت.

4 - پاسداری از جان و سلامت رسول خدا صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، گویی خدا به وسیله خديجه پيامبرش را از گزند دشمنان حفظ کرد.

ص: 148

1- 119. بحار الانوار، ج 16، ص 23.

2- 120. تاريخ طبري، ج 2، ص 281.

5 - برخورداري از ثروت سرشار و سهيم کردن مردم در سود تجارت، به نقاط مختلف نظير حجاز، مصر، حبشه و غيره (1).

حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام زني بود که بيشترين محبت و توجه پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را به خود جلب کرد، به گونه اي که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تا خديجه زنده بود، همسر ديگري نگرفت و پس از مرگ خديجه نيز هميشه به ياد او بود و چون گوسفندي را قرباني مي کرد، دستور مي داد، اول براي خويشان و دوستان خديجه ببرند.

7 - ياور سالهاي تنهائي و غربت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و مايه تسكين قلب و رفع اندوه و غصه آن حضرت بود.

8 - گسستن از همه و پيوستن به حق.

9 - ايتار تمام ثروت خويش به پيشگاه پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در راه تحقق آرمانهاي اسلام

10 - حفظ نسل پاك رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به خصوص وجود مقدس حضرت زهرا عَلِيهَا السَّلَام که جريان کوثر برکت و خير و فضيلت او، به ابديت متصل است.

11 - بيعت با حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام و پذيرش امامت آن حضرت. شيوه اين بيعت بدين گونه بود که رسول خدا دست خود را روي دست امير مؤمنان علي عَلَيْهِ السَّلَام گذاشت، سپس خديجه دست خود را روي دست پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نهاد.

12 - عبادت، استقامت و حسن خانه داري و همسر داري.

13 - شهامت طرفداري از حق و تحت تأثير محيط قرار نگرفتن.

14 - پاك سرشت و مورد اعتماد بودن، به گونه اي که در زمان جاهليت او را «طاهره» ناميدند.

منزلت حضرت خديجه عَلِيهَا السَّلَام در پيشگاه خدا به اندازه اي بود که جبرئيل به پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرض کرد:

من هر گاه از سدره ي المنتهي فرود مي آيم، خدای تبارک و تعالی می فرماید:

سلام مرا به خديجه برسان. يکي از همسران پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می گوید:

هر وقت نام خديجه برده می شد، پيامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به خوبي از او ياد می کرد و برايش غفران الهي را طلب می نمود (2). من عرض کردم:

خديجه مسن بود و خدا بهتر از او به شما داده است.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خشمگين شد، به طوري که من پشيمان شدم و تصميم

1-121. بحار الانوار، ج 16، ص 22.

2-122. كشف الغمه، ج 2، ص 138.

گرفتم دیگر چنین حرفی نزنم. پیامبر فرمود:

چرا این گونه سخن می گویی! به خدا قسم او زمانی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند، زمانی به من پناه داد که دیگران طردم می کردند.

او مرا تصدیق کرد و فرزندان من از آن اوست (1).

روزی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با عده ای از زنان در خانه نشسته بود، یکی از علمای یهود آنجا حضور داشت، در این بین حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وارد شد، مرد یهودی از آن حضرت خواست که کتف خود را نشان دهد، وقتی که چشم مرد یهودی به شانه محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ افتاد و مهر نبوت را دید، گفت:

به خدا قسم این مهر پیامبری صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ است.

خدیجه گفت:

اگر عمویم اینجا بود، نمی گذاشت به بدن او نگاه کنی. یهودی گفت:

هیچ کس نمی تواند به محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زیان برساند، به موسی قسم که او پیامبر خاتم است.

در این هنگام که دل خدیجه از عشق به محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لبریز شده بود، از مرد یهودی پرسید:

تو از کجا دانستی که ایشان پیامبر است.

او در جواب گفت:

در تورات آمده است که پیامبری به نام محمد مبعوث می شود، او در کودکی پدر و مادر خود را از دست می دهد و جد و عموی او کفالتش را به عهده می گیرند. سپس به طرف خدیجه اشاره کرد و گفت:

او زنی از قریش را به عقد خود در می آورد و خوشا به حال کسی که همسر او باشد (2) که او بزرگ و سرور خاندان است.

سپس هنگام بیرون رفتن به خدیجه گفت:

مواظب باش که محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را از دست ندهی، چرا که پیوند با او سعادت دو جهان را تأمین می کند.

این مطلب در ذهن خدیجه باقی ماند.

روزها برای خدیجه به کندي می گذشت و او به دنبال فرصتی بود تا زمینه ای فراهم کند و به همسری اشرف مخلوقات نایل شود.

مدتی گذشت، روزی ابوطالب به محمد صلی الله علیه و آله و سلم چنین گفت:

من ثروت و اندوخته ای ندارم، پیر و ضعیف شده ام و دلم می خواهد زندگی ات را سامان داده و همسر بگیرم

ص: 150

1-123. بحار الانوار، ج 16، ص 12 و ریاحین الشریعه، ج 2، ص 204.

2-124. بحار الانوار، ج 16، ص 20 و ریاحین الشریعه، ج 2، ص 211.

تا در کنار او آرامش بیابی.

حضرت محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفت:

نظر شما چیست؟

ابوطالب پاسخ داد:

خدیجه هر ساله عده ای را به تجارت می فرستد، اگر می خواهی از او برای سرمایه ای بگیرم، تا با آن تجارت کنی و از سود آن زنی برایت خواستگاری کنم، آن حضرت نیز پذیرفت.

ابوطالب، عباس و دیگر بستگان محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تصمیم گرفتند، به خانه خدیجه بروند. سر انجام، جملگی به راه افتادند تا به خانه خدیجه رسیدند. چون آهنگ در نواختند شوقی در قلب خدیجه پدیدار شد و به کنیز خود گفت:

برو بین چه کسی در می زند.

کنیز خبر آورد که بزرگان عرب و فرزندان عبدالمطلب اجازه ورود می خواهند. خدیجه شادمان شد و گفت:

زود در را باز کن و به غلامان بگو:

فرشها را بگسترانند و هر کس را در جایگاه خود قرار دهند و از آنها پذیرایی نیکویی به عمل آورند.

خدیجه گفت:

ای بزرگواران مکه و کعبه! کلبه ما را صفا دادید، هر خواهشی که داشته باشید، پذیرا هستم. ابوطالب گفت:

ما تقاضایی داریم که بهره اش به شما هم می رسد و آن درخواست سرمایه ای است، برای پسر برادرم. چون خدیجه نام محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را شنید دلش آرام گرفت. سپس گفت:

محمد کجاست تا خواسته اش را از زبان خود او بشنوم. در این هنگام عباس برای آوردن محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حرکت نمود. قدری جستجو کرد تا اینکه او را در خوابگاه ابراهیم یافت. بی درنگ به آن حضرت گفت:

به خانه خدیجه برویم که می خواهد تو را امین مال خود گرداند.

آن حضرت چون خورشیدی درخشان رو به خانه خدیجه نهاد. عباس با عموهای محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به استقبال ایشان شتافته، حضرتش را به داخل خانه آوردند و در بالای مجلس نشاندهند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام دستور داد از ایشان پذیرایی کنند.

سپس خطاب به محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفت:

خانه ما را روشن کردی، آیا میل داری امین من در امور تجارت باشی. محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جواب داد:

آري، مايلم سفري به شام داشته باشم. خديجه گفت:

هر طور دوست داريد، عمل كنيد، من در اين سفر براي شما بهره قابل توجهي معين کرده ام، آيا به اين راضي هستيد؟ ابوطالب گفت، همه راضي هستيم، شما نيز به چنين شخص امين و درستكاري نياز داري. تمام مردم حسن ديانت و امانت و تقوای او را قبول دارند.

ص: 151

پس از آن، به دستور خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام شتری قوی که دارای چشمانی سرخ بود، آوردند تا پیامبر شیوه بار بستن را بیازماید و نکات لازم را فرا گیرد.

چون شتر را پیش آوردند، در مقابل مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زانوزد و صورت خود را به پای مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چسباند (1). مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ او را نوازش کرد و بر پشت او دست کشید، شتر از این محبت بر خود بالید. این صحنه باعث شگفتی حاضران شد.

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نگاهی به او کرد و گفت:

ای بزرگوار! این لباسهای شما مناسب سفر نیست، اجازه دهید برایتان لباس بیاورند. سپس دستور داد، دو دست لباس یکی مصری و دیگری عدنانی، دو برد یمانی، عمامه، کفش و عصا برای حضرتش آوردند. پس از آنکه لباس آوردند، خدیجه به مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گفت:

این لباسها برای شما بلند است، اجازه دهید آن را کوتاه کنم.

و مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ جواب داد:

لازم نیست، من هر لباسی که بپوشم، بر اندامم برازنده است (2). مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لباسها را پوشید و همه برازنده ایشان بود، گویی در میان آن جامه ها چون قرص ماه می درخشید. خدیجه چون به ایشان نظر انداخت، دلش از مهر مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به وجد آمد.

عزیزم کاسه چشمم سرایت

میان هر دو چشمم جای پایت

از آن ترسم که غافل وانهی پا

نشیند خار مژگانم به پایت

باباطاهر عریان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام دستور داد شتر مخصوص خویش را برای سواری آن حضرت آوردند. سپس دو غلام خود «میسره» و «ناصر» را طلبید و گفت:

بدانید که من مُحَمَّد را بر اموال خویش امین و حاکم قرار دادم. او بالاترین مقام است و در مورد اموال من اختیار تام دارد، شما در هیچ مورد با او سخن مگویید و بیشترین احترام و تکریم را داشته باشید و در خرید و فروش او دخالت نکنید. «میسره» گفت:

من از قبل، مُحَمَّد را دوست می داشتم و اکنون که شما او را دوست دارید، علاقه من نیز بیشتر شد.

حضرت محمد صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه خداحافظی کرد، سوار مرکب شد و از خانه خارج

ص: 152

1-125. بحار الانوار، ج 16 ص 27.

2-126. بحار الانوار، ج 16، ص 28 و ریاحین الشریعه ج 2 ص 216.

گشت، در حالی که دو غلام خدیجه با او بودند (1).

مسافرت با جریانات آن طی شد و سود سرشاری نیز نصیب محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گردید، پس از مدتی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از راه رسید و کاروان در خانه خدیجه فرود آمد و خدیجه از سودی که نصیبش شده بود، آگاه شد.

آن بانوی بزرگوار از سود چشمگیر این سفر در شگفت ماند و مطلب را با پدر خود «خویند» در میان گذاشت. سپس از میسر غلام خود پرسید:

در این مسافرت چه چیزهایی از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دیدی؟ او جواب داد:

کرامات ایشان بیشتر از آن است که من بتوانم بیان کنم. سپس بعضی از حوادث بین راه را تعریف کرد، از جمله پیام «فلیق» راهب را به خدیجه رساند. آن گاه خدیجه «میسره» و زن و فرزندان را آزاد کرد و او را با هدایای گرانبها از جمله دو شتر و دو یست درهم نقره خوشحال کرد. پس از آن، دستور داد صندلی مخصوصی برای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درست کنند، تا هر وقت حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تشریف آورد، روی آن بنشیند.

صندلی مخصوص فراهم شد و حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ روی آن نشست. شکوه و هیبت از قیافه آن حضرت می بارید، گویی قرص ماه بر صندلی طلوع کرده است.

خدیجه بار دگر سخن از شعر و تجارت به میان آورد و گفت، دیدار شما برای من بس گوارا و خوش است، ای آقای عالم! پاداش شما نزد من است، اگر اجازه می دهید، پردازم، آن حضرت فرمود:

اجازه می خواهم که ابتدا با عموی خود ابوطالب ملاقات کنم و بر می گردم.

پس از آن محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نزد ابوطالب رفت و داستان تجارت و حوادث آن را بیان کرد و گفت:

می خواهم سود این سفر را به شما هدیه کنم. ابوطالب از شدت محبت، او را در آغوش کشید و پیشانی حضرتش را بوسید و گفت:

دوست دارم از سود این تجارت، زنی در خور شخصیت تو برایت عقد کنم. محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

هر چه شما بفرمایید، می پذیرم.

حضرت پس از این گفتگو، گرد و غبار سفر از تن خود شست و لباسهای نیکو پوشیده، عصر دوباره به خانه خدیجه بازگشت.

در این حال، خدیجه از دیدار او به شوق آمد.

ص: 153

صورت خوبت نگارا خوش به آیین بسته اند

گویا نقش لب، از جان شیرین بسته اند

خط سبز عارضت، بس خوب و دلکش یافتم

سایبان از گرد عنبر گرد نسرين بسته اند

از برای مقدم خیل خیالت مردمان

ز اشک رنگین در دیار دیده آیین بسته اند

...

جمله وصف عشق من دو دست و حسن روی او

پیش از این آنها که بر فرهاد و شیرین بسته اند

خدایچه از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پرسید:

با سود این تجارت چه خواهی کرد؟ آن حضرت فرمود:

عمویم ابوطالب قصد دارد که همسری از خویشانم برایم خواستگاری کند.

خدایچه گفت:

اجازه می دهی من برای شما زنی شایسته انتخاب کنم. محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

بله، خدایچه گفت:

زنی برای شما سراغ دارم که اهل مکه و از خویشان شماست و ثروتمند و با جمال و کمال بوده، پاکدامن، با عفت، سخاوتمند و پسندیده است، در کارها به شما کمک می کند و به کم قانع است.

در این هنگام، رخسار مبارک محمد صلی الله علیه و آله و سلم گلگون شد و عرق آن را شستشوداد و سکوت کرد. خدایچه دوباره سخن خود را تکرار نمود و عرض کرد:

به خدا قسم من در هیچ کاری با شما مخالفت نمی کنم و از بذل مال در راه شما و اهدافت دریغ ندارم. در این حال، محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

او را معرفی کن. خدایچه گفت:

شما را به کعبه و صفا قسم می‌دهم درخواست مرا بپذیرید. آن‌گاه سرشک اشک از دیدگانش جاری شد.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در میان گریه و اشک با مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چنین گفت:

اکنون برخیز و خویشان خود را برای خواستگاری نزد پدرم بفرست و از جهت مهریه نیز نگران مباش، زیرا آن را از مال خود می‌پردازم.

حضرت مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ برخاست و نزد ابوطالب آمد. عموهایی دیگرش نیز حضور

ص: 154

داشتند. به آنها فرمود:

به خانه خویلد بروید و خدیجه را برای من خواستگاری کنید. ابوطالب گفت:

ای برادر زاده! ثروتمندان از خدیجه خواستگاری کردند و او به هیچ کس راضی نشد، در حالی که توفیق هستی؛ شاید شوخی کرده باشد.

پس از گفتگو به این نتیجه رسیدند که صفیه خواهر خود، که عمه محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود را به خانه خدیجه بفرستند، تا درباره ی این مطلب مهم تحقیق کند و معلوم شود که خدیجه جدی گفته یا نه.

صفیه وارد خانه خدیجه شد.

خدیجه دستور داد، از وی پذیرایی کنند، صفیه گفت:

آنچه من شنیده ام راست است؟

خدیجه جواب داد:

بله.

من به جلالت و امانت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پی برده ام و ازدواج با او را پیروزی بزرگ می دانم و مهر را نیز خود می پردازم. سپس هدیه با ارزشی به صفیه داد و او شاد و خرم به خانه برگشت و به برادران خود خبر داد (1). در این حال همه شاد شدند، جز ابولهب که کینه دیرینه داشت.

ابوطالب لباس زیبا به محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پوشاند و شمشیر هندی بر کمرش بست و او را سوار اسب تازی کرده، عموهایش چون شمعی او را در بر گرفتند و به سوی خانه خویلد حرکت کردند.

خویلد چون جمع بنی هاشم را دید احترام کرده، خوشامد گفت و مقدم آنان را گرمی داشت.

ابوطالب لب به سخن گشود و چنین گفت:

ما از يك نژاد و فرزندان يك پدریم. اینک آمده ایم تا بین زن و مردی پیمان زناشویی بندیم. خویلد گفت:

آن زن و مرد کیانند؟ ابوطالب جواب داد:

بزرگ و سرور ما محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دختر شما خدیجه! خویلد رخسارش دگرگون شد و گفت:

شما از بزرگان عرب هستید و میدانید که چه کسانی از او تقاضای ازدواج کرده اند و او نپذیرفت. کار محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چه می شود که فقیر و تنگدست است؟

حمزه بلند شد و گفت:

این نشانه جهل و گمراهی توست؛ مگر نمی دانی که اگر مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طلب کند، ما هر چه داشته باشیم از او دریغ نمی کنیم. سپس با همراهان از آنجا خارج شدند.

وقتی این خبر به خدیجه رسید، از برخورد پدرش به شدت آزرده شد و

ص: 155

1-129. ریاحین الشریعه، ج 2، ص 238.

گفت:

هر چه زودتر پسر عمویم ورقه را حاضر کنید. چون ورقه بر خدیجه وارد شد و او را محزون دید، علت ناراحتی اش را جویا شد.

خدیجه جواب داد:

چگونه نگران نباشد کسی که مونس و پرستاری ندارد.

ورقه: فکر می‌کنم تصمیم ازدواج داری. خدیجه: همین طور است.

ورقه: سران عرب و بزرگان تو را می‌خواستند و برای رسیدن به تورنج زیاد کشیدند، ولی همه را رد کردی. خدیجه: دلم نمی‌خواهد از مکه بیرون بروم.

ورقه: عده‌ای از خواستگاران از جمله عتبه، شیبه، عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و صلت بن ابی یهاب در مکه بودند.

خدیجه: اینها گمراهند. آیا غیر از این افراد کسی را سراغ داری.

ورقه: شنیده‌ام که محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز تو را می‌خواهد (1).

خدیجه: ای پسر عمو! اگر محمد عیبی دارد بگو.

ورقه مدتی سر به زیر انداخت، سپس گفت، محمد صَدَّقَ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از ریشه‌ای استوار و پایدار و شاخه‌های گسترده و خلقت زیبا و فضیلت فراوان و کمالات زیاد برخوردار است.

خدیجه: آنچه تو گفتی، همه فضایل او بود، عیبش را بگو.

سر انجام پس از مدتی گفتگو، خدیجه گفت:

من هر چه عیب او را جستجو می‌کنم، باز از حسن او سخن می‌گویم.

ورقه: ای خدیجه! من کسی نیستم که بتوانم فضیلت و منزلت بی‌کران محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را توصیف کنم.

خدیجه: من به عظمت و بزرگواری و منزلت او آگاه هستم و به این نتیجه رسیده‌ام که جز او را به همسری نگیرم.

ورقه: حال که چنین است، به تو مژده می‌دهم که او به زودی پیامبر و فرمانروای شرق و غرب خواهد شد.

اگر همین امشب ترتیب ازدواج شما را بدهم چه مزدگانی به من می‌دهی؟

خدیجه: تمام ثروت من در اختیار توست، هر چه می‌خواهی بردار.

ورقه: از مال این جهان نمی خواهم. من شفاعت محمد در روز قیامت را می خواهم، زیرا رهایی و رستگاری آن جهان جز به تأیید و تصدیق او حاصل نمی شود.

خدیجه: من شفاعت تو را نزد آن حضرت تضمین می کنم (1).

پس از آن ورقه نزد خویلد رفت و گفت:

این چه فکریست که در سر داری؟ چرا وسیله نابودی خود را فراهم کرده ای؟

خویلد: مگر چه کرده ام؟

ورقه: دل خاندان عبدالمطلب را آزوده و برادرش را تحقیر کرده ای و خواسته آنها را نپذیرفته ای.

خویلد:

ای پسر برادر! مقام و شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای همه روشن است، لیکن اگر او را بپذیرم، جواب خواستگاران قبلی را چه بگویم. آنها برای همیشه با من دشمن خواهند شد؛ به علاوه خود خدیجه نیز با این امر موافقت نمی کند.

ورقه: مردم عرب چون محمد را به پاکی و نیکی شناخته اند، از این جهت کارشکنی نمی کنند و خدیجه نیز او را کاملاً شناخته و به او دل بسته است؛ پس تا دیر نشده بر خیز و دل بنی هاشم را به دست آور، به خصوص دل حمزه را.

خویلد و ورقه به خانه ابوطالب آمدند. بزرگان بنی هاشم همه آنجا جمع بودند. ورقه کوبه در را به صدا در آورد. محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای خویشان من! خویلد و ورقه پشت در اجازه ورود می خواهند. حمزه در را باز نمود و آنها را به داخل خانه راهنمایی کرد. ورقه و خویلد خطاب به اهل خانه چنین گفتند:

همواره غرق نعمت بوده و خوش باشید، شر دشمنان از شما دور باد ای فرزندان زمزم و صفا!

ابوطالب به گرمی جواب آنها را داد، ولی حمزه گفت:

من جواب کسی را که از وصلت با ما سرباز می زند، به خوبی نمی دهم (2).

خویلد گفت:

شما خود می دانید که خدیجه زنی خردمند و دانا است و من از میل قلبی او خبر نداشتم، حال که علاقه او را به شما دریافتم، از شما می خواهم که گذشته را فراموش کنید و پوزش مرا بپذیرا باشید.

حمزه: شما برای ما محترم هستید، ولی ما از شما انتظار نداشتم این گونه با ما

1-131. بحار الانوار، ج 16، ص 61.

2-132. بحار الانوار، ج 16، ص 63.

برخورد کنی. در این هنگام، ورقه گفت:

محمّد صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم محبوب همه ماست.

من هم با این وصلت موافق هستم، اما بهتر است این مسأله را فردا نزد بزرگان عرب مطرح کنیم، تا همه بدانند.

حمزه: بسیار خوب.

ورقه: خویلد چنان زبان گویایی ندارد که بتواند بزرگان عرب را قانع کند، خوب است در کار خدیجه مرا وکیل کند.

خویلد:

تو وکالت داری.

ورقه: این سخن را کنار کعبه بگو، همان جایی که بزرگان عرب اجتماع می کنند سپس همه نزد کعبه آمدند و ورقه در جمع بزرگان عرب

فریاد زد:

روزگارتان به خیر و شادی باد ای ساکنان حرم!

آنها نیز جواب دادند:

اهلاً و سهلاً ای گوینده والا.

ورقه: ای مردم آیا شما شخصیت خدیجه را شناخته اید؟

مردم:

بله در میان عرب و عجم نظیری ندارد.

ورقه: آیا درست است که زنی با این مقام به تنهایی زندگی کند؟

مردم:

سران جهان خواستگار او بودند، ولی هیچ یک را نپذیرفت.

ورقه: خدیجه تصمیم گرفته با یکی از شخصیت‌های قریش ازدواج کند و پدرش خویلد مرا وکیل ازدواج او کرده است.

حال وکالت خویلد را گوش کنید و فردا در خانه خدیجه حاضر شوید.

خویلد نیز در حضور مردم به ورقه وکالت داد و مسئولیت را از دوش خود برداشت و نظر او را نافذ دانست. چون بزرگان قوم متوجه موضوع

شدند به خویند گفتمند:

ما خواهان خدیجه ایم، لیکن او جواب داد که من مسؤولیت ازدواج دخترم را از خود سلب کرده و کفالت را به ورقه سپردم و رأی او صائب است و هیچ نظری بالای آن نیست.

ورقه: مردم بدانید که خویند دیوانه و مجبور نیست و در کمال سلامت عقل می باشد و من دخترش را به هر کس که بخواهم می دهم.

ص: 158

مردم:

شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و شهادت می‌دهیم (1).

در این هنگام ورقه، روانه خانه خدیجه شد، در حالی که بسیار شادمان بود.

وقتی خدیجه او را دید گفت:

خوش آمدی! مثل اینکه قضیه را حل کردی.

ورقه جواب داد:

بله مبارك باشد.

اختیار از پدرت گرفتم و وکیل تو شدم، فردا تو را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم عقد می‌کنم.

خدیجه از این سخن خوشحال شد و جایزه‌ای به ارزش پانصد دینار طلا به او داد ورقه: من شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می‌خواهم و چشم به مال دنیا ندارم.

خدیجه: جایزه شفاعت هم داری (2).

ورقه: ای دختر برادر! اینک خانه را آراسته و وسایل مهمانی و پذیرایی را آماده کن و چنان مهمانی تشکیل بده که نظیر نداشته باشد و دشمنان را مأیوس کن، زیرا بزرگان عرب فردا به خانه تو می‌آیند. خدیجه بی‌درنگ دستورات لازم را صادر کرد و هشتاد نفر کنیزان و غلامان و سائل جشن را مهیا کردند و میوه و شیرینی و طعام به بهترین صورت تهیه شد.

در این بین ورقه به خانه ابوطالب آمد و موضوع عقد خدیجه را به اطلاع آنان رساند.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای ورقه دعا کرد. ابوطالب گفت:

اینک قلبم آرام شد.

سپس به تدارک لوازم مهمانی و مراسم عقد پرداخت.

فردای آن روز بزرگان و اشراف قریش به خانه خدیجه آمدند. در این میان ابوجهل وارد مجلس شد و یک راست به طرف صندلی با شکوهی رفت که مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود.

«میسره» غلام خدیجه فریاد بر آورد که سر جای خود بنشین و شرمسار برگشت. در این هنگام محمد صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که حمزه با شمشیر کشیده پیشاپیش او حرکت می‌کرد و فرزندان عبدالمطلب بر گردش حلقه زده بودند وارد مجلس شد.

حمزه خطاب به حاضرین چنین گفت:

ادب را رعایت و سخن را کوتاه کنید، این مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم برگزیده خدای صاحب اقتدار است و در صورتش نور موج می زند و دارای هیبت و شوکت و وقار است.

در این حال، مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم عمامه ای سیاه بر سر، پیراهن عبدالمطلب در بر، عبای

ص: 159

1-133. بحار الانوار، ج 16، ص 65.

2-134. ریاحین الشریعه، ج 2، ص 242.

الیاس بر دوش، کفشهای شیت در پا، عصای ابراهیم در دست و انگشتری از عقیق سرخ در انگشت داشت و جمال درخشانش چنان خیره کننده بود که همه مبهوت شدند. او خرامان راه می رفت و قریش جملگی از جا برخاستند و ادای احترام کردند و حضرتش را بر صندلی مخصوص نشانند.

ابوطالب شروع به خواندن خطبه کرد و گفت:

خدای کعبه را شکر گذاریم که ما را از نسل ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد و حرم امن خود را به ما سپرد و ما را مقتدای مردم قرار داد و در شهر ما برکت آفرید. سپس چنین گفت:

پسر برادر من، کسیست که در میان قریش همانندی ندارد و در عظمت و جلال کسی چون او یافت نمی شود، هر چند از نظر مال غنی نیست. همه بدانید که مال از بین می رود و چون سایه ای محو می شود. مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به درخواست خدیجه از وی خواستگاری کرد و خدیجه نیز به او دل بسته و مهریه او پانصد درهم است که پرداخت می شود (1).

خویند گفت:

من دخترم خدیجه را به عقد محمد در آوردم. پیامبر نیز قبول کرد.

حمزه برخواست و قدری پول در میان حاضران پاشید. ابوجهل بلند شد و به تمسخر گفت:

ما شنیده بودیم که مرد مهر زن را بدهد، ولی نشنیده بودیم که زن مهر خود را پرداخت کند! ابوطالب خشمگین شد و گفت:

اگر مرد، کسی چون پسر برادر من باشد، زن بالاترین مهریه را می پردازد، ولی اگر مرد، کسی مثل تو باشد، زن مهریه را می گیرد.

وقتی خطبه ازدواج خوانده شد، منادی در آسمان ندا داد که خداوند، طاهر و طاهره، صادق و صافه را به ازدواج یکدیگر در آورد و توسط جبرئیل بر در و بام جهان عطر افشاند و هر کس سؤال کند که این عطر از کجاست؟

جواب می شنود که این عطر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.

در این هنگام، خدیجه لب به سخن گشود و گفت، ای محمد! من خود را به عقد تو در آوردم و مهریه را نیز خودم می پردازم. اکنون به عمویت بگو:

ترتیب پذیری را

ص: 160

بدهد و من نیز در خدمت تو خواهم بود.

بدین گونه حضرت خدیجه به گفته های قبلی خود جامه عمل پوشاند و به افتخار همسری اشرف مخلوقات دست یافت و بیشترین نقش را در پیشبرد اهداف رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایفا کرد.

ص: 161

کتاب ارزشمندیست به نام «زنان صدر اسلام» تألیف نویسنده عالیقدر آقای محمد علی بحر العلوم و ترجمه آقای محمد علی امینی، که بخشی از آن درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام می باشد، که به صورت داستانی نگارش یافته، فرازهای جالبی از ازدواج و زندگی و همراهی و فداکاریهای آن حضرت را در دوره رسالت پیامبر گرامی اسلام به تصویر کشیده است، که ملاحظه می فرمائید.

خدیجه بنت خُوَیَلِد

شب فرا آمد و مردم در مسجد پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نماز گزار شدند. در حالی که یاد جاودان او، گرد مسجد موج می زد و آنگاه، مردم در آن جا دسته دسته، حلقه زدند و چون همیشه، در هول و هیبت شب، مجلس خویش بیاراستند... همه چیز در اطراف آنها خاموش بود و آرامشی عجیب بر شهر سایه افکنده بود، که ترس می زاد و هراس می افکند، بدانگونه که هیأت خانه ها نیز می نمود که گویی همه چیز به خوابی عمیق در غلتیده است.

شیخ «ابومعاذ» به مجلس خویش می رسد. مشتاقان سخن شیخ و شیفتگان احوال گذشتگان، در هر سو او را در بر گرفته اند... شیخ، سکوت می گزیند. سیلاب خاطره ها، در ذهنش موج می زند. یادهای آشفته را به رشته نظم می کشد و زنجیره ای از سخن، سراسر مایه پند و عبرت، به شنوندگانش عرضه می دارد، تا دلهایشان، از یاد دلیران شکوهمند، به تپش آید.

نسیم سرگذشت بانویی، از ذهن شیخ گذر می کند که حیاتی تازه بدو می بخشد.

آنگاه، انگشتانش را وا می نهد، تا چشمش را نوازش کند.

چشمی که پیری بر شکوهش افزوده و بدان جلوه ای سپید و زیبا بخشیده بود.

با کلامی شیرین، لب به سخن می گشاید و می گوید:

«اما امشب، گفتاری از بانوی پاکدامن، خدیجه ام المؤمنین داریم.»

سرها به سوی او بر می گردد و چشم ها بدو معطوف می شود. همه با شوقی سرشار، به انتظار شنیدن سرگذشت او و پایگاه بلندش در صدر اسلام هستند.

چنین آغاز می کند:

شبی از شبهای دل انگیز زمستان مکه بود، خواب از چشمان خدیجه دختر خویلد کوچیده بود و او در این اندیشه، که وقتش را با پسر عموی «ورقه بن نوفل» به سرآرد. که هرگاه بی خوابی به ستوهش می آورد. به او پناه می جست و هر زمان که اندوهی او را می آزد، به گفتارش انس می یافت و گاهی که سخت در اندیشه فرو می رفت، به صدق و وفای او روی می آورد.

کنیزش «امیمه @» را صدا زد و او با شتاب به نزدش آمد و در برابرش ایستاد:

- بله بانویم ...

- «میسره» را سوی «ورقه» روانه ساز، تا هم اکنون نزد من آید ...

- هر چه فرمان دهی اجرا می کنم، سرورم ...

کنیزک، نزد «میسره»، یکی از غلامان مقرب خدیجه رفت. او را از فرمان سرورش با خبر ساخت. میسره بر خاست و رو به سوی خانه ورقه گذارد ... و در زد.

مردی سیاه چهره از سوراخ در نمایان شد و از آنجا «میسره» را دید. در را به رویش گشود و پرسید چرا در آن تاریکی شب، بدانجا آمده است.

او گفت:

«سرورم! خدیجه، پسر عمویش را می طلبد، می خواهد فوراً او را ببیند».

- ورقه گوشه عزلت گزیده و روزهاست که با کسی دیدار نکرده است.

لحظه ای به من مهلت دهید. او را از گفته شما آگاه خواهم نمود.

آنگاه، به آن سوی خانه رفت. پس از لختی بیرون آمد. بدو گفت، که سرورش ورقه هم اکنون می آید تا رهسپار خانه خدیجه شود.

دیری نگذشت که ورقه به خانه دختر عمویش خدیجه، رسید ... همان لحظه، خانه ای که سیمایش، حاکی از مال و مکنت صاحب ثروتمندش بود.

«امیمه» به پیشباز ورقه، جلو در شتافت. خوش آمد گفت و او را نزد سرورش برد ... چون خدیجه دید که ورقه پا به خیمه رنگینش نهاد، از جا برخاست، پیش او رفت و او را نزد خود، در نیکوترین جای مجلس نشاند، از کنیزش خواست، که کسی را اجازه دخول ندهد ...

آنگاه رو به پسر عمویش کرد و با حالی دردناک و رنجور گفت:

«این مردم، مرا تحت رنج و فشار قرار می دهند، در خانه ام را می کوبند

و هر گاه که در خود داري اصرار ورزم حریصتر می گردند ... من، هر که را به قصد ازدواج آمده از نزد خود رانده ام، اما این خود داري سودي نبخشیده است ... امروز، ابولهب آمد و مالي را براي مهریه به من داد و من او را راندم، پیش از او نیز، ابوسفیان، عمرو بن هشام، شیبه و دیگران آمده بودند. چرا آنها مرا تحت فشار قرار می دهند ... و از غصه و اندوه، گریست.

ورقه او را تسکین بخشید و به او وعده داد که نهایت تلاش خود را به کار می گیرد، تا از این پس، کسی در خانه اش را (به مزاحمت) نکوبد.

پاره دوم شب سر آمد. از این رو ورقه، او را وداع گفت و مراجعت کرد. در حالی که خدیجه، به وفاداري او چشم دوخته و امید بسته است.

هنوز يك روز سپري نشده بود، که یکی از نزدیکان خدیجه به دیدارش آمد، به تلخی او را سرزنش کرد که چرا سرشناسان عرب و چهره های قومه را رد کرده است ... خدیجه پاسخ داد که تمایلی به ازدواج ندارد و آنچه در زندگی مشترك پیشین به او رسیده، از ازدواج بی نیازش می گرداند. اما آن آشنا که در مرز امید و ناامیدی، پایداري می نمود، کوشید که او را به ازدواج معتقد سازد و بدو بگوید که: بزرگان عرب آماده اند که هر کالاي ارزنده و نفیسي را براي خشنودي او عطا کنند.

خدیجه، از این سخن دلتنگ شد، ناگزیر، قیافه متفکرانه ای به خود گرفت، تا آشنایش بپندارد که او به راستي در این اندیشه است و نیاز به آرامش و آسودگي دارد، تا پاسخ آن افراد را بدهد ... روز دیگر، رباح - که می گویند نام آن فرد است - خدیجه را ترك گفت و به دنبال کارش رفت.

خدیجه، بانویی دوراندیش و از زنان خوش نسب قریش بود و نیز شریفترین و ثروتمندترین آنها.

تمام مردان قومه، خیال ازدواج با او را در سر می پروراندند. او آنها را یکی پس از دیگری می راند. پیش از این، با «عتیق بن عبداللّه» و بعد با «ابوهاله» ازدواج نمود (1) و پس از فوت آن دو، دیگر ازدواجی ننمود.

آنگاه،

ص: 164

1-136. طبق تحقیقات کامل محقق عظیم الشان، علامه بزرگوار، جعفر مرتضی عاملی، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام قبل از رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با شخص دیگری ازدواج ننموده اند.

دست به تجارت زد. او بسیار ثروتمند بود و مردان را به کار می‌گرفت و بهره و در آمدی برایشان مقرر می‌ساخت. آنها را به شهرها می‌فرستاد و با این اشتغال، از ازدواج باز ماند.

«ابوطالب»، بزرگ بخشندگان، از کسانی بود که به امر بازرگانی خدیجه، می‌پرداخت و نزد او به شهادت، پارسایی و امانت شناخته شده بود.

اما ابوطالب، به علت سن زیاد و نیز سرپرستی پسر برادرش امین (محمّد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، از کار باز ماند و راهی تجارت خدیجه نگشت. این، برای خدیجه ناگوار آمد زیرا که در آن شخصیت بی‌نظیر، سجایای عظیمی یافته بود، که کمتر چهره‌ای، در مکه مانند داشت.

تنگدستی و فقر، خاندان ابوطالب را در فشار نهاد و مرارت‌های روزگار، آنها را رنجانید. ابوطالب ناگزیر گشت که پسر برادرش امین (محمّد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را از جریان بی‌گهانند.

سرانجام آن دو به این نظر رسیدند که ابوطالب نزد خدیجه رود و به او بگوید که کاروانی برای حرکت محمّد به سوی شام، تدارک ببیند، بدان امید که خداوند، دریچه‌ای بر روزی آنها بگشاید.

محمّد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چون عموی مهربانش را دوست می‌داشت از پذیرش سخنش سر باز نزد، بدین امید که بتواند او را یاری دهد و از رنج و فقرش بکاهد.

ابوطالب، نزد خدیجه رفت و تصمیمش را با او باز گفت. خدیجه از سرگذشت امین راستگو، غافل نبود و او را کاملاً می‌شناخت. پس به ابوطالب گفت:

«اگر این را، حتی برای دشمنی سرسخت می‌خواستی، بجا می‌آوردیم. پس اکنون که آن را برای دوستی آشنا خواسته‌ای، چگونه نپذیرم».

ابوطالب با چهره‌ای باز و روشن، نزد پسر برادرش باز آمد. پاسخ مهرآمیز خدیجه را با او گفت:

خدیجه کاروانی برای محمّد مهیا گرداند و غلامش «میسره» را به خدمت او گماشت، تا کارهایش را سامان دهد و خواست‌هایش را برآورد. «میسره» غلام برگزیده خدیجه است و در کارهای مهم، مورد اعتماد او.

خدیجه به دو علت، او را برای خدمت به محمّد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، انتخاب کرد:

نخست آنکه، به رفاه و آسودگی محمّد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بسیار علاقه داشت و دیگر آنکه، می‌خواست تا آنجا که می‌شود از کار او با خبر گردد، زیرا به این مسأله، اهمیت زیادی می‌داد و بدان

روزها می گذرد، کاروان به شام نزدیک می گردد و در این مسیر، بیش از حد انتظار، سود بدست می آورد، میسر آرزو می کرد که به سوی بانوی خدیجه پر گشاید و این چهره بی مانند را به او بشناساند و بزرگواریهایی را بازگو کند، که بیانگر مقام بلند پایه اوست.

کاروان به مکه عزیمت کرد، در حالی که خبر بازگشت آن پیشاپیش می رسید. قلب خدیجه، آن بانوی پاکدامن به تپش در می آید. و جَد سرشار او، بیش از آنکه به خاطر بازگشت کاروان و سود بازگانش باشد، به سبب سلامت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مراجعت پر بار او بود.

خدیجه، در ژرفای وجودش، چنان ایمانی به این شخصیت داشت و چنان احساس عجیبی به او می یافت، که در وصف نمی گنجد.

خدیجه، نزد میسر، امانتدار نیکرفتارش رفت، غلامی که از دوران کودکی، هرگز به او خیانت نکرده بود.

میسره با او از جوان هاشمیان، آن راستگوی امانتدار سخن گفت و از آنچه در سفرش از او دیده بود.

این همه، ایمان خدیجه را در محبت او افزود و او را در وفاداری نسبت به او پایدارتر کرد. زینده نبود که آثار شادی و سرور بر سیمای خدیجه، آن بانوی پارسای پر شوکت پدیدار شود. اما این، مانع از بروز محبت و اخلاصی که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشت و به اوج جاننازی می رسید نگشت.

یک شب، خواهر خدیجه به خانه او آمد. خدیجه احساس قلبی خویش را نسبت به آن جوان عبدالمطلب و سرور قریش و امین راست کردار - که جوانی بیست و پنج ساله بیش نبود - با او در میان گذارد. تفاوت سنی، او را در درون، می آزد. او چهل ساله گشته (1) و با وجود این، به او روی آورده است.

آیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم، او را با این سن می پسندد؟ در حالی که مال و ثروت، برای او اهمیتی ندارد.

تنها، ایمان این پارسا زن، او را به تلاش برای پیوند با محمد صلی الله علیه و آله و سلم واداشته، تا یآوری راستین در زندگی او باشد.

چه می شود که خدیجه خواستار انسانی باشد که در شرف و انسانیت، کسی به پای او نمی رسد و اگر چه، این با عرف عادی مردم بیگانه است، اما عرف و عادت ها در برابر جوان بنی هاشم،

سر انجام دو خواهر به این نتیجه رسیدند، که آن را با ابوطالب، عموی محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ، در میان گذارند و آن دو به خوبی می دانستند که ابوطالب نزد محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ، مقامی بی همتا دارد.

خواهر خدیجه نزد بزرگ بنی هاشم رفت و راز خواهرش را با او گفت و آمادگیش را برای صرف هر قدر مال ضروری، ابراز نمود. این خواهش، به دل ابوطالب نشست، زیرا خدیجه به صفات نیکی آراسته بود که بیشتر زنان قریش، از آن بهره ای نداشتند. او با همه اختلاف سن، شایسته پسر برادرش بود.

ابوطالب، با پسر برادرش در مورد خدیجه صحبت نمود. محمد نسبت به این موضوع بی میل نبود، به ویژه که خدیجه، برای او مقامی پاک و پیراسته داشت.

ابوطالب، برادران و بزرگان خاندان و سرشناسان قبیله اش را جمع کرد و آنها را به خانه خدیجه دختر خویلد برد. بزرگان قبیله خدیجه و نامداران خانواده اش نیز حضور داشتند ... چون بنی هاشم در جای خود قرار یافتند، ابوطالب برخاست و چنین آغاز سخن کرد:

«سپاس خدایی راست که، ما را از بازماندگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و سرزمین حرام و خانه ای برای به پا داشتن حج به ما بخشید و ما را فرمانروای مردم نمود ... همانا محمد، پسر برادرم عبدالله، که هیچ جوانی از قریش، همتای او نیست، از تمامی آنها پارساتر، متفکرتتر، بزرگوارتر و نجیب تر است ...»

اگر ثروت او اندک است، به راستی که مال سایه ای گذرا بیش نیست و عاریتست که بازستانده می شود ... او تمایلی به خدیجه دارد و خدیجه نیز او را دوست می دارد هر مقدار مهریه که معین کنید، من می پردازم. به خدا سوگند که خدیجه، نامزد محترمی برای اوست و آوازه محمد نیز همه جا را پر کرده است.»

چون ابوطالب، سخنش را تمام کرد، ورقة بن نوفل بپا خاست و به او چنین پاسخ گفت:

«حمد خدایی را سزد که ما را بد انسان که یاد نمودی، گرداند و فضائلی که بر شمردی، به ما عطا کرد ... ما سروران و پیشگامان عرب هستیم و شما نیز شانی دارید. قبیله من فضائل شما را انکار نمی نماید و هیچ کس افتخار و شوکت شما را نادیده

نمی‌گیرد... ما خواستار آن بودیم که با محبت و جلال شما، پیوند برقرار کنیم. پس ای گروه قریش، گواه باشید که ما خدیجه را به عقد محمد در آوردیم...»

بدین گونه پیوند میان محمد صلی الله علیه و آله و سلم - انسانی که کسی به او نمی‌مانست - و خدیجه، - که شرافتی عظیم داشت - تحقق پذیرفت. این واقعه برای مردم عرب و بزرگان مکه، به سادگی فرجام نگرفت، آنها به خواستگاری به در خانه خدیجه شتافته و او آنها را رانده، به دارایی، ریاست و مقامشان اندک توجهی نکرده بود... او که مالی هنگفت دارد،...

عمرو بن هشام بلزید، ابوسفیان را غبار اندوه در میان گرفت و عقبه بن معیط دلتنگ شد و بسیاری چون اینان را، حیرتی عظیم سراپا بگرفت... یکی از آنها، در حالی که حسد، چشم و دل و وجودشان را به تباهی می‌برد، گفت:

که این سحری بیش نیست... بیچاره خدیجه، که محمد یتیم او را به جادوی خود اسیر ساخت و او را دل‌باخته خود کرد!

شیخ ابومعاذ، چندی سکوت می‌گزیند، چشمانش را به زمین می‌دوزد و آنگاه رو به یارانش می‌کند و ادامه می‌دهد:

اینهایی که به شوق ازدواج خدیجه می‌آمدند، اکنون حسرتی بر مال او می‌خوردند، که بر محبتش نمی‌خوردند.

و چون او با چنین تمایل پر شور با محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصلت نمود و به همگان اعلام کرد که تمامی مال و غلامان و دیگر دارایی‌های خویش را به پاس بزرگداشت و احترام محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به او واگذار ساخته است، کینه و حسد از اعماق وجودشان زبانه بر کشید و آنها را به بی‌تابی و افسردگی در افکند.

آنها حاضر بودند که هر چه خدیجه می‌خواهد، برایش فراهم آرند، اما محمد صلی الله علیه و آله و سلم به چنین مال و منالی دست نیابد...
...

قریشیان با پیامبر امین صلی الله علیه و آله و سلم، تا بدین پایه دشمنی می‌ورزیدند و سخت از او بیزار بودند و آسایش او بر آنها تلخ می‌نمود.

سالها از پی هم می‌آمد و بانوی پاکدامن در خانه رسالت، والاتر از یک همسر بود.

او زندگی مرفه و پر شکوه خویش را به فراموشی سپرد، همان دورانی که کنیزان در خدمتش، بر یکدیگر پیشی می‌جستند و غلامان بر در خانه اش، پاس می‌دادند. اکنون، همه چیز دگرگون شده است.

او آنها را به کلی رها ساخته و خانه نشین شده است.

تنها

محمّد صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به خانه اش مي آيد و او اکنون سراپا نعمت و رفاه را وداع گفته است ... اما با وجود اين، در زندگي نوين خود، نيکبخت است ... هرگز زندگاني پيشين او، شادمانه تر از حيات تازه اش نبود.

حياتي که در سايه پيامبر بزرگ، همراه با زهد و پارسايي مي گذشت.

بناگاه، «دعوت آغاز گرفت» ...

وحي، بر رسول خدا صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرود آمد، «أَنْذِرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (پيام و دعوت را به خويشان نزديكت برسان) و سيماي خديجه از سرور و ايمان، درخشيدن گرفت. که رسول صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، همسر راستگوي امينش، او را به نيکي و سربلندي فرا مي خواند. دستش را پيش آورد، تا با پيامبر صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بيعت کند و به آيين او بگردد و به اين گفته، اخلاص و وفا نشان دهد، که «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و در آن هنگام، کسي جز علي بن ابيطالب عَلَيْهِ السَّلَام، در اسلام بر او پيشي نجسته بود.

سر انجام، در يك روز که مردم دسته دسته گرد خانه خدا حلقه زده بودند و آفتاب سر بر کشيده بود، مردی به کعبه نزديک شد.

سر به آسمان گرفت، نگاهی کرد و آنگاه رو به قبله آورد. نوجواني به او نزديک شد و سمت راست او ايستاد. لحظه اي نگذشت که زني آمد و پشت سر آن دو قرار گرفت.

مرد به رکوع رفت، آن دو نیز رکوع نمودند، سر برداشت، آن دو نیز اينچنين کردند و آنگاه به سجده در افتادند. شخصي از عباس بن عبدالمطلب، در مورد آنان پرسيد:

«ابا عبدالله، چيز عجيبي مي بينيم.»

عباس پاسخ داد:

سوگند به خدای کعبه که اين امري بزرگ است تو مي داني که اين جوان کيست؟

- نمي دانم.

- او محمّد بن عبدالله، پسر برادرم است.

اين نوجوان، علي بن ابيطالب نیز پسر برادرم مي باشد.

اما اين زن، خديجه، همسر محمّد صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ است و اين پسر برادرم، محمّد را که مي بيني، بما مي گويد که پروردگارش، پروردگار آسمان ها و زمين است و او را به آييني که بدان پاييند است، فرمان داده است ...

سوگند به خدا که جز اين سه تن، کسي را نمي شناسم که بدین آيين گرویده

باشد خدیجه، چون به ایمان فرا خوانده شد، اجابت نمود. نزول وحی، تنها يك روز، پیامبر صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را به بهت و ابهام گرفت. در دومین روز دعوت خویش را آشکار ساخت و روز سوم بود که خدیجه ایمان آورد.

کدامین ایمان، یارای آن دارد که خدیجه را، این چنین وادار به ترك زندگیش گرداند، تا خود را در راه این دعوت آسمانی - که به وسیله همسر امینش، شگفت آسا، بر سراسر دنیا سایه افکنده است - فنا نماید.

هر گاه، روزگار بنای ناسازگاری با این دعوت نوحاسته می گذارد، آن بانوی پارسا، دل بستگی بیشتری بدان یافته، فداکارتر می گشت و ایمان و اعتقاد بیشتری به همسرش می یافت. بدین گونه است که زندگی با مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، عبادت، نیکی و سعادت است.

این همه شور و حرارت خدیجه، برای تحکیم پایه های عقیدتی، نه به خاطر محبت شوهرش بود و نه پاسخی به دعوت او، نه، هرگز چنین نبود ...

خدیجه، خود توانسته بود مفاهیم گسترده دعوت و حقیقت آن را از زبان همسرش دریابد. آن گاه، او بهترین یار پیامبر صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، در راه پرورش نهال دعوت بود.

آری، او بهترین یاور بود و آنگاه، فاجعه «شعب» در رسید ...

قریش، از دعوت مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به تنگ آمدند. هیچ حيله ای نتوانست مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را از دعوتش روگردان کند.

سر انجام، پس از آنکه قریش به ابوطالب اصرار نمودند، که با پسر برادرش سخن گوید و او را از دشنام خدایانشان باز دارد، مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ چنین فرمود:

«به خدا سوگند، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارند، تا از این دعوت دست بردارم، نخواهم کرد.»

قریش، از ابوطالب نومید شدند، هیچ راهی برای تسلیم پسر برادرش، در او مؤثر نیفتاد.

آنگاه رؤسای قریش، در «دارالتدوه» گرد آمدند و تصویب نمودند که پیوندهای خود را با بنی هاشم قطع کنند.

بدین سبب، سندی تنظیم کردند و آن را به دیوار کعبه آویختند.

بنی هاشم و پیروان مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ناگزیر شدند از جامعه مکه - که بر مُحَمَّد صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و دعوتش شوریده بودند - کناره گیری کنند و در درّه ای از کوه های خارج مکه، سکنی

گزينند. اقامت آنان، سه سال متوالي به طول انجاميد، كه در سرتاسر آن، با رنج و گرسنگي، دست به گريبان بودند.

وليد بن مغيره، هر روز در بازارهاي مکه مي گردد و فرياد مي زند:

«هر گاه، مردی از ياران محمد و خاندانش را يافتيد، كه براي تهيه غذا آمده بود، قيمت ها را بيفزائيد، با او داد و ستد مكنيد و هر كه به آنها ياري نمايد، خونس مباح است.»

ابوجهل، نزديك شعب مي ايستد و راه را مي پاي، تا كسي توشه و آذوقه اي براي آنها نبرد، كه از گرسنگي جان سپارند.

ابوسفیان (صخر بن حرب) آن كينه ورز انتقام كش، كعبه را پايدگهي براي طرح برنامه نابودي گروه مؤمنان قرار مي دهد. او وليد را نيز بدین كار مي خواند و عمرو بن هشام را با بي رحمي بر آنها مي شوراند... كينه است و خشم و به راستي كه كينه آنها از هر كينه اي تيزتر است، چه كه از ديرياز، ريشه دوانيده است.

ابوسفیان، گاه مي گوید:

«چه مناسبتی میان ما و بني هاشم، كه ما از يك سلاله ايم، اما آنها برتر از ما هستند.»

اگر با آنها به مقابله برخيزيم، بر ما پيشي مي گيرند و ما باز مي مانيم. راهي جز اين نيست كه اين خاندان را نابود كنيم، تا آتش خشممان فرو نشيند»

خديجه، در اين محاصره، مسؤوليتي عظيم داشت. او همه دارايي خود را به شعب نشينان بخشيد و اين چنين بود كه «حكيم بن حزام بن خويلد» به اسم عمه خود، براي آنها گندم مي برد.

مسلمانان، سه سال زندگي وحشتبار را در اين حصار، پشت سر نهادند و اگر ثروت خديجه نمي بود، آنها از گرسنگي جان مي دادند. او از روي صفا و سخاوت، تمامي دارايي خود را نثار دعوت پيامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گرداند، تا اينكه خداوند گشايشي در كار آنها پيش آورد.

به سبب همين جانفشاني، او در دل پيامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تأثيري عظيم به جاي نهاد و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پس از وفات او، هر گاه مناسبتي مي يافت، از نيكوئي هاي او سخن مي راند. روزي عايشه دختر ابوبكر بر آشفته و گفت:

«مگر نه اينست كه او پيرزني از پيرزنان بني اسد بود و خدا برتر از او را به تو

ارزاني داشته است ...»

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را خشم فرا گرفت، به گونه اي که از فرط غضب، موهاي جلوي پيشانيش نيز بلرزید، آنگاه فرمود:
«نه! به خدا سوگند که نيکوتر از او را به من نبخشيده است.

هنگامي که مردم کفر مي ورزیدند، او به من ايمان آورد و زماني که مردم گفتارم را دروغ مي پنداشتند، او مرا راستگو خواند و چون مردم مرا به تنگ آوردند، با اموال به ياري من برخاست و فرزندي به دنيا آورد، زماني که شما نازا بوديد.»
عائشه مي گوید:

«آنگاه من همواره با ياد او نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عزيز مي شدم.»

خديجه ياور راستين پيامبر در راه اسلام محسوب مي گردد و اسلام بر دو پايه استوار بود:

دارايي خديجه و شمشير علي ...

و بدین گونه، او در تاريخ حيات رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، زني عادي نبود، به سبب فداکاري شگفت انگيز اين بانوي پارسا، پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را بسيار بزرگ مي داشت او بسي فراتر از اينها بود، پيامبرديدگانش را در زير بال و پر مهر و عطوفت مي يافت و بر لبهايش نشانه هاي چنان تصديق و اعتمادی نسبت به خود مي دید که بر دلگرمي و ايمان آن بزرگوار به خویش رونقي مي بخشید.

سه سال پيش از هجرت، در تلاطم وقايع و تند باد مصائبی که از سوي قریش و سايرين بر پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد مي شد، شعله اي فروزان رنگ باخته، به خاموشي مي گرايد. همو که در سير دعوت، چون ياري وفادار، تا سر حد توان، مي کوشيد.

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به سادگي نمي توانست اين خبر دلخراش را بپذيرد. او بدین ترتيب، انساني را از کف مي نهاد، که عاليترين نمونه وفا و فداکاري و جامع ترين بيانگر راستي بود ...

آخرين سخن خديجه، به هنگامي که بر بستر مرگ خفته بود، از درد و رنج هايي که در راه اسلام پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دیده بود، کم ارج تر نبود.

لحظه اي که شَبَح مرگ، بر چهره او سايه افکنده بود، به پيامبر چنين مي گوید:

«اي رسول خدا ... من در حق تو کوتاهي کردم و آنچه شايسته تو بود، انجام ندادم. از من در گذر و اگر اکنون، دل در طلب چيزي داشته باشم، خشنودي تست.

کلمات، بر لبان پاکش می لغزد و آخرین نفسهایش را با خشوع و ایمان بر می آورد... خدا، خدیجه را رحمت کند.

آن نمونه بارز زن مسلمان که برای عقیده و... رسالتش، پیکار کرد.

مقاله هشتم

اشاره

اثر گرنامه‌ای از نویسنده محقق و نامدار عرب، علی محمد دخیل درباره‌ی زندگی و فضائل حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام منتشر گردیده، که به وسیله آقای دکتر فیروز حریرچی، ترجمه شده است.

فصل آخر این کتاب، به سخنان بزرگان و دانشمندان درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اختصاص داده شده، که به محضر علاقه مندان به آن حضرت، تقدیم می‌نماییم.

سخنان بزرگان و دانشمندان درباره‌ی خدیجه

در صدد این نیستیم که با این سخنان، منزلت ام المؤمنین عَلَیْهَا السَّلَام را بالا ببریم، زیرا برای علو درجه و رفعت مقام این بانو، کفایت آن احادیثی که از رسول گرامی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در فضیلت و بیان مقام والای او روایت گردیده است.

غرض از این سخنان آن است که، خواننده گرامی لمس کند که دانشمندان و نویسندگان و مورخان، با گذشت ادوار و اختلاف مذاهب و فرقه‌ها، در ستایش و مقدس شمردن این بانو اتفاق نظر دارند. همه آنها خدیجه را با کمال نیکی یاد کرده اند، برای آنکه در وجود او عقیده صادق و ایمان استوار و فداکاری و از خودگذشتگی در راه مبدأ مشاهده نموده اند، در حالی که می‌بینیم در ارزشیابی زنان دیگر پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ اختلاف دارند. این نویسندگان و مورخان، برخی از زنان پیغمبر را با طعن و انتقاد یاد می‌کنند و در آنها به موقعیتها و موضع گیریهای اشاره می‌نمایند، که هیچ یک از آنها جای رشک و حسد نیست و این همان فرقه‌ها و امتیازاتیست که میان آنها و خدیجه وجود دارد.

اکنون سخن آنها را ذکر می‌نماییم:

1 - اُمّ سَلَمَه به پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ گفت:

تو از خدیجه امری را ذکر نمی‌کنی، مگر اینکه او آنچنان بود که می‌گویی. جز اینکه به سویی پروردگارش شتافت. پس خداوند این را

برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد (1).

2 - زُبَيْر بن بَكَّار گفته است:

خدیجه در جاهلیت طاهره خوانده می شد (2).

3 - ابن اسحاق گفته است:

خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود (3).

4 - و ابن اسحاق گفته است:

خدیجه زنی دورانیش و شریف و خردمند بود، با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود (4).

5 - هشام بن محمد گفته است:

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خدیجه را دوست داشت و به او احترام می گذاشت و در همه کارها با او مشورت می کرد. او وزیر صدق و راستی بود و او نخستین کسیست که به پیغمبر ایمان آورد و پیغمبر تا زمانی که خدیجه حیات داشت، هرگز همسر دیگری برنگزید. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (5).

6 - ابن اثیر گفته است:

خدیجه زنی دورانیش و خردمند و شریف بود، با آن همه بزرگواری و کرامتی که پروردگار برای او اراده کرده بود.

پس خدیجه به نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کس فرستاد و ازدواج خود را بر او پیشنهاد نمود. او شریف ترین زنان قریش از لحاظ نسبت بود و از همه آنها ثروتمندتر و شریفتر بود.

همه قوم او بر ازدواج با او حریص بودند، اگر بدین امر قدرت داشتند (6).

7 - محمد ابن احمد ذَهَبِي گفته است:

او اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ و سرور زنان جهانیان زمان خویش است و او اُمُّ الْقَاسِمِ، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعُزَّي بن قُصَي بن کلاب قُرَشِي اسدي و مادر فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.

وی نخستین بانویست که اسلام آورد و پیش از هر کس پیغمبر را تصدیق نمود و به او پر دلی و شجاعت داد و او را به نزد پسر عموی خویش ورقه برد.

مناقب خدیجه فراوان است و او از میان زنان کسیست که به مرحله کمال رسیده است.

او خردمند و با جلال و متدین و پاکدامن و بزرگوار و از اهل بهشت بود.

-
- 1-138. اعيان الشيعة - 15 - ص 79.
 - 2-139. سير اعلام النبلاء - 2 - 82 - اسد الغابة - 5 - ص 435 - الاصابة - 4 - ص 273 - السمط الثمين.
 - 3-140. اسد الغابة - 5 - ص 439.
 - 4-141. سيره ابن هشام - 1 - ص 200.
 - 5-142. تذكره ي الخواص - ص 312.
 - 6-143. الكامل في التاريخ - 2 - ص 14.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را ستایش می کرد و بر دیگر زنان مؤمنان برتری می داد و او را بسیار بزرگ می داشت، تا جایی که عایشه می گفت:

به زنی رشک نبردم آنچنان که به خدیجه حسد ورزیدم، زیرا که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را بسیار یاد می کرد.

دلیل بر گرامی بودن خدیجه نزد پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن است که آن حضرت پیش از او با زنی ازدواج نمود. پیغمبر از او دارای فرزندان شد و با وجود او همسر دیگری انتخاب نکرد و کنیزی نگرفت، تا اینکه او دعوت حق را لبیک گفت. پس پیامبر از فقدان او غمگین گشت، زیرا او بهترین خویشاوند بود.

از مال خویش به پیغمبر انفاق می کرد و پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای او تجارت می نمود و خداوند به او فرمان داد که خدیجه را به خانه ای زبرجدین در بهشت، که در آن سر و صدایی و رنج و اندوهی نباشد بشارت دهد (1).

8 - جمال الدین ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی گفته است:

چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه به اسلام گروید. او نخستین بانویست که به او ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج نمود، تا اینکه او از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (2).

9 - عبدالملک بن هشام گفته است:

خدیجه دختر خُوَیَلِد به او ایمان آورد و آن چه را که از خداوند به پیغمبر آمده بود تصدیق کرد. پس پروردگار بدین امر بار اندوه را از پیغمبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سبک کرد و پیغمبر جوابی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش که او را غمگین کند نشنید، مگر اینکه خداوند آن را به وجود خدیجه برطرف ساخت، هنگامی که پیامبر به نزد او برگشت (3).

10 - حافظ عبدالعزیز جَنَابِذِي حنبلی در کتاب خود به نام (مَعَالِمُ الْعَتْرَةِ النَّبَوِيَّةِ) گفته است:

خدیجه عَلِيهَا السَّلَام زنی دورانیش و خردمند و شریف بود.

او در آن روز از لحاظ نسب پاکترین قریش و شریفترین و ثروتمندترین آنها بود.

همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند، ولی او خود داری ورزید و ازدواج خود را بر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیشنهاد کرد و گفت:

ای پسر عمویم من به تو میل و رغبت دارم، به خاطر

ص: 175

1-144. سیر اعلام النبلاء - 2 - ص 81.

2-145. صفوة الصفوة - 2 - ص 2.

خویشاوندی تو از من و شرف تو در قومت و امانتت نزد آنها و خوش اخلاقت و راستی گفتارت (1).

11 - اشرف علی هندی گفته است:

خدیجه از بهترین زنان پیغمبر و محبوبترین آنها بدو بود.

او در انتظار نبوت پیغمبر بود و این امر را از پسر عمویش می پرسید و از دلایلی که آنها را می شناخت سؤال می کرد و این را به او خبر می داد و می گفت:

سوگند به پروردگار، او نبی منتظر است.

12 - سید عبدالحسین شرف الدین گفته است:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به پروردگار و تصدیق کتاب او و یاری رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نخستین کس است. او مدت بیست و پنج سال با پیغمبر بی آنکه زنی دیگر در زندگی او شریک باشد زندگی کرد و اگر در حیات باقی می ماند، پیغمبر باز هم شریک دیگری برای او انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگانی زناشویی شریک درد و رنج پیغمبر بود.

زیرا که با مال خود به او نیرو می بخشید و با تمام گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او آنچه را که از عذاب و درد کافران در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند تسلی می داد. او با علی عَلَیْهِ السَّلَام در غار حراء بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد (2).

13 - عبدالله علایلی گفته است:

خدیجه از در دهایی مبارزه ای که همنشین پیغمبر در آن وارد می شد استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوته ور می گشت، بی آنکه سست شود یا هراسی بدل راه دهد؛ بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد، آنچنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است.

او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان، خود از طوفان حوادث استقبال می کرد، بی آنکه احساسی از بازتابی ویرانگر و یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد (3).

14 - عمر ابونصر گفته است:

به خدیجه، دختر خویلد، بانوی جلیل القدر عرب شرف نسب و کرامت گوهر و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال ختم شده است.

ص: 176

1- 147. الفصول المهمه - ص 133.

2- 148. عقيلة الوحي - ص 20.

3- 149. مثلهن الاعلی - خدیجه بنت خویلد - ص 98.

به همین علت نیاز تهیدست را برآورده می کرد و گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید. پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروتش میان قوم خود و همگانش یگانه و منحصر بود (1).

15 - دکتر علی ابراهیم حسن گفته است:

هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاکدامن و زنی با وقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ (مادر مؤمنان) نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت، تا جایی که طاهره نامیده می شد.

پس او میان مال و جمال و کمال را در یک جا جمع کرد و این صفات سه گانه هر گاه در یکجا جمع شوند، که معمولاً کم اجتماع می کنند، به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حال خدیجه این چنین بود و او گفته است:

همچنین خدیجه عَلِيهَا السَّلَام نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان با همسرش نماز می گزارد و با تشویق و شجاعت دادن او را یاری می نمود و از روح خود در وجود او استواری و نیرو می بخشید.

پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بیرون می رفت، تا اسلام را به قوم بشارت دهد، ولی از آنها جز تکذیب و اهانت به دست نمی آورد. پس غمگین و نا امید به خانه بر می گشت و این خدیجه بود که غم را از چهره او می زدود و نا امیدیش را به امید مبدل می ساخت و کار را بر او آسان می کرد (2).

16 - عمر رضا کحّاله گفته است:

خدیجه به سال 68 هجری از خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دور اندیشی و خرد و پاکدامنی متصف گردید، تا اینکه قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند (3).

17 - بودلی، در کتاب خود به نام (رسول) گفته است:

اطمینان خدیجه به مردی که او را دوست می داشت و تصدیق او و ایمان به او، تا واپسین دم، افزاینده جو اعتمادیست که در نخستین مراحل عقیده وجود داشت، آن مراحلی که امروز هر یک نفر از شش نفر ساکنان عالم مدیون آن است (4).

ص: 177

1- 150. فاطمه بنت محمد - ص 6.

2- 151. نساء لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب - ص 21 - 23.

3- 152. اعلام النساء - 1 - ص 326.

4- 153. بطله کربلاء - 14.

خدیجه دوستی خود را به همسرش بخشید و حال آنکه احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت و دوستی از او می گیرد و همه سعادت را از او کسب می کند.

ثروتش را به او بخشید و حال آنکه احساس نداشت که می بخشد، بلکه این احساس داشت، که از او هدایت را که بر همه گنجهای روی زمین برتری دارد کسب می نماید. پیغمبر به نوبه خود به او دوستی و قدرشناسی داد، که همین امر او را به عالیترین درجه رسانید و او هم احساس نمی کرد که آن را به خدیجه داده است، بلکه می گفت:

«ما قام الاسلام الا بسيفِ عليٍّ و ثروة خديجة»؛ (اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه بر پا نشد). پیغمبر عمر و بهترین دوره جوانی خود را به او بخشید و به جای او همسر دیگری هم انتخاب نکرد، تا اینکه او روی در نقاب خاک کشید و پیغمبر باز هم این احساس را نداشت، که آن را به او بخشیده است، بلکه می گفت:

نه، سوگند، پروردگار مرا بهتر از او عوض نداده است.

او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری نمود، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند (1).

خدیجه دختر خویلد، نخستین مادر برای مؤمنین و نزدیکترین زنان پیغمبر از لحاظ خویشاوندی و گرامی ترین آنها بر او در حیات و ممات است.

او به محبت و گرامی داشت پیغمبر مدت بیست و پنج سال منحصر و یگانه بود و در آن مدت زن دیگری با او شریک نمی بود.

خدیجه در کنار پیغمبر در سالهای نخستین مظلومیت او، مانند یاری غمخوار و مبارز قرار گرفت و مقاومت کرد و رنج و عذابی را که پیغمبر در راه رسالتش از قریش نصیبش شد بر او آسان نمود (2).

و همین بانو گفته است:

به زودی، پس از خدیجه، میلیونها زن در اسلام وارد خواهند شد، ولی فقط او به عنوان نخستین زن مسلمانی که پروردگار او را برگزید، تا نقش عظیم خود را در زندگانی رسول قهرمان ایفا کند، باقی خواهد ماند و در آینده تمام مورخان مسلمان و غیر مسلمان این نقش را در تاریخ ثبت خواهند کرد (3).

خدیجه، خردمند و دوراندیش و

1-154. فاطمة الزهراء و ترفي غمد - ص 112.

2-155. بطله كربلاء - 13.

3-156. موسوعة آل النبي - 230.

شریف و از لحاظ نسب شریفترین قریش و ثروتمندترین آنها بود.

همه قوم او آرزوی ازدواج با او را داشتند، ولی نتوانستند (1).

21 - سنّیه قَرّاعه گفته است:

خدیده سرور قریش و ثروتمند چشمگیر آنها بود و منزلتی والا و نسبی عالی داشت و او گفته است:

خدیده آن زنی نبود که این آرزوی محمد امین صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاَسْلَمَ را به زودی برآورده کند.

زیرا خداوند متعال او را خواسته بود و مقدر کرده بود و خدیده از مدتها پیش در علم او بوده است و گفته است:

تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیده، سرفرود می آورد و در برابرش متواضعانه و دست بسته می ایستد. نمی داند این بانورا در کدام شناسنامه بزرگان ثبت نماید (2).

22 - قدریه حسین گفته است:

سرور زنان، خدیده کبری نمونه ای از پاکترین و باشکوهترین و والامقام ترین نمونه های زنان اسلام است (3).

ص: 179

1- 157. الدر المنثور، فی طبقات ربّات الخدور - ص 180.

2- 158. نساء محمد - 16 - و ص 20 و ص 37.

3- 159. شهیرات النساء، فی العالم الاسلامی - ص 2 - 5.

از دیر زمان، شعراء عالیقدر، درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام سروده هایی را به محضر آن حضرت تقدیم داشته اند، ولی شمار آنها بسیار محدود می باشد و بعضاً در اختیار عموم قرار نگرفته است، ولی در دو سال گذشته، در اثر تلاش های انجام شده، برای بزرگداشت آن بانوی بزرگ، سرودن شعر درباره ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بسیار گسترده شده است.

در سال 1426 مجموعه ای از سروده ها، بنام «غروب ماه حجاز» و در سال 1427 مجموعه ای گسترده تر بنام «شمع محفل طه» به وسیله مدّاح اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور دام عَزّه، تهیه و منتشر گردید.

از سال گذشته تا کنون (1428 قمری) عده ای از شعراء خاندان رسالت و امامت، شعرهای تازه ای سرودند و شماری از آنها، شعرشان به دستمان رسید، که شایسته می دانیم، که در این یادواره، این دو بخش از سروده ها را که در دو مجموعه نامبرده، به چاپ نرسیده، در اختیار علاقه مندان قرار دهیم، که عرض ادبی به ساحت مقدس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و قدرشناسی از سراینندگان آنها باشد و اینک، اشعار یاد شده را، به ترتیب حروف تهجی عنوان تخلص آنها، تقدیم می نمایم.

مظهر آزادي و ايتار ... «آثم همداني»

اي مظهر آزادي و ايتار، خديجه
بر ختم رسل يار وفادار، خديجه
اي باعث آزادي و آزادگي زن
اي نام تو يادآور پايندگي زن
اي ياور و همسنگر پيغمبر اسلام
با ختم رسل ياور و همسنگر اسلام
محتاج سخاي تو، دو صد حاتم طائي
در پيش عطاي تو، سليمان به گدايي
هم اسوه شرم و شرف و پاكي و عفت
هم مادر زهرايي و هم مظهر عصمت
هم در دو جهان، جلوه تو، مظهر ايتار
هم بهر نبيّ مدني، يار وفادار
در برج مقام تو ملك راه ندارد
گردون به سخا، چون تو يكي ماه ندارد
ظاهر شده از دامن تو پرتو زهراء
پرورده دامن تو، انسِيّه حوراء
ز اسلام زماني كه بُند هيچ پيامي
معلوم بُند هيچ حلالِي و حرامِي
آثار حقيقت، ز كلام تو عيان بود
اسلام، درون دل پاك تو نهان بود

چون دید خداوند همه حسن صفات ت

تغییر بدادی به جهان، سیر حیات

در بین همه پادشهان حضرت سرمد

آورد تو را در کنف پاک محمد

ص: 181

حق عشق نبي را به دل پاك تو جا داد
با عشق نبي، بر دل و جان تو صفا داد
چون مهر نبي در دل پاك تو نهان گشت
قدر تو فزون تر ز همه كون و مكان گشت
در راه وصالش ز جهان دست كشيد
قبل از همه بر ختم رسولان گرويد
از عشق نبودي به دلت صبر و قراري
كردني به دو صد شوق، از او خواستگاري
چون ديد و پسنديد تو را، آن گل سرمد
گشتي به جهان، همسر محبوب محمد
ديدني به وجودش چو دو صد حجب و نجابت
دادي به رهش، هستي بي حد و حسابت
چون حق بنمودي به تو اين لطف و عنایت
كردني تو ز آيين خداوند حمايت
چون ذات احد، آن همه ايتار تو را ديد
ي كجا همه هستي خود را به تو بخشيد
مهر تو به جان و دل معبود چو جا كرد
از بين همه، فاطمه را بر تو عطا كرد
تو هستي خود را به خدا دادي و او هم
هستي خودش را به تو بخشيد، به يك دم
پس هستي تو، اي به نبي مونس و ياور

با هستي خلاق مبین گشت برابر
آري تویی آن شیر زن پاك، خدیجه
مهرورز تو خواجه لولاك، خدیجه
آن روز که دین را بُدی هیچ پناهی
شد ثروت تو، حافظ آیین الهی

ص: 182

اي گشته وجوت به جهان مظهر پاكي
جاي تو نبودي چو در اين عالم خاكي
حق برد از اين دار فنا، روح عزيزت
اي خلق جهان ريزه خورِ خوان كنيزت
بهتر كه از اين غمكده رفتي و نبودي
بيني به رخ دختر خود، رنگ كبودي
از داغ تو اي نخل اميدِ شه بطحا
جان و دل «آتم» شده زندانيِ غمها

سعي خديجه ميان بيت و حرا ... حامد اهور «أهور همداني»

حرا، دو چشم تو هر روز قامتش مي ديد
خراب و خسته اين راه هاي ناهموار
به دوش عاطفه اش سفره اي ز نان و رطب
ميان كام عطشناك او، سرود بهار
حرا، دو چشم تو هر روز مي پرستيدش
ميان آن همه احساس ناب يكرنگي
دمي كه آبله پا، بي قرار مي پوييد
هزار باره ره پر تلاطم سنگي
حرا، دو چشم تو اميدوار مي ديدش
كه باز قصد تماشاي آسمان دارد
نشد كه يك سحر از خستگيش، بي لبخند
قدم به خلوت ماه منير بگذارد

حرا، خوشا به سعادت تو را که هر شب و روز

تو میزبان چنین آسمان دلی بودی

ص: 183

چه رازها که به گوش تو خوانده هر وعده
چه رمزها که تو از حق به دوست بنمودی
سراسر از همه عالم به اعتبار، گلی
که در کویر، نگاه محمدش می کاشت
تمام دار و ندارش فقط محمد بود
رسول نیز به عالم، خدیجه را می داشت
کجاست حضرت حوا که تا وفا گیرد
ز دسته ای کریمانه اش به رسم وفا
کجاست هاجر سعی و صفا، که تا بیند
کمی ز سعی خدیجه، میان بیت و حرا
کجاست مریم عذرا، که تا قیام کند
به پیش پای قیامت پیاکننده او
کجاست فرصت یک امتحان که تا بلقیس
تمام ملک بریزد، به پای خنده او
نه اینکه جمله زنان، بلکه جمله مردان
سر نیاز به پای خدیجه می ساینند
مجال نیست، وگرنه فدای او گردند
قرار نیست وگرنه ذبیح آریند (1)
حریم حرمت ایشان، حریم توحید است
که عشق از دم ایشان، چراغ افروزد
سکوت می کنم از این مقال، می ترسم

که غیرتش پر جبریل شعر را سوزد عصمت داور، خدیجه

امیر ایزدی «ایزدی همدانی»

ص: 184

1-160. اشاره است به آراستن ذبیح و قربانی، برای بردن به قربانگاه.

الا اي عصمتِ داور، خديجه

به ختم الانبيا ياور، خديجه

تو پيش از آن كه او گردد پيمبر

نمودي بعثتس باور، خديجه

به قدر و كوثرِ مادر، ز رتبت

فروغ مشعل خاور، خديجه

تو اول بانوي اسلام هستي

نبي را يار، در ايام هستي

خديجه، معني ايتار و ايمان

تويي اول زني كاو شد مسلمان

كني تا ياري دين محمّد

به بستي با خدای خویش پيمان

تورا اين فخر بس، كز خيل زنها

تو زهرا پروراندي روي دامان

تو معيار سخا و بذل و جودي

تو هم، چون فاطمه مام و جودي

الا اي رشته عشقت مطوّل

يقين دارم كه در آن روز اول

شدي چون ميزبان ختم مرسل

در آن قصر مصفا و مجلل

نمودي از دل و جان بر پيمبر

کلید خانه دل را محوّل

نبی هم کاو لوای عشق افراشت

تورا از جان و از دل، دوست می داشت

الا ای مست صهبای السّتی

که دل از غیر پیغمبر گسستی

ص: 185

در آن تحریم سخت اقتصادی
ز جاه و ثروت خود دیده بستی
سپس با ثروت بی حد و حصرت
تو سد مشکلات دین شکستی
بسی سختی به راه دین کشیدی
غم و اندوه را بر جان خریدی
الا ای عصمت دادار هستی
که عهد یكدلی با یار بستی
چو شد تحریم اصحاب پیمبر
پی آن عهد کز اول بیستی
سه سال از جور کفار جفا جو
تو در شعب ابوطالب نشستی
نه تنها زر، ره دادار دادی
که جان را بر سر این کار دادی
تو ای بانوی والای قریشی
که هم پیمان مولای قریشی
نمی دانست کس آن روز، کز حق
دلیل فخر فردای قریشی
چو گشتی همسر آن پاک گوهر
بریدند از تو زندهای قریشی
دلت خون گشت، ای دلدار احمد

کسي يارت نشد، اي يار احمد

خديجه، دختر حوا و آدم

به وقت زادنِ مام دو عالم

نشد چون ياورت کس، زار و خسته

نهادي سر به روي زانوي غم

ص: 186

که از امر خدا، آندم رسیدند
پی خدمت برت، سارا و مریم
تورا، هم صحبت و غمخوار گشتند
پرستار تو، از دادار گشتند
زمان درد و هجرانت سر آمد
ز گنج غیب، بهرت گوهر آمد
خدایت دختری شایسته بخشید
که او بر خیل زنها سرور آمد
فروغ دیدگان بهر احمد
به رتبه در جلالت، مادر آمد
تلافی کرد، اینار تو خالق
شدی مادر تو بر مام خلاق
الا ای جود مسکین در بر تو
که می گردد کرم، بر محور تو
سلام خاص حق را بر تو، جبریل
رسانیده است بر پیغمبر تو
مشام مصطفی را عطر جنت
رسد از دختر نیک اختر تو
خدا را جلوه در آینه ات بود
سپهر برد باری، سینه ات بود
سلام ای محرم راز محمد

طرفدار سر افراز محمد

در آن روزي که پيغمبر شبان بود

خبر بودت ز اعجاز محمد

در آن دوران که در موج بلا بود

ز جان بودي تو دمساز محمد

ص: 187

نبي بعد از تو با داغ تو سر کرد

روان بر تربت اشك بصر کرد

چو شد از سیر این دنیای فانی

بهار زندگی تو خزانی

نبودت يك كفن حتّي مهیا

از آن ثروت که می بودت زمانی

همی می کرد بر احوال زهرا

سپهر دیده ات اختر فشانی

کفن شد پیش چشم دختر تو

لباس مصطفی بر پیکر تو

شنیدستم که در ساعات آخر

به اسما گفته ای، با دیده تر

تو می دانی که در شام زفافش

بود هر دختری محتاج مادر

بگیریم، چونکه هنگام عروسی

ندارد مادری زهرای اطهر

به اسما گفתי: ای بانوی مذهب

به زهرایم تو مادر باش آن شب

تو گفתי دختری یاور ندارد

شب وصلت، به بر مادر ندارد

بسی افغان نمودی زین غم او

تو گویی کاو غمی دیگر ندارد

سزابد گریه ات، از بهر این بود

که او یاور به پشت در ندارد

چو طفلش پشت در جان هدیه می کرد

به حالش میخ در، خون گریه می کرد

ص: 188

يکي زد آتشي بر درب خانه
که از آن شعله ها مي زد زبانه
يکي بشکست پهلویش ز کينه
يکي زد بر تن او تازیانه
غلاف تیغ آن دیگر به بازوش
بر چشم علي زد وحشیانه
عدو بر زخم هاي او نمک زد
فدک را برد و زهرا را کتک زد
خدیجه! دختری با آن کمالش
که مي باشد جلال الله، جلالش
نبودي بعد احمد، تا به بيني
نشان ضرب سيلی بر جمالش
نمي دانم چه شد کاندر جواني
کمان شد قامت طوبي مثالش
دعا هر وقت آن دلریش مي کرد
ز حق درخواست مرگ خویش مي کرد
نه تنها مقتل او پشت در شد
که زهرا پشت آن در بي پسر شد
نه تنها پهلو ي او شد شکسته
شکسته حرمت پیغامبر شد
بگو اي «ایزدی» با دیده ي تر

کزین غم چشم حیدر نیز تر شد

قلم مُسَمَّار و لوحش سینه گردید

رخ زهرا کبود از کینه گردید

همسر خیر الوری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... مصطفی بهرامی از شهر ری

ای همسر خیر الوری، خدیجه

ای مادر خیر النساء، خدیجه

ص: 189

هنگام کفر و شوربت پرستی

یار و معین مصطفی، خدیجه

در روزگار غربت رسالت

ای با رسالت آشنا، خدیجه

در راه دین خاتم النبیین

لطف تو شد بی منتها، خدیجه

کوکب برج شرف، خدیجه کبری ... «جان نثار»

کوکب برج شرف، بانوی نام آور، خدیجه

همسر خیرالوری، محبوبه داور، خدیجه

فخر نسوان، اسوه عفت، جلودار نجابت

آسمان فضل را تابان ترین اختر، خدیجه

زوج او معصوم و خود معصومه، نسلش پاک و معصوم

عصمت کبری حق را مظهر مظهر، خدیجه

پاک می بود از پلیدی ها عصر جاهلیت

جامه ایمان و تقوی داشتی در بر، خدیجه

بر کنار از کفر و شرک و ظلم و ران ظلال

بود بیزار از خصال قوم کین پرور، خدیجه

گشت در آن روزگار تیره از جهل و تباهی

یار و همدست رسول معدلت گستر، خدیجه

با وجود منع دشمنهای سرسخت و مخالف

گشت ختم انبیا را همدم و همسر، خدیجه

در زمان غربت اسلام و توحید و عدالت

مکتب اسلام را شد بهترین یاور، خدیجه

پیشگام جمله زنها در قبول دین حق بود

داشت چون اسلام را از ابتدا باور، خدیجه

ص: 190

ثروت انبوه خود را داد در دست پیمبر

هم گذشت از جان و هم از مال و سیم و زر، خدیجه

در طریق یاری احمد نمی دادی به خود راه

ترسی از طعن زنان مشرک و کافر، خدیجه

داعی حق را اجابت کرد و از روی بصیرت

دین حق را داد یاری تا دم آخر، خدیجه

تا نبرد مصطفی با کفر و باطل گشت آغاز

بود او را از وفا همراه و همسنگر، خدیجه

با چنین سعی بلیغ و همت والا و ایثار

باشد از اهل جهاد اصغر و اکبر، خدیجه

بود با رفتار و با گفتار آرامش قرینش

مایه امید و دلگرمی پیغمبر، خدیجه

در حمایت از نبی و نصرت دین الهی

اولین شخص است حیدر، تالی حیدر، خدیجه

زان همه خدمت که آن بانو به دین حق نموده

شد میان مسلمین بانوی نام آور، خدیجه

ای عجب، کاندرا زمین نشناخت کس او را کماهی

هست نزد قدسیان آسمان اشهر، خدیجه

با چنین جاه و جلال و منزلتهایی که دارد

در فضیلت برتر است از مریم و هاجر، خدیجه

هر چه در اوصاف او گویند تا صبح قیامت

باز هم در فضل دارد دفتری دیگر، خدیجه
من چه گویم در مدیح آن مهین بانوی عظمی
در ثنایش هر چه گویم، هست بالاتر، خدیجه
در مناقب گوی سبقت برده از زنهای عالم
چونکه باشد مادر صدیقه اطهر، خدیجه

ص: 191

افتخار او همین بس کز میان جمله زنها
اوصیای پاک احمد را بُود مادر، خدیجه
حق تعالی مصطفی را نعمت کوثر عطا کرد
حضرت زهراست کوثر، مادر کوثر، خدیجه
هر زنی شایسته دختری چنین والا گهر نیست
چونکه لایق بود، شد مادر بر این دختر، خدیجه
بر پیمبر گشت عام الحزن سال رحلت او
ز آنکه بودی حضرتش را بهترین یاور، خدیجه
من کجا و گفتن مدحش یکی از صد هزاران
چون بُود بر عالم هستی، سرو و سرور، خدیجه
خواستم تا بیشتر نامش بلند آوازه گردد
گرچه دارد خود مقام و رتبه برتر، خدیجه
مدتی در انتخاب وزن بودم در تفکر
تا که شد در عالم رؤیا هدایتگر، خدیجه
یک اشارت بود و چون بیدار گشتم
شد خروشان چشمه طبعم به مدح زوج پیغمبر، خدیجه
رحمت بی منتهای حق به روح پاک او باد
کز همه خیرات دارد بهره اکثر، خدیجه
در ثنایش چند بیتی «جان نثار» ناتوان گفت
ورنه دارد عز و شأن بی حد و بی مر، خدیجه

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مهین بانوی اسلام ... محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»

خديجه اي مهين بانوي اسلام

نظيرت را نديده چشم ايام

که باشد همسرت ختم رسولان

حبيب خالق مٲان سبحان

بي ترويج آيين محمد

بدادي ثروت بسيار و بي حد

ص: 192

که تا احیا کنی دین مبین را
فنا سازی رژیم ظلم و کین را
تو یاری بخش اسلام مبینی
به پیغمبر تو یار بی قریمی
ز تو اسلام و حق باقی بماند
ستمگر را به جای خود نشاند
بگو با مردم و خلق زمانه
خدیجه نام او شد جاودانه
«حیاتی» رد مطلع کن تو اعلام
خدیجه ای مهین بانوی اسلام

جهان بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... حسین زارعی «خائف»

خدیجه اولین بانوی عالم
که باشد بر همه نسوان مُقَدَّم
بهین محبوبه ی خلاق یکتا
به احمد همسر و همراز و همدم
به استقلال ایمان کرد کوشش
برای یاری دین شد مُصَمَّم
به زخم بینوایان و فقیران
نهاد از درهم و دینار، مَرهم
درخت دین شد از جود و سخایش
بلی، بی حد و مر، سرشار و خرّم

براي بيدلان و غم نصيبان

بساط شادمانی شد فراهم

نمی گویم بود بهتر ز حوا

بود بل بهتر از سارا و مریم

به پاس حرمت دین داد از کف

تمام هستی، آن بانوی عالم

ز نیروی کرامت، حضرت او

ستون دین حق را کرد محکم

نوا بخشید بر کل فقیران

ز دل ها کرد بیرون، غصه و غم

خداوندا به حق ذات احمد

به تقوای رسول الله اعظم

به عقبی ساز «خائف» را تو محشور

به آل مرتضی شاه دو عالم

الگوی زنه‌ای عالم ... شیخ علی اکبر وزنه «دزه»

خدیجه بانوی اسلام، جان جانان است

خدیجه همسر احمد، عزیز یزدان است

تمام ثروت خود را به پای احمد ریخت

و این نهایت احسان و حد امکان است

خدیجه هستی خود را فدای احمد کرد

عوض ز حق به خدیجه، چه کوثر احسان است

خدیجه الگویی زنهای عالم امکان

خدیجه اسوه ایثار، همچو مردان است

خدیجه مادر زهرا، حبیبه داور

خدیجه مادر ائمت، به حکم ایمان است

خدیجه جدّه زینب، که زین اب باشد

خدیجه جدّه آن سید شهیدان است

خدیجه جدّه سبط نبی، حسن باشد

چه جدّه ای که به ارض و سما فروزان است

خدیجه شاعره دهر، در زمان رسول

یگانه مادح احمد، بسان حسّان است

خدیجه مظهر علم و تدبّر و ادراک

خدیجه صاحب عقل و دلیل و برهان است

خدیجه آنکه در انجیل نام او باشد

کنار مریم و عذرا، به باغ رضوان است

خدیجه آن زن یکتا که حضرت سبحان

ستوده نزد ملائڪ، كه خير نسوان است

خديجه در همه اوصاف بي نظير و بديل

ولي ز فرط حيا، در حجاب پنهان است

خديجه ز امر پيمبر، لقب به كبري يافت

خديجه سيده بانوان دوران است

ص: 194

خدیجه چون که ز دنیا روان به جنت شد

نبی ز داغ خدیجه، همیشه گریان است

خدیجه چون ز جهان رفت، حضرت زهرا

دلش ز رحلت مادر، همیشه سوزان است

شب زفاف عزیزش، خدیجه را به جنان

غم نبودن مادر، ز رخ نمایان است

سروده مدح خدیجه ز لطف حق «ذره»

به پاس اینکه خدیجه عزیز یزدان است

ام فاطمه ... مهدی روحی همدانی «روحی»

ای بانوی بزرگ حرم، ام فاطمه

ای سر دبیر دفتر غم، ام فاطمه

ای در کتاب شعر نبی بهترین غزل

ای مادر خدای دلم، ام فاطمه

نامت خدیجه، همسر محبوب مصطفی

کارت همیشه بذل و کرم، ام فاطمه

شمشیر مرتضی شد و دارایی شما

سرمایه نجات امم، ام فاطمه

مجموع عشقهای جهان مثل قطره ای

عشق تو بر رسول، @چریم، ام فاطمه

با خلعت بهشتی و با جامه نبی

بگذاشتی به عرش قدم، ام فاطمه

دارم امید آنکه شفاعت کنی مرا

ای سایه ات بروی سرم، ام فاطمه

روشنی بخش شب تار ... «ژولیده نیشابوری»

خدیجه بهر نسوان بهترین نام

خدیجه اولین بانوی اسلام

خدیجه ثروتش سرمایه دین

که ازو مکتب ما یافت آذین

خدیجه مظهر احسان و ایثار

خدیجه روشنی بخش شب تار

ص: 195

خديجه بين زنها شد سر آمد

از آن روزي كه شد كفو محمّد

خديجه مظهر پاكي و تقوا

خديجه از بديها هست منها

خديجه رونق بازار دين شد

کز او خشنود ختم المرسلين شد

خديجه هستي خود را فدا كرد

خدا را زين فداكاري رضا كرد

خديجه مصطفي را بود همدم

به نقد جان شريك شادي و غم

بود قدرش ز درك ما فراتر

كه بر پيغمبر ما هست همسر

خديجه دين خود بر دين ادا كرد

تمام هستي خود را فدا كرد

خدا او را يگانه محوري داد

چو زهراي مظهر دختري داد

چه دختر، باني هستي عالم

شكوه آفرينش را مجسم

چه دختر، عصمت كبراي داور

چه دختر، صاحب قدر و جلالت

چه دختر، زينت ملك ولايت

زنان را مشعل راه هدایت

پرتو جاوید ... فضل الله شیرانی «سخای اصفهانی»

آیت عز و وقار و مظهر تقوا

پرتو جاوید «شمع محفل طه»

مبدأ و سرچشمه زلال حقیقت

محرم اسرار حق، خدیجه ی کبری

همسر محبوب و با وفای پیمبر

جدّه سادات، اُمّ «ام اییها»

اوج شرف، آسمان پاکی و ایمان

مشرق نشو و نمای زهره زهرا

معنی ایثار و ترجمان سخاوت

منشأ فکر بلند و منطق گویا

ص: 196

در دلِ پر نورِ او صداقت خورشید

در سرِ پر شورِ او، کرامت دریا

پیش ز بعثت شناخت قدرِ محمّد

در اثر روح پاک و دیده بینا

بود علیرغم دشمنان بد آیین

در ره دین، راسخ و صبور و شکیبیا

چون به محمّد رسید و حیّ رسالت

از طرف کردگارِ قادر یکتا

گشت نخستین کسی که پیرو اسلام

بود همان حضرت خدیجه کبری

طبق روایات، زان وجود مقدس

فاطمه چون می گشود دیده به دنیا

از پی دیدارش آمدند ز جنت

آسیه، کلثوم، ساره، مریم عذرا

فاطمه چون زاده شد، ز عطر وجودش

گشت فضا سر به سر، بهشت مصفا

طبع «سَخا» طرح این چکامه چومی ریخت

خواست مدد از علی عالی اعلا

خدیجه در تاریخ اسلام ... صدیقه صابری «شها»

دویاره در دلم امروز شورشی بر پاست

که سالروز وفاتِ خدیجه کبراست

فضاي خاطر م آنگونه گشته حزن انگيز

كه جاي اشك اگر خون رود ز ديده رواست

ص: 197

صدیقه، طاهره، مرضیه، پاک بانویی
که از عفاف، نمودارِ عصمت و تقواست
بزرگ بانوی اسلام، کز سخاوت طبع
همیشه در دل تاریخ نام او برجاست
همان حمیده خصالی که همسرش «احمد»
همان صدف، که گرانمایه گوهرش «زهراست»
وجود فاضله و فیض بخش و با ایمان
که از وقار و شرف، همسر رسول خداست
هم آنکه پیش ز بعثت، ز چشم دل می دید
که نور و حی، ز سیمای مصطفی پیداست
به خلق و خوی «محمد» ز بس که عاشق بود
ز جان و دل، پی همراهِش بپا برخاست
عزیز داشت خدایش چنانکه در نسوان
ز قدر و عز و شرف، بی نظیر و بی همتاست
پی جلالتِ قدرش همین بس است که او
شفیعه همه ی مسلمین، به روز جزاست
نثار در ره دین کرد، هر چه از خود داشت
جهان معرفت و کوه بذل و بحر سخاست
به وصف جدّه سادات، گفته ی «شهلا»
به سان قطره باران و ساحت دریاست

رباعی درباره ی حضرت خدیجه ... علی شیرانی اصفهانی «صحت»

بود آینه در بزم سحر نوش چمن

گلبانگ زلال نور، در گوش چمن

می آمد و بود غرق شبنم، که بهار

انداخت قبای سبز، بر دوش چمن

ص: 198

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «شادروان طالع»

در روز دهم، گشت به ماه رمضان

سُگان سما زار و پریش و نالان

گردید بیا غلغله در کون و مکان

از داغ خدیجه شد محمّد گریان

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... عباس «عنقا تهرانی»

خدیجه همسر پیغمبر خداوند است

که بر وصال نبی، از دل آرزومند است

چنان به شوهر خود عرضه ی محبت کرد

که تا به روز جزاء، ناگسسته پیوند است

ندیده، دیده، زنی چون خدیجه، شوهر دوست

که مهر و عاطفه اش، بر زنان ما پند است

به راه دین خدا، داده ثروت خود را

از آن، به سنت احمد، زمانه پابند است

بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود

نهال دین حق، از همّتش برومند است

سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد

نگر مقام خدیجه، به پیش حق چند است

به دامش به جهان، پرورانده زهرا را

که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است

شرف ز احمد و زهرا و مرتضی دارد

که قدر و منزلت او، رهین فرزند است

ص: 199

اگر چه شعر و سخن در زمانه بسیار است

کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است

سلام آورده جبریلش ز سرمد ... علی اصغر فراهی «فاطر»

خدیجه همسر پاک پیمبر

فروزان ماه افلاک پیمبر

خدیجه آن که می باشد مؤید

سلام آورده جبریلش ز سرمد

خدیجه آنکه بهر نشر اسلام

بسی دیدست درد ورنج و آلام

خدیجه آنکه بهر یاری دین

گذشت از ثروتش در راه آیین

خدیجه مادر دخت پیمبر

که از او مفتخر باشد پیمبر

خدیجه مادری نیکو سرشت است

که مشتاق جمال او بهشت است

خدیجه آنکه زهرای مطهر

به خود می بالد از این گونه مادر

خدیجه آنکه غمخوار نبی بود

نکو مادر زنی، بهر وصی بود

خدیجه وقت زادن بُد مکدر

نبودی بهر او چون یار و یاور

خديجه ديد ناگه پنج بانو

نکوروي و نکو بوي و نکو خو

براي وضع حملش يار گشتند

برایش ياور و غمخوار گشتند

خدایا حق این بانوي عظما

تو «فاطر» را ببخش، اي حي يکتا

در وصف خديجه کبري عَلَيْهَا السَّلَام ... «مرحوم فراهي کاشاني»

هيچ تو داني که شاهبانوي اسلام

داشت بر مؤمنين، مقام مهين مام

آنکه ورا برگزيده ايزد علام

آنکه ز هستي گذشت در ره احکام

بانوي روز جزا خديجه کبراست

مادر والا مقام حضرت زهراست

ص: 200

همّت مردانه داشت، گرچه بُدی زن
در ره دین و رضای قادر ذوالمن
پای توکل به بحر معرفتش زن
دست توّسل، به ذیل مرحمش زن
کاو همه مشمول لطف خالق یکتاست
مادر والا مقام حضرت زهراست
همسر نیکو خصال ختم رسولان
پیرو حق گشته، پیش از همه نسوان
برده ره از صدق، بر حقیقت ایمان
شد دلش از نور کردگار فروزان
زین روش از هر مقام و مرتبه والا است
مادر والا مقام حضرت زهراست
مال و منالش، ز حد و حصر فزون بود
نقد زر و سیمش، از شماره برون بود
شرح دهم چون که او ب مرتبه چون بود
پیش جلالش هر آنکه بود زبون بود
فخر سزاوار از او به ساره و حواست
مادر والا مقام حضرت زهراست
خواست نبی را چو بانوی حرم آید
وز شرف و قدر و رتبه، محترم آید
در همه عالم نمونه کرم آید

خاك درش رشك روضه ارم آيد
مهرِ خود از مال خویش کرده مهیاست
مادر والا مقام حضرت زهراست
دین خدا را سه چیز کرده مقرر
زان سه، یکی خُلق نازنین پیمبر
و آن دگري تیغ و دست قدرت حیدر
سوّم آن، ثروت خدیجه اطهر
آنکه فضیلت در او به مریم عذراست
مادر والا مقام حضرت زهراست
از همه اموال خویش چشم بپوشید
در ره دین از صمیم قلب بکوشید
هر چه شماتت ز اهل کفر بنوشید
دیده ز شوی و خدای خویش نپوشید
اوست که اسلام از او مؤید و بر پاست
مادر والا مقام حضرت زهراست
حامله گردید چون به زهره زهرا
شد صدفِ آن ستوده گوهر یکتا
آنکه بُد او را هر آنچه خواست مهیّا
بود ز جور زمانه بیکس و تنها
لیک چه غم بهر او، که بانوی عظماست
مادر والا مقام حضرت زهراست

خواست در آندم که وضع حمل نماید

کس بُدش، تا که عقده ای بگشاید

بهر ملاقات او، ز مهر بیاید

وز دل تنگش، ملامتی بزداید

آنکه مباحات از او به جمله زنهاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

بود ز تنهایی آن زمانه مکدر

کس ز زَنانش نبود مونس و یاور

در برش آمد ز امر خالق اکبر

آسیه، حوّا، ساره، مریم و هاجر

خادمه او ز رتبه آمده لعیاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

آنکه به مُکنت، شهیر عصر و زمن بود

شُهره به شام و عراق و مصر و یمن بود

حامی دین خدا به سر و علن بود

برتن پاکش ردا، به جای کفن بود

قدر و مقام آنکه را فرود ز تن کاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

هست روا از مقام لا یتناهی

کامده او را عطا، ز فضل الهی

بر همه عالم بود، همیشه مُباهی

آري، تادين حق به جاست «فراهي»

زان زن آزاده اي که قدر هويدااست

مادر والا مقام حضرت زهراست

خديجه بنت خويلد عَلَيْهَا السَّلَام ... محمود شريفى كاشانى «كميل»

شعب ابي طالب چه سخت و جانگزا بود

زندان طاقت سوزِ مردانِ خدا بود

بيش از سه سال آنجا چه غربتها کشيدند

در راه دين بر خود موارتها خريدند

مرد وزن تازه مسلمان، در تب و تاب

در تنگناي قحطي نان، قحطي آب

ص: 202

دشمن که با این کار قصد سرکشی داشت

پیروزی خود را در اول سهل پنداشت

می خواست تا از دین نشان دیگر نماند

حتی اثر از نام پیغمبر نماند

او را نداد این کار شرم آور نتیجه

با این که شد بیمار و دل خسته خدیجه

هر روز حالش بدتر از روز دگر بود

زخم زبانها بر دل او بیشتر بود

تا عاقبت از این جهان بار سفر بست

از انزوای غربت دنیا نظر بست

آن زن که در اسلام شأنش هست والا

همپای زنهای بهشتی مثل حوا

آن زن که هست خویش را در پای دین داد

دارائش را در پی احیای دین داد

بنت خویند، افتخار دین توحید

جاوید شد از جود او آیین توحید

در روزهای آخر عمر از تب و درد

شمع وجودش آب می شد، گریه می کرد

بنت عمیس اسما، کنیز خانه اش بود

بر گرد شمع او، چنان پروانه اش بود

پرسید بی بی جان، چرا در التهایی

از مرگ مي ترسي و يا فکر حسابي؟

تو شوھري چون مصطفي داري خديجه

در پيشگاه حق، جزا داري خديجه

با اينكه مي داني به محشر ياورت كيست

بر گريه و اندوه تو، ديگر سبب چيست؟

ص: 203

فرمود با اسما خدیجه، غرق ناله
بی تاب زهرایم، که باشد چار ساله
آینه جان من است این روح پرور
سخت است بر آن چار ساله، داغِ مادر
اندوه من از بهر آن روح عفاف است
بی مادری، جان سوز در شام زفاف است
اسما، تو بر زهرایم آن شب مادری کن
آن شب به جای من، تو او را یآوری کن
شام زفافِ فاطمه، اسما وفا کرد
پیغمبر اکرم برای او دعا کرد
بگذشت چندین سال، تا یک شام دیگر
آن شام یلدای غم و اندوه حیدر
اشک غم از چشم شب و مهتاب می ریخت
اسما به روی جسم زهرا آب می ریخت

خدیجه، بانوی ایثار ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین
ای خدیجه بانوی ایثار و خاتون یقین
هم طراز هاجر و حوّا و مریم در مقام
خرمن فیض و کمالت را ملائک خوشه چین
در سخاوت گوی سبقت برده ای از آفتاب
در طواف تربتت خورشید می بوسد زمین

روز سختي ها شدي سنگ صبور مصطفي

خاتم پيغمبران را نام تو نقش نگين

ص: 204

سینه ات شد گوهر ناب ولایت را صدف

مادر ام ایبهایی و ام المؤمنین

ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش

چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین

شمع جانت آب شد در التهاب دردها

ساختی با غصه ها، تا سوختی در پای دین

پنجه شعب ابی طالب، گلویت را فشرده

پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین

غربت و بی مادری، بر دوش او آوار شد

فاطمه بعد از تو تنها ماند، با قلبی حزین

سال مرگت را رسول الله عام الحزن خواند

بس که سنگین بود داغت بر دل حبل المتین

سلام بر خدیجه ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»

همسر ختم رسولان بانوی با اقتدار

مادر زهرا خدیجه دین ستا و حق شعار

اختر تابنده ای از آسمان عاطفت

گوهر ارزنده ای از بحر عز و افتخار

نادی فطرت ندا دادش بر این عزم عظیم

تا نماید یاری پیغمبر والاتبار

پاک بانویی مجاهد، کز تلاش مستدام

بهر استعلای دین بنمود عزمی استوار

عصمت اللّٰهي كه از تقوي و آيين پروري

اهتمامش ساخت شرع احمدي را پايدار

همّت مردانه ي اين زن پي ترويج دين

برد الحق گوي سبقت از رجال نامدار

ص: 205

در طریق وحدت و یکتا پرستی بی‌امان
کرد همراه پیمبر هستی خود را نثار
گشت اقدام خدیجه در میان مسلمین
باعث تحکیم وحدت، موجب عز و وقار
کرد تا سر حد امکان، بهر نشر دین تلاش
با نثار ثروت خود، آن زن ایمان مدار
تا ابد بازار احکام خدا رونق گرفت
زان حمایتها که بنمود از حبیب کردگار
خاتم پیغمبران پیروز شد بر دشمنان
زان رشادتها که از او شد به عالم آشکار
مادری دیگر نزیاید، دختری چون فاطمه
تا زوالایی، شود خیر النساء روزگار
جای دارد نام والای خدیجه تا ابد
زیب تاریخ جهان گردد، به کلك زرنگار
مسألت دارد ز حق «ماهر» که باشد از وفا
در شمار خادمان حضرتش روز شمار

بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «علی غفر اللّٰهی «ماهر اصفهانی»

از لطف خدایی، ز سرا پرده ی اسرار
گردید عیان، شیر زنی راد و فداکار
پرورده ی مهد شرف و شوکت و اعزاز
گنجینه ی سرشار سخا، مظهر ایثار

آينه ي آيين گرانقدر عطوفت

سرچشمه ي جوشان وفا، نخبه ي اخيار

بانوي خردمند و وفا كيش، خديجه

کز اصل گهر بود به تمجيد سزاوار

ص: 206

در محضر سرخیل رسل، از ره ایمان
بنمود به یکتایی رب الفلق اقرار
بنمود قبول از دل و جان، دین نبی را
پیش از همه زنهایی عرب، با دل بیدار
از جانب خلاق جهان گشت شرف یاب
بر همسری ختم رسل، احمد مختار
از صلب نبی و ز صدف بطن خدیجه
گردید عیان فاطمه، آن گوهر شهوار
زها که نبی خواند و را ام ابیها
زها که بود خاک رهش سر مه ی دیدار
چون دید خدیجه، که محمد شده تنها
اورا نبود غیر خدا یار و مددکار
مردانه کمر بست ز جان، یاری اورا
با آنکه بسی دید ز هر طایفه آزار
همراه نبی یاری دین کرد ز ایمان
آن مظهر ایثار و کرم، زبده ابرار
در عهد سیاه ستم و کفر و قساوت
گردید خدیجه به نبی، یاور و غمخوار
بسیار جفا دید از اقوام مخالف
وز کینه ی اهل ستم و طعنه ی کفار
پیوسته ز جان کرد حمایت ز پیمبر

تا دین خدا شد به جهان، محکم و ستوار

دارائی خود را به ره دین خدا داد

در عهد فساد و ستم و فتنه ی اشرار

گردید علی رغم عدو، یار محمد

از راه گذشت و کرم و ثروت بسیار

ص: 207

«ماهر» به جهان نام گرانسنگ خدیجه

تا حشر بود ثبت، به تاریخ و به طومار

ام الائمّه ... شیخ علیرضا محمدی «مسافر»

ای خدیجه، آفرین بر همت والای تو

فخر باید کرد بر اندیشه زیبای تو

پایه اسلام از انفاق تو شد استوار

چون فدای دین و قرآن شد همه دنیای تو

در وقار و عفت و عصمت که بودی بی نظیر

شد زبانه زد در میان مردمان تقوای تو

فخر می کردی به عالم چون که از لطف خدا

بود در بیت محمد، منزل و مأوای تو

گر چه تنها گشتی و بودند یاران بی وفا

در کنارت بود لیکن، شوی بی همتای تو

سرزنشها می شدی از ازدواجت با نبی

لیک آمد فاطمه، شد بر طرف غمهای تو

ما بصیرت را در این عالم ز تو آموختیم

دیده بینا شد ز یمن دیده بینای تو

صبر کردی در میان آن همه رنج و ستم

صبر را آموخت از تو، زینب کبریای تو

ما تو را الگویی خود دانیم و از سوی دگر

سرور و تاج سرزنها بود زهرای تو

یازده ماه درخشان ز آسمان معرفت

گشت ظاهر از طلوع کوثر رخشای تو

ص: 208

من نمی دانم چها بگذشت بر ختم رُسل
در زمان رحلت و آن داغ جانفرساي تو
چشم امید «مسافر» در قیامت، مادرم
سوي خوانِ پر نعیمت باشد و اعطاي تو

مدح حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... سید رضا مؤید خراسانی «مؤید»

ترجیع بند - بند اول

ای رسول خدای را همدم
در حریم رسالتش محرم
اولین زن تویی که قامت بست
در نمازِ پیمبرِ خاتم
شوهرت کیست، بهتر از عیسی
دخترت کیست، برتر از مریم
دامنت جای زُهره الزُّهرا
که بود نور تیر اعظم
کهکشانت در رخت مشعل
آفتابست بر گُلت شبنم
مکه و صخره های سُتوارش
طائف و نخلهای سر در هم
عاشق بردباریت همه جا
شاهد جانفشانیت همه دم
بُد ز تیغ علی و ثروت تو

که شد این گونه کاخ دین محکم

یار احمد شدی که تا نشود

یکسر موی از سر او کم

زخم پاهای سنگ خورده او

یافت از دست لطف تو مرهم

سر بلند از شهادت تو صفا

اشک ریز از مصائب زمزم

به علی و محمد و زهرا

اشفعی یا خدیجة الكبرى

بند دوم

خیمه ی عشق را عمود تویی

صفت مهر را نمود، تویی

در کنار تمامی رحمت

مظهري بر تمام جود، تویی

فاطمه گوهر وجود بود

مخزن گوهر وجود، تویی

اولین زن که از زنان رسول
سخن وحی را شنود، تویی
با سلام پیمبری به رُخش
اولین کس که در گشود، تویی
آنکه با جبرئیل، در هر وحی
آمدش از خدا درود، تویی
مادری که چهار قابله اش
آمد از آسمان فرود، تویی
منعمی را که با تهیدستی
کردگارش بیازمود، تویی
آنکه در خانه بود و یکدم هم
غافل از رهبرش نبود، تویی
باغبانی که شد گل یاسش
بین دیوار و در کبود، تویی
به علی و محمد و زهرا
اشفعی یا خدیجة الکبری

بند سوم ... ای خریدار جان پیغمبر

همسر مهربان پیغمبر
احترامی نداشت چون تو کسی
در میان زنان پیغمبر
در حیات و ممات تو، نَفْتاد

نام تو از زبان پیغمبر
در شب ازدواج زهرایش
وان دل شادمان پیغمبر
آمد از یادِ جایِ خالیِ تو
اشک از دیدگان پیغمبر
ای چراغ همیشه تاریخ
در صف دودمان پیغمبر
به وجود تو افتخار کند
همه جا خاندان پیغمبر
هستی خویش را فدا کردی
در ره آرمان پیغمبر
سر زد از مشرق گریبانت
کوثر جاودان پیغمبر
روزگاری بود که دارم من
داغ دارالامان پیغمبر
تا نهم بار دیگر ای مادر
جبهه بر آستان پیغمبر
به علی و محمد و زهرا
اشفعی یا خدیجة الکبری

از همه شعراي عاليقدري که سروده هاي خودشان را در اختيار ما قرار دادند و همچنين از همکاري شاعر و مدّاح اهل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام آقاي امير ايزدي همداني و نيز مداح اهل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام آقاي حاج حسين باقري تهراني و همچنين مداح اهل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَام آقاي حاج محمد علي موبدي کاشاني «دام توفيقهم» که در تشويق شعراء شهرهايشان جهت سرودن شعر براي حضرت خديجه عَلَيْهَا السَّلَام تلاش نمودند و سروده هاي آنها را براي چاپ در يادواره بزرگداشت حضرت خديجه ارسال نمودند، کمال سپاسگزاري را داريم.

اميد است مورد لطف خاص الهي و عنايات گسترده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علي مرتضي عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه زهراء عَلَيْهَا السَّلَام قرار گيرند.

- عوامل مؤثر در بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 8
- نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 8
- نقش استادان . معلمان مسئولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه... 9
- وظیفه شناسی شعراً عالیقدر درباره ی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 9
- نقش مداحان اهل بیت (علیهما السلام) در بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 10
- نقش پرچم ها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 11
- جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 11
- افطاری دادن و انفاق به نام خدیجه کبری (سلام الله علیه)... 12
- حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه) از متن جامعه و اعتقادات دینی... 13
- بستر سازی برای تحقیق و تألیف درباره ی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 14
- موفقیت مراسم بزرگداشت... 14
- نامگذاری مراکز علمی، دینی، اجتماعی بنام حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 15
- نمونه هایی از شعارهای بزرگداشت خدیجه کبری (سلام الله علیه)... 17
- جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 18
- رسالت مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 19
- محتوای گزارشات شوق آفرین است... 20
- مراجع بزرگ تقلید و بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)... 25
- پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی... 26
- متن اطلاعیه ی مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق روحانی... 27

متن نامه ی مرجع عالیقدر ، حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق شیرازی...28

کنگره ی نکو داشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...30

ایجاد سامانه ی اینترنتی بنام حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...33

مراسم بزرگ نکو داشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در اصفهان...33

فهرست مطالب

آثار وبرکات کنگره ی نکو داشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...35

ص: 212

نامه های واصله از مدارس و مراکز آموزشی سراسر کشور...35

اظهار نظر و نتیجه گیری یکی از داوران کنگره...38

اظهار نظر یکی دیگر از داوران مسابقه ی فرهنگی هنری کنگره...39

داور آثار هنری رسیده به کنگره می نویسد...40

اظهار نظر یکی از مداحان نامدار...40

آثار فراخوان ادبی - هنری سرچشمه ی کوثر...42

مقاله های برجسته...43

همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در تهران...44

متن سخنرانی استاد معاونیان در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...45

بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در شهرستان کرج...55

برنامه ی بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه) در سایر شهرها...56

گزارشی و اشارتی و سفارشی (از استاد مهدی پور)...56

برکرانه ی سرچشمه ی کوثر...57

آثار و برکات بزرگداشت...58

آموزه های سرچشمه ی کوثر...59

اشاره ای به نکات برجسته ی زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...59

فضایل ویژه ی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...61

پیشنهاداتی به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...64

سرچشمه کوثر...65

عذر تقصیر...66

نگاهی نو به زندگی در خشان خدیجه (سلام الله علیه)...68

در رواق سخن...69

کتابنامه ی حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیه)...71

فهرست مطالب

مقاله هایی درباره ی حضرت خدیجه (سلام الله علیه)...102

مقاله ی اول :...102

خدیجه (سلام الله علیه) بانوی اسلام...104

ص: 213

- علل ظاهری و باطنی این ازدواج...106
- کیفیت خواستگاری خدیجه (سلام الله علیه)...108
- مقاله ی دوم :...110
- مام گرانمایه ی او...110
- نام بلند آوازه ی او ...112
- پیامبر و پیمان زندگی مشترک ...112
- خردمندترین بانوی عرب در آستانه ی نیک بختی ..115
- دوری از یار مهربان...117
- غذای بهشتی...118
- رحلت بزرگ بانوی جهان عرب...121
- ضربه ی هولناک مرگ خدیجه (سلام الله علیه)...122
- مقاله ی سوم :...124
- کرامت نفس...124
- همسران پیشین...125
- ازدواج با پیامبر ...125
- نخستین مسلمان...126
- پشتیبان مکتب ...128
- در چشم ودل محمد(صلی الله علیه وآله وسلم)...129
- مقام خدیجه (سلام الله علیه)...130
- جدایی ...131
- مقاله ی چهارم :...133

1- فضائل اخلاقی و علمی...133

2- پرورش فرزندان صالح...135

3- توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان...137

4- رعایت آیین شوهرداری...139

5- برترین معیارهای انتخاب همسر...142

ص: 214

مقاله ی پنجم: 144...

مقدمه 144...

فضایل خدیجه (سلام الله علیه) 15...

1- معرفت خدیجه (سلام الله علیه) نسبت به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) 145...

2- خدیجه (سلام الله علیه) اولین زن مسلمان 146...

3- خدیجه (سلام الله علیه) برترین بانوان اهل بهشت 146...

4- خدیجه (سلام الله علیه) برترین همسر پیامبر (صلی الله علیه وآله) 147...

5- خدیجه (سلام الله علیه) مادر فرزندان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) 147...

6- خدیجه (سلام الله علیه) وایمان او به علی ابن ابی طالب (علیه السلام) 149...

7- اتفاق خدیجه (سلام الله علیه) 150...

مقام خدیجه (سلام الله علیه) در نزد خداوند متعال 151...

علاقه ی رسول الله به خدیجه (سلام الله علیه) 153...

وفات خدیجه کبری (سلام الله علیه) 154...

مقاله ی ششم: نکات برجسته ای از ازدواج و عظمت حضرت خدیجه (سلام الله علیه) 156...

مقاله ی هفتم: داستانی از زندگی و ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله علیه) 171...

خدیجه (سلام الله علیه) بنت خُوَیَلِد... 171

مقاله ی هشتم: 183...

سخنان بزرگان و دانشمندان درباره ی خدیجه (سلام الله علیه) 183...

فهرست مطالب

سروده های شعراً درباره ی حضرت خدیجه (سلام الله علیه) 191...

شعر از « آثم همدانی » 192...

شعر از حامد اهور «اهور همدانی»...194

شعر از حمید ایزدی همدانی «ایزدی»...196

شعر از مصطفی بهرامی از شهر ری...201

شعر از شیخ رمضانعلی جان نثاری «جان نثار»...201

شعر از محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»...204

ص: 215

- شعر از حسین زارعی «خائف» 204...
- شعر از شیخ علی اکبر وزنه «ذره»... 205
- شهر از مهدی روحی همدانی «روحی» 206...
- شعر از «ژولیده ی نیشابوری» 207...
- شعر از فضل الله شیرانی اصفهانی «سخای اصفهانی» 208...
- شعر از صدیقه ی صابری «شهلا» 209...
- شعر از علی شیرانی اصفهانی «صحت» 210...
- شعر از شادروان طالع 210...
- شعر از عباس «عنقا تهرانی» 211...
- شعر از علی اصغر فراهی «فاطر» 211...
- شعر از مرحوم فراهی کاشانی 212...
- شعر از محمود شریفی کاشانی «کمیل» 214...
- شعر از محمود شریفی کاشانی «کمیل» 216...
- شعر از علی غفراللهی «ماهر اصفهانی» 217...
- شعر از علی غفراللهی «ماهر اصفهانی» 218...
- شعر از شیخ علیرضا محمدی «مسافر» 220 ...
- شعر از سید رضا مؤید خراسانی «مؤید» 221 ...
- تشکر و سپاسگزاری 223...

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

